

جمهوری اسلامی ایران  
معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور



**موافقت‌نامه ساخت – بهره‌برداری – واگذاری**

**Build – Operate – Transfer (BOT)**

**نشریه شماره ۴۶۹**

معاونت نظارت راهبردی  
دفتر نظام فنی اجرایی

۱۳۸۷





بسمه تعالی

ریاست جمهوری

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور

شماره:	۱۰۰/۱۰۰۰۸۳	بخشنامه به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و پیمانکاران
تاریخ:	۱۳۸۷/۱۰/۲۴	

موضوع:

Build - Operate - Transfer (BOT)

موافقتنامه ساخت - بهره‌برداری - واگذاری

به استناد آیین‌نامه استانداردهای اجرایی طرح‌های عمرانی، موضوع ماده (۲۳) قانون برنامه و بودجه و در چارچوب نظام فنی و اجرایی کشور (مصوبه شماره ۴۲۳۳۹/ت۳۳۴۹۷هـ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۰ هیأت محترم وزیران) به منظور فراهم‌آوری حضور فعال‌تر بخش خصوصی در توسعه کشور، به پیوست نشریه شماره ۴۶۹ دفتر نظام فنی اجرایی، با عنوان «موافقتنامه ساخت - بهره‌برداری - واگذاری Build - Operate - Transfer (BOT)» از نوع گروه دوم ابلاغ می‌شود.

رعایت مفاد این موافقتنامه از طرف دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور، پیمانکاران و عوامل دیگر در طرح‌های کشور ضمن تطبیق آن با شرایط کار مورد نظر و با اعمال تغییرات در حدود قابل قبولی که در دستورالعمل مجاز شده، انجام می‌پذیرد.

امیر منصور برقی

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور



## بسمه تعالی

### پیشگفتار

کشورها برای توسعه‌ی خود نیازمند اجرای پروژه‌های زیربنایی با تخصیص منابع هنگفت هستند. احداث راه، پالایشگاه، نیروگاه، فرودگاه، تأسیسات مخابراتی، آب و فاضلاب و دیگر پروژه‌های زیربنایی، حجم بالای اعتبارات مالی را طلب می‌کند که به طور معمول منابع مالی دولتی برای تأمین آن‌ها کافی نیست.

در کشورهای در حال توسعه، به دلیل کمبود منابع مالی در تأمین سرمایه‌ی احداث پروژه‌های زیربنایی، توجه این کشورها به سمت جذب منابع مالی بخش خصوصی داخلی و خارجی جلب شده است. یکی از این رویکردها روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری (BOT)** است.

دولت‌ها علاوه بر وضع مشوق‌های قانونی برای جذب منابع مالی بخش خصوصی داخلی، قوانین خاصی را نیز برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی تدوین نموده‌اند تا استفاده از این منابع را نیز تسهیل نمایند. کشور ما نیز همچون دیگر کشورها در مسیر رشد خود چندین سند بلند مدت و میان‌مدت در این خصوص تنظیم نموده است. یکی از روش‌های مشارکت بخش خصوصی (داخلی یا خارجی) شناخته شده در قوانین داخلی کشور از جمله "قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی"، روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** است.

ویژگی انتقال اکثر مسئولیت‌ها و ریسک‌های پروژه از دستگاه اجرایی به بخش خصوصی، توسعه‌ی روزافزون روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** و رویکردهای مشابه و مشتق شده از آن را در پی داشته است. این سوگیری در اجرای پروژه‌های زیربنایی ایجاد می‌کند که از ویژگی‌های این روش اطلاع کامل شود تا بتوان سازگاری لازم برای استفاده از روش یاد شده را تأمین نمود. طراحی دقیق حقوقی و استفاده‌ی صحیح از ویژگی‌های آن می‌تواند کمک شایانی به دستگاه اجرایی در تحقق اهداف توسعه کشور داشته باشد.

با توجه به زمان طولانی این نوع قراردادها و شرایط متفاوت پروژه‌ها در هر بخش اقتصادی و تفاوت سیستم حقوقی هر کشور، نمی‌توان انتظار تنظیم قرارداد همسانی را داشت که تمام پروژه‌های **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** را در هر محل اجرا و در هر بخش اقتصادی پاسخگو باشد، لذا در این روش، مفاهیم و مبانی اساسی وجود دارد که فلسفه‌ی وجودی آن را تشکیل می‌دهند و باید در تدوین مفاد "**موافقت‌نامه**" **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** در نظر گرفته شوند، تا نیاز صنعت ساخت و ساز را با چارچوب حقوقی و قراردادی مناسب برطرف سازد.

لازم به ذکر است که، برای استفاده‌ی بهینه از "**موافقت‌نامه**" **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** راهنمای کاربرد نیز تهیه گردیده است.

اما به علت نوظهور بودن روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری**، به طور نسبی راهی بلند در پیش است و تلاش‌های مضاعفی را می‌طلبد تا با گسترش بکارگیری این روش در کشور و در رشته‌های مختلف، چارچوب حقوقی و قراردادی آن سنجیده و کامل‌تر گردد.

معاونت نظارت راهبردی

۱۳۸۷



**موافقتنامه ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**  
***Build - Operate - Transfer (BOT)***

این راهنما در دانشگاه صنعتی امیرکبیر با مسوولیت آقای دکتر اقبال شاکری و همکاری افراد زیر تهیه شده است. اسامی کارشناسان همکار در زیر به ترتیب حروف الفبا ذکر شده است:

آقای دکتر بهروز سلامی  
خانم مهندس شیلان احمدی  
آقای مهندس محمود افشاری  
آقای مهندس رامین دهدشتیان

**مدیر طرح**

این نشریه همچنین بوسیله شرکت مهندسان مشاور آوند طرح بعنوان مدیر طرح و با استفاده از نظرات متخصصین ذیربط، مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته است.

**کمیته راهبری و تصویب نهایی**

مسئولیت کنترل و تصویب نهایی نشریه با آقایان مهندس سید جواد قانع‌فر مدیر امور فنی دفتر و مهندس مصطفی اشجع‌مهدوی رییس گروه دفتر نظام فنی اجرایی بوده است.





راهنمای کاربرد

موافقت‌نامه‌ی

ساخت-بهره‌برداری-واگذاری (BOT)



## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	۱. مقدمه
۳	۲. مفاد موافقت نامه
۴	۳. موافقت نامه
۴	۴. تاریخ انعقاد موافقت نامه
۵	۵. دوطرف موافقت نامه
۵	۶. سرمایه پذیر
۵	۷. شرکت (سرمایه گذار)
۶	۸. پیشگفته ها
۷	۹. پروژه
۷	۱۰. ساختگاه پروژه
۸	۱۱. تعریف ها و تفسیرها
۸	۱۲. تعهدات دوطرف
۹	۱۳. تعهدات شرکت
۹	۱۴. تعهدات سرمایه پذیر
۱۰	۱۵. ضمانت نامه ها
۱۱	۱۶. مجوزها
۱۲	۱۷. تاریخ نفوذ و تاریخ قطعییت
۱۲	۱۸. دوره ی مجاز
۱۳	۱۹. دوره ی احداث پروژه
۱۴	۲۰. بهره برداری تجاری
۱۴	۲۱. قرارداد EPC و قرارداد بهره برداری و نگهداری
۱۵	۲۲. اسناد موافقت نامه
۱۵	۲۳. اسناد فنی
۱۶	۲۴. نمایندگان دوطرف
۱۷	۲۵. تأییدات و الزامات
۱۷	۲۶. اصول طراحی و احداث
۱۸	۲۷. احداث پروژه
۲۰	۲۸. هزینه ی کل پروژه و تأمین مالی آن
۲۱	۲۹. افزایش هزینه ها و منابع تأمین مالی آن ها
۲۲	۳۰. واگذاری به غیر و جایگزینی
۲۳	۳۱. نیازهای پروژه

۲۴	.....	آزمایش و راه اندازی.....	۳۲
۲۵	.....	بهره‌برداری و نگهداری.....	۳۳
۲۶	.....	کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری.....	۳۴
۲۶	.....	بازرسی، تعمیر و نگهداری.....	۳۵
۲۶	.....	محل اندازه‌گیری محصول پروژه.....	۳۶
۲۷	.....	تحويل محصول پروژه.....	۳۷
۲۸	.....	برنامه‌ریزی تولید محصول پروژه.....	۳۸
۲۸	.....	اسناد و گزارش‌ها.....	۳۹
۲۹	.....	تضمین پرداخت‌ها.....	۴۰
۲۹	.....	روش پرداخت.....	۴۱
۳۱	.....	خاتمه‌ی موافقت‌نامه.....	۴۲
۳۳	.....	انتقال پروژه.....	۴۳
۳۴	.....	مالیات.....	۴۴
۳۵	.....	بیمه.....	۴۵
۳۵	.....	تغییر در قوانین و مقررات.....	۴۶
۳۶	.....	حوادث قهریه.....	۴۷
۳۷	.....	مصونیت.....	۴۸
۳۷	.....	حل اختلاف.....	۴۹
۳۸	.....	حفاظت و ایمنی.....	۵۰
۳۸	.....	قوانین و مقررات و زبان حاکم.....	۵۱
۳۹	.....	موارد متفرقه.....	۵۲
۳۹	.....	نشانی‌ها و ارتباط‌ها.....	۵۳
۳۹	.....	راهنمای تنظیم موافقت‌نامه.....	۵۴

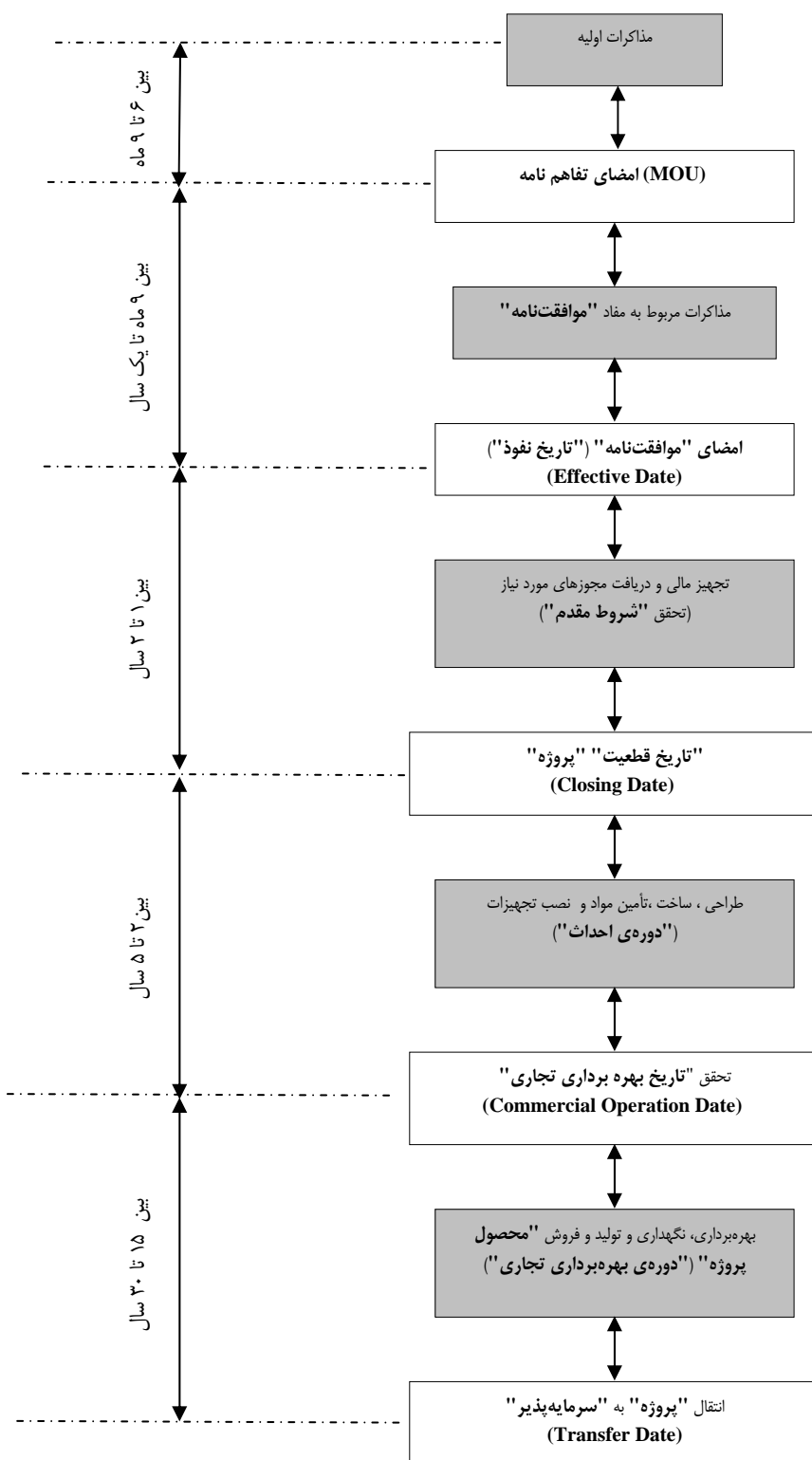
## مقدمه

در این بخش شرح، توضیح، مفاهیم و میانی هر یک از مفاد "موافقت‌نامه" به ترتیب درج شده در "موافقت‌نامه" تشریح شده است تا استفاده‌ی کاربران را از متن "موافقت‌نامه" تسهیل کند و تلاش شده است در مواردی که اقتضا می‌نماید مصادیقی از صنعت‌های مختلف شرح و توضیح داده شود و تفاوت‌های مصداقی هر موضوع "موافقت‌نامه" در انواع رویکردهای مهم و متداول روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، بیان گردد.

در روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، "شرکت" سرمایه‌گذار مسئولیت طراحی، تأمین مالی و احداث پروژه را بر عهده خواهد داشت و بر اساس مجوز اعطایی از سوی "دستگاه اجرایی" ("سرمایه‌پذیر")، برای مدت زمان مشخصی از پروژه بهره‌برداری می‌کند و از محل درآمد حاصل از فروش "محصول پروژه"، اصل و سود سرمایه‌ی خود را بازیافت می‌نماید.

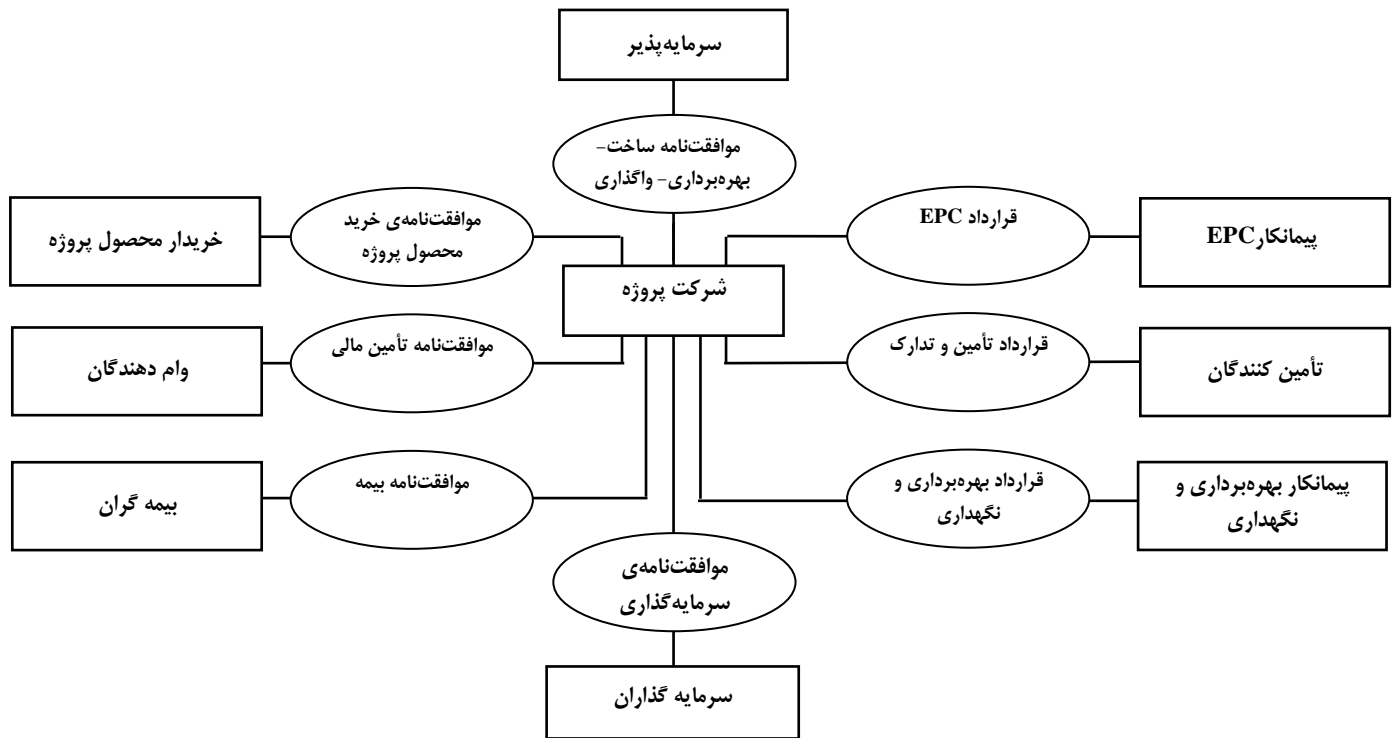
مراحل اصلی پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری در شکل ۱ نمایش داده شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، یک پروژه‌ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری با مذاکرات اولیه بین سرمایه‌گذاران و "سرمایه‌پذیر" آغاز می‌شود.

با امضای تفاهم‌نامه‌ی انحصاری (Memorandum Of Understanding (MOU)، خطوط اصلی مشارکت "دوطرف" مورد توافق قرار می‌گیرد تا طی مدت مشخصی مسایل فنی، مالی و حقوقی بین "دوطرف" تفاهم شود و به امضای "موافقت‌نامه" (Agreement) منجر گردد. زمان امضای "موافقت‌نامه" به عنوان "تاریخ نفوذ" (Effective Date) "موافقت‌نامه". "شروط مقدم" (Precedence Conditions) بر تحقق "تاریخ قطعیت" پروژه در متن "موافقت‌نامه" تعیین می‌گردد و پس از آن با تحقق شرایط قطعیت "موافقت‌نامه"، "تاریخ قطعیت" (Closing Date) تحقق می‌یابد و آغاز "دوره‌ی مجاز" "موافقت‌نامه" (Authorization Period) تلقی می‌گردد. پس از قطعیت "موافقت‌نامه"، شرکت پروژه ("شرکت") (Project Company) تأسیس می‌گردد و احداث پروژه آغاز می‌شود ("دوره‌ی احداث"). پس از اتمام "دوره‌ی احداث"، "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" پروژه (Commercial Operation Period) آغاز می‌شود. طی این مدت، "شرکت" با دریافت درآمد حاصل از فروش "محصول پروژه"، اصل و سود وام دریافتی (Debt Capital) بازپرداخت و اصل و سود سرمایه‌ی خود (Equity Capital) را بازیافت می‌کند. پس از اتمام "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" و انقضای "موافقت‌نامه"، انتقال پروژه (Transfer) به "سرمایه‌پذیر" صورت می‌گیرد.



شکل ۱: مراحل و زمان بندی اجرای انجام پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری (BOT)

در شکل ۲، ساختار قراردادی پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری نشان داده شده است. در این شکل روابط پیچیده‌ی قراردادی بین "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" و بین "شرکت" و دیگر طرف‌هایی که هر یک بخشی از تعهدات اجرایی "شرکت" را به عهده دارند نشان داده شده است.



شکل ۲: ساختار قراردادی پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری

### ۱. مفاد "موافقت‌نامه"

منظور از مفاد "موافقت‌نامه" های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، بیان مجموعه‌ی شرایطی است که در هر پروژه، در تنظیم روابط "طرف" های "موافقت‌نامه" مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، استفاده از روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری در اجرای هر پروژه‌ای مستلزم آگاهی از مواردی است که در روش یاد شده فارغ از شرایط و ویژگی‌های خاصی که برای هر پروژه مطرح است باید مورد توجه قرار گیرد و به طور معمول و متعارف، در اجرای پروژه‌های زیر بنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پروژه‌های زیربنایی دارای سه ویژگی مشترک هستند: طولانی بودن، نیاز به بودجه‌ی کلان و ساختار فنی و اجرایی پیچیده. این موارد ایجاب می‌نماید افرادی که مسئولیت تنظیم مفاد "موافقت‌نامه" ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری و اعمال حقوق و تکالیف "دوطرف" را در آن به عهده دارند، از شرایط حقوقی حاکم بر این روش شناخت کافی داشته باشند.

شرایط عمومی و شرایط خصوصی در تنظیم روابط قراردادی لازم و ملزوم و در هم تنیده هستند و برای تنظیم روابط قراردادی صحیح نمی‌توان به هیچ یک از این دو توجه نداشت. تنظیم روابط قراردادی دقیق بین "دوطرف" بر رعایت هر دو وجه به یک میزان و نسبت نیاز دارد.

اشاره به شرایط عمومی و شرایط خصوصی لزوماً به معنای تهیه و تدوین دو سری یا دو مجموعه‌ی متفاوت از اسناد قراردادی به روش معمول در تهیه اسناد تیپ در قراردادها نیست. به طور اصولی، در اجرای پروژه‌های زیر بنایی به روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری**، تهیه و تنظیم اسناد و مدارک پروژه به صورت موردی انجام می‌گیرد و از نظر ماهیت با پروژه‌هایی که در قالب اسناد و مدارک قراردادهای همسان (تیپ) تنظیم می‌گردند متفاوت است.

در برخی کشورها که در اجرای پروژه‌های زیر بنایی از روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** استفاده می‌کنند، سلسله مقررات یا شرایط ویژه ای را به منظور بستر سازی برای استفاده از این روش‌ها در اجرای پروژه‌های زیر بنایی وضع یا تنظیم می‌کنند. از این مقررات به عنوان مقررات نسل اول یا دوم یا سوم ... حاکم در تنظیم روابط قراردادی در این بستر سازی نام می‌برند. به عنوان مثال برای استفاده از روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** در اجرای پروژه‌های نیروگاهی نسل اول، "**سرمایه‌پذیر**" تمام ظرفیت و انرژی تولیدی نیروگاه را از "**شرکت**" خریداری می‌کند و ریسک بازار برای "**شرکت**" وجود ندارد. اما در پروژه‌های نیروگاهی نسل دوم، بخشی از ظرفیت و انرژی تولیدی نیروگاه باید به بازار عرضه شود. مثال دیگر در مقررات جاری بر نیروگاه‌های نسل اول این است که معافیت از حقوق و عوارض دولتی به پروژه‌هایی که در این چارچوب اجرا می‌شوند، اعطا می‌گردد ولی در نیروگاه‌های نسل دوم به جای معافیت از حقوق و عوارض دولتی، تخفیف‌هایی در پروژه‌های پیشگفته اعمال می‌شود.

در تأیید مراتب یاد شده، **UNIDO** با انتشار مجموعه‌ای (**UNIDO BOT Guidelines**)، نسبت به معرفی روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** اقدام کرده است.

در متن "**موافقت‌نامه**"ی **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** موادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که به طور عموم در این نوع پروژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و نظر به پروژه‌ی ویژه ای ندارد. از این رو، توضیح‌ها و اشاره‌هایی که در شرح هریک از ماده‌های آن ارایه می‌شود، به منظور بیان ضرورت وجود موضوعی در "**موافقت‌نامه**" و شرایط درج آن است. از این رو، بررسی تکمیلی برای تأمین نیازهای حقوقی و قراردادی هر پروژه‌ی خاصی که به روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** اجرا می‌شود، لازم است.

## ۲. "**موافقت‌نامه**"

"**موافقت‌نامه**" سندی است که به موجب آن روابط "**دوطرف**" در زمان انعقاد آن تنظیم می‌گردد. به طور معمول، "**موافقت‌نامه**"هایی که از پیچیدگی فنی و اجرایی برخوردار است، در یک دوره‌ی طولانی بین "**دوطرف**" نهایی می‌شود و دارای اجزای متعددی است که باید در "**موافقت‌نامه**" تمام اجزای آن معلوم گردد.

## ۳. تاریخ انعقاد "**موافقت‌نامه**"

در هر قراردادی به نحو عام، درج تاریخ ایجاد و آغاز تعهد برای "**دوطرف**" ضروری است. در "**موافقت‌نامه**"های **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** می‌توان تاریخ‌های متفاوت و متعددی را در تنظیم روابط قراردادی "**دوطرف**" بیان نمود. به طور مثال، "**تاریخ نفوذ**" به عنوان تاریخی است که "**دوطرف**" "**موافقت‌نامه**" نسبت به یکدیگر متعهد می‌شوند. این تاریخ می‌تواند تاریخ امضای "**موافقت‌نامه**" از سوی "**دوطرف**" "**موافقت‌نامه**" باشد و یا می‌تواند تاریخ مبادله‌ی "**موافقت‌نامه**" باشد. همچنین می‌تواند تاریخی باشد که یکی از "**طرف**"ها یا هر



"دوطرف" "موافقت‌نامه" بتوانند یک سلسله مجوزهایی را برای ایجاد تعهد دریافت کنند. علاوه بر "تاریخ نفوذ"، تاریخ اجرای "موافقت‌نامه" می‌تواند با "تاریخ نفوذ" "موافقت‌نامه" همزمان باشد، یا از این تاریخ مستقل باشد و مشروط به تحقق شروط دیگری گردد. به هر حال، باید تاریخ دقیقی که "دوطرف" "موافقت‌نامه" وارد تعهد می‌شوند، درج گردد.

#### ۴. "دوطرف" "موافقت‌نامه"

تنظیم "موافقت‌نامه" بین اشخاصی صورت می‌گیرد که به موجب "موافقت‌نامه" تعهداتی را با شرایطی در مقابل هم می‌پذیرند. بیان هویت اشخاص "طرف" قرارداد، اولین اولویت در تنظیم روابط قراردادی است. در "موافقت‌نامه" های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، از نظر ماهیت، "طرف" های "موافقت‌نامه" اشخاص حقوقی هستند که در چارچوب قرارداد تعین پیدا می‌کنند. از این رو، هویت هر یک از "دوطرف" "موافقت‌نامه" باید به نحو کامل درج شود.

بیان هویت "شرکت" شامل نام، نوع، تابعیت، محل، تاریخ و شماره ثبت "شرکت" و اقامتگاه ثبتی است که باید به نحو منجز و دقیق درج شود. به طور مثال، بیان صندوق پستی به عنوان اقامتگاه ثبتی "شرکت" کفایت نمی‌کند و باید اقامتگاهی که دسترسی به اداره مرکزی "شرکت" را ممکن سازد در "موافقت‌نامه" درج شود. علاوه بر موارد یاد شده، باید هویت نماینده یا نمایندگان "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" به صورت کامل مشخص و به صورت دقیق درج گردد. نماینده "شرکت" می‌تواند در چارچوب اساس نامه، مدیر یا مدیران "شرکت" و یا وکیل منتخب مدیران "شرکت" باشد که در هریک از این حالت‌ها، علاوه بر هویت "شرکت" باید هویت نماینده یا نمایندگان "شرکت" در مقدمه "موافقت‌نامه" مشخص گردد.

#### ۵. "سرمایه‌پذیر"

دستگاه اجرایی طرف واگذار کننده "موافقت‌نامه" ی ساخت - بهره‌برداری - واگذاری به سرمایه‌گذار است که بر اساس مفاد "موافقت‌نامه" سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در پروژه‌ی مورد نظر می‌پذیرد ("سرمایه‌پذیر") و در پایان "دوره‌ی مجاز"، تحویل گیرنده "پروژه" نیز خواهد بود و احتمال دارد در "دوره‌ی احداث" و یا "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" اجرای تعهداتی را متقبل شود. به طور مثال، هرگاه "محصول پروژه" مستلزم تأمین "مواد اولیه" ای باشد که باید از سوی "سرمایه‌پذیر" تأمین گردد، در این صورت "سرمایه‌پذیر" برای انجام این تعهدات اقدامات لازم را انجام می‌دهد و یا اگر استفاده از "محصول پروژه" مستلزم احداث پروژه‌ی دیگری است، "سرمایه‌پذیر" در موعد مقرر باید این تعهد خود را انجام دهد. "سرمایه‌پذیر" در تقبل بعضی از ریسک‌های "پروژه" نیز شرکت می‌کند. به طور معمول ریسک‌های سیاسی (Political Risks) و ریسک‌های غیر پروژه‌ای مانند ریسک‌های محیطی یا کشوری (Country Risks)، از سوی "سرمایه‌پذیر" باید پوشش داده شود.

#### ۶. "شرکت" (سرمایه‌گذار)

همان طور که در بخش‌های پیشین بیان شد، در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری به طور معمول چند شرکت سرمایه‌گذار از بخش خصوصی در قالب یک گروه برای گرفتن "پروژه" و انعقاد موافقت‌نامه به روش مناقصه یا

مذاکره‌ی مستقیم اقدام می‌نمایند. به ندرت شرکت واحدی توانایی‌های لازم را دارد تا به تنهایی در این پروژه‌ها **"طرف"** قرارداد قرار گیرد.

این گروه از شرکت‌ها بنا به ضرورت و به موجب یک موافقت‌نامه‌ی گروهی، روابط قراردادی بین خود و با **"سرمایه‌پذیر"** را در **"پروژه"** تعریف و توافق می‌کنند. بنا به ضرورت باید یکی از شرکت‌های عضو گروه به عنوان عضو لیدر گروه (Consortium Leader) در قرارداد عمل نماید و از اختیارات مورد نیاز برخوردار باشد.

به طور معمول و متداول در **"موافقت‌نامه"** های **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**، سرمایه‌گذار یا سرمایه‌گذاران، اجراکننده‌ی **"پروژه"** نیستند. سرمایه‌گذار یا سرمایه‌گذاران پس از فراهم نمودن شرایط اجرای **"پروژه"** و اطمینان به اجرایی شدن **"پروژه"** و پیش از **"تاریخ قطعیت"**، مبادرت به تشکیل یک شرکت با موضوع خاص (Special Purpose Company) می‌نمایند که شرکت پروژه نامیده می‌شود (Project Company) و در **"موافقت‌نامه"** **"شرکت"** نامیده شده است. از این رو موضوع **"شرکت"** همان اجرای پروژه‌ی مورد مذاکره با **"سرمایه‌پذیر"** است.

**"شرکت"** به عنوان **"طرف"** دیگر امضاکننده‌ی **"موافقت‌نامه"**، جانشین شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌شود و با قبول مفاد **"موافقت‌نامه"** نسبت به اجرای آن اقدام می‌نماید و پس از انقضای **"موافقت‌نامه"**، **"شرکت"** تسویه و منحل می‌گردد. در **"موافقت‌نامه"** های **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**، با تکمیل مندرجات **"موافقت‌نامه‌ی جانشینی"** امر جانشینی **"شرکت"** به جای شرکت‌های سرمایه‌گذار انجام می‌شود.

شرکت پروژه به طور معمول مدیریت ریسک‌ها را بر عهده خواهد داشت و باید تمام ریسک‌های پروژه‌ای را پوشش دهد و چون نمی‌تواند خود ریسک‌ها را بپذیرد، باید همه‌ی آن‌ها را به طرف‌های ثالثی که با **"شرکت"** قرارداد اجرایی دارند منتقل نماید. از این رو، آن‌ها را به اجراکنندگان و بهره‌برداران **"پروژه"** یا شرکت‌های بیمه منتقل می‌نماید.

## ۷. پیشگفته‌ها

در بیان مقدمه‌ی قراردادها دو رویکرد متفاوت وجود دارد. در برخی از قراردادها بدون هیچ گونه مقدمه‌ای، پس از بیان هویت **"دوطرف"** قرارداد، ماده‌ی اول قرارداد درج می‌گردد. در بعضی دیگر از قراردادها، مقدمه‌ای مختصر یا مبسوط از تعامل و اراده‌ی **"دوطرف"** قرارداد در دوره‌ی مذاکرات منتهی به انعقاد قرارداد ارایه می‌شود که شامل هدف‌های **"دوطرف"**، رویکردها و انتظاراتی **"دوطرف"** است.

به طور منطقی، وقتی که واگذاری پروژه به روش مناقصه انجام پذیرد، این مقدمه نمی‌تواند مفصل باشد و تنها در مقام بیان اراده‌ی **"سرمایه‌پذیر"** در تصویب **"پروژه"** و واگذاری آن به روش مناقصه به پیشنهاد دهنده‌ی واجد شرایط و برنده‌ی مناقصه است و نیز در مقام بیان تمایل **"شرکت"** به اجرای **"پروژه"** و برخورداری او از توان اجرایی و فنی لازم و دارا بودن اختیار ارایه پیشنهاد است.

ولی در پروژه‌هایی که به روش **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری** اجرا می‌شوند، به ویژه در مراحل اولیه‌ی توسعه‌ی این روش، به طور غالب روش مذاکره‌ی مستقیم به جای روش مناقصه انتخاب می‌گردد و مذاکرات مفصل طولانی بین **"طرف"** های قرارداد انجام می‌گیرد و چندین تفاهم نامه (Memorandum Of Understanding (MOU) منعقد می‌گردد و به دفعات و در موضوع‌های مختلف جلسه‌های متعددی در محل‌های مختلف بین **"دوطرف"** برگزار می‌شود. در اسناد MOU و یا صورت جلسه‌ها (Minutes Of Meeting (MOM) به نکاتی که **"دوطرف"** در اجرای **"پروژه"** توجه دارند، اشاره می‌شود و مجموعه‌ی این موارد در مقدمه‌ی **"موافقت‌نامه"** و در بندهای

مختلف بیان می‌گردد. احتمال دارد در متن تفاهم‌نامه‌هایی که متضمن امتیازی برای **"شرکت"** است، تضمینی هم برای اجرای تعهدات **"شرکت"** در نظر گرفته شود.

بیان مقدمه در قراردادهایی که روابط طولانی مدت را بین **"دوطرف"** ایجاد می‌نمایند برای مدیرانی که بعداً در طی اجرای **"موافقت‌نامه"** وارد می‌شوند این فرصت را فراهم می‌سازد که با تاریخچه و مقدمات موضوع آشنایی پیدا کنند ولی در هر صورت نکته‌ی مهمی که در این زمینه باید بیان شود این است که نباید تضادی بین مندرجات مقدمه و شرایط **"موافقت‌نامه"** وجود داشته باشد. هرگاه شائبه‌ی ابهام و تعارض در این خصوص وجود داشته باشد، باید از درج مقدمه با وجود مفید بودن آن در تنظیم قراردادهای طولانی مدت، صرف نظر شود و در **"موافقت‌نامه"** درج گردد که روابط **"دوطرف"** تنها بر مبنای شرایط **"موافقت‌نامه"** تنظیم گردیده و تمام اسناد و مدارک مقدم بر آن از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

#### ۸. **"پروژه"**

**"پروژه"**، موضوع مورد توافق **"دوطرف"** برای سرمایه‌گذاری به روش **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری** و به روش تأمین مالی پروژه‌ای است. از این رو، ارائه‌ی تعریفی جامع و مانع از **"پروژه"** ضروری است تا **"دوطرف"** آگاهی کاملی به شرح مشخصات موضوع **"پروژه"** داشته و ابهامی برای آن‌ها از نظر کمی و کیفی موضوع **"پروژه"** وجود نداشته باشد تا در جریان احداث و بهره‌برداری، اختلافی ایجاد نکند.

وام دهندگان توجه و دقت بسیار جدی در خصوص تعریف جامع و مانع از **"پروژه"** دارند و با دخالت کارشناسان فنی، مالی و حقوقی، ابعاد مختلف **"پروژه"** را بررسی می‌کنند که در تعریف موضوع و تعیین شرایط و **"مشخصات فنی"** و اجرایی آن هیچ موردی مغفول نماند.

تعریف **"پروژه"** در روش **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**، برعکس تعریف **"پروژه"** در قراردادهای متداول که مستلزم بیان تمام جزئیات است، با تعیین و توافق بر مشخصات کلیدی تجهیزات و تأسیسات **"پروژه"** و درج مقادیر تضمینی و کارایی **"پروژه"** کفایت می‌کند و به بیان جزئیات توجهی نمی‌شود. دلیل این امر آن است که **"شرکت"** باید به نحوی اقدام نماید که در طول ۲۰ تا ۳۰ سال بهره‌برداری بتواند سرمایه و سود سرمایه‌گذاری را از محل درآمد **"پروژه"** مستهلک سازد و همین امر ایجاب می‌نماید که بالاترین دقت را در انتخاب ملزومات **"پروژه"** به عمل آورد.

#### ۹. **"ساختگاه"** **"پروژه"**

تأمین اراضی مورد نیاز در احداث **"پروژه"** اعم از این که در یک نقطه یا چند نقطه‌ی جغرافیایی باشند یکی از موضوع‌های ویژه در **"موافقت‌نامه"** های **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری** است. به طور معمول و متعارف، **"شرکت"** باید در تأمین اراضی مورد نیاز برای احداث **"پروژه"** اقدام نماید و پس از تحقق **"پروژه"** نسبت به بهره‌برداری و سپس واگذاری آن به **"سرمایه‌پذیر"** مبادرت کند. در برخی از موارد، این روش معمول و متعارف نمی‌تواند به دلایل مختلف اجرا شود. به طور مثال، احداث یک خط لوله نفت یا گاز و یا احداث خط انتقال نیروی برق و یا شبکه مخابراتی مستلزم تأمین اراضی بسیار وسیعی است که در برخی از کشورها به موجب مقررات خاصی، **"شرکت"** می‌تواند اراضی واقع در مسیر و حریم خطوط و تأسیسات را تصرف کند. در صورت عدم وجود مقررات پیشگفته، تأمین اراضی برای مستلزم دریافت موافقت مالکین و متصرفین اراضی مربوط است. اجرای **"پروژه"** بدین

ترتیب بسیار پرهزینه و زمان بر و در مواردی غیر ممکن خواهد بود. در برخی از کشورها از جمله ایران، به موجب نظام حقوقی آن‌ها، مالکیت سرمایه‌گذار خارجی بر اراضی منع شده است. از این رو، "شرکت" خارجی نمی‌تواند به طور مستقیم نسبت به خرید اراضی مورد نیاز اقدام کند.

بنا به اقتضای موارد پیشگفته، "سرمایه‌پذیر" تعهد تأمین اراضی مورد نیاز برای احداث "پروژه" را می‌کند و به طور مجانی و یا در چارچوب قرارداد اجاره در اختیار "شرکت" قرار می‌دهد تا در "دوره‌ی مجاز" از اراضی مورد نیاز برای "پروژه" استفاده کند و پس از پایان "دوره‌ی مجاز"، این اراضی را با "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد.

#### ۱۰. تعریف‌ها و تفسیرها

در تعریف اصطلاحات قراردادی، برخورداری از مفاهیم مشترک در تعریف و تفسیر اصطلاحات باید مد نظر باشد. به همین نحو ایجاب و قبول در انعقاد "موافقت‌نامه" چه از نظر مفهومی و مصداقی و چه از نظر حکمی و موضوعی، نباید نزد "دوطرف" "موافقت‌نامه" ابهام داشته باشد. به طور مثال هر "دوطرف" باید آگاه باشند که مراد از مفهوم "موافقت‌نامه" چه اسنادی است و یا مراد از "دوره‌ی مجاز" شامل چه دوره‌ای است.

از این رو، تنظیم "موافقت‌نامه‌ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری" برای مدت ۲۵ تا ۳۰ سال مستلزم توافق در تعریف واحد از اصطلاحات و تفسیر مشترک از مفاهیم و کلماتی است که در بیان موضوعات قراردادی استفاده می‌شود. بدیهی است، تعریف اصطلاحات و تفسیر کلمات به تنهایی کفایت امر را نخواهد کرد مگر این که اصطلاحات با تعریف توافق شده در اسناد "موافقت‌نامه" به کار رود و از اصطلاحات تعریف نشده در بیان موضوعات استفاده نشود.

اصطلاحاتی که در سند "موافقت‌نامه" درج می‌شود، شامل اصطلاحات پایه و مشترکی است که در تمام "موافقت‌نامه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری" مورد استفاده قرار می‌گیرد. بی شک اصطلاحات دیگری که به اقتضای موضوع هر پروژه‌ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری مورد نیاز است، باید به طور جامع و کامل در این بخش از "موافقت‌نامه" ارائه شود.

بخش تفسیر اصطلاحات نیز به تعریف اصطلاحات اضافه می‌شود تا اصطلاحات مورد توافق "دوطرف" را برای انشا و تنظیم "موافقت‌نامه" فراهم سازد. تفسیر به طور معمول شامل اصطلاحات مورد استفاده در زمینه خاص "پروژه" است و علاوه بر این، دامنه و مصادیق مورد نظر اصطلاحات که به طور عموم در انشای موافقت‌نامه استفاده می‌شود، بین "دوطرف" توافق می‌گردد. به طور مثال، "دوطرف" معلوم می‌کنند که منظور از اصطلاح "شامل" و "از جمله" بیان مصادیق به نحو تمثیلی یا تحدیدی است.

#### ۱۱. تعهدات "دوطرف"

در اجرای "پروژه" "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" هر دو تعهدات متعددی دارند و تحقق "پروژه" مستلزم ایفای تعهدات قراردادی از جانب "دوطرف" "موافقت‌نامه" است. در "موافقت‌نامه" باید تعهدات قراردادی هر یک از "دوطرف" و شرایط اجرای آن و "طرف" متعهد به طور صریح و روشن بیان شود. هر چند در "موافقت‌نامه"، "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" "طرف"‌های تعهد هستند ولی این موضوع به این معنی نخواهد بود که تمام تعهدات قراردادی از سوی "طرف" متعهد به طور مستقیم اجرا می‌شود. هر یک از "طرف"‌های "موافقت‌نامه" برای اجرای تعهدات قراردادی خود وارد قراردادهای متعددی با طرف‌های سوم می‌شوند که بتوانند تعهدات قراردادی

خود را تأمین کنند. تعهدات قراردادی "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" در "پروژه" ایجاب می‌نماید که علاوه بر این که تعهدات قراردادی خود را اجرا نمایند باید برای اجرای تعهدات قراردادی همدیگر نیز همکاری کنند. از این رو و در خیلی از موارد، اجرای قوانین و مقررات از جانب یک "طرف" موکول به داشتن اطلاعات جانبی خاصی است که باید از "طرف" دیگر تحویل شود و یا تأسیساتی را اجرا کند که "طرف" دیگر امکان اجرای تعهدات خویش را داشته باشد و یا اقدامات مشترکی را با یکدیگر به طور هماهنگ انجام دهند. مثلاً تعهدات همزمان "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در "دوره‌ی احداث"، مستلزم برنامه‌ریزی مشترک است.

### ۱۲. تعهدات "شرکت"

تعهدات "شرکت" در دوره‌های مختلف اجرای "موافقت‌نامه" باید پیش بینی شود. در دوره‌ی اجرای "شروط مقدم"، "شرکت" باید شرایطی را که برای قطعیت "پروژه" لازم است فراهم کند، به طور مثال انعقاد "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی"، "قرارداد EPC" و "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری" و تحصیل "مجوزهای دولتی" وفق "قوانین و مقررات" حاکم از این موارد است و در "دوره‌ی احداث" عمده‌ی فعالیت "شرکت" متوجه اجرای "پروژه" است که باید در زمان تعیین شده و با رعایت "مشخصات فنی" توافق شده تکمیل گردد. پس از رسیدگی‌ها و انجام آزمایش‌های کارآیی "پروژه" و حصول شرایط بهره‌برداری تجاری، "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" و اجرای تعهدات قراردادی شروع می‌شود و باید "محصول پروژه" با کمیت و کیفیت موافق با مشخصات و شرایط قراردادی، برای "سرمایه‌پذیر" یا دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه" آماده گردد.

"شرکت" علاوه بر تعهداتی که در مقابل "سرمایه‌پذیر" و به موجب "موافقت‌نامه" دارد، در مقابل سایر اشخاص مانند وام‌دهندگان، سهامداران، پیمانکاران احداث و بهره‌بردار و ...، تعهداتی دارد که باید این تعهدات را نیز ایفا نماید.

### ۱۳. تعهدات "سرمایه‌پذیر"

تعهدات "سرمایه‌پذیر" در پروژه‌های زیربنایی که به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری اجرا می‌شوند، در مراحل مختلف آن و به شکل‌های متفاوت باید دیده شود. "سرمایه‌پذیر" باید از پیش نسبت به شناسایی و تعریف "پروژه" اقدام کند و بر مبنای تعریف "پروژه"، اسناد مناقصه یا اسناد مذاکره را برای واگذاری "پروژه" به سرمایه‌گذاران تهیه و ارائه نماید. در دوره‌ی اجرای "شروط مقدم"، "سرمایه‌پذیر" باید تمهیدات و مقدمات مشخصی را برای تحصیل مجوزهای لازم برای اجرای تعهدات خود فراهم کند. در "دوره‌ی احداث" "پروژه" به اقتضای نوع "پروژه"، "سرمایه‌پذیر" احتمال دارد که تأسیسات و امکاناتی را باید فراهم آورد که "شرکت" در جریان احداث و بهره‌برداری از "پروژه" از تأسیسات یاد شده استفاده کند.

"سرمایه‌پذیر" باید مقدمات و آمادگی لازم را برای دریافت "محصول پروژه" و پرداخت بهای آن محصول فراهم کند. در صورت عدم توانایی دریافت "محصول پروژه"، "سرمایه‌پذیر" مکلف خواهد بود بدون دریافت "محصول پروژه"، نسبت به پرداخت بهای آمادگی "شرکت" برای تولید "محصول پروژه" ("بهای ظرفیت")، اقدام نماید.

رئوس تعهدات **"سرمایه پذیر"** در این قسمت از **"موافقت نامه"** بیان می‌گردد و باید دقت شود در بیان موارد تعهدات، مورد مهمی از قلم نیفتد.

#### ۱۴. ضمانت نامه‌ها

**"شرکت"** به منظور اطمینان بخشی به **"سرمایه پذیر"** از این که توانایی اجرای تعهدات خود در **"موافقت نامه"** را داراست، به طور معمول باید ضمانت نامه‌هایی را به **"سرمایه پذیر"** تسلیم کند. در **"موافقت نامه"** ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، از اولین تعهدات **"شرکت"**، اجرای **"شروط مقدم"** بر احداث **"پروژه"** است که جهت تضمین ایفای تعهدات خود باید **"ضمانت نامه‌ی پیشبرد"** را به **"سرمایه پذیر"** تسلیم کند. به طور معمول در این نوع قراردادها، سرمایه‌گذار با تحصیل توافق‌های اولیه از وام دهندگان، پیمانکاران و بهره‌برداران پروژه، در مقابل **"سرمایه پذیر"** تعهد می‌کند که بر مبنای **"موافقت نامه"** ی مورد توافق، نسبت به انعقاد **"موافقت نامه‌ی تأمین مالی"**، **"قرارداد EPC"** و **"قرارداد بهره‌برداری و نگهداری"** اقدام نماید و اگر **"شرکت"** در این موارد موفق نشود، **"سرمایه پذیر"** **"ضمانت نامه‌ی پیشبرد"** سرمایه‌گذار را ضبط و وصول می‌نماید.

در مرحله‌ی اجرای **"شروط مقدم"** بر احداث **"پروژه"**، **"شرکت"** تعهدی نسبت به احداث **"پروژه"** ندارد و تنها باید **"شروط مقدم"** را فراهم کند. با تحقق این شرایط، **"موافقت نامه"** ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری به **"تاریخ قطعیت"** می‌رسد. یعنی **"شرکت"** و **"سرمایه پذیر"** متعهد به اجرای مفاد **"موافقت نامه"** می‌شوند. در این مرحله، **"ضمانت نامه‌ی پیشبرد"** **"شرکت"** آزاد و **"ضمانت نامه‌ی اجرا"** ی **"پروژه"** از سوی **"شرکت"** تسلیم **"سرمایه پذیر"** می‌شود.

به طور معمول، **"ضمانت نامه‌ی اجرا"** در **"موافقت نامه"** های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری در مرحله‌ی رسیدن به **"تاریخ بهره‌برداری تجاری"** آزاد می‌شود و حتی در بعضی از پروژه‌ها، در مرحله‌ای از پیشرفت احداث **"پروژه"** که میزان سرمایه‌گذاری توسط **"شرکت"** اطمینان لازم از اجرای **"پروژه"** را برای **"سرمایه پذیر"** فراهم می‌کند، **"ضمانت نامه‌ی اجرا"** آزاد می‌گردد تا از تحمیل هزینه‌ی غیرضروری به **"شرکت"** جلوگیری شود. از طرف دیگر، **"شرکت"** انتظار دارد در پروژه‌ای که به روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری تأمین مالی می‌شود، دریافت کننده‌ی **"محصول پروژه"**، تعهد پرداخت بهای **"محصول پروژه"** را بنماید و این تعهد از سوی **"ضامن"** معتبری مورد تضمین قرار گیرد. بدین ترتیب **"سرمایه پذیر"** که دریافت کننده‌ی **"محصول پروژه"** است، به عنوان متعهد پرداخت بهای **"محصول پروژه"**، باید ضمانت نامه‌ی ای برای تعهد پرداخت‌های خود به **"شرکت"** تسلیم کند. هرگاه دریافت کننده‌ی **"محصول پروژه"** به طور انحصاری یک **"دستگاه اجرایی"** باشد، به موجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (**"FIPPA"**) مصوب سال ۱۳۸۱، وزارت امور اقتصادی و دارایی باید تعهد پرداخت بهای **"محصول پروژه"** را تضمین نماید. ولی هرگاه دریافت کننده‌ی **"محصول پروژه"** و پرداخت کننده‌ی بهای **"محصول پروژه"** به طور انحصاری شرکت دولتی نباشد، خریدار باید شرایط لازم برای صدور چنین تضمینی را فراهم کند که به طور معمول، صدور ضمانت نامه‌ی بانکی به نفع **"شرکت"** و به میزان تعهد پرداخت خریدار **"محصول پروژه"**، خواهد بود.

در برخی از پروژه‌ها، **"سرمایه پذیر"** با گشایش **"اعتبار اسنادی"** (Letter of Credit (LC) به نفع **"شرکت"**، ساز و کار پرداخت وجه و تضمین تعهد پرداخت را فراهم می‌نماید. بدین ترتیب، با گشایش **"اعتبار**

اسنادی "گردان (Revolving LC) به میزان کل مبلغ تعهد پرداخت و برای کل "دوره‌ی مجاز"، "شرکت" از پرداخت بهای "محصول پروژه" و تضمین تعهد پرداخت آن اطمینان حاصل می‌کند.

### ۱۵. مجوزها

در تمام کشورها، اجرای پروژه‌ی زیربنایی که برای تأمین نیازهای عمومی جامعه است باید از جنبه‌های مختلفی که در وظایف سازمان‌های متفاوت دولتی است، بررسی و کارشناسی شوند. در مورد اجرای چنین پروژه‌هایی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری داخلی یا خارجی و به صورت تأمین مالی پروژه‌های باید مجوزهای بیشتری تحصیل شود تا بی اشکال بودن اجرای "پروژه" تأیید و تصدیق گردد.

به طور معمول و متعارف، "مجوزهای دولتی" مورد نیاز برای اجرای "پروژه" از مقررات حاکم به موضوع پروژه معلوم می‌گردد و طی فهرستی در پیوسته‌های "موافقت‌نامه"ی ساخت - بهره‌برداری - واگذاری اعلام می‌گردد. به موجب این فهرست، مجوزهای مورد نیازی که باید از سوی "شرکت" یا "سرمایه‌پذیر" درخواست، تحصیل و تمدید یا تجدید شود مشخص می‌گردد.

تهیه‌ی فهرست "مجوزهای دولتی" برای هر پروژه به این معنی نخواهد بود که در اجرای پروژه هیچ مجوز دیگری ضروری نیست، بلکه تهیه‌ی فهرست "مجوزهای دولتی" به این معنی است که عمده مجوزهای مورد نیاز پروژه مسلم گردد. ولی در جریان اجرای "پروژه"، به دلیل اقتضای موارد خاصی که می‌تواند پیشامد نماید، مجوزهای دیگری لازم می‌شود که "طرف" مربوط باید نسبت به درخواست، تحصیل و تمدید یا تجدید آن اقدام کند. به طور مثال هرگاه به دلیل شرایط آب و هوایی، مسیر حمل "محصول پروژه" تغییر کند و به جای حمل زمینی تجهیزات، حمل دریایی یا حمل هوایی آنها انجام گیرد، مستلزم تحصیل مجوزهای خاصی است که تحصیل این مجوزها باید انجام گیرد.

در هر صورت، هرگاه تحصیل مجوزها از "طرف" "شرکت" به موجب مقرراتی باشد که بعد از "تاریخ نفوذ" "موافقت‌نامه" وضع شود، هزینه‌های مربوط به مجوزها باید از سوی "سرمایه‌پذیر" جبران گردد. "شرکت" باید تمام مراحل تحصیل "مجوزهای دولتی" لازم را طی کند. مسئولیت تقاضای صدور مجوزها، تحصیل مجوزها و تمدید یا تجدید آنها در طول "دوره‌ی مجاز" به عهده‌ی "شرکت" خواهد بود. "سرمایه‌پذیر" نیز در اجرای این قبیل پروژه‌ها باید مجوزهای خاصی را به اقتضای دامن‌های تعهدات و مسئولیت‌های خود تحصیل کند و پیوسته مجوزهای یاد شده را تمدید و یا تجدید نماید تا در "دوره‌ی مجاز" به صورت معتبر باقی باشند.

"شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در درخواست، تحصیل و تمدید یا تجدید مجوزها باید با همدیگر همکاری کنند. در برخی موارد، بدون مساعدت "سرمایه‌پذیر" درخواست "شرکت" به تنهایی نمی‌تواند صورت پذیرد و یا مؤثر باشد و در بعضی موارد ممکن است برعکس باشد.

### ۱۶. "تاریخ نفوذ" و "تاریخ قطعیت"

در انعقاد و اجرای "موافقت‌نامه"های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، موضوعات متعددی وجود دارد که مورد توافق "دوطرف" قرار می‌گیرند و با امضای اسناد و مدارک یاد شده، نافذ می‌گردند. "تاریخ نفوذ" "موافقت‌نامه" تاریخی است که "طرف"های "موافقت‌نامه" پس از طی مرحله‌ی مناقصه یا مذاکره‌ی مستقیم، با امضای "موافقت‌نامه" روابط خود را تنظیم می‌کنند و وارد دوره‌ی اجرای شروطی می‌شوند که

اجرای پروژه را ممکن می‌سازند که **"شروط مقدم"** نامیده می‌شوند. در طی این دوره **"شرکت"** در تحصیل مجوزها، انعقاد قراردادهای تامین مالی، احداث و بهره‌برداری اقدام می‌نماید و **"سرمایه‌پذیر"** با توجه به شروطی را که تقبل کرده است، اقدام به تحصیل مجوزهای لازم و تامین منابع مورد نیاز می‌کند.

در **"تاریخ نفوذ"** **"موافقت‌نامه"**، **"دوطرف"** نسبت به اجرای **"پروژه"** متعهد نیستند و تنها توافق می‌کنند طبق شرایطی، **"شروط مقدم"** را تکمیل کنند.

در صورت تکمیل **"شروط مقدم"** در مدت زمان مورد توافق، تحقق **"شروط مقدم"** را با امضای صورت جلسه‌ی مشترکی تصدیق می‌نمایند. در این مرحله است که اجرای تعهدات قراردادی **"پروژه"** قطعیت یافته و **"تاریخ قطعیت"** **"پروژه"** محقق می‌شود و **"دوره‌ی احداث"** **"پروژه"** آغاز می‌شود. تحقق قطعیت **"موافقت‌نامه"**، تکمیل موفقیت آمیز **"شروط مقدم"** از سوی **"دوطرف"** **"موافقت‌نامه"** و یا انصراف آن‌ها از اجرای شروط یاد شده است.

هرگاه **"دوطرف"** در دوره‌ی زمانی که برای تحقق **"شروط مقدم"** توافق نموده اند، نتوانند تمامی موارد را محقق سازند، می‌توانند این مدت را به میزانی که مورد توافق قرار گیرد، تمدید کنند. هرگاه **"شرکت"** با وجود تلاش‌هایی که به عمل می‌آورد در رسیدن به تکمیل **"شروط مقدم"** ناموفق باشد یا **"سرمایه‌پذیر"** در دریافت مجوزهای لازم برای قطعیت پروژه بازماند، در این صورت **"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد"** **"شرکت"** آزاد می‌شود. هرگاه **"شرکت"** در انجام **"شروط مقدم"** تلاش لازم را به عمل نیاورد و مقصر باشد، **"سرمایه‌پذیر"** می‌تواند **"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد"** **"شرکت"** را وصول کند.

از موارد مهم و عمده‌ی **"شروط مقدم"** **"موافقت‌نامه"**، تأمین مالی پروژه است که باید بین وام دهندگان و **"شرکت"**، نهایی شود. با نافذ شدن **"موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی"** تمامی تعهدات قراردادی لازم الاجرا می‌شود. **"موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی"** آخرین سندی است که بین **"دوطرف"** نافذ می‌شود و با آن، اجرای **"پروژه"** قطعیت پیدا می‌کند و **"شرکت"**، احداث **"پروژه"** را شروع می‌نماید.

## ۱۷. "دوره‌ی مجاز"

قراردادهای سرمایه‌گذاری از نظر نوع، قراردادهای امتیازی هستند و به موجب آن **"شرکت"** امتیازی را از **"سرمایه‌پذیر"** دریافت می‌کند که به طور انحصاری در موضوع **"پروژه"** سرمایه‌گذاری کند و سرمایه‌گذاری او طبق شرایط قرارداد منعقد شده مورد حمایت قرار گیرد.

قراردادهای امتیازی انواع و اقسام مختلفی دارد. یکی از انواع آن، اعطای امتیاز به سرمایه‌گذار به نحوی است که فعالیت در زمینه خاصی را در انحصار سرمایه‌گذار قرار می‌دهد. چنین امتیازی که سرمایه‌گذار را در زمینه خاصی در موقعیت انحصاری قرار دهد، به موجب قانون اساسی ایران ممنوع است ولی اعطای امتیاز پروژه‌ی خاصی که دامنه محدود و مشخصی دارد و ایجاد انحصار نمی‌کند، ممنوع نیست و مورد حمایت قانون نیز خواهد بود.

دوره‌ای که **"شرکت"** اجازه می‌یابد که سرمایه‌گذاری کند و سرمایه‌ی خود به انضمام سود مورد توافق را از محل عواید **"پروژه"** مستهلک سازد، **"دوره‌ی مجاز"** نامیده می‌شود. با توجه به این که از روش **ساخت-بهره‌برداری-واگذاری** بیشتر در احداث پروژه‌های زیربنایی استفاده می‌شود، در نظام حقوقی کشورهای مختلف، برای تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، معافیت‌ها و یا تخفیف‌هایی در عوارض و مالیات‌ها پیش‌بینی می‌شود که در طول **"دوره‌ی مجاز"** به **"شرکت"** یا **"محصول پروژه"** تعلق می‌گیرد.



"دوره‌ی مجاز"، با توجه به زیربنایی بودن پروژه و مصرف منابع مالی هنگفت، به طور معمول بین ۲۰ تا ۳۰ سال طول می‌کشد و شامل حداقل سه مرحله‌ی مشخص زیر است:

- (الف) دوره‌ی اجرای "شروط مقدم".
- (ب) "دوره‌ی احداث" "پروژه".
- (ج) "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه".

این سه مرحله به طور معمول در "موافقت‌نامه" بیان می‌شود. ولی علاوه بر این سه مرحله و مقدم بر مرحله‌ی اجرای "شروط مقدم" "پروژه"، دوره‌ی مذاکره و تنظیم "موافقت‌نامه" است. این دوره هم نسبتاً طولانی است و حدود ۱ تا ۳ سال را در بر می‌گیرد. "دوره‌ی احداث" "پروژه" با ملاحظات طبیعت "پروژه" از ۴ تا ۵ سال بیشتر نمی‌شود و "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، طولانی‌ترین زمان را به خود اختصاص می‌دهد. بعد از "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" باید "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" انتقال داده شود. "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" باید شرایط "پروژه" را در "تاریخ انتقال" توافق کنند که با تأمین آن شرایط، "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" واگذار شود.

در برخی از موارد، "دوره‌ی احداث" و یا "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، به اقتضای مورد، تمدید می‌شود و یا به دلیل ارتکاب "قصور" از طرف "شرکت" یا "سرمایه‌پذیر" فسخ می‌گردد و رابطه‌ی قراردادی زودتر پایان می‌پذیرد.

"دوره‌ی احداث" "پروژه"، به طور معمول از "تاریخ قطعیت" شروع می‌شود و با تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، خاتمه می‌پذیرد. ولی این روال در برخی از پروژه‌ها که بهره‌برداری به صورت مرحله‌ای یا واحدی یا سیستمی انجام می‌گیرد، به نحو متفاوتی اتفاق می‌افتد و در این حالت، "دوطرف" باید توافق کنند که اولین، آخرین و یا میانگین تاریخ‌های بهره‌برداری مبنای شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" قرار گیرد. نکته‌ی مهم در مورد پروژه‌هایی که به صورت مرحله‌ای، واحدی یا سیستمی تکمیل می‌شوند این است که "دوره‌ی مجاز" باید در زمان مشخصی پایان پذیرد در غیر این صورت، روابط "دوطرف" دچار مشکل خواهد شد و بخشی از "پروژه" باید به "سرمایه‌پذیر" واگذار گردد در حالی که بخشی دیگر، توسط "شرکت" در جریان بهره‌برداری باقی می‌ماند.

#### ۱۸. "دوره‌ی احداث" "پروژه"

"دوره‌ی احداث" "پروژه" از "تاریخ قطعیت" "پروژه" شروع می‌شود و به اقتضای دوره‌ای که بین "دوطرف" برای احداث "پروژه" توافق گردیده است، به طول می‌انجامد.

در "دوره‌ی احداث" به اقتضای نوع "پروژه"، "سرمایه‌پذیر" نیز می‌تواند برای ایفای تعهدات خود در بخش آماده‌سازی "مواد اولیه"، ملزومات "پروژه" و تأسیسات دریافت "محصول پروژه"، اقدامات لازم را انجام دهد. به طور مثال در "پروژه"ی آب شیرین کن در چارچوب "موافقت‌نامه"ی ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، تأمین آب خام و احداث تأسیسات شبکه آبرسانی می‌تواند از تعهدات "سرمایه‌پذیر" باشد یا در "پروژه"ی احداث

آزاد راه در چارچوب موافقت‌نامه‌ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، تأمین جاده‌های ارتباطی با آزاد راه یاد شده با "سرمایه‌پذیر" است که در "دوره‌ی احداث" باید تعهدات خود را ایفا نماید.

### ۱۹. بهره‌برداری تجاری

"تاریخ بهره‌برداری تجاری" (Commercial Operation Date (COD))، به معنی پایان عملیات احداث "پروژه" است. در برخی از پروژه‌ها، "تاریخ بهره‌برداری تجاری" کل "پروژه" در زمانی واحد اتفاق نمی‌افتد و در فازها، واحدها و سیستم‌های مختلف و متعددی تحقق می‌یابد. به طور مثال، فاز اول پروژه‌ی آب شیرین کن، می‌تواند ظرفیت محدودی را پوشش دهد و در فازهای بعدی، ظرفیت نهایی پروژه تکمیل شود. در این صورت، "تاریخ بهره‌برداری تجاری" متعددی وجود خواهد داشت و به همین اعتبار، "دوطرف" در آغاز "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، یکی از تاریخ‌های بهره‌برداری را مبنای شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه" قرار می‌دهند. در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" متعهد به بهره‌برداری از "پروژه" است و "سرمایه‌پذیر" یا دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه"، متعهد به دریافت "محصول پروژه" و پرداخت بهای آن است. در طی "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، به اقتضای شرایط فنی "پروژه"، نحوه‌ی پرداخت به "شرکت" می‌تواند به بخش‌های متفاوتی تقسیم شود. به عنوان مثال، برای تأمین ظرفیت تولید و نگهداری این ظرفیت، به یک نظام پرداخت بر پایه‌ی "بهای ظرفیت" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، نیاز است. بهره‌برداری از ظرفیت "پروژه"، موضوع نظام پرداخت دیگری بر پایه‌ی "بهای تولید" است. به عنوان مثال، در "پروژه"‌ی ترانزیت گاز، آماده‌سازی ظرفیت مشخصی برای ترانزیت گاز مبنای تعرفه‌ی "بهای ظرفیت" و انجام عملیات ترانزیت گاز مبنای تعرفه‌ی "بهای تولید" است.

به طور معمول، پرداخت "بهای ظرفیت" بر اساس "بپرداز چه ببری چه نبری" (Take or Pay) و پرداخت "بهای تولید" به صورت "ببر و بپرداز" (Take and Pay) از سوی "سرمایه‌پذیر" توافق می‌شود. "سرمایه‌پذیر" به عنوان منتفع از ظرفیت آماده شده توسط "شرکت"، می‌تواند "محصول پروژه" را دریافت نماید و "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" را پرداخت کند و در غیر این صورت، بدون دریافت "محصول پروژه"، مکلف است "بهای ظرفیت" را بپردازد.

### ۲۰. قرارداد EPC و "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری"

"شرکت" در مقابل "سرمایه‌پذیر" متعهد به اجرای "پروژه" به روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری است ولی اجرای تعهدات قراردادی را خود به عهده ندارد بلکه با انتخاب پیمانکاری مجرب و توانمند در مورد احداث "پروژه" و بهره‌برداری آن اقدام می‌نماید.

در پروژه‌هایی که به روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری اجرا می‌شوند، وام‌دهندگان "شرکت" را ملزم می‌کنند که اجرای "پروژه" را به صورت کلید در دست (Turnkey EPC) به یک شرکت پیمانکاری برخوردار از توان فنی و اجرایی قوی واگذار کند تا بدین ترتیب مخاطرات عدم تکمیل به موقع یا وجود عیب و نقص در "پروژه" کاهش یابد. به همین نحو، در مورد عملیات بهره‌برداری و نگهداری Operation and Maintenance (O&M) هم وام‌دهندگان اصرار دارند که این عملیات "شرکت" به یک شرکت مجرب و توانمند واگذار گردد.

"شرکت" به موجب "قرارداد EPC" و "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری"، تمام تعهدات را به طور کامل و ترجیحاً هر کدام را در یک قرارداد جداگانه به شرکت‌های "پیمانکار EPC" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" واگذار می‌کند.

## ۲۱. "اسناد موافقت‌نامه"

به طور معمول در تنظیم روابط قراردادی بین "دوطرف"، سه نوع اسناد و مدارک استفاده می‌شود: الف) اسناد و مدارک مناقصه یا اسناد و مدارک مبنای مذاکره.

ب) اسناد و مدارک انعقاد قرارداد.

ج) اسناد و مدارک اجرای قرارداد.

روابط قراردادی بین "طرف"های "موافقت‌نامه" به موجب "اسناد موافقت‌نامه" تنظیم می‌شود که در دوره‌های مختلف "پروژه"، اسناد و مدارک مختلفی را شامل می‌گردد. اسناد و مدارک "موافقت‌نامه"، بر مبنای اسناد و مدارک مناقصه یا اسناد و مدارک مذاکره بین "دوطرف" تنظیم می‌شود و به طور معمول با رد، قبول و یا اعمال اصلاحات در اسناد و مدارک دوره‌ی مناقصه یا مذاکره، متن نهایی "موافقت‌نامه" تهیه می‌شود.

اسناد و مدارکی که بین "دوطرف" امضا شده است، در "دوره‌ی مجاز" به دلایل مختلف امکان دارد تغییر کنند. دامنه‌ی این تغییرات بر حسب پیچیدگی موضوع قرارداد، بالا بودن مبلغ قرارداد، طولانی بودن مدت قرارداد و همچنین تغییر قوانین حاکم متغیر است.

تغییرات در مفاد "اسناد موافقت‌نامه" در طول "دوره‌ی مجاز" با الحاقیه صورت می‌گیرد و مندرجات این الحاقیه‌ها در موضوعات خود به طور طبیعی باید به موضوعات درج شده در اسناد و مدارک "موافقت‌نامه" اولویت داشته باشند.

در قراردادهایی که از اسناد و مدارک متعددی تشکیل می‌شود، بنا به ضرورت باید اولویت اعتباری بین اسناد و مدارک "موافقت‌نامه" معلوم باشد تا در صورت تعارض یا تناقض بین مندرجات اسناد و مدارک، روش حل تناقض و تعارض مشخص گردد.

## ۲۲. "اسناد فنی"

در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، "سرمایه‌پذیر" در "دوره‌ی احداث" و "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" دخالت اجرایی مستقیمی ندارد ولی در "دوره‌ی احداث"، به منظور برنامه‌ریزی و هماهنگی در جریان پیشرفت "پروژه" قرار می‌گیرد و در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به عنوان دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه" باید اطلاعاتی را دریافت کند. با وجود طبیعت پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری که کنترل پروژه تا پایان "دوره‌ی مجاز" و واگذاری آن به "سرمایه‌پذیر" در اختیار سرمایه‌گذار است، ولی به دلیل پیش بینی شرایطی که می‌تواند انتقال پروژه را از "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" تسریع نماید، "سرمایه‌پذیر" باید دارای اطلاعات و مدارکی باشد تا از شرایط "پروژه" بی اطلاع نماند. به همین دلیل، "شرکت" باید تمام اسناد و مدارک "پروژه" را در "ساختگاه" "پروژه" به طور مرتب و قابل دسترس برای "سرمایه‌پذیر" نگهداری کند. علاوه بر آن، "شرکت" باید در زمان مشخصی که امکان آموزش کارکنان بهره‌برداری "سرمایه‌پذیر" مهیا باشد، نسبت به آموزش یا تحویل دستورالعمل‌های بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات "پروژه" اقدام نماید و در فاصله‌ی

زمانی مقدم بر واگذاری پروژه به **"سرمایه‌پذیر"**، نقشه‌های **"چون ساخت" (As Built)** و تغییرات و اطلاعات بعدی را برای بهره‌برداری در اختیار **"سرمایه‌پذیر"** قرار دهد.

با توجه به این که پروژه‌های زیر بنایی از عمر مفید طولانی برخوردار هستند و به منظور تأمین یک نیاز عمومی احداث می‌شوند، از این رو برای بهره‌برداری **"سرمایه‌پذیر"** در مدت باقی مانده‌ی عمر مفید **"پروژه"** و عدم ایجاد هرگونه تأخیر یا وقفه در بهره‌برداری از پروژه‌ی موضوع قرارداد برای تأمین نیاز عمومی، باید تمام اطلاعات و مدارک و مستندات که می‌تواند **"سرمایه‌پذیر"** را برای ادامه‌ی بهره‌برداری از **"پروژه"** توانا نماید، به موقع در اختیار او قرار گیرد. بدیهی است تأمین این موارد، مستلزم پیش بینی در **"موافقت‌نامه"** است و اگر در ترتیبات قراردادی به روشنی این موارد درج نشود، الزام **"شرکت"** در تأمین این ملزومات میسر نخواهد بود.

در برخی از پروژه‌های **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**، مدت **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** با عمر مفید **"پروژه"** برابر است و انتقال **"پروژه"** در پایان **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، تکلیفی در تحویل اسناد و اطلاعات برای ادامه‌ی بهره‌برداری **"سرمایه‌پذیر"** ندارد و پروژه به صورت موجود (As is basis) به **"سرمایه‌پذیر"** واگذار می‌شود.

### ۲۳. نمایندگان "دو طرف"

**"موافقت‌نامه"** بین اشخاص اعم از شخص حقیقی یا شخص حقوقی منعقد می‌گردد. زمانی که شخص حقیقی **"طرف"** **"موافقت‌نامه"** است، می‌تواند برای انعقاد یا اجرای **"موافقت‌نامه"** نماینده‌ای معرفی کند یا خود رأساً اقدام نماید. ولی وقتی که **"طرف"** قرارداد شخص حقوقی است، انعقاد و اجرای قرارداد مستلزم دخالت شخص حقیقی به نمایندگی از شخص حقوقی است.

در پروژه‌های **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری**، به طور معمول از طرف **"شرکت"** و **"سرمایه‌پذیر"** نمایندگانی به اقتضای مراحل مختلف اجرایی **"پروژه"** که مستلزم تخصص‌های خاصی است با اختیارات لازم معرفی می‌شوند تا با همکاری یکدیگر، اقدامات اجرایی پروژه را هماهنگ سازند.

**"شرکت"** در دوره‌ی اجرای **"شروط مقدم"**، باید نماینده یا نمایندگانی را انتخاب کند که اشراف کاملی بر انعقاد **"موافقت‌نامه‌های تأمین مالی"**، **"قرارداد EPC"** و **"قرارداد بهره‌برداری و نگهداری"** و همچنین در خواست صدور **"مجوزهای دولتی"** داشته باشند. اگر چه در **"دوره‌ی احداث"** **"پروژه"**، **"پیمانکار EPC"** مسئولیت کامل کلید در دست اجرای **"پروژه"** را به موجب **"قرارداد EPC"** تعهد می‌کند و در **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، **"پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"** متعهد به اجرای عملیات بهره‌برداری است، ولی نمی‌توان از آن‌ها به عنوان نمایندگان **"شرکت"** یاد کرد.

**"سرمایه‌پذیر"** در مراحل مختلف **"پروژه"** و با توجه به تخصص‌های متفاوتی که برای اجرای قرارداد لازم است، نماینده یا نمایندگان ویژه‌ای را معرفی می‌کند و مشابه **"شرکت"**، نمایندگان **"سرمایه‌پذیر"** در دوره‌ی اجرای **"شروط مقدم"** باید از صلاحیت و تخصص لازم برخوردار باشند. در **"دوره‌ی احداث"** نیز باید آگاهی کافی در مورد اجرای **"پروژه"** داشته باشند تا از ایفای تعهدات **"شرکت"** در **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، **"سرمایه‌پذیر"** را مطمئن سازند. در **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** که **"سرمایه‌پذیر"** باید به عنوان دریافت‌کننده‌ی **"محصول پروژه"** نسبت به دریافت محصول و پرداخت بهای آن اقدام کند، نماینده‌ی **"سرمایه‌پذیر"** باید از سازمانی با توانایی‌های خاص برخوردار باشد.

نمایندگان **"دوطرف"** باید واجد تمام اختیاراتی باشند که برای اجرای قرارداد لازم است و نمی‌توان مورد یا موضوع را به دلیل عدم برخورداری نماینده از اختیارات لازم، بدون تکلیف باقی گذاشت. از این رو، در **"موافقت‌نامه"** به روشنی درج می‌شود که نماینده باید از اختیارات کافی برخوردار باشد و هرگونه توافقی که نمایندگان **"دوطرف"** بکنند، به عنوان توافق **"دوطرف"** خواهد بود و بین آنها لازم الاجراست.

هریک از **"دوطرف"** حق دارند که نماینده یا نمایندگان خود را در **"دوره‌ی مجاز"** با ارسال اطلاعیه‌ای تغییر دهند. در چنین مواردی، باید پیش از تغییر نماینده یا نمایندگان، مراتب تغییر نماینده در مدت مشخصی به **"طرف"** مقابل به صورت کتبی اطلاع داده شود.

## ۲۴. تأییدات و الزامات

به طور معمول و متعارف، در تمام قراردادهای مهمی که روابط قراردادی در موضوعی پیچیده و برای دوره‌ای طولانی و با صرف مبلغ قابل توجه تنظیم می‌شود، برای اجتناب از هرگونه شبهه و ابهام، هر یک از **"دوطرف"** به آگاهی از مواردی که در ایجاد و اجرای تعهد قراردادی مهم است، تأکید می‌کنند. به طور مثال، هرگاه گزارش و مطالعات توجیهی و امکان‌سنجی **"پروژه"** توسط **"سرمایه‌پذیر"** انجام شود و در اختیار **"شرکت"** قرارداد گیرد، به مندرجات این گزارش و تأیید مفاد آن از سوی **"شرکت"** در این بخش تأکید می‌شود تا در طی اجراء تردیدی در مراتب قبولی این گزارش از سوی **"شرکت"** مطرح نگردد.

**"شرکت"** و **"سرمایه‌پذیر"** تأیید می‌نمایند که تمام مقررات عمومی و همچنین مقررات داخلی سازمانی خود برای انعقاد **"موافقت‌نامه"** را رعایت نموده و امضا کنندگان **"موافقت‌نامه"** در طی **"دوره‌ی مجاز"** نمی‌توانند به هیچ‌گونه عذری به این قبیل موارد استناد کنند و در اعتبار **"موافقت‌نامه"** ایجاد خدشه نمایند.

موارد و موضوعه‌هایی که طبق این ماده در **"موافقت‌نامه"** های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری به اقتضای هر مرحله مطرح است باید تذکر داده شود. به عنوان مثال، می‌توان به آگاهی **"سرمایه‌پذیر"** از تأمین مستمر **"مواد اولیه"** مورد نیاز در مرحله‌ی بهره‌برداری با کمیت و کیفیت مورد توافق اشاره کرد تا در جریان بهره‌برداری، هیچ‌گونه ادعایی به استناد عدم آگاهی از چنین تعهدی و شرایط حاکم بر آن از سوی **"سرمایه‌پذیر"** مطرح نشود.

## ۲۵. اصول طراحی و احداث

در طراحی، ساخت و بهره‌برداری پروژه‌های زیر بنایی، فارغ از روش اجرایی آنها، باید به نحوی عمل شود که با سایر تأسیسات، امکانات و مقدرات کشور سازگاری داشته باشد. از این رو، در پروژه‌های یاد شده که به روش **ساخت - بهره‌برداری - واگذاری** اجرا می‌شود، به منظور تأمین این سازگاری‌ها، **"سرمایه‌پذیر"** و **"شرکت"** در تعریف **"پروژه"** **"مشخصات فنی"** معینی را توافق می‌کنند. **"شرکت"** **"مشخصات فنی"** مورد توافق را در احداث، بهره‌برداری و واگذاری پروژه رعایت می‌کند و بر مبنای این توافق در **"مشخصات فنی"** **"پروژه"**، **"سرمایه‌پذیر"** نیز سایر تأسیسات و امکانات را به تناسب **"مشخصات فنی"** تعیین شده ایجاد می‌نماید. به عنوان مثال در پروژه‌های نیروگاهی، برای تبدیل سوخت به انرژی الکتریکی، **"سرمایه‌پذیر"** و **"شرکت"** باید به طور کامل به نوع و مشخصات سوختی که باید از سوی **"سرمایه‌پذیر"** تأمین شود و توسط **"شرکت"** در نیروگاه استفاده گردد، وقوف و توافق داشته باشند. در غیر این صورت، بهره‌برداری **"پروژه"** با مشکلات عمده مواجه خواهد

گردید. همین موضوع ایجاب می‌کند که اصول طراحی و "مشخصات فنی" مورد استفاده در "پروژه" تعیین و توافق گردد.

علاوه بر موارد پیشگفته، پروژه‌های زیر بنایی به طور اصولی از عمر مفید طولانی برخوردار هستند. چنین پروژه‌هایی که به روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری اجرا می‌شوند، طی دوره‌ی معینی برای استهلاک سرمایه و سود آن از سوی "شرکت"، بهره‌برداری می‌شوند و برای بهره‌برداری در بقیه‌ی عمر مفید، "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" واگذار می‌گردد. در پروژه‌هایی که "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه" به همان مدت عمر مفید "پروژه" بین "دوطرف" توافق می‌شود، "پروژه" در پایان قرارداد در شرایطی که هست (As is basis)، به "سرمایه‌پذیر" واگذار گردد. در سایر موارد، "شرکت" باید تمام اسناد و مدارک "پروژه" را به نحوی که "سرمایه‌پذیر" توانا به ادامه‌ی بهره‌برداری تجاری از "پروژه" باشد، تهیه و پیش از واگذاری پروژه به "سرمایه‌پذیر"، تحویل دهد.

در عمده‌ی موارد، فهرست اسناد و مدارک مربوط به طراحی، ساخت، بهره‌برداری و واگذاری بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در "تاریخ نفوذ" "موافقت‌نامه" مورد توافق قرار می‌گیرد. در موارد محدود و مشخص، تهیه‌ی اسناد و مدارک در دو طبقه بندی متفاوت در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار می‌گیرد، یک بخش از اسناد و مدارک تنها برای اطلاع "سرمایه‌پذیر" ارسال می‌شود و بخش دیگر، برای بررسی و تأیید "سرمایه‌پذیر" تسلیم می‌گردد. علاوه بر اسناد و مدارک فنی پروژه، ضرورت دارد که "شرکت" نسخه‌ای از اسناد مربوط به ورود تجهیزات و کالاهای "پروژه" را برای "سرمایه‌پذیر" ارسال دارد که به موجب اسناد و مدارک یاد شده (۱) از ورود تجهیزات و کالاهای "پروژه" در مراحل اجرای "پروژه" اطلاع پیدا کند. (۲) از میزان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط "شرکت" کسب اطلاع نماید و (۳) از اسناد و مدارک پیشگفته در مرحله‌ی واگذاری پروژه استفاده کند.

## ۲۶. احداث "پروژه"

توافق "شرکت" و "سرمایه‌پذیر"، تحقق موضوع "موافقت‌نامه" یعنی احداث "پروژه" است که تعهد اصلی "شرکت" است و باید طبق مشخصات، شرایط و مدت درج شده در "موافقت‌نامه" اجرا شود. هرگاه "شرکت" در شروع یا تکمیل "پروژه" بیش از "دوره‌ی احداث" مشخص شده در قرارداد با در نظر گرفتن مدت تأخیر پیش بینی شده با جریمه، تأخیر کند، موجب لغو امتیاز احداث پروژه و فسخ قرارداد خواهد شد.

شروع به احداث "پروژه" با تحقق "تاریخ قطعیت" خواهد بود و اگر "شرکت" پیش از "تاریخ قطعیت" اقداماتی را انجام دهد، انجام آن‌ها برای "سرمایه‌پذیر" ایجاد تعهد نخواهد کرد زیرا به موجب شرایط روش ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، در صورت عدم تحقق قطعیت "موافقت‌نامه"، "دوطرف" نسبت به همدیگر تعهدی نخواهند داشت و تنها در صورت "قصور شرکت" در تأمین "شروط مقدم" قرارداد "ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" "شرکت" از سوی "سرمایه‌پذیر" ضبط خواهد شد.

احداث پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری توسط "پیمانکار EPC" و به صورت کلید در دست خواهد بود و توصیه‌ی مؤکد وام دهندگان، واگذاری و احداث "پروژه" به صورت کلید در دست و به یک شرکت مجرب پیمانکار است تا به این ترتیب، امکان اجرای "موافقت‌نامه" طبق مشخصات و مبالغ و مدت قراردادی تقویت گردد. به اقتضای نوع و طبیعت "پروژه"، احداث "پروژه" می‌تواند در چند فاز، چند واحد و سیستم‌های مختلفی انجام گیرد. به طور مثال، یک پروژه‌ی نیروگاهی می‌تواند در واحدهای متعددی اجرا شود و یا یک پروژه‌ی ترانزیت گاز در

فازهای متفاوت اجرا گردد و یا پروژه‌های مخابراتی با سیستم‌های مختلف اجرا شود که به اعتبار مواعد تکمیل هر واحد یا فاز یا سیستم پروژه، جدول زمان بندی قرارداد تعیین و توافق می‌شود.

در طی "دوره‌ی احداث"، "شرکت" مبادرت به سرمایه‌گذاری در "پروژه" از محل منابع مالی اعم از آورده خود و وام می‌نماید و گزارش‌های "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" میزان پیشرفت سرمایه‌گذاری را منعکس می‌کند و هرگاه "پروژه" در موعد یا مواعد توافق شده در "موافقت‌نامه" به بهره‌برداری تجاری نرسد، "شرکت" نه تنها مشمول جرایم تأخیر به نحو توافق شده در "موافقت‌نامه" خواهد بود بلکه از تحصیل درآمد پیش‌بینی شده نیز باز خواهد ماند.

به همین دلیل، در "قرارداد EPC" که بین "شرکت" و پیمانکار منعقد می‌گردد، بیشترین توجه به رعایت "مشخصات فنی"، مبلغ و مدت قرارداد می‌شود. هرگاه "شرکت" نتواند "پروژه" را با "مشخصات فنی" مورد توافق به مرحله بهره‌برداری تجاری برساند و یا هزینه‌ی اجرای "پروژه" از مبلغ قرارداد بیشتر شود و یا "پروژه" در موعد و یا مواعدهای توافق شده تکمیل نگردد، تمام مسئولیت‌های ناشی از موارد یاد شده با "شرکت" خواهد بود.

"سرمایه‌پذیر" در "دوره‌ی احداث" هیچ گونه تعهدی در مقابل "شرکت" ندارد مگر این دغدغه که "پروژه" طبق مشخصات، مبلغ و مدت توافق شده در "موافقت‌نامه" به بهره‌برداری تجاری برسد. از این رو، برخلاف تصور غیر صحیح، در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، باز پرداخت سرمایه و سود "شرکت" در هر شرایطی از سوی "سرمایه‌پذیر" تعهد یا تحت تضمین قرار نمی‌گیرد بلکه در صورت خاتمه قرارداد به علت "قصور شرکت"، تنها اصل وام "پروژه" و سود آن باید به میزانی که در "پروژه" مورد استفاده قرار گرفته، در مقابل واگذاری "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" به وام دهندگان باز پرداخت گردد.

"دوره‌ی احداث" تنها شامل احداث "پروژه" توسط "شرکت" نیست بلکه در طول این دوره، "سرمایه‌پذیر" نیز باید تمام تأسیسات و امکاناتی را که برای دریافت "محصول پروژه" یا تأمین "مواد اولیه" یا تکمیل آن تعهد کرده است فراهم سازد. به طور مثال، هرگاه پروژه‌ی ترانزیت گاز به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری اجرا شود، "سرمایه‌پذیر" به طور اصولی باید در مبدأ نسبت به تحویل گاز برای ترانزیت اقدام نماید و در مقصد، نسبت به دریافت گاز آمادگی داشته باشد یا در پروژه‌ی نیروگاهی، تأمین سوخت نیروگاه اگر در تعهد "سرمایه‌پذیر" باشد، باید تمام امکانات مربوط به تأمین سوخت را به موازات احداث "پروژه" فراهم نماید. به همین نحو در مورد دریافت انرژی برق از نیروگاه نیز باید تأسیسات انتقال برق را احداث نماید. در پروژه‌ی مخابراتی نیز سیستم‌های پیش نیاز باید از سوی "سرمایه‌پذیر" برای بهره‌برداری تجاری از "پروژه" ایجاد شود، در غیر این صورت، هرگاه "پروژه" به مرحله بهره‌برداری تجاری برسد ولی تأسیسات و امکانات "سرمایه‌پذیر" آماده نباشد، تعهدات مالی "سرمایه‌پذیر" در مقابل "شرکت" باید ایفا شود.

در آغاز بهره‌برداری تجاری نیز باید یک سلسله آزمایش‌ها به تناسب طبیعت "پروژه" انجام شود تا مطابقت "پروژه" با مقادیر تضمینی درج شده در "موافقت‌نامه" را اثبات نماید. هرگاه در جریان آزمایش‌های راه اندازی (شروع بهره‌برداری تجاری پروژه)، مسلم شود که مقادیر تضمینی درج شده در "موافقت‌نامه" قابل تحصیل نیست، در این صورت در حدودی که بین "دوطرف" توافق گردیده است، مغایرت در مقادیر تضمینی مشمول جریمه خواهد بود و با پرداخت این جریمه از سوی "شرکت"، بهره‌برداری تجاری "پروژه" آغاز می‌شود.

## ۲۷. "هزینه‌ی کل" "پروژه" و تأمین مالی آن

در اجرای پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، "سرمایه‌پذیر" در تأمین منابع مالی "پروژه" هیچ گونه تعهدی ندارد. "شرکت" تعهد می‌کند که منابع مالی مورد نیاز را بخشی به صورت آورده از سوی سهامداران "شرکت" که به طور متعارف حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه‌های اجرای "پروژه" را در برمی‌گیرد و بقیه را به صورت وام از وام‌دهندگان تأمین کند.

وام‌دهندگان بر اساس "موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی" با "شرکت"، و ضمن ارزیابی دقیق از شرایط درونی و پیرامونی "پروژه" و با شناسایی ریسک‌های "پروژه" و تقسیم آن بین اشخاص ذیربط در "پروژه"، مبادرت به اعطای وام می‌نمایند. در تأمین مالی پروژه‌ای، به طور معمول، مبالغ وام و سود متعلق به آن از محل درآمد حاصل از "پروژه" بازپرداخت می‌گردد و بدون حق رجوع (Non-recourse) و در پاره‌ای موارد، با حق رجوع محدود (Limited-recourse) به دارایی‌های "پروژه"، انجام می‌شود. وام‌دهندگان در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" اختیارات ویژه‌ای برای خود منظور می‌نمایند که در صورت هرگونه "قصور" و تخلف "شرکت"، بتوانند در اجرای "پروژه" مستقیم یا غیرمستقیم دخالت کنند. "مدل مالی"، مبانی روابط مالی بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" را مشخص می‌کند. در "مدل مالی"، "شرکت" و "سرمایه‌پذیر"، هزینه‌های ثابت و جاری "پروژه" و سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران را تعیین و همچنین درآمدهای "پروژه" را در "دوره‌ی مجاز" محاسبه و بهای "محصول پروژه" (تعرفه) را توافق می‌کنند.

علاوه بر موافقت‌نامه‌ی وام، "شرکت" می‌تواند با سهامداران خود، برای تأمین سرمایه‌ی مورد نیاز برای اجرای "پروژه" نیز موافقت‌نامه‌ی سرمایه‌گذاری منعقد نماید. تفاوت قراردادهای "شرکت" با سهامداران خود، که در واقع سرمایه‌گذاران "پروژه" هستند با وام‌دهندگان در این است که وام‌دهندگان در مخاطرات "پروژه" هیچ گونه مشارکتی نمی‌کنند ولی سهامداران در مخاطرات "پروژه" شرکت می‌کنند. به همین دلیل سهامداران سود مورد انتظار به مراتب بیشتری را می‌طلبند که در "مدل مالی" "پروژه" مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

"شرکت" متعهد به تأمین منابع مالی "پروژه" است و در "موافقت‌نامه"، "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" توافق می‌کنند که در یک دوره‌ی زمانی مشخص (به طور متعارف یک ساله)، "شرکت" در انعقاد "موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی" "پروژه" با وام‌دهندگان اقدام نماید و تأمین این شرط از مهم‌ترین "شروط مقدم" بر "تاریخ قطعیت" "پروژه" است و به طور معمول، با قطعیت "موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی"، قطعیت "پروژه" نیز انجام می‌شود.

کفایت مبالغ وام و سرمایه‌ی تأمین شده برای "پروژه" هم از جمله تعهدات "شرکت" است و "پروژه" باید در چارچوب مبلغ توافق شده، به "تاریخ بهره‌برداری تجاری" برسد و هرگاه مبلغ یاد شده، تکافوی احداث "پروژه" را نکند، "شرکت" پاسخگوی تأمین کسری مبلغ قرارداد خواهد بود ولی هرگاه احداث "پروژه" به نحوی انجام گیرد که در هزینه‌های پیش بینی شده صرفه جویی گردد هزینه‌ی صرفه جویی شده به "شرکت" تعلق خواهد داشت. در برخی از پروژه‌ها که به اقتضای طبیعت "پروژه"، پیش بینی هزینه‌ی "پروژه" به دقت میسر نیست، "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" توافق می‌کنند که بعد از تکمیل "پروژه"، نسبت به تعدیل مبلغ سرمایه‌گذاری ثابت "پروژه" اقدام کنند و با مراجعه به دفاتر "شرکت"، مبلغ برآورد شده‌ی اولیه را با مبلغ واقعی هزینه شده اصلاح نمایند. به عنوان مثال در مورد پروژه‌های راه‌سازی، سدسازی و معادن، برخی از احتمالات در برآورد هزینه‌ها تأثیر عمده‌ای دارند که می‌توانند منشأ سود یا ضرر قابل توجهی برای یکی از "دوطرف" شوند.



با توجه به این که تأمین مالی "پروژه" از جمله تعهدات اصلی "شرکت" است، این تعهدات را "شرکت" به وسیله سهامداران "شرکت" که در تأسیس "شرکت" نقش دارند و بر اساس توافق با وام دهندگان، امکان تأمین منابع مالی را میسر می‌سازند، انجام می‌دهد و به همین مناسبت، "سرمایه‌پذیر" در "موافقت‌نامه" شرط می‌نماید که سهامداران اولیه‌ی "شرکت" از واگذاری سهام خود در "شرکت" حداقل تا زمان شروع بهره‌برداری تجاری "پروژه" خودداری کنند، به استثنای موارد خاصی که خارج از اراده‌ی سهامداران و به استناد "قوانین و مقررات"، واگذاری سهام انجام می‌گیرد.

در طول "دوره‌ی مجاز"، هر یک از "دوطرف" "موافقت‌نامه"، تعهدات و مسئولیت‌هایی را در مقابل هم می‌پذیرند که در ایفای هر یک از آن‌ها ممکن است مرتکب "قصور" شوند. ارتکاب "قصور" هر یک از "طرف"‌ها برای "طرف" مقابل ایجاد حق دریافت جریمه یا خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" می‌نماید.

در "موافقت‌نامه"‌ی ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، آثار "قصور شرکت" و "قصور سرمایه‌پذیر" در اجرای مسئولیت‌ها و تعهدات قراردادی بیان می‌شود و حقوقی که "طرف" متضرر از ارتکاب "قصور" "طرف" دیگر پیدا می‌کند نیز تعیین می‌گردد.

تفاوت عمده‌ای در "موافقت‌نامه"‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری با سایر قراردادهای وجود دارد. در این نوع قراردادهای، وام دهندگان در هیچ نوع ریسکی مسئولیت نمی‌پذیرند و حتی در صورت وقوع "قصور" هر یک از "دوطرف"، مبالغ وام و سود متعلقه باید به طور کامل تسویه گردد. از این رو، در "موافقت‌نامه"‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری که به روش تأمین مالی پروژه‌ای اجرا می‌شود، با "قصور شرکت"، مبالغ وام به میزان دریافت شده در "دوره‌ی احداث" و یا به میزان باقیمانده در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، و سود متعلقه وفق "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" باید مستهلک شود ولی سرمایه‌ی "شرکت" که به طور معمول ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه‌های "پروژه" را پوشش می‌دهد، طبق شرایط قرارداد باز پرداخت نمی‌گردد.

## ۲۸. افزایش هزینه‌ها و منابع تأمین مالی آن‌ها

هرگاه در "دوره‌ی احداث" و یا در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، "حادثه‌ی قهریه"‌ای اتفاق بیفتد که روی "پروژه" مؤثر باشد و از جمله آثار این حوادث، افزایش هزینه‌های احداث یا بهره‌برداری از "پروژه" باشد، تأمین هزینه‌های اضافی "پروژه" باید در "موافقت‌نامه" پیش‌بینی شود.

هرگاه "حادثه‌ی قهریه"‌ای که اتفاق افتاده است از نوع حوادث قهریه‌ی طبیعی مانند سیل، زلزله و نظایر آن‌ها باشد، با توجه به این که در "موافقت‌نامه" تأمین پوشش‌های بیمه‌ای برای این حوادث پیش‌بینی شده است، "شرکت" با دریافت غرامت از شرکت بیمه باید نسبت به رفع آثار ناشی از "حادثه‌ی قهریه" اقدام کند. اگر آثار "حادثه‌ی قهریه" دارای بار مالی نباشد و تنها موجب تأخیر در عملیات احداث "پروژه" گردد، باید به میزان مدتی که "حادثه‌ی قهریه" موجب عدم اجرای "پروژه" شده است، "دوره‌ی احداث" "پروژه" تمدید شود. در برخی از موارد، وقوع "حادثه‌ی قهریه" موجب افزایش هزینه‌ها و تأخیر در اجرای "پروژه" می‌گردد که در این حالت نیز باید به نحو پیشگفته برای هر دو مورد اقدام شود.

البته تمام "حوادث قهریه"، طبیعی نیستند بلکه بعضی از حوادث ناشی از عملکرد افراد و سازمان‌ها نیز به عنوان "حادثه‌ی قهریه" شناخته می‌شوند و برای برخی از این موارد یا در بازار بیمه پوشش وجود ندارد و یا پوشش موجود در بازار بیمه از نرخ بالایی برخوردار است که موجب افزایش هزینه‌های "پروژه" می‌گردد. در این موارد باید بین

"شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در خصوص توزیع ریسک‌های "پروژه" توافقی حاصل شود. در بحث توزیع این قبیل ریسک‌ها بین "دوطرف" باید از اصولی پیروی شود که توزیع ریسک‌ها را منطقی نماید. به طور مثال، ریسک‌های سیاسی مانند جنگ، شورش، اعتصاب‌های کشوری و نظایر این حوادث، خارج از هرگونه امکانات کنترلی "شرکت" است و "سرمایه‌پذیر" در قبول این ریسک‌ها در موقعیت‌های بهتری قرار دارد. به همین لحاظ در توزیع ریسک‌ها توانایی‌های هر یک از "دوطرف" در قبول ریسک ملاک قرار می‌گیرد. در این رابطه، ریسک‌های مالی و فنی "پروژه" حتماً می‌تواند بهتر و مناسب‌تر توسط "شرکت" کنترل شود.

با توجه به این که روابط "دوطرف" در یک دوره‌ی طولانی مدت تنظیم می‌شود و در این دوره‌ی طولانی، شرایط برخی از پوشش‌های بیمه ای می‌تواند تغییر نماید، در این صورت باز هم با توجه به شرایط موجود در بازار بیمه، "دوطرف" در مورد ریسک توافق می‌کنند. هرگاه "شرکت" با افزایش نرخ بیمه ای مواجه شود که در هزینه‌های "پروژه" دیده نشده است، "سرمایه‌پذیر" می‌تواند با قبول آثار افزایش نرخ بیمه، مبالغ "پروژه" را تعدیل نماید و یا مبلغ افزایش یافته را مستقیماً پرداخت کند. "شرکت" نیز می‌تواند برآورد هزینه‌ی پوشش بیمه را به "سرمایه‌پذیر" پرداخت نماید و در مقابل، "سرمایه‌پذیر" پوشش بیمه‌ای یاد شده را برقرار کند و ریسک موضوع بیمه را بپذیرد.

در برخی از موارد، اهمال "شرکت" یا "پیمانکار EPC" یا "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"، موجب می‌گردد که هزینه‌های "پروژه" افزایش یابد. در این قبیل موارد، تأمین منابع مالی برای رفع آثار اهمال، متوجه "سرمایه‌پذیر" نخواهد بود و باید "شرکت" یا هر یک از شرکت‌های یاد شده یا هر سه شرکت نسبت به تأمین منابع مالی اضافی به منظور رفع آثار اهمال اقدام نمایند و در مدت و مبالغ توافق شده با "سرمایه‌پذیر"، هیچ‌گونه تغییری داده نمی‌شود.

با توجه به این که در طول "دوره‌ی مجاز"، اعم از "دوره‌ی احداث" یا "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، حوادث متعددی می‌تواند اتفاق بیفتد که در هزینه‌ی "پروژه" مؤثر باشد ولی میزان آثار آن به نحوی نیست که "دوطرف" برای هر مورد وارد مذاکرات شوند، از این رو به طور معمول در "موافقت‌نامه"، طرح این ادعاها موکول به انقضای مدتی مشخص یا رسیدن مبالغ افزایش یافته به مبلغی خاص می‌گردد.

## ۲۹. واگذاری به غیر و جایگزینی

در پروژه‌های زیربنایی با توجه به این که تأمین یکی از نیازهای عمومی جامعه مطرح است و یا در چارچوب برنامه‌های توسعه دارای آثار خاصی است باید "طرف"‌های قرارداد شناسایی و در تغییر هر یک از آن‌ها از یک سلسله قواعد و مقررات ویژه ای پیروی گردد. همین ضرورت در مورد پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری نیز جاری است و در قرارداد پروژه در مورد تغییر هر یک از "طرف"‌ها و واگذاری حقوق و یا تعهدات و منافع قراردادی آن‌ها به غیر، شرایطی پیش بینی می‌شود.

در خصوص تغییر "شرکت"، اصل بر این است که "شرکت" نمی‌تواند تغییر کند مگر این که در اجرای "پروژه" مرتکب "قصور" و تقصیر شود و تکمیل "پروژه" با مخاطره جدی روبرو گردد که در این صورت، وام دهندگان "پروژه" با اعمال اختیاراتی که در "موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی" پیش بینی شده است، نسبت به جایگزینی "شرکت" با یک شرکت دیگر که از صلاحیت و توانایی‌های کافی برخوردار باشد و شرایط "موافقت‌نامه" را در مقابل "سرمایه‌پذیر" قبول کند، اقدام می‌نمایند.

در مورد واگذاری حقوق و منافع "شرکت" نیز به طور معمول وام دهندگان در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" "پروژه" اختیار کنترل حقوق و منافع "شرکت" را پیش بینی می‌کنند تا در مواقع مورد لزوم بتوانند با در اختیار گرفتن پروژه، نسبت به بازپرداخت مبالغ وام و سود متعلقه خود اقدام نمایند.

"سرمایه‌پذیر" در "موافقت‌نامه" و یا در چارچوب موافقت‌نامه‌ی مستقیم دیگری با وام دهندگان و در برخی موارد با وام دهندگان و "شرکت"، اعطای حق تغییر "شرکت" و یا واگذاری حقوق و منافع "شرکت" به وام دهندگان در مواقعی که "شرکت" از اجرای تعهدات قراردادی خود عاجز می‌شود را تأیید می‌کند.

به طور متقابل، "سرمایه‌پذیر" نمی‌تواند بدون دریافت موافقت "شرکت"، تعهدات، حقوق و منافع خود را واگذار نماید، به استثنای مواردی که در "موافقت‌نامه" پیش بینی شود که "سرمایه‌پذیر" مکلف به امر واگذاری باشد. در این قبیل موارد نیز "شرکت" باید از قبول تعهدات قراردادی "سرمایه‌پذیر" از سوی "نهاد جایگزین" و ادامه تعهدات مر بوط اطمینان حاصل نماید.

### ۳۰. نیازهای "پروژه"

تأمین ملزومات "پروژه" در "دوره‌ی احداث" و "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" از تعهدات مسلم و بدیهی "شرکت" است. در "موافقت‌نامه" باید تمام ملزومات "پروژه" شناسایی شود و تدارک و تأمین هر یک از ملزومات از سوی یکی از "دوطرف" تعهد گردد.

ملزومات مشترک پروژه‌ها مانند اراضی محل احداث، آب، برق، ارتباطات و ...، است که به طور معمول در اجرای هر پروژه ای مورد نیاز است ولی در پروژه‌های خاص، بعضی از ملزومات مشترک نیز از جمله ملزومات خاص قرار می‌گیرد. مانند آب برای پروژه‌ی آب شیرین کن، برق برای پروژه‌ی نیروگاهی، اراضی برای پروژه‌های کشت و صنعت که در پروژه‌ی آب شیرین کن تأمین آب در "دوره‌ی احداث" جزو ملزومات مشترک است ولی در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" جزو ملزومات خاص خواهد بود و در مورد برق و اراضی نیز برای پروژه‌ی نیروگاه یا کشت و صنعت به همین نحو خواهد بود.

تعهد به تأمین ملزومات "پروژه" اعم از ملزومات مشترک یا ملزومات خاص، بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" توافق می‌گردد و "طرف" تأمین کننده‌ی ملزومات تعیین می‌گردد. به طور مثال، برای احداث نیروگاه، تأمین اراضی برای احداث نیروگاه از سوی "سرمایه‌پذیر" تأمین می‌گردد و با دریافت اجاره بها و یا به صورت مجانی در اختیار "شرکت" در "دوره‌ی مجاز" قرار می‌گیرد. به همین نحو در مورد تأمین آب خام برای پروژه‌ی آب شیرین کن، "سرمایه‌پذیر" متعهد به تأمین آب می‌شود.

بدیهی است وقتی که "شرکت" متعهد به تأمین تمام ملزومات "پروژه" باشد، تمام ریسک‌های ناشی از تعهد یاد شده با "شرکت" خواهد بود و "سرمایه‌پذیر" تنها در مقابل آماده بودن "محصول پروژه"، متعهد به دریافت محصول و پرداخت بهای "محصول پروژه" خواهد بود. ولی هرگاه "سرمایه‌پذیر" علاوه بر تعهد پیشگفته در تأمین برخی از ملزومات تعهد کند، مسئولیت ناشی از این تعهدات را نیز خواهد داشت و هرگاه در تأمین این ملزومات "قصور" نماید، آثار تأخیر با "سرمایه‌پذیر" خواهد بود.

در تأمین ملزومات پروژه در بعضی از موارد الزاماتی مطرح است که "دوطرف" نمی‌توانند خلاف این الزامات توافقی در "موافقت‌نامه" به عمل آورند. به طور مثال هرگاه تملک اراضی برای "شرکت" به عنوان شرکت خارجی مقدور نباشد، آسان‌ترین راه این است که اراضی مورد نیاز برای اجرای "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" تأمین و در

اختیار **"شرکت"** قرار داده شود یا اگر **"مواد اولیه"**ی مورد نیاز برای **"پروژه"** به صورت انحصاری در اختیار **"سرمایه پذیر"** باشد، تأمین **"مواد اولیه"** در تعهد **"سرمایه پذیر"** قرار خواهد گرفت، مانند تأمین آب خام توسط شرکت دولتی که استحصال آب را بر عهده دارد یا در پروژه‌ی ترانزیت گاز که گاز به طور انحصاری در اختیار شرکت خاص دولتی است.

علاوه بر محدودیت‌هایی که در تأمین ملزومات **"پروژه"** که بیشتر به موجب مقررات است، در برخی از موارد، با وجود این که به موجب مقررات در تأمین ملزومات محدودیتی وجود ندارد، ولی مصلحت **"دوطرف"** چنین موردی را ایجاب می‌کند. به طور مثال کاهش حجم سرمایه‌گذاری ایجاب می‌کند که اراضی مورد نیاز برای احداث **"پروژه"** راه یا تأمین سوخت مورد نیاز برای احداث نیروگاه و یا تأمین آب خام برای پروژه‌ی آب شیرکن از سوی **"سرمایه پذیر"** تدارک و تأمین گردد و از حجم سرمایه‌گذاری **"شرکت"** کاسته شود.

با توجه به مراتب یاد شده در هر پروژه‌ی **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری**، باید تمام ملزومات **"پروژه"** شناسایی شود و به اقتضای امکانات و توانایی‌های **"دوطرف"** و مصلحت‌های **"پروژه"** در مورد تعیین متعهد به تأمین ملزومات، توافق گردد.

### ۳۱. آزمایش و راه اندازی

**"شرکت"** با تکمیل **"پروژه"**، پایان **"دوره‌ی احداث"** و شروع **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"** را به **"سرمایه پذیر"** اعلام می‌کند و برای نظارت بر انجام آزمایش‌های مربوط به راه اندازی برای شروع **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، از **"سرمایه پذیر"** دعوت به عمل می‌آورد. با انجام موفقیت آمیز آزمایش‌های راه اندازی **"پروژه"** و تحقق ظرفیت و کارایی تضمینی درج شده در **"موافقت‌نامه"**، **"دوطرف"** آغاز **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"** را اعلام می‌کنند.

در قراردادهای **"پیمانکار EPC"** و **"پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"** پیش بینی می‌شود تا پیمانکار بهره‌بردار بر انجام آزمایش‌های آماده سازی و راه اندازی **"پروژه"** و تطبیق شرایط **"پروژه"** با شرایط قراردادی نظارت کند و با تأیید آزمایش‌های راه اندازی که از سوی شرکت **"پیمانکار EPC"** انجام می‌گیرد، قبولی خود را برای شروع بهره‌برداری تجاری اعلام نماید. به این ترتیب، با وجود حضور **"شرکت"** در جریان پایان **"دوره‌ی احداث"** و شروع **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، در عمل شرکت‌های **"پیمانکار EPC"** و **"پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"** باید تحقق موارد پیشگفته را اعلام کنند. هرگاه **"پیمانکار EPC"** در جریان آزمایش‌های تحقق ظرفیت و یا کارایی، مقادیر تضمینی را اثبات نکند، مکلف خواهد بود جریمه‌های درج شده در قرارداد را به **"شرکت"** پرداخت نماید. در این حالت، **"شرکت"** نیز در مقابل **"سرمایه پذیر"** به همین نحو مشمول جریمه خواهد شد.

به طور معمول در بیشتر پروژه‌های **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری**، **"سرمایه پذیر"** نیز در **"دوره‌ی احداث"** تعهدات قراردادی خاصی را برای احداث تأسیسات و یا فراهم آوردن امکاناتی برای تحقق بهره‌برداری تجاری **"پروژه"** می‌پذیرد. به طور مثال، هرگاه **"شرکت"** باید خط لوله و ایستگاه‌های پمپاژی برای انتقال آب از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر را اجرا کند، امکانات تأمین آب برای انتقال در نقطه‌ای و دریافت آب انتقال یافته در نقطه‌ای دیگر باید از سوی **"سرمایه پذیر"** فراهم گردد. از این رو، انجام آزمایش‌های راه اندازی **"پروژه"** مستلزم انجام آزمایش‌های راه اندازی در تأسیساتی که در تعهد سرمایه‌پذیر است نیز خواهد بود که باید همزمان انجام گیرد.

"شرکت" و "سرمایه‌پذیر" برای "دوره‌ی احداث" و شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" زمان‌هایی را در "موافقت‌نامه" توافق می‌کنند ولی در برخی از مواقع به دلیل حوادث یا شرایطی که در "دوره‌ی احداث" "پروژه" رخ می‌دهد، پایان احداث "پروژه" و شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" در زمان‌های توافق شده انجام نمی‌گیرد و ممکن است، بهره‌برداری تجاری "پروژه" پیش از تاریخ توافق شده و یا دیرتر از تاریخ توافق شده رخ دهد. حال اگر "پروژه" برای بهره‌برداری تجاری پیش از زمان‌های توافق شده آماده باشد، "دوطرف" تعهدی نسبت به انجام بهره‌برداری پیش از زمان تعیین شده ندارند و باید توافق جدیدی برای شروع زودتر بهره‌برداری صورت گیرد ولی هرگاه بهره‌برداری تجاری "پروژه" با تأخیر صورت گیرد و این تأخیر مربوط به "شرکت" باشد، باید جریمه‌هایی به "سرمایه‌پذیر" بپردازد و در مقابل پرداخت جرایم مربوط، مدت قرارداد تمدید شود. هرگاه تأخیر به دلایلی مربوط به "سرمایه‌پذیر" باشد، "شرکت" استحقاق دریافت "بهای ظرفیت" در مدتی که "قصور سرمایه‌پذیر" ادامه دارد را خواهد داشت.

### ۳۲. بهره‌برداری و نگهداری

قسمت عمده‌ی "دوره‌ی مجاز" بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر"، مربوط به "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه" است. "شرکت" همان طوری که در "دوره‌ی احداث" متعهد می‌شود نسبت به احداث "پروژه" با رعایت شرایط و مشخصات "موافقت‌نامه" اقدام کند و این تعهدات را به یک "پیمانکار EPC" واگذار نماید، در مورد بهره‌برداری تجاری نیز باید تعهدات خود را در زمینه‌ی بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" به یک "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" واگذار نماید و شرکت یاد شده مکلف خواهد بود که تمام ملزومات بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" در طول "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" را فراهم آورد. با توجه به طولانی بودن "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" باید "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری" را با یک شرکت مجرب و توانمند پیش از انجام آزمایش‌های راه اندازی نهایی کند و مقدمات شروع اجرای تعهدات او را فراهم نماید. از این رو، اجرای تعهدات از سوی "پیمانکار EPC" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" برای یک دوره‌ی ای همپوشانی خواهد داشت، در حالی که هر کدام به اجرای تعهدات قراردادی خود اقدام می‌کنند. هرگاه در "دوره‌ی احداث" یا در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در اجرای "پروژه" اختلافی بروز نماید، رعایت شرایط قرارداد اولویت خواهد داشت و اگر نظر "سرمایه‌پذیر" با شرایط قرارداد تعارضی داشته باشد، نظر "شرکت" تا تعیین تکلیف از طرف مرجع توافق شده در قرارداد برای حل اختلافات، رعایت می‌شود.

### ۳۳. "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری"

در بسیاری از موارد، بهره‌برداری از پروژه‌های زیربنایی مستلزم انجام هماهنگی‌هایی با سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی است. به طور مثال، بهره‌برداری از پروژه‌های نیروگاهی، پروژه‌ی آب شیرین کن، آزاد راه، فرودگاه، ترانزیت گاز، ترانزیت برق، شبکه مخابراتی و ... مستلزم هماهنگی‌هایی با سازمان‌های مختلف است. در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، اعمال این هماهنگی‌ها در حوزه‌ی وظایف "سرمایه‌پذیر" است که از یک طرف با سازمان‌های مختلف، هماهنگی‌های گوناگونی را انجام دهد و از طرف دیگر این برنامه‌ریزی و هماهنگی‌ها نیز باید با "شرکت" صورت گیرد.

در تأمین این هدفها در دوره‌ی احداث پروژه، "شرکت" با گزارش پیشرفت "پروژه" و جلسه‌های مشترک با "سرمایه‌پذیر"، در مورد هماهنگ کردن فعالیت‌های احداث "پروژه" با سایر تأسیسات جانبی اقدام می‌نماید. در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" که از حساسیت بیشتری برخوردار است، با توجه به ویژگی‌های هر پروژه، "شرکت" و "سرمایه‌پذیر"، پیش از شروع بهره‌برداری تجاری از "پروژه"، مبادرت به انتخاب نمایندگانی می‌کنند که مأموریت دارند هماهنگی‌های لازم برای برنامه‌ریزی عملیات بهره‌برداری را انجام دهند.

در کمیته‌ای که برای هماهنگی بهره‌برداری از پروژه تشکیل می‌شود، "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" به اقتضای طبیعت پروژه، نمایندگانی را تعیین می‌کنند و ریاست این کمیته در هر دوره‌ی زمانی توسط یکی از "دوطرف" خواهد بود و تصمیم‌گیری در مورد موضوع‌های مورد بررسی پروژه با اکثریت آرای اعضای کمیته اتخاذ خواهد شد.

"کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" تنها در مورد هماهنگ سازی بهره‌برداری صلاحیت دارد و هیچ گونه اختیاری برای تغییر تعهدات قراردادی "دوطرف" یا توافق مالی از جانب آن‌ها را نخواهد داشت. در موارد عمده‌ای که در کمیته‌ی پیشگفته بین "دوطرف" اختلاف نظر رخ می‌دهد و به تصمیم‌گیری نمی‌انجامد، موضوع با ارجاع به "دوطرف" و در آخر، به مرجع حل اختلاف، مورد حل و فصل قرار می‌گیرد.

#### ۳۴. بازرسی، تعمیر و نگهداری

با توجه به این که پروژه‌های زیربنایی برای عمر مفید طولانی طراحی می‌شوند و باید در طول عمر مفید و برای تأمین نیاز عمومی مورد بهره‌برداری قرار گیرند و در پایان بهره‌برداری تجاری از سوی "شرکت" برای ادامه‌ی بهره‌برداری به "سرمایه‌پذیر" واگذار گردند، از این رو "شرکت" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" باید تمام شرایط پیش بینی شده در مورد بهره‌برداری را رعایت کند و با انجام تعمیرات اساسی به موقع و صحیح، نسبت به واگذاری "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" در شرایط مورد توافق اقدام نماید.

"شرکت" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" با ارسال گزارش‌های بهره‌برداری و نگهداری از "پروژه" اعمال هرگونه تغییرات و انجام تعمیرات و حوادث را به "سرمایه‌پذیر" اعلام می‌نماید تا "سرمایه‌پذیر" در جریان تمام مسایل "پروژه" قرار گیرد و در مرحله‌ی واگذاری "پروژه"، بر شرایط حاکم بر "پروژه" اشراف لازم را داشته باشد.

#### ۳۵. محل اندازه‌گیری "محصول پروژه"

"نقطه‌ی تحویل محصول پروژه" یکی از نکاتی است که در چارچوب تعهدات و مسئولیت‌های "دوطرف" "موافقت‌نامه" بدان توجه می‌شود. در هر قراردادی باید مرزهای تعهدات و مسئولیت‌های "دوطرف" قرارداد به نحو مشخص و معین بیان شود. هرگاه چنین صراحتی در "موافقت‌نامه" وجود نداشته باشد، به طور اصولی زمینه‌ی بروز اختلاف را فراهم خواهد آورد. "نقطه‌ی تحویل محصول پروژه"، محل فیزیکی تعهد تحویل "محصول پروژه" از سوی "شرکت" در مقابل "سرمایه‌گذار" یا هر دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه" که پرداخت‌کننده‌ی قیمت خرید "محصول پروژه" نیز هست، خواهد بود. باید محلی برای اندازه‌گیری کمیت و یا کیفیت "محصول پروژه" در "موافقت‌نامه" تعیین شود. محل اندازه‌گیری، مقدم بر "نقطه‌ی تحویل محصول پروژه" است. محل اندازه‌گیری یکی از نقاطی است که تعهدات و مسئولیت‌های "دوطرف" "موافقت‌نامه" را از هم جدا می‌کند.

محل اندازه‌گیری به طور معمول تنها ناظر به کمیت "محصول پروژه" است که "سرمایه‌پذیر" یا دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه" آن را دریافت می‌کند ولی در برخی از پروژه‌ها، در محل اندازه‌گیری، کمیت و کیفیت "محصول پروژه" باید اندازه‌گیری شود.

اطلاعات ثبت شده در محل اندازه‌گیری یا محل‌های اندازه‌گیری (در صورتی که "محصول پروژه" باید در نقاط مختلف به دریافت‌کننده یا "سرمایه‌پذیر" تحویل شود)، از سوی نمایندگان "دوطرف" قرائت شده و مبنای تنظیم صورت حساب‌ها برای پرداخت قرار می‌گیرد.

### ۳۶. تحویل "محصول پروژه"

در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، استهلاک هزینه‌ها و سود سرمایه‌گذاری در "پروژه" از محل درآمدهای "پروژه" صورت می‌گیرد. این درآمدها از محل فروش "محصول پروژه" تأمین می‌گردد و در بیشتر موارد، "محصول پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" دریافت و بهای آن پرداخت می‌شود. در صورت عدم دریافت "محصول پروژه" با وجود آمادگی "شرکت"، "سرمایه‌پذیر" مکلف به پرداخت بهای "محصول پروژه" خواهد بود.

آماده‌سازی "محصول پروژه" از نظر کمیت و کیفیت از سوی "شرکت" برای دریافت از سوی "سرمایه‌پذیر"، در محل اندازه‌گیری "محصول پروژه" صورت می‌گیرد.

بررسی و اندازه‌گیری کمیت و کیفیت "محصول پروژه" در محل بستگی به نوع "پروژه" و ویژگی‌های "محصول پروژه" دارد. به طور مثال، در پروژه‌ی آب شیرین کن به تحویل حجم مشخصی آب با مشخصات معینی به شبکه آب در نقطه‌ای خاص توافق می‌شود. هرگاه موضوع "پروژه"، سرمایه‌گذاری برای احداث آزاد راه باشد، آماده‌سازی ظرفیت آزاد راه برای عبور تعداد مشخصی وسیله‌ی نقلیه توافق می‌شود. هرگاه "محصول پروژه" تولید برق باشد، آماده‌سازی ظرفیت تولید انرژی برق به مقدار مشخص و یا مشخصات معین در نقطه‌ی اندازه‌گیری و تحویل، مورد نظر خواهد بود. در صورت عدم تطابق کیفیت، دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه" می‌تواند جریان انتقال "محصول پروژه" را قطع کند و یا ادعای خسارت نماید.

در برخی از پروژه‌ها، "سرمایه‌پذیر" در دریافت "محصول پروژه" دخالتی ندارد بلکه "شرکت" باید "محصول پروژه" را در بازارهای داخلی و خارجی به میزان توافق شده به فروش رساند و از محل درآمد فروش "محصول پروژه"، هزینه‌های "پروژه" و سود سرمایه‌گذاری را مستهلک کند و به این ترتیب ریسک بازار برای فروش "محصول پروژه" نیز با "شرکت" است.

در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، "سرمایه‌پذیر" به هیچ وجه ریسک‌های احداث صحیح "پروژه" و بهره‌برداری بهینه‌ی "پروژه" را نمی‌پذیرد و تنها متعهد می‌شود در صورتی که "محصول پروژه" طبق شرایط قرارداد از سوی "شرکت" آماده شود، آن را دریافت کند و بهای مربوط را بپردازد. هرگاه با وجود آمادگی تحویل "محصول پروژه" "سرمایه‌پذیر" نخواهد یا نتواند آن را دریافت کند، باید "بهای ظرفیت" را به "شرکت" بپردازد یعنی شرایط حاکم در این مورد، شرایط "بپرداز چه ببری چه نبری" (Take or Pay) است.

### ۳۷. برنامه‌ریزی تولید "محصول پروژه"

برنامه‌ریزی تولید "محصول پروژه" بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در هر حالتی باید تعیین و توافق گردد، به نحوی که هرگاه "سرمایه‌پذیر" به موجب قرارداد ریسک بازار را پذیرفته باشد، "شرکت" با آماده ساختن "محصول پروژه"، استحقاق دریافت بهای محصول را پیدا کند. باید بین "دوطرف" مشخص شود که تولید محصول تابع چه برنامه‌ای در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" خواهد بود.

هرگاه "شرکت" موفق نشود که در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به میزان برنامه‌ریزی شده از "پروژه" استفاده نماید، "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" تمدید نخواهد شد و ضرر و زیان ناشی از عدم توانایی "شرکت" در تولید "محصول پروژه" طبق برنامه‌ریزی تولیدی، متوجه "شرکت" خواهد بود.

در پروژه‌هایی که برنامه‌ریزی برای تولید "محصول پروژه" مستلزم تأمین "مواد اولیه" از سوی "سرمایه‌پذیر" است، در برنامه‌ریزی باید به امکانات، مقدرات و محدودیت‌های مربوط به تأمین "مواد اولیه" و همچنین به محدودیت‌های فنی "پروژه" توجه شود و با رعایت موارد پیشگفته، برنامه‌ای که تولید "محصول پروژه" را برای "دوطرف" مقدور سازد، تهیه و توافق گردد.

تأمین "مواد اولیه" از سوی "سرمایه‌پذیر" باید در کمیت و کیفیت مورد توافق و تعیین شده در قرارداد انجام گیرد. از این رو هرگاه "سرمایه‌پذیر" "مواد اولیه" را به نحوی خارج از شرایط کمی و کیفی قراردادی تأمین نماید، "شرکت" می‌تواند از دریافت آن خودداری کند. در این صورت، تعهد پرداخت "بهای ظرفیت" همچنان با "سرمایه‌پذیر" خواهد بود و به همین نحو هرگاه کیفیت "محصول پروژه" با مشخصات کمی و یا کیفی درج شده در قرارداد تطبیق ننماید، "سرمایه‌پذیر" محق به رد "محصول پروژه" خواهد بود و "شرکت" استحقاق دریافت بهای محصول را نخواهد داشت.

### ۳۸. اسناد و گزارش‌ها

به اقتضای طبیعت پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، لازم است که "پروژه" در مرحله‌ی طراحی، احداث، بهره‌برداری و در آخر واگذاری، دارای "مشخصات فنی" معینی باشد. به همین دلیل در "موافقت‌نامه"، "دوطرف" توافق می‌کنند که "پروژه" در مرحله‌ی طراحی، از شرایط فنی خاصی تبعیت نماید و در مرحله‌ی احداث، تمام شرایط و "مشخصات فنی" مورد توافق بین "دوطرف" اجرا شود و در مرحله‌ی بهره‌برداری نیز از دستورالعمل‌های بهره‌برداری اصولی و بهینه به عنوان یک "بهره‌بردار مجرب" پیروی شود و با تأمین شرایط خاص فنی به وسیله‌ی انجام یک سلسله آزمایش‌ها، به "سرمایه‌پذیر" واگذار گردد. به همین منظور، اسناد و مدارکی در انعکاس شرایط پیشگفته و همچنین گزارش‌هایی در مورد رعایت موارد یاد شده بین "دوطرف"، تهیه و تنظیم می‌شود. اسناد و مدارک و گزارش‌ها باید متضمن شرایط مورد نظر "دوطرف" در زمان انعقاد "موافقت‌نامه" و بازگویی شرایط احداث "پروژه" برای رعایت "مشخصات فنی" در "دوره‌ی احداث" "پروژه" و همچنین رعایت ویژگی‌های بهره‌برداری و در آخر اثبات شرایط مربوط به "انتقال پروژه" باشد و هرگونه تغییر در موارد یاد شده باید با بیان دلیل در سوابق "پروژه" ثبت و نگهداری شود و به "سرمایه‌پذیر" منعکس گردد.

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، در برخی از پروژه‌های ساخت-بهره‌برداری-واگذاری، "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه" مساوی با عمر مفید "پروژه" در نظر گرفته می‌شود و در پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" مکلف است "پروژه" را در وضعیت موجود بدون انجام آزمایش‌هایی برای



اثبات ظرفیت و یا کارآیی مشخصی برای "پروژه"، به "سرمایه‌پذیر" واگذار نماید. بدیهی است در این صورت "دوطرف" برای ادامه‌ی بهره‌برداری از "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" دوره‌ای را پیش‌بینی نمی‌کند و پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" را با پایان عمر مفید "پروژه" مقارن تلقی می‌نمایند و مستلزم ارائه‌ی اسناد و مدارک برای اثبات ظرفیت و یا کارآیی مشخصی نیست.

"شرکت" در "دوره‌ی احداث" و "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، تمام اسناد و مدارک "پروژه" را به صورت منظم و مرتب در "ساختگاه پروژه" نگهداری می‌کند که هر زمان "سرمایه‌پذیر" نیاز به مراجعه به مرکز اسناد و مدارک یاد شده داشته باشد، بتواند با اعلام قبلی به مرکز اسناد و مدارک مراجعه نماید.

### ۳۹. تضمین پرداخت‌ها

به طور معمول در قراردادهای برای اطمینان از ایفای تعهدات قراردادی از سوی متعهد، تضمینی به نام ذینفع از سوی متعهد تهیه و تسلیم می‌شود. در مورد پروژه‌های زیربنایی که به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری اجرا می‌شود، تنها منبع تحصیل درآمد "شرکت" برای استهلاک هزینه‌های "پروژه" و کسب سود سرمایه‌گذاری، پرداخت بهای "محصول پروژه" است که از سوی "سرمایه‌پذیر" انجام می‌شود. از این رو، همان طور که "سرمایه‌پذیر" انتظار دارد که "شرکت" در مقاطع مختلف برای اجرای تعهدات قراردادی خود "ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" و "ضمانت‌نامه‌ی اجرا" و "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" ارائه نماید، در مقابل، "شرکت" انتظار دارد که "سرمایه‌پذیر" به عنوان دریافت‌کننده‌ی "محصول پروژه"، برای تعهد پرداخت خود تضمینی را ارائه نماید تا هرگاه در اجرای تعهدات پرداخت خود مرتکب "قصور" شود، "شرکت" با مراجعه به تضمین، مبالغ قابل تأدیه را وصول و به تعهدات مالی خود در قبال وام‌دهندگان و سرمایه‌گذاران عمل کند.

به موجب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۸۱ Foreign Investment Promotion and Protection Act (FIPPA). هرگاه "سرمایه‌پذیر" "دستگاه اجرایی" باشد که به صورت انحصاری خریدار "محصول پروژه" است، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف خواهد بود که تعهد "دستگاه اجرایی" برای پرداخت بهای "محصول پروژه" را تضمین کند.

البته این پوشش‌ها تنها در مورد سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد که منوط به دریافت تصویب نامه‌ی سرمایه‌گذاری توسط "شرکت" است. برای دریافت مجوز سرمایه‌گذاری "سرمایه‌پذیر" می‌تواند مساعدت‌های لازم را به عمل آورد ولی "شرکت" باید نسبت به درخواست تصویب نامه با تکمیل فرم‌ها و ارائه‌ی اطلاعات لازم اقدام کند.

### ۴۰. روش پرداخت

در "دوره‌ی احداث" "پروژه"، هیچ‌گونه پرداختی از سوی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" انجام نمی‌شود. در مواردی هم که تأمین ملزوماتی از "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" تعهد شده باشد مانند تأمین اراضی "ساختگاه" "پروژه"، احداث تأسیساتی که برای تأمین "مواد اولیه" و یا تأسیساتی که برای تحویل "محصول پروژه" مورد نیاز است "سرمایه‌پذیر" هزینه‌های آن را خود تقبل کرده است. در سایر موارد، "شرکت" تمام هزینه‌های احداث "پروژه" را از محل آورده سهامداران "شرکت" و وام دریافتی از وام‌دهندگان پروژه تأمین می‌کند.

پس از انجام آزمایش‌های راه اندازی "پروژه" و شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، "سرمایه‌پذیر" به عنوان دریافت کننده‌ی "محصول پروژه" باید بهای "محصول پروژه" را به "شرکت" پرداخت نماید. در این زمینه، همان طوری که بیشتر اشاره گردید، تعهد پرداخت "سرمایه‌پذیر" تنها موقوف به دریافت "محصول پروژه" است ولی مشروط به دریافت "محصول پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" نیست. از این رو، به محض آماده سازی "محصول پروژه" توسط "شرکت"، "سرمایه‌پذیر" مکلف به پرداخت بهای محصول خواهد بود.

پرداخت بهای "محصول پروژه" به طور معمول و متعارف به شکل‌های مختلف و به اعتبار نوع و طبیعت پروژه تعیین و توافق می‌شود. به طور مثال هرگاه "محصول پروژه" آماده سازی برای ارائه‌ی یک خدمت مورد نظر "سرمایه‌پذیر" باشد، آمادگی "پروژه" برای ارائه‌ی خدمت یاد شده، "محصول پروژه" خواهد بود. در مورد پروژه‌ی ترانزیت گاز، "شرکت" باید تمام امکانات را برای دریافت گاز در مبدأ از "سرمایه‌پذیر" و تحویل گاز در مقصد به "سرمایه‌پذیر" فراهم سازد، هر چند "سرمایه‌پذیر" در مبدأ گاز در اختیار "شرکت" برای ترانزیت قرار ندهد. در یک چنین پروژه‌ای، پرداخت برای دریافت خدمات بر مبنای ظرفیت آماده برای ترانزیت گاز است و هزینه‌های جاری "پروژه"، بر مبنای بهای هزینه‌های ترانزیت واقعی گاز پرداخت می‌شود. مبنای پرداخت آمادگی ظرفیت بر اساس "بپرداز چه ببری چه نبری" (Take or Pay) است ولی مبنای پرداخت خدمات ترانزیت بر اساس "ببر و بپرداز" (Take and Pay) خواهد بود.

"شرکت"، از زمانی که آزمایش‌های راه اندازی "پروژه"، کارآیی و ظرفیت "پروژه" را به میزان مقادیر تضمین شده در قرارداد اثبات می‌کند، استحقاق دریافت "بهای ظرفیت" را پیدا می‌نماید، ولی در مورد "بهای تولید" استحقاق "شرکت" معلق به ارائه‌ی خدمات خواهد بود.

در عمده‌ی پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری، "بهای ظرفیت" به طور عمده ثابت و غیرقابل تعدیل پیش بینی می‌گردد و در برخی از پروژه‌ها، بخش اندکی از "بهای ظرفیت" که مربوط به تأمین قطعات یدکی یا تعمیرات مستمر و همچنین هزینه‌ی نیروی انسانی ثابت است، مشمول تعدیل می‌شود. ضرورت قابل تعدیل بودن جزئی از "بهای ظرفیت" به علت عدم امکان پیش بینی تغییر قیمت‌های مربوط به عوامل مورد نیاز "پروژه" در طول دوره‌ی سال‌های متمادی بهره‌برداری است.

"شرکت" در ابتدای هر ماه، بر مبنای مقادیر تولید و یا آمادگی تولید، که در نقطه‌ی تحویل اندازه گیری می‌شود و از سوی نمایندگان "دوطرف" مورد تسجیل قرار می‌گیرد، "صورت حساب ماهانه" تنظیم و صادر می‌نماید. "سرمایه‌پذیر" با دریافت صورت حساب، آن را بررسی می‌کند. در صورت تأیید، نسبت به پرداخت آن اقدام می‌نماید و در صورت اختلاف نظر، برای اصلاح موارد، مراتب را به "شرکت" منعکس می‌نماید و هرگاه "شرکت" ایراد مطروحه را وارد تشخیص دهد، نسبت به اصلاح صورت حساب اقدام می‌کند در غیر این صورت، "سرمایه‌پذیر" مکلف است مبالغ غیر اختلافی را بپردازد. هرگاه مبالغ تأیید شده از سوی "سرمایه‌پذیر" کمتر از مبالغی باشد که "شرکت" باید به وام دهندگان پرداخت کند باید حداقل پرداختی "سرمایه‌پذیر" به میزان بدهی "شرکت" به وام دهندگان باشد و اختلاف در مورد مبلغ صورت حساب به نحو تعیین شده در روش حل اختلاف قرارداد، مورد رسیدگی قرار گیرد.

علاوه بر **"صورت حساب ماهانه"**، صورت حساب‌های سالانه نیز صادر می‌شود. در انتهای هر سال، **"شرکت"** با توجه به شرایط واقعی بهره‌برداری در هر سال، مبادرت به صدور صورت حساب سالانه برای تسویه‌ی مطالبات مربوط به آن سال می‌نماید.

**"صورت حساب ماهانه"** و صورت حساب‌های سالانه، برای ظرفیت و برای تولید به صورت تفکیکی تنظیم می‌شود. مبالغ صورت حساب به طور عموم مرکب از یک ارز خارجی و یک پول داخلی است. به طور اصولی، سرمایه‌گذار خارجی برای تأمین هزینه‌های **"پروژه"**، سرمایه‌ی ارزی را به وسیله سیستم بانکی وارد کشور **"سرمایه‌پذیر"** می‌کند و با تبدیل آن به پول داخلی، نیازهای مالی **"پروژه"** را تأمین می‌نماید. هرگاه در پروژه ای که به روش پیشگفته اجرا می‌شود، پرداخت‌ها تنها به پول ملی صورت گیرد، در این صورت باید ریسک تبدیل پول داخلی به ارز وارد شده به کشور، از سوی **"سرمایه‌پذیر"** پذیرفته شود.

مکانیزم پرداخت بهای **"محصول پروژه"** از سوی **"سرمایه‌پذیر"** باگشایش یک فقره **"اعتبار اسنادی"** غیرقابل برگشت به نفع **"شرکت"** است که به طور معمول، مبلغ **"اعتبار اسنادی"**، پرداخت بهای **"محصول پروژه"** را برای مدت معینی تأمین می‌کند. پیش از پایان مبلغ **"اعتبار اسنادی"**، **"سرمایه‌پذیر"** مکلف به تکمیل موجودی **"اعتبار اسنادی"** به میزان مبلغ مورد توافق است. این **"اعتبار اسنادی"**، هم می‌تواند تنها برای پرداخت‌های ارزی **"پروژه"** گشایش شود و هم می‌تواند برای پرداخت‌های ارز داخلی افتتاح گردد.

پرداخت‌های صورت حساب **"شرکت"** از محل **"اعتبار اسنادی"** به طور معمول باید بدون کسور انجام گیرد. در موارد استثنایی و به صورت محدود، **"شرکت"** توافق می‌کند که مبالغی در شرایط خاص از صورت حساب‌ها کسر گردد. در هر صورت اعمال کسور باید به نحوی باشد که در پرداخت بدهی‌های **"شرکت"** به وام دهندگان، ایجاد خلل ننماید.

#### ۴۱. خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"

هدف **"دوطرف"** در تنظیم **"موافقت‌نامه"**، تحقق موضوع **"موافقت‌نامه"** است و تمام تلاش‌هایی که در تنظیم روابط **"دوطرف"** به عمل می‌آید، همه به منظور تصویب اسباب تحقق موضوع **"موافقت‌نامه"** است ولی با وجود تلاش و خواست **"طرف"**های **"موافقت‌نامه"**، شرایطی در اجرای **"موافقت‌نامه"** پیش می‌آید که تحقق موضوع **"موافقت‌نامه"** مستلزم قطع روابط قراردادی بین **"دوطرف"** و اقدام در تکمیل موضوع **"موافقت‌نامه"** به نحو و سیاق دیگری است.

یکی از دلایل شایع برای قطع ارتباط قراردادی بین **"دوطرف"** قرارداد، ارتکاب **"قصور"** از جانب یکی از **"طرف"**های قرارداد است که قادر یا حاضر به رفع مورد تخلف نیست و مصلحت **"طرف"** دیگر ایجاب می‌نماید که روابط قراردادی را قطع کند و تدبیر دیگری برای ادامه موضوع قرارداد اتخاذ نماید.

تخلف و **"قصور"** در اجرای قراردادها از انواع متنوع و زیادی برخوردار است. تخلف در مشخصات، تخلف در زمان اجرای **"پروژه"**، تخلف در اجرای **"پروژه"**، تخلف در مبلغ **"پروژه"** و ... هر یک از این موارد می‌تواند در **"موافقت‌نامه"** برای **"طرف"** مقابل ایجاد حق خاتمه‌ی **"موافقت‌نامه"** را بنماید.

روش خاتمه دادن به **"موافقت‌نامه"** به اقتضای تنوع، ماهیت و موضوع **"موافقت‌نامه"** از گستردگی خاصی برخوردار است. در **"موافقت‌نامه"** با وقوع تخلف برای **"طرف"** مقابل حق فسخ ایجاد نمی‌شود بلکه به **"طرف"** مقابل حق داده می‌شود که وقوع تخلف را به **"طرف"** متخلف تذکر دهد و رفع آثار تخلف و اعاده‌ی وضع به شرایط

پیش را خواستار گردد و اگر "طرف" متخلف در فرجه‌ی مورد توافق، نسبت به رفع تخلف اقدام نمود، رابطه به شرایط پیش از وقوع تخلف اعاده می‌گردد و اجرای "موافقت‌نامه" ادامه پیدا می‌کند، ولی هرگاه "طرف" متخلف به رفع تخلف اقدام ننماید، "طرف" مقابل حق خواهد داشت نسبت به خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" اقدام کند و رابطه‌ی قرارداد را خاتمه دهد.

در پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری علاوه بر ارتکاب تخلف یا "قصور" از جانب هر یک از "دوطرف"، وقوع "حادثه‌ی قهریه" ای که برای مدت طولانی دوام داشته باشد، می‌تواند موجب خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" شود. "حادثه‌ی قهریه" اگر از نوع طبیعی باشد که بیشتر حوادث طبیعی و بلایای آسمانی را شامل می‌شود تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد و از محل این پوشش، غرامت لازم برای اعاده‌ی وضع "پروژه" به وضعیت پیش از "حادثه‌ی قهریه" دریافت می‌گردد. از این رو در این قبیل موارد، بیشتر "دوطرف" ترجیح می‌دهند که طبق شرایط قراردادهای بیمه عمل نمایند. ولی هرگاه پوشش بیمه ای برای حوادث طبیعی تأمین نشده باشد، مسئولیت در مورد وقوع "حادثه‌ی قهریه" با طرفی خواهد بود که ریسک یاد شده را پذیرفته است.

بعضی از حوادث قهریه سیاسی هستند مانند جنگ، شورش، اعتصاب و ... که به طور متعارف این موارد با نرخ‌های بالایی قابل بیمه شدن هستند که تأمین چنین بیمه‌هایی هزینه‌های "پروژه" را به صورت عمده ای افزایش می‌دهد و یا به طور کلی حوادث یاد شده تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرند. در این قبیل موارد، "سرمایه‌پذیر" ریسک حوادث قهریه‌ی سیاسی را می‌پذیرد و در صورتی که این حوادث برای مدت قابل ملاحظه ای پایدار بماند (به طور معمول این مدت در "موافقت‌نامه" مورد توافق قرار می‌گیرد)، هر یک از "دوطرف" می‌توانند نسبت به خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" اقدام نمایند.

در پروژه‌های ساخت- بهره‌برداری- واگذاری اگر "موافقت‌نامه" به دلیل "قصور شرکت" یا "قصور سرمایه‌پذیر" خاتمه یابد، آثار آن متفاوت خواهد بود. هرگاه "شرکت" در اجرای تعهدات قراردادی مرتکب "قصور" شود و در فرجه‌ی قراردادی نسبت به رفع نقص و آثار تخلف اقدام ننماید، "سرمایه‌پذیر" می‌تواند نسبت به خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" اقدام و مبالغ باقیمانده‌ی وام و سودهای متعلقه را به وام‌دهندگان پرداخت نماید ولی آورده‌ی سهامداران "شرکت" را پرداخت نمی‌نماید. هرگاه برعکس در دوره‌ی بهره‌برداری، "سرمایه‌پذیر" تخلف کند و "شرکت" "موافقت‌نامه" را خاتمه دهد، مانده‌ی وام و مانده‌ی سرمایه‌ی "شرکت" با سودهای متعلقه را از "سرمایه‌پذیر" دریافت می‌نماید.

در مورد وقوع حوادث قهریه‌ی سیاسی ضمن این که باقیمانده‌ی وام و آورده‌ی سهامداران به انضمام سودهای متعلقه پرداخت می‌شود ولی احتمال دارد بعضی از هزینه‌ها به "شرکت" پرداخت نگردد، به دلیل این که در "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" پیش آمده "سرمایه‌پذیر" نه تنها مقصر نیست بلکه متحمل ضرر و زیان متناهی نیز می‌شود. در مورد تمایل به خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" به دلیل تخلف "شرکت"، "سرمایه‌پذیر" باید تصویر اختاریه‌ی رفع نقص را به وام‌دهندگان نیز ابلاغ کند تا اگر تمایل داشته باشند بتوانند از اختیارات قراردادی خود برای رفع تخلف استفاده نمایند. همچنین در مرحله‌ی اخطار خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" نیز باید مراتب به وام‌دهندگان اعلام شود تا وام‌دهندگان به فراخور مصلحت خود برای ادامه‌ی اجرای "پروژه" تصمیم لازم را اتخاذ نمایند. در مورد خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" به دلیل تخلف "سرمایه‌پذیر"، "شرکت" مکلف است در مرحله صدور اخطار و رفع نقص و همچنین در مرحله‌ی اخطار خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"، مراتب را به "ضامن" "سرمایه‌پذیر" اعلام نماید.

در صورت خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"، "دوطرف" باید بر مبنای الگوی مالی "موافقت‌نامه" و بر حسب علت خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"، نسبت به تعیین "بهای انتقال" "پروژه" اقدام کنند و "سرمایه‌پذیر" می‌تواند با پرداخت مبلغ تعیین شده به "شرکت"، نسبت به تصرف "پروژه" و ادامه‌ی بهره‌برداری آن اقدام نماید. "سرمایه‌پذیر" همچنین می‌تواند یک فقره "اعتبار اسنادی" به میزان "بهای انتقال" "پروژه" برای مدت مشخصی که "دوطرف" در "موافقت‌نامه" تعیین و توافق می‌کند، گشایش نماید و با گشایش "اعتبار اسنادی"، نسبت به تصرف "پروژه" برای ادامه‌ی بهره‌برداری اقدام نماید. با پرداخت "بهای انتقال" "پروژه"، تمام حقوق و منافع "شرکت" در "پروژه" به "سرمایه‌پذیر" منتقل می‌گردد.

در پایان انقضای "موافقت‌نامه"‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، "شرکت" به طور معمول باید پیش از پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، نسبت به آموزش کارکنان "سرمایه‌پذیر" و انجام آزمایش‌های کارایی اقدام کند ولی در مورد خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"، به طور معمول "دوطرف" در شرایطی نیستند که بتوانند تعهدات پیشگفته را عمل نمایند. در برخی از موارد به اقتضای مورد و به میزان مقدور نسبت به انجام تعهدات یاد شده اقدام می‌شود.

#### ۴۲. "انتقال پروژه"

در روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، آخرین تعهد "شرکت" واگذاری پروژه به "سرمایه‌پذیر" است. در این روش "شرکت" پس از "دوره‌ی احداث" که طی آن "پروژه" را تکمیل و آماده‌ی بهره‌برداری می‌کند، در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، از محل درآمدهای حاصل از این دوره، تمام هزینه‌های "پروژه" و سود سرمایه‌گذاری خود را مستهلک می‌نماید و در آخر، "پروژه" را به "سرمایه‌پذیر" واگذار می‌کند. هرگاه "شرکت" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" که برای مدت مشخص بین "دوطرف" توافق می‌شود، به علت غیر مربوط به "سرمایه‌پذیر"، نتواند "پروژه" را در شرایط مطلوب برای بهره‌برداری قرار دهد و به همین دلیل درآمدهای مورد انتظار از "پروژه" را تحصیل نکند، "سرمایه‌پذیر" هیچ‌گونه مسئولیتی را در این زمینه نخواهد داشت و "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" نیز به این دلیل تمدید نمی‌شود.

واگذاری پروژه در پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به شکل‌های مختلفی به اقتضای نوع و طبیعت پروژه بین "دوطرف" توافق می‌گردد. در برخی از پروژه‌ها، "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه" از سوی "شرکت" معادل دوره‌ی عمر مفید طراحی "پروژه" است و "سرمایه‌پذیر" انتظار ندارد پس از واگذاری پروژه در پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" از سوی "شرکت"، نسبت به ادامه‌ی بهره‌برداری تجاری از "پروژه" اقدام کند. به همین دلیل، موافقت می‌شود که در پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" نسبت به واگذاری آن در وضع موجود و به نحوی که پروژه هست به "سرمایه‌پذیر" اقدام نماید. مزیتی که در این روش دیده می‌شود این است که به دلیل طولانی بودن "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" برای "شرکت"، هزینه‌های "پروژه" در مدت زمان طولانی تری توزیع می‌شود و "هزینه‌ی کل" "پروژه" کمتر می‌گردد و "شرکت" تعهدی در مورد ارائه‌ی آموزش بهره‌برداری به کارکنان "سرمایه‌پذیر"، تأمین لوازم یدکی و انجام تعمیرات اساسی به منظور ارتقای ظرفیت و کارایی "پروژه" و در آخر هزینه‌ی برگزاری آزمایش‌های انتقال را ندارد. با توجه به این که این تعهدات در آخر "دوره‌ی مجاز" اتفاق می‌افتد، پیش‌بینی هزینه‌های تعهدات یاد شده نیز توأم با ریسک بیشتری خواهد بود.

روش دیگری که در واگذاری پروژه انجام می‌شود این است که **"شرکت"** پیش از رسیدن به پایان **"دورهی بهره‌برداری تجاری"**، به طور مثال ۲ تا ۳ سال پیش از پایان **"دورهی بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"**، تضمین نامه ای به عنوان **"ضمانت‌نامه‌ی انتقال"** به میزان حداقل مجموع در آمد مورد انتظار در دوره‌ی باقیمانده از **"دورهی بهره‌برداری تجاری"** تهیه و تسلیم **"سرمایه‌پذیر"** می‌نماید. **"شرکت"** در این مدت باید نسبت به تأمین و آماده سازی شرایط ناظر به واگذاری اقدام کند. به طور مثال تدوین و انجام برنامه‌های آموزشی کارکنان **"سرمایه‌پذیر"**، تهیه‌ی فهرست لوازم یدکی، انجام تعمیرات اساسی برای ارتقای کارایی ظرفیت پروژه به میزان تعیین شده در **"موافقت‌نامه"**، تهیه و تسلیم اسناد و مدارک و دستورالعمل‌های بهره‌برداری و تعمیرات و نگهداری **"پروژه"** و انجام **"آزمایش‌های انتقال"** در زمان‌های مقرر به **"سرمایه‌پذیر"** از جمله‌ی این اقدامات است. هرگاه در انجام آزمایش‌های واگذاری، **"شرکت"** موفق به اثبات کارایی ظرفیت مورد تعهد نگردد، باید جریمه‌های مقرر در **"موافقت‌نامه"** را بپردازد. از این رو ریسک **"شرکت"** بیشتر است و **"سرمایه‌پذیر"** **"پروژه"** را در شرایط آماده برای ادامه‌ی بهره‌برداری تحویل می‌گیرد.

روش دیگری نیز در مورد واگذاری پروژه به **"سرمایه‌پذیر"** دیده می‌شود. با توجه به این که **"دوطرف"** وضع **"پروژه"** را در پایان **"دورهی بهره‌برداری تجاری"** که بین ۲۰ تا ۲۵ سال است نمی‌توانند دقیق برآورد کنند، توافق می‌نمایند که در پایان **"دورهی بهره‌برداری تجاری"** در مورد بازسازی و نوسازی **"پروژه"** و انجام آموزش و تأمین لوازم یدکی مذاکره نمایند و به شیوه ای که موافقت می‌کنند، واگذاری پروژه از **"شرکت"** به **"سرمایه‌پذیر"** صورت گیرد. در این روش، ریسک **"شرکت"** منطقی خواهد بود و **"سرمایه‌پذیر"** نیز هزینه‌های ریسک تعهدات غیرشفاف را نمی‌پردازد.

فارغ از روش‌های مختلف واگذاری پروژه به **"سرمایه‌پذیر"**، در پایان **"دورهی بهره‌برداری تجاری"** و در هر شرایطی **"شرکت"** متعهد است که **"پروژه"** را بدون دریافت مبلغی و بدون این که طرف ثالثی در **"پروژه"** حقی داشته باشد، به **"سرمایه‌پذیر"** واگذار کند.

#### ۴۳. مالیات

**"شرکت"** به طور کلی متعهد است که طبق **"قوانین و مقررات"** حاکم نسبت به پرداخت مالیات و حقوق دولتی اقدام نماید. در حالت سرمایه‌گذاری خارجی، مشابه سرمایه‌گذاران داخلی که در فعالیت‌های اقتصادی از معافیت‌هایی برخوردار هستند، **"شرکت"** نیز از معافیت‌های مقرر در قانون استفاده می‌کند. دامنه‌ی معافیت‌ها و یا تخفیف‌های مربوط به مالیات و حقوق دولتی به اعتبار نوع **"پروژه"** و **"ساختگاه"** **"پروژه"** متفاوت است و در هر مورد به اقتضای موارد مربوط تعیین می‌شود.

تعهد **"شرکت"** در مورد مالیات و سایر حقوق دولتی با رعایت معافیت‌ها و تخفیف‌ها و با نرخ‌های حاکم در **"تاریخ نفوذ"** **"موافقت‌نامه"** است که **"شرکت"** با اعمال محاسبات مربوط به مالیات و حقوق دولتی، نسبت به تعیین بهای **"محصول پروژه"** توافق می‌کند. بدیهی است هرگونه **"تغییر در قوانین و مقررات"** که در اقتصاد پروژه مؤثر باشد و در نتیجه‌ی هزینه‌های **"شرکت"** را کاهش یا افزایش دهد، باید به عنوان یکی از مصادیق **"تغییر در قوانین و مقررات"** عمل شود.

#### ۴۴. بیمه

در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، یکی از مسایل مهم که وام دهندگان بیش از سرمایه‌گذاران و آورده‌گذاران "شرکت" به آن توجه می‌کنند، توزیع ریسک بین "دوطرف" "موافقت‌نامه" است. وام دهندگان به طور اصولی در هیچ نوع ریسکی شرکت نمی‌کنند و به همین دلیل در هر شرایطی که "پروژه" ناموفق باشد، مبالغ وام استفاده شده با سود و هزینه‌های پیش بینی شده در "موافقت‌نامه‌ی تأمین مالی" باید به وام دهندگان بازپرداخت شود. همچنین وام دهندگان اصرار دارند که "شرکت" باید تمام ریسک‌های خود را به "پیمانکار EPC" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" منتقل نماید و "شرکت" نیز باید تمام پوشش‌های بیمه‌ای را به طور کامل تحصیل کند به طوری که در صورت وقوع حادثه‌ی تحت پوشش بیمه، با دریافت غرامت از بیمه، شرایط پروژه به نحو سابق اعاده شود.

در مورد حوادثی که تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند، "شرکت" با "پیمانکار EPC" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" به طور مشترک اقدام می‌نماید ولی در این مورد بعضی از حوادث قابل بیمه کردن نیستند و در مورد بعضی از حوادث نرخ بیمه بسیار گران است و تحصیل بیمه نامه با نرخ یاد شده، موجب افزایش هزینه‌های پروژه‌ها می‌شود. در این قبیل موارد، "سرمایه‌پذیر" باید در مورد دریافت بیمه نامه با نرخ بالا یا قبول ریسک اتخاذ تصمیم نماید.

برخی از حوادث قهریه سیاسی می‌توانند تحت پوشش بیمه قرار گیرند ولی در این قبیل موارد با توجه به این که "سرمایه‌پذیر" در شرایط بهتری برای مدیریت و کنترل ریسک‌های سیاسی قرار دارد، مسئولیت ناظر به چنین حوادث، متوجه "سرمایه‌پذیر" می‌شود.

در مواردی که پوشش بیمه‌ای برای حوادث تحصیل می‌شود، تمام اقدامات برای اعلام وقوع حادثه و کارشناسی برای تعیین غرامت و وصول آن با ذینفع بیمه نامه است و هیچ گونه مسئولیتی در این موارد متوجه "سرمایه‌پذیر" نخواهد بود و در صورت عدم کفایت غرامت برای اعاده‌ی "پروژه" به وضع پیش از حادثه، "شرکت" مسئول جبران کسری غرامت خواهد بود.

#### ۴۵. "تغییر در قوانین و مقررات"

روابطی که به موجب قراردادهای طولانی مدت تنظیم می‌گردد، به اعتبار "تغییر در قوانین و مقررات" حاکم، تغییر شرایط "پروژه" و تغییر اراده‌ی "دوطرف" "موافقت‌نامه" می‌تواند تغییر کند. بی شک در یک دوره‌ی ۲۵ تا ۳۰ ساله، "قوانین و مقررات" حاکم بر روابط "دوطرف" "موافقت‌نامه" تغییر می‌نماید و این تغییر می‌تواند در روابط قراردادی "دوطرف" در زمینه‌های مختلف اثر گذار باشد. توافق در نحوه‌ی اقدام در این قبیل موارد می‌تواند اجرای "پروژه" را از تعلیق و توقف خارج سازد و در زمان مواجهه با چنین شرایطی، به نحو توافق شده با موضوع برخورد شود.

"تغییر در قوانین و مقررات" حاکم بر قرارداد در شکل‌ها و شیوه‌های مختلفی می‌تواند تحقق پیدا کند. این موارد می‌تواند وضع قانون جدید یا تغییر در قانون فعلی باشد. در مورد تغییر در مقررات که شامل تصویب نامه، آیین نامه، دستورالعمل و بخشنامه‌هایی که برای "دوطرف" لازم الاجراست هم مشابه با تغییر قوانین باید آثار ناشی از تغییر در مقررات بین "دوطرف" در "موافقت‌نامه" اصلاح شود. به طور مثال اگر در قوانین و مقررات کار محدودیتی در میزان کارکرد کارگران وضع گردد، در اجرای "پروژه" مؤثر خواهد بود و "دوره‌ی احداث" را طولانی تر خواهد کرد یا در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" باید تمهیدات جدیدی برای بهره‌برداری مستمر از "پروژه" بین

"دوطرف" توافق گردد. احتمال دارد در قوانین و مقررات تغییراتی داده شود که هزینه‌ی اجرای تعهدات را برای "شرکت" کاهش یا افزایش دهد از این رو، در "موافقت‌نامه" ساز و کاری باید پیش بینی گردد که در صورت اعمال تغییرات در قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد، روابط "دوطرف" به اقتضای قوانین و مقررات جدید اصلاح شود. در مورد "تغییر در قوانین و مقررات" که به طور نسبی یا مطلق، امکان اجرای "پروژه" را از "شرکت" سلب می‌کند باید به اقتضای مورد از پوشش‌های پیش بینی شده در قانون یا "موافقت‌نامه" استفاده نمود. با توجه به این که حقوق سرمایه‌گذار خارجی برای اجرای "پروژه" مورد حمایت قرار گرفته است، برای جبران خسارت سرمایه‌گذار خارجی باید غرامت پرداخت شود.

در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، برای مواردی شامل ملی کردن یا مصادره‌ی اموال سرمایه‌گذار خارجی، شرایطی برای تقویم و پرداخت غرامت پیش بینی گردیده است که طبق مقررات یاد شده در این موارد اقدام می‌شود.

#### ۴۶. حوادث قهریه

در "دوره‌ی مجاز" "موافقت‌نامه" حوادثی رخ می‌دهد که برای "دوطرف" "موافقت‌نامه" وقوع آن‌ها قابل پیش بینی نیست و امکان اجرای تعهدات قراردادی را از یک "طرف" یا "دوطرف" "موافقت‌نامه" سلب می‌نماید. این نوع حوادث در قراردادهایی که بین "دوطرف" به مدت طولانی اجرا می‌شود از احتمال وقوع بیشتری برخوردار است از این رو به طور عموم در تمام قراردادهای "دوطرف"، وقوع حوادث قهریه و نداشتن مسئولیت در عدم اجرای تعهدات قراردادی به دلیل حوادث قهریه را پیش بینی می‌کنند.

همان طور که پیش تر گفته شد، حوادث قهریه شامل حوادث طبیعی است که ناشی از طبیعت بوده مانند زلزله، سیل و طوفان و یا حوادث قهریه‌ی سیاسی است مانند جنگ، شورش و اعتصاب که به اقتضای همین تفاوت در نوع "حادثه‌ی قهریه"، برخوردهای مختلفی با موارد یاد شده می‌گردد.

در مورد حوادث قهریه ای که طبیعی هستند به طور معمول "شرکت" مسئولیت ناشی از این قبیل حوادث را می‌پذیرد و با انتقال مسئولیت‌های یاد شده به "پیمانکار EPC" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"، نسبت به تحصیل پوشش‌های بیمه ای اقدام می‌نماید و با وقوع هر حادثه‌ی تحت پوشش، با دریافت غرامت از مؤسسه‌ی بیمه، نسبت به جبران خسارت اقدام می‌کند. ولی هرگاه حوادث قهریه‌ی سیاسی رخ دهد، "سرمایه‌پذیر" مسئولیت این قبیل ریسک‌ها را می‌پذیرد و در صورت وقوع، خسارت ناشی از آن را جبران می‌نماید.

در برخی از موارد، شرایط "حادثه‌ی قهریه" برای مدت کوتاهی پایدار می‌ماند و سپس رفع می‌شود، مانند وقوع زلزله که در صورت وقوع و ایجاد خسارت، باید به اقتضای خسارت وارد شده، اقدام شود ولی هرگاه موجب ورود خسارت نگردد و با فاصله‌ی زمانی کوتاه، شرایط عادی شود، در روابط قراردادی "دوطرف" به نحو مؤثری اثرگذار نخواهد بود از این رو، طرفی که به دلیل وقوع "حادثه‌ی قهریه" قدرت انجام تعهدات قراردادی خود را از دست می‌دهد باید در زمان مناسب، وقوع حادثه و شرایط ناظر به حادثه را به "طرف" مقابل اعلام کند و برای کنترل و کاهش آثار حادثه اقدام نماید.

در مواردی که "حادثه‌ی قهریه" پس از وقوع برای مدت نسبتاً طولانی پایدار باقی می‌ماند و مانع اجرای تعهدات قراردادی می‌شود و عادی شدن شرایط برای "دوطرف" قابل پیش بینی نیست، هر یک از "دوطرف" می‌توانند نسبت به خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" اقدام نمایند.



هرگاه در "دوره‌ی احداث" یا "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، "حادثه‌ی قهریه" ای اتفاق افتد و به طور کامل "پروژه" را از بین ببرد یعنی خسارت صد در صد (Total Loss) اتفاق افتد، در صورت بیمه بودن حادثه‌ی یاد شده، در "دوره‌ی احداث"، "شرکت" کل غرامت را از مؤسسه‌ی بیمه دریافت می‌کند و حق مراجعه به "سرمایه‌پذیر" را نخواهد داشت ولی اگر این "حادثه‌ی قهریه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" رخ دهد، غرامت دریافتی از مؤسسه‌ی بیمه، به میزان باقیمانده‌ی وام و آورده و سود پیش‌بینی شده‌ی آن‌ها، به "شرکت" تعلق می‌گیرد و بقیه‌ی غرامت به "سرمایه‌پذیر" پرداخت می‌گردد.

#### ۴۷. مصونیت

یکی از شرایط عمومی که در قراردادهای مهم و طولانی مدت پیش‌بینی می‌شود، مصون سازی "دوطرف" از خسارت ناشی از اقدامات همدیگر است. در قراردادها پیش‌بینی می‌شود که هر "طرف"، "طرف" دیگر را در مورد ورود خسارت و ایجاد مسئولیت به سبب "قصور"، تخلف و اهمال خود و اشخاص منتسب به او در اجرای وظایفش مصون دارد و در صورت وقوع چنین مواردی، تمام مسئولیت‌های آن را بپذیرد.

پیش‌بینی چنین شرایطی در قرارداد به "دوطرف" اطمینان می‌دهد که به دلیل ارتباط کاری در اجرای "پروژه" و تداخل مسئولیت‌ها در برخی از موارد، اهمال هر کدام از "دوطرف" می‌تواند موجب طرح ادعا بر علیه او در مقابل ورود ضرر و زیان به اشخاص ثالث گردد. در این قبیل موارد، از پوشش‌های قراردادی برای توجه مسئولیت به طرفی که در اجرای وظایف اهمال کرده است استفاده می‌شود. شرط پیشگفته در قراردادهایی که به روش تأمین مالی پروژه اجرا می‌شود و چنین مخاطراتی می‌تواند در توان مالی "پروژه" و پرداخت دیون آن اثر گذار باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است.

#### ۴۸. حل اختلاف

به طور کلی مفاد هر قراردادی که بین "دوطرف" منعقد می‌شود، بالقوه می‌تواند مورد اختلاف قرار گیرد. این احتمال وقتی بیشتر می‌شود که موضوع قرارداد از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار باشد و یا مدت قرارداد طولانی باشد و یا مبلغ قرارداد زیاد باشد و یا قرارداد طرف‌های متعددی داشته باشد.

در مورد پروژه‌های ساخت-بهره‌برداری-واگذاری، احتمال این که بین "دوطرف" اختلافی بروز کند بالقوه زیاد است و تنظیم دقیق روابط قراردادی "دوطرف" می‌تواند این احتمال را کاهش دهد. "دوطرف" "موافقت‌نامه" به طور اصولی از اجرای "موافقت‌نامه" منتفع می‌شوند و هرگونه علتی که در اجرای "موافقت‌نامه" تأخیر ایجاد کند یا نیروی "دوطرف" برای پیشبرد "پروژه" را کاهش دهد، در شرایط عادی مطلوب "دوطرف" نیست و می‌تواند موجب اختلاف قراردادی شود. قرارداد صحیح آن است که روش روشنی برای حل اختلاف قراردادی را پیش‌بینی کند.

مرحله‌ی اول حل اختلاف، روش مذاکره‌ی مستقیم دوستانه است که "دوطرف" تلاش می‌کنند از این راه و با سریع‌ترین روش ممکن، مشکل را حل نمایند. هرگاه این روش مفید نباشد، اعلام نظر به "کارشناس" متخصص در موضوع اختلاف و واگذار می‌شود تا توافق دو جانبه بر مبنای نظر کارشناسی تسهیل گردد و در صورت عدم توفیق در حل موضوع اختلاف، روش داوری به کار گرفته می‌شود.

در داوری به اقتضای نوع و طبیعت "پروژه" می‌توان از داور واحد یا هیأت داوری مرکب از ۳ تا ۵ عضو استفاده نمود. به طور معمول در این قبیل موارد از داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و یا اتاق بازرگانی بین‌المللی

International Chamber of Commerce (ICC) که از مقررات نسبتاً جامعی برخوردار است استفاده می‌شود.

پیش از ارجاع اختلاف به داوری بین المللی، بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید مجوزهای لازم تحصیل شود. در غیر این صورت، می‌توان حل اختلاف را به دادگاه‌های صالحه‌ی کشور طبق قانون ارجاع داد. طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: "صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند." در "**موافقت‌نامه**" باید به روشنی بیان شود که در جریان رسیدگی به اختلاف‌های قراردادی، "**دوطرف**" باید به اجرای تعهدات قراردادی وفق شرایط قرارداد ادامه دهند.

#### ۴۹. حفاظت و ایمنی

از جمله تعهدات "**شرکت**" در "**دوره‌ی احداث**" و "**دوره‌ی بهره‌برداری تجاری**" "**پروژه**"، اجرای تمام ملزومات برای تأمین حفاظت و ایمنی در "**پروژه**" است. این اقدامات باید به نحوی باشد که اجرای "**پروژه**" به اشخاص و اراضی مجاور یا در حریم "**پروژه**" خسارت وارد نکند. اقدامات مربوط به تأمین حفاظت و ایمنی محدود به داخل قلمرو "**پروژه**" است و برقراری امنیت عمومی حفاظتی، خارج از مسئولیت "**شرکت**" خواهد بود و "**شرکت**" از حمایت‌های قانونی برای تأمین این موارد استفاده می‌نماید. از این رو، هرگاه "**شرکت**" در داخل قلمرو "**پروژه**" ("**ساختگاه**")، اقداماتی را به عمل نیاورد که برای حفاظت و ایمنی قلمرو "**پروژه**" لازم است، مسئولیت موارد یاد شده با "**شرکت**" خواهد بود. اگر "**سرمایه‌پذیر**" در "**پروژه**" تأسیساتی داشته باشد، باید تمام اقدامات ایمنی و حفاظتی را برای کنترل‌های داخلی به عمل آورد و در این موارد، مسئولیتی متوجه "**شرکت**" نخواهد بود.

#### ۵۰. "قوانین و مقررات" و زبان حاکم

تنظیم هر قرارداد مستلزم توافق "**دوطرف**" قرارداد در تعیین "**قوانین و مقررات**" واحد حاکم بر "**موافقت‌نامه**" است. در مورد پروژه‌هایی که در قلمرو خاصی اجرا می‌شود، به طور منطقی "**قوانین و مقررات**" حاکم بر روابط "**دوطرف**"، "**قوانین و مقررات**" حاکم بر قلمرو فعالیت "**پروژه**" خواهد بود. "**قوانین و مقررات**" حاکم بر قرارداد می‌تواند در مورد مرجع حل اختلافات قراردادی از طریق داوری، اثرگذار باشد. مقررات مربوط به آیین رسیدگی به اختلاف‌های قراردادی در مرجع داوری می‌تواند تابع مقررات مربوط به آیین رسیدگی در قانون حاکم باشد یا نباشد. علاوه بر "**قوانین و مقررات**" حاکم، بدون انتخاب زبان واحد و اصطلاحاتی که نزد هر "**دوطرف**" از معنای واحدی برخوردار باشند، تنظیم روابط قراردادی میسر نیست. در قراردادهایی که به دو زبان منعقد می‌شود، اولویت یک زبان در موارد تعارض و تناقض بین متون ضروری است و زبانی که از اولویت برخوردار است، همان زبان واحدی است که برای تنظیم "**موافقت‌نامه**" به کارگرفته شده است و زبان دوم زبان اطلاعی خواهد بود.

#### ۵۱. موارد متفرقه

در تنظیم مواد **"موافقت‌نامه"**، به طور متعارف، موارد پراکنده ای وجود دارند که تحت عنوان‌های مشخصی قرار نمی‌گیرند ولی از اعتبار خاصی برخوردار هستند و نیاز به درج آنها خواهد بود. این موارد در ماده‌ای با عنوان متفرقه آورده می‌شود که مواد پراکنده مربوط به موضوع یا شرایط **"موافقت‌نامه"** را در آن بیان می‌کنند.

موارد متفرقه از نوع و طبیعت **"پروژه"** پیروی می‌کند و در برخی از پروژه‌ها این موضوع نیاز به درج نکات متعددی دارد که به طور معمول **"دوطرف"**، این قبیل نکات را در زیر ماده‌ی متفرقه جمع آوری و بیان می‌کنند. از مهم ترین موضوعات این بند، محرمانه بودن مفاد **"موافقت‌نامه"** و عدم افشای اطلاعات آن از سوی **"دوطرف"** **"موافقت‌نامه"** و کارکنان، مشاوران، پیمانکاران و دیگر افراد مرتبط با **"دوطرف"** است مگر به واسطه‌ی **"قوانین و مقررات"** یا توافق **"دوطرف"** **"موافقت‌نامه"**.

## ۵۲. نشانی‌ها و ارتباطها

علاوه بر درج هویت **"دوطرف"** قرارداد که در مقدمه‌ی **"موافقت‌نامه"** به آن‌ها تصریح می‌شود، **"دوطرف"** برای انجام مکاتبه‌ها می‌توانند نشانی‌های متفاوتی از اقامتگاه‌های قانونی درج شده در مقدمه‌ی **"موافقت‌نامه"**، اعلام نمایند. از این رو، لزومی نخواهد داشت که نشانی درج شده در مقدمه‌ی **"موافقت‌نامه"** برای انجام مکاتبات بین **"دوطرف"** استفاده شود.

**"دوطرف"** الزام دارند که در مدت **"موافقت‌نامه"** و به صورت پیوسته، نشانی مشخصی برای مکاتبات **"پروژه"** داشته باشند و هرگاه بخواهند نشانی تعیین شده در **"موافقت‌نامه"** را تغییر دهند، باید این تغییر نشانی را با فاصله‌ی زمانی که **"دوطرف"** تعیین و توافق می‌کنند، به صورت کتبی به **"طرف"** مقابل اعلام نمایند.

روش‌های مکاتباتی مورد توافق **"دوطرف"** نیز باید تعیین و تأیید شود. هرگاه طبیعت و نوع **"پروژه"** ایجاب نماید که **"دوطرف"** از روش واحد مکاتبات کتبی استفاده کنند، باید روش مورد نظر به روشنی بیان شود، و یا امکان استفاده از روش دیگری نیز باید تصریح گردد.

در **"موافقت‌نامه"**، تصریح می‌گردد که مکاتبات بین **"دوطرف"**، به نشانی و به روش توافق شده، ابلاغ شده یا دریافت شده تلقی می‌گردد مگر این که **"دوطرف"** به نحو دیگری توافق کنند.

## ۵۳. راهنمای تنظیم "موافقت‌نامه"

در تنظیم مفاد **"موافقت‌نامه"** ی ساخت-بهره‌برداری-واگذاری، لازم است به موارد زیر توجه شود:

بدیهی است ویژگی‌های هر پروژه و شرایط خاص حقوقی **"دوطرف"** **"موافقت‌نامه"**، متن نهایی **"موافقت‌نامه"** را رقم می‌زند اما **"موافقت‌نامه"** ی تدوین شده می‌تواند به عنوان یک دستورالعمل همسان برای تنظیم روابط قراردادی پروژه‌های ساخت-بهره‌برداری-واگذاری مورد توجه مدیران و مجریان بخش دولتی و خصوصی قرار گیرد و بسته به اندازه‌ی پروژه و ساده بودن محیط حقوقی آن، تفصیل مفاد **"موافقت‌نامه"** می‌تواند کاهش یابد.

به علت این که قراردادهای ساخت-بهره‌برداری-واگذاری اغلب در بخش عمومی منعقد می‌گردد، مفادی از **"موافقت‌نامه"** ناظر بر شرایط **"سرمایه‌پذیر"** از بخش عمومی (دولتی) است اما مفاهیم و مبانی مفاد **"موافقت‌نامه"** محدود به پروژه‌های بخش عمومی نیست و کارفرمایان بخش خصوصی در کاربرد **"موافقت‌نامه"**

بر حسب مورد باید در مفادی از آن که ناظر بر قوانین و مقررات و سیاست گذاری‌های بخش عمومی است اصلاحاتی به عمل آورند.

مفاد **"موافقت‌نامه"** می‌تواند برای واگذاری پروژه‌های **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** به صورت مناقصه یا مذاکره مورد استفاده قرار گیرد.

**"موافقت‌نامه"ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** روابط قراردادی بین یک **"شرکت"** (سرمایه‌گذار) و یک **"دستگاه اجرایی"** **"سرمایه‌پذیر"** را در یک پروژه‌ی معین و در مدتی مشخص (**"دوره‌ی مجاز"**) مشخص می‌کند.

**"سرمایه‌پذیر"** در **"موافقت‌نامه"ی ساخت- بهره‌برداری- واگذاری**، دارای تعهدات متعددی از جمله خریداری **"محصول پروژه"**، تأمین کننده‌ی زمین، سوخت و مواد اولیه‌ی پروژه است. اما این تعهدات **"سرمایه‌پذیر"** ممکن است از سوی طرف‌های ثالث دیگری در **"موافقت‌نامه"** نمایندگی شوند و دارای موافقت‌نامه‌های جداگانه‌ای با **"شرکت"** باشند. به طور مثال در **"موافقت‌نامه"**، فرض بر این است که خریدار **"محصول پروژه"** **"سرمایه‌پذیر"** است ولی این تعهد **"سرمایه‌پذیر"** می‌تواند طی موافقت‌نامه جداگانه‌ای از سوی طرف ثالثی تقبل گردد.

محل‌های نقطه چین در متن **"موافقت‌نامه"** مربوط به توافق **"سرمایه‌پذیر"** و **"شرکت"** در یک موضوع مشخص است که امکان دارد در هر پروژه تعریف و یا مقادیر متفاوتی داشته باشند.

در روش **ساخت- بهره‌برداری- واگذاری** پروژه توسط **"شرکت"** در پایان **"دوره‌ی مجاز"** به **"سرمایه‌پذیر"** منتقل می‌شود و **"سرمایه‌پذیر"** بهره‌برداری از پروژه را ادامه می‌دهد. اما **"سرمایه‌پذیر"** می‌تواند هرگونه رویکردی از جمله مناقصه، یا مذاکره با **"شرکت"** برای واگذاری ادامه بهره‌برداری پروژه را در پایان **"دوره‌ی مجاز"** در پیش گیرد و نیازی نیست که به طور حتم پروژه به **"سرمایه‌پذیر"** واگذار شود. در **"موافقت‌نامه"**، امکان ادامه‌ی بهره‌برداری پروژه توسط **"شرکت"** در پایان **"دوره‌ی مجاز"** با موافقت **"سرمایه‌پذیر"** پیش‌بینی شده است.

تضمین‌ها و تعهدات **"سرمایه‌پذیر"** به **"شرکت"** یا **"شرکت"** به **"سرمایه‌پذیر"** در **"موافقت‌نامه"**، می‌تواند بر اساس وضعیت حقوقی جدید کشور و تصویب تدابیر تشویقی و حمایتی جدید دولت تغییر و یا بهبود یابد. در **"موافقت‌نامه"**، در مواردی به قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی (FIPPA) اشاره شده است. این موارد، خاص پروژه‌هایی است که **"شرکت"** (سرمایه‌گذار) خارجی است و منشأ سرمایه‌ها خارج از کشور است. در این حالت، نوع پول، قوانین حاکم بر **"شرکت"**، قانون حاکم و زبان **"موافقت‌نامه"**، مرجع داوری در حل اختلافات و نوع تضمین‌های **"دوطرف"** متاثر از سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود. از این رو، برای حالتی که سرمایه‌گذاری داخلی است، تسلیم تضمین وزارت امور اقتصادی و دارایی از طرف **"سرمایه‌پذیر"** ضروری نخواهد بود.

در پروژه‌های ساخت - بهره‌برداری - واگذاری، به طور معمول یک یا چند شرکت، طرف مذاکره با "سرمایه‌پذیر" هستند و پس از اطمینان از گرفتن پروژه، اقدام به ثبت شرکت پروژه ("شرکت") می‌نمایند. اسامی این شرکت‌ها در صدر "موافقت‌نامه" و محل امضای "دوطرف" باید درج شود.

در "موافقت‌نامه" دو شرکت پیش‌بینی شده است که شرکت پروژه ("شرکت") را تشکیل می‌دهند. هرگاه تعداد این شرکت‌ها متفاوت باشد، باید در بخش‌های مختلف "موافقت‌نامه" که به این شرکت‌ها اشاره شده است، اصلاحات لازم صورت گیرد.

متن "موافقت‌نامه" و پیوست‌های آن یکپارچه است. در پیوست‌ها، موضوعاتی که باید از سوی "دوطرف" توافق شوند، درج گردیده است.



موافقت نامه ی  
ساخت - بهره برداری - واگذاری  
**(BOT)**

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>	
۱	پیشگفته‌ها	
۲	ماده ۱. تعریف‌ها و تفسیرها	
۱۳	ماده ۲. تعهدات دوطرف	
۱۶	ماده ۳. مجوزهای دولتی	
۱۷	ماده ۴. تاریخ نفوذ و تاریخ قطعیت	
۱۸	ماده ۵. دوره‌ی مجاز	
۱۸	ماده ۶. اسناد موافقت‌نامه	
۱۹	ماده ۷. اسناد فنی	
۱۹	ماده ۸. نمایندگان	
۲۰	ماده ۹. تأییدات و الزامات	
۲۱	ماده ۱۰. اصول طراحی و احداث	
۲۴	ماده ۱۱. احداث پروژه	
۲۶	ماده ۱۲. هزینه‌ی کل و تأمین مالی پروژه	
۲۷	ماده ۱۳. تأمین مالی اضافی	
۲۸	ماده ۱۴. واگذاری و جایگزینی	
۳۰	ماده ۱۵. نیازهای پروژه	
۳۰	ماده ۱۶. مواد اولیه	
۳۱	ماده ۱۷. آزمایش و راه اندازی	
۳۲	ماده ۱۸. بهره‌برداری و نگهداری	
۳۴	ماده ۱۹. کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری	
۳۵	ماده ۲۰. بازرسی، تعمیرات و نگهداری	
۳۶	ماده ۲۱. نقطه‌ی تحویل محصول پروژه	
۳۶	ماده ۲۲. سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه	
۳۷	ماده ۲۳. برنامه‌ریزی تولید محصول پروژه	
۳۷	ماده ۲۴. سوابق و گزارش‌ها	
۳۸	ماده ۲۵. ضمانت‌نامه‌ها	
۳۹	ماده ۲۶. صورت حساب و روش پرداخت	
۴۲	ماده ۲۷. خاتمه دادن به موافقت‌نامه	
۴۷	ماده ۲۸. انتقال پروژه	
۵۰	ماده ۲۹. مالیات	
۵۰	ماده ۳۰. بیمه	



۵۲	.....	ماده ۳۱. تغییر در قوانین و مقررات.
۵۳	.....	ماده ۳۲. حادثه‌ی قهریه.....
۵۷	.....	ماده ۳۳. مصونیت.....
۵۹	.....	ماده ۳۴. حل اختلاف.....
۶۱	.....	ماده ۳۵. حفاظت و ایمنی.....
۶۱	.....	ماده ۳۶. قوانین و مقررات حاکم.....
۶۲	.....	ماده ۳۷. موارد متفرقه.....
۶۴	.....	ماده ۳۸. نشانی‌ها و ارتباطها.....
۶۵	.....	ماده ۳۹. نسخه‌های موافقت‌نامه.....



بسمه تعالی

## موافقت‌نامه

این "موافقت‌نامه" ی ..... در "روز" ..... "ماه" ..... "سال" ..... هجری شمسی مطابق با "روز" ..... "ماه" ..... "سال" ..... میلادی بین:

..... که از این پس "سرمایه‌پذیر" خوانده می‌شود، به نمایندگی .....، از یک سو و

شرکت ..... ثبت شده در ..... و دارای دفتر مرکزی در ..... و به نمایندگی ..... و شرکت ..... ثبت شده در ..... و دارای دفتر مرکزی در ..... و به نمایندگی ..... که به طور قانونی اختیار امضای این "موافقت‌نامه" را دارند و از این پس در این "موافقت‌نامه"، "شرکت" نامیده می‌شوند، از سوی دیگر، با شرایط زیر منعقد می‌گردد.

### پیشگفته‌ها

نظر به این که:

الف) "سرمایه‌پذیر" قصد جذب سرمایه‌گذاران به منظور تدارک پروژه‌های خود را به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری (BOT)، طبق برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به تمامی دیگر قوانین و مقررات مربوط از جمله قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ("FIPPA")، بر حسب مورد دارد؛

ب) "سرمایه‌پذیر" قصد تدارک "پروژه" ی ..... در شهر ..... در استان ..... را به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری طبق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران دارد؛

ج) "سرمایه‌پذیر" تمام اختیارها و موافقت‌نامه‌های لازم از مقامات ذیصلاح به منظور امضای "موافقت‌نامه" ی حاضر را دریافت کرده است؛

د) "شرکت" علاقمند به سرمایه‌گذاری در احداث و بهره‌برداری "پروژه" ی ..... در شهر ..... در استان ..... به روش ساخت - بهره‌برداری - واگذاری است؛

ه) "شرکت" در نظر دارد "محصول پروژه" را طبق شرایط درج شده در این "موافقت‌نامه" به "سرمایه‌پذیر" بفروشد و "سرمایه‌پذیر" در نظر دارد که "محصول پروژه" را بخرد؛ و

و) "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" می‌خواهند حقوق و تعهدات خود را در رابطه با این "پروژه" مشخص سازند. بدین وسیله "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" با توجه به مراتب پیشگفته و مفاد و شرایط درج شده در این "موافقتنامه"، به شرح زیر توافق می‌کنند:

## ماده ۱. تعریفها و تفسیرها

### ۱-۱. تعریفها

در این "موافقتنامه"، عبارت‌ها، اصطلاح‌ها و کلمه‌های زیر که در داخل گیومه قرار گرفته و پررنگ نوشته شده اند، دارای معانی زیر هستند:

### "آزمایش‌های انتقال"

به شرح درج شده در بند ۲۸-۳ (ب-۳)، و پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها) است.

### "اسناد فنی"

اسناد، مدارک و اطلاعات فنی مربوط به طراحی و نقشه‌ها، جدول زمان‌بندی تفصیلی، دستورالعمل‌های نصب و راه‌اندازی، برنامه‌ی آزمایش‌ها، گزارش آزمایش‌ها، صورت جلسه‌های اجرایی، نقشه‌های "چون ساخت"، دستورالعمل‌ها و سوابق بهره‌برداری و نگهداری، جانمایی کلی "ساختگاه"، سیستم‌های اندازه‌گیری و ..... بر طبق "مشخصات فنی" "پروژه" را شامل می‌شود.

### "اسناد موافقتنامه"

به شرح درج شده در ماده ۶ (اسناد موافقتنامه)، این "موافقتنامه" است.

### "اصلاح"

تمامی اقداماتی که بر حسب مورد باید از سوی "طرف" مقصر صورت گیرد تا "قصور" جبران، اصلاح و رفع شود و از پیامدهای "قصور" در مواردی که قابل رفع و جبران باشد، کاسته شود و یا تمهیدات لازم و تضمین‌های مورد قبول "طرف" بی‌تقصیر، برای جلوگیری از تکرار یا تداوم "قصور" در مواردی که قابل رفع و جبران نباشد فراهم آید.

### "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقتنامه"

به شرح درج شده در بند ۲۷-۳ (الف)، است.

### "اطلاعیه‌ی جایگزینی"

به شرح درج شده در بند ۱۴-۲، است.

### "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقتنامه"

به شرح درج شده در بند ۲۷-۳ (ج)، است.

**"اعتبار اسنادی"**

یک روش پرداخت و بر حسب مورد، اعتبار اسنادی ارزی یا ریالی به شرح درج شده در بند ۲۶-۹ (الف) و ۲۶-۹ (ب)، و پیوست ۱۷ (فرم اعتبار اسنادی)، است.

**"افزایش هزینه"**

هرگونه هزینه‌ی اضافی "پروژه" ناشی از "تغییر در قوانین و مقررات"، که "شرکت" متحمل می‌شود و از سوی بیمه‌ها یا به وسیله‌ی دیگری پوشش داده نمی‌شود و جز با تأمین مبالغ اضافی از سوی سهامداران "شرکت" یا "تأمین‌کنندگان مالی" قابل جبران نیست، و به طور مستقیم موجب افزایش "هزینه‌ی کل" "شرکت" می‌گردد.

**"انتقال پروژه"**

به شرح درج شده در بند ۲۷-۱۰، و ماده ۲۸ (انتقال پروژه) است.

**"بهای انتقال"**

مبلغی که قرار است بر طبق مفاد پیوست ۱۲ (بهای انتقال پروژه)، و مندرجات بند ۲۸-۱، محاسبه و پرداخت شود.

**"بهای تولید"**

به شرح درج شده در پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها)، است.

**"بهای ظرفیت"**

به شرح درج شده در پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها)، است.

**"بهره‌بردار مجرب"**

بهره‌برداری که صادقانه تلاش می‌کند تا تعهدات قراردادی خویش را به موقع انجام دهد و در این خصوص و در جریان کلی انجام تعهدات خود از سطحی از مهارت، دقت، دوراندیشی، و ژرفنگری برخوردار است که از یک بهره‌بردار بین‌المللی ماهر، واجد شرایط، با تجربه و مقید به رعایت "قوانین و مقررات" و با تعهدات مشابه به طور متعارف و منطقی انتظار می‌رود.

**"پرداخت‌ها"**

شامل جمع پرداخت‌های مربوط به "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" به شرح درج شده در پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها) است.

**"پروژه"**

تمام اقدامات لازم در روش ساخت-بهره‌برداری-واگذاری برای تحقق موفقیت‌آمیز موضوع "موافقت‌نامه" از جمله پیشبرد، انجام مطالعات، طراحی، تأمین مالی، تأمین تجهیزات، احداث و نصب طبق "مشخصات فنی" در "ساختگاه"، آزمایش‌های راه‌اندازی، بهره‌برداری و نگهداری، دریافت بیمه‌نامه‌ها و حفظ اعتبار آن‌ها، تحویل "محصول پروژه" در

نقاط تحویل به "سرمایه‌پذیر" و خرید آن از سوی "سرمایه‌پذیر" طبق مفاد و شرایط این "موافقت‌نامه"، و "انتقال پروژه" به "سرمایه‌پذیر" در پایان "دوره مجاز".

### "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"

پیمانکار یا پیمانکارهایی که بر حسب مورد توسط "شرکت" و با تأیید "سرمایه‌پذیر" در طول "دوره بهره‌برداری تجاری" "پروژه" در زمان‌های متفاوت برای بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" انتخاب می‌شوند.

### "پیمانکار EPC"

پیمانکار یا پیمانکارهایی که بر حسب مورد توسط "شرکت" و با تأیید "سرمایه‌پذیر" انتخاب می‌شوند تا مهندسی، طراحی، تولید، تأمین و تدارک تجهیزات، حمل، نصب، احداث و آزمایش، راه اندازی و تحویل "پروژه" را طبق مفاد "قرارداد EPC" بر عهده گیرند.

### "تاریخ انتقال"

به شرح درج شده در بند ۲۷-۱۰ است.

### "تاریخ بهره‌برداری تجاری"

تاریخی است که "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" به صورت مشترک و طبق مفاد بند ۱۷-۳، آغاز بهره‌برداری تجاری "پروژه" را به صورت مکتوب تأیید کنند.

### "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"

تاریخی است که "پروژه" به بهره‌برداری تجاری خود به شرح درج شده در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی) و پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، برسد. این تاریخ برنامه‌ریزی شده ممکن است بر طبق مفاد "موافقت‌نامه" اصلاح شود.

### "تاریخ قطعیت"

به شرح درج شده در بند ۴-۲، این "موافقت‌نامه" است.

### "تاریخ قطعیت برنامه‌ریزی شده"

تاریخی است که تحقق یا اسقاط "شروط مقدم" "پروژه" به شرح درج شده در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت)، به تأیید "دوطرف" برسد. این تاریخ برنامه‌ریزی شده ممکن است بر طبق مفاد "موافقت‌نامه" اصلاح شود.

### "تاریخ قطعیت تأمین مالی"

به شرح درج شده در بند ۱۲-۳، این "موافقت‌نامه" است.

### "تاریخ نفوذ"

به شرح درج شده در بند ۴-۱، این "موافقت‌نامه" است.

**"تأمین کنندگان مالی"**

وام‌دهندگانی که تأمین مالی یا تأمین مالی مجدد مورد نیاز "پروژه" را برای "شرکت" انجام می‌دهند. به استثنای سهامداران "شرکت" که وام دهنده محسوب نمی‌شوند.

**"تعدیل قیمت‌ها"**

به شرح درج شده در بند ۴ پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها)، است.

**"تغییر در قوانین و مقررات"**

هر تغییری که پس از "تاریخ نفوذ" این "موافقت‌نامه" در "قوانین و مقررات" جاری جمهوری اسلامی ایران ایجاد شود و یا قوانین جدیدی که به وجود می‌آید و در اجرای این "موافقت‌نامه" تأثیرگذار باشد.

**"توقف"**

وقفه‌ی کامل در توان تولیدی "پروژه" به هر دلیل اعم از "توقف اضطراری" و "توقف برنامه‌ریزی شده" است.

**"توقف اضطراری"**

وقفه‌ی کامل در توان تولیدی "پروژه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" که ناشی از "فصول شرکت" باشد.

**"توقف برنامه‌ریزی شده"**

وقفه‌ی کامل در توان تولیدی "پروژه" برای بازرسی‌های ادواری، آزمایش‌ها، تعمیرات اصلاحی و پیشگیرانه، و تعویض اجزا و یا ارتقای کیفیت لازم "پروژه" که از پیش برنامه‌ریزی شده است.

**"حادثه‌ی قهریه"**

به شرح درج شده در ماده ۳۲ (حادثه‌ی قهریه)، این "موافقت‌نامه" است.

**"حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی"**

به شرح درج شده در بند ۳۲-۵ (الف)، است.

**"حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی"**

به شرح درج شده در بند ۳۲-۵ (ب)، است.

**"خسارت مقطوع"**

به شرح درج شده در پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، است.

**"دستگاه اجرایی"**

تمام وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و تمام دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است و از اختیارات قانونی برای اقدام از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران برخوردار باشد.

**"دوطرف"**

"سرمایه‌پذیر" و "شرکت" هستند.

**"دوره‌ی احداث"**

یک دوره‌ی ..... "ماهه" پس از "تاریخ قطعیت برنامه‌ریزی شده"ی "پروژه"، به شرح درج شده در بند ۵-۱ (الف)، این "موافقت‌نامه" است.

**"دوره‌ی اصلاح"**

دوره‌ای است که طبق بند ۲۷-۳، "طرف" مقصر اقدام به "اصلاح" "قصور" خود می‌کند.

**"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**

یک دوره‌ی ..... "ماهه" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، به شرح درج شده در بند ۵-۱ (ب)، این "موافقت‌نامه" است.

**"دوره‌ی تنفس"**

مهلت اضافه‌ای است که در هنگام آغاز هرگونه تعهد از جمله شروع بازپرداخت اقساط وام یا شروع "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به طرف متعهد داده می‌شود.

**"دوره‌ی گذار"**

به شرح درج شده در بند ۲۸-۶ است.

**"دوره‌ی مجاز"**

به شرح درج شده در ماده ۵ (دوره‌ی مجاز)، این "موافقت‌نامه" است.

**"روز" یا "روزه"**

یک دوره‌ی زمانی که طبق "ساعت" رسمی جمهوری اسلامی ایران از "ساعت" ۰۰:۰۰ آغاز می‌شود و در "ساعت" ۲۴:۰۰ همان روز پایان می‌یابد.

**"روز کاری"**

هر روزی که در تقویم رسمی سالانه‌ی هجری شمسی جمهوری اسلامی ایران تعطیل نیست.



**"روش‌های بهره‌برداری"**

به شرح درج شده در پیوست ۳ (روش‌های بهره‌برداری)، است.

**"رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای"**

به روش‌ها، شیوه‌ها و رویکردهای روزآمد اطلاق می‌گردد که در فعالیتهای مهندسی، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری به کار برده می‌شود و منطبق بر دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری سازندگان تجهیزات به کار رفته در "پروژه" است.

**"ساخنگاه"**

زمین مورد نیاز برای احداث و بهره‌برداری "پروژه" که طبق مفاد بند ب-۲ از پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت)، این "موافقت‌نامه" تأمین می‌شود.

**"ساعت"**

یک دوره‌ی شصت (۶۰) دقیقه‌ای است.

**"سال" یا "ساله"**

سال هجری شمسی، طبق تقویم جمهوری اسلامی ایران است.

**"سال قراردادی"**

یک "سال" شمسی است. نخستین سال قراردادی همزمان با تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری" آغاز و در آخرین "روز" همان "سال" شمسی به پایان خواهد رسید. آخرین "سال قراردادی"، در زمان انقضای این "موافقت‌نامه" به پایان می‌رسد.

**"سرمایه پذیر"**

"طرف" واگذار کننده و امضا کننده‌ی این "موافقت‌نامه" است که شامل جانشین‌ها و نماینده‌های قانونی آن نیز می‌شود.

**"سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه"**

شامل دستگاه‌های اندازه‌گیری "محصول تحویلی" و "محصول دریافتی" "پروژه" به شرح درج شده در ماده ۲۲ (سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه)، این "موافقت‌نامه" است. مشخصات این سیستم‌ها باید طبق "مشخصات فنی" پروژه باشد.

**"شخص"**

هر شخص حقیقی یا شخص حقوقی است.

**"شرکت"**

یک شرکت پروژه است که در صدر این "موافقتنامه" درج شده است و توسط شرکت ..... و شرکت ..... و به نسبت سهام درج شده در پیوست ۱۳ (سهامداران اولیه شرکت)، تحت قوانین کشوری که در آن به ثبت رسیده است پیش از "تاریخ قطعیت" تأسیس می‌شود و "طرف" دیگر این "موافقتنامه" است و شامل جانشین‌ها و نماینده‌های قانونی آن نیز می‌شود. پیش از "تاریخ قطعیت"، طی یک "موافقتنامه‌ی جانشینی" و بر اساس شرایط این "موافقتنامه"، "شرکت" جانشین شرکت ..... و شرکت ..... می‌گردد.

**"شروط مقدم"**

تعهدات "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" به شرح درج شده در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت)، است که تحقق یا اسقاط آن‌ها پیش از "تاریخ قطعیت" "پروژه" باید به تأیید "دو طرف" برسد.

**"صورت حساب ماهانه"**

به شرح درج شده در بند ۱-۲۶ است.

**"ضامن"**

وزارت امور اقتصادی و دارایی دولت جمهوری اسلامی ایران است.

**"ضمانت‌نامه‌ی اجرا"**

ضمانت‌نامه‌ی به شرح درج شده در بند ۲-۳ (ب)، این "موافقتنامه" است که "شرکت" برای تضمین احداث "پروژه" در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار می‌دهد.

**"ضمانت‌نامه‌ی انتقال"**

ضمانت‌نامه‌ی به شرح درج شده در بند ۲۸-۳ (ب-۱)، این "موافقتنامه" است که "شرکت" برای تضمین احراز شرایط "انتقال پروژه"، در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار می‌دهد.

**"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد"**

ضمانت‌نامه‌ی به شرح درج شده در بند ۲-۳ (الف)، این "موافقتنامه" است که "شرکت" برای تضمین پیشبرد "شروط مقدم" برای تحقق "تاریخ قطعیت" "پروژه" در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار می‌دهد.

**"طرف"**

"سرمایه‌پذیر" یا "شرکت" بر حسب مورد است.

**"ظرفیت"**

ظرفیت تولید "محصول پروژه" به صورت پیوسته و مطمئن که در "نقاط اندازه‌گیری" به طور منظم اندازه‌گیری می‌شود.

**"قوانین و مقررات"**

تمام قوانین و نیز مصوبه‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌هایی که از سوی مراجع مسؤول و به موجب قوانین صادر شود، مگر این که در این موافقتنامه به گونه دیگری تعیین شده باشد.

**"قرارداد EPC"**

قرارداد یا قراردادهایی که بین "شرکت" و "پیمانکار EPC" به منظور انجام مهندسی، طراحی، تولید، تأمین و تدارک تجهیزات، حمل، نصب، احداث و آزمایش، راه اندازی و تحویل "پروژه" منعقد می‌شود.

**"قرارداد بهره‌برداری و نگهداری"**

قرارداد یا قراردادهایی که بین "شرکت" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" به منظور بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" منعقد می‌شود.

**"قصور"**

اعم از قصور "شرکت" یا "سرمایه‌پذیر"، است.

**"قصور شرکت"**

هر یک از رخدادهای درج شده در بند ۲۷-۱، است.

**"قصور سرمایه‌پذیر"**

هر یک از رخدادهای درج شده در بند ۲۷-۲، است.

**"کارشناس"**

به شرح درج شده در بند ۳۴-۲ است.

**"کاهش هزینه"**

هرگونه کاهش هزینهی "پروژه" ناشی از "تغییر در قوانین و مقررات"، که به طور مستقیم موجب کاهش در "هزینه‌ی کل" "شرکت" شود.

**"کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری"**

کمیته‌ای است که طبق مفاد بند ۱۹-۱ تشکیل می‌شود تا هدف‌های درج شده در بند ۱۹-۲ را محقق سازد.

**"گزارش بهره‌برداری"**

گزارشی است که طبق مفاد بند ۲۰-۳، با توجه به هدف‌های درج شده در آن بند تهیه می‌شود.

**"گزارش تلفیق"**

گزارشی است که طبق مفاد بند ۲۶-۲، با توجه به هدف‌های درج شده در آن بند تهیه می‌شود.

**"ماه" یا "ماهه"**

ماه هجری شمسی، طبق تقویم جمهوری اسلامی ایران است.

**"مجوزهای دولتی"**

تمام مصوبه‌ها، مجوزها، تأییدیه‌ها، گواهی‌ها، بخشودگی‌ها، تخفیف‌ها و موافقت‌نامه‌های صادره توسط هر "دستگاه اجرایی"، که برای احداث، تأمین مالی، بهره‌برداری و نگهداری و انتقال "پروژه" به روش ساخت-بهره‌برداری-واگذاری طبق این "موافقت‌نامه" مورد نیاز "شرکت" یا "سرمایه‌پذیر" است.

**"محدودیت‌های فنی"**

به شرح درج شده در پیوست ۱ (محدودیت‌های فنی)، است.

**"محصول پروژه"**

کالا یا خدماتی که حاصل بهره‌برداری "پروژه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" است و به صورت تجاری برای فروش به "سرمایه‌پذیر" توسط "شرکت" تولید می‌شود. مصادیق آن تولید کالا، انرژی الکتریکی، امکان عبور و مرور وسائط نقلیه، تهیه‌ی آب شرب یا آب کشاورزی و یا ترانزیت کالا، آب، برق و یا گاز و مانند آن است.

**"محصول تحویلی"**

مقدار "محصول پروژه" که توسط "شرکت" تولید می‌گردد.

**"محصول دریافتی"**

مقدار "محصول پروژه" که تحویل "سرمایه‌پذیر" می‌گردد.

**"مدل مالی"**

طرح مالی "شرکت" شامل ساختار تأمین مالی و گردش نقدینگی "پروژه" در دوره‌های احداث و بهره‌برداری که مبنای محاسبه‌ی تعرفه‌ی "محصول پروژه" است و در پیوست ۱۵ (مدل مالی)، درج گردیده است.

**"مشاور فنی"**

یک مهندس فنی یا یک شرکت مهندسی که از سوی "سرمایه‌پذیر" انتخاب می‌گردد تا وظایف درج شده در بند ۱۰-۱ (ی) را در "دوره‌ی مجاز" انجام دهد.

**"مشخصات فنی"**

به شرح درج شده در پیوست ۱۶ (مشخصات فنی)، است.

**"مشخصات مواد اولیه"**

به شرح درج شده در پیوست ۴ (مشخصات مواد اولیه)، است.

**"مواد اولیه"**

کالا یا خدماتی طبق مشخصات درج شده در پیوست ۴ (مشخصات مواد اولیه)، است که تنها به منظور تولید "محصول پروژه" در "ساختگاه" به "شرکت" تحویل داده می‌شود.

**"موافقت‌نامه"**

شامل متن حاضر به انضمام پیوست‌های آن و هرگونه تغییرات و اصلاحاتی است که در هر زمانی در طول "دوره‌ی مجاز" و بر حسب نیاز بین "دوطرف" توافق شود.

**"موافقت‌نامه‌های تأمین مالی"**

موافقت‌نامه‌هایی است که برای تأمین مالی و یا تأمین مالی مجدد بخشی از "هزینه‌ی کل" "پروژه" و نیز موافقت‌نامه‌های تضامین (در صورت وجود بین "شرکت" و "تأمین‌کنندگان مالی" "پروژه") که طبق مفاد ماده ۱۲ (هزینه‌ی کل و تأمین مالی پروژه) این "موافقت‌نامه" منعقد می‌گردد.

**"موافقت‌نامه‌ی جانشینی"**

موافقت‌نامه‌ای است که بر اساس آن "شرکت"، جانشین شرکت ..... و شرکت ..... که "طرف" دیگر این "موافقت‌نامه" پیش از "تاریخ قطعیت" هستند، می‌گردد.

**"مهندس مستقل"**

یک شرکت مهندسی مستقل انتخاب شده از بین شرکت‌های مهندسی واجد شرایط و شناخته شده‌ی بین‌المللی است که با توافق "دوطرف" انتصاب می‌شود تا وظایف درج شده در بند ۲۸-۳ (ب-۲)، را انجام دهد. هزینه‌ی مربوط به مهندس مستقل به طور مساوی توسط "دوطرف" تعهد می‌شود.

**"نقاط اندازه‌گیری"**

نقاطی است که "محصول تحویلی" به "سرمایه‌پذیر" و "محصول دریافتی" در آن نقاط اندازه‌گیری می‌شود.

**"نقطه‌ی تحویل محصول پروژه"**

به شرح درج شده در ماده ۲۱ (نقطه‌ی تحویل محصول پروژه)، این "موافقت‌نامه" است.

**"نهاد جایگزین"**

به شرح درج شده در بند ۱۴-۲، است.

**"وضعیت اضطراری"**

شرایطی است که "سرمایه پذیر" را به تشخیص خود ملزم می‌نماید که از "شرکت" بخواهد که در اولین فرصت ممکن "پروژه" را راه اندازی کند یا تولید "محصول پروژه" را افزایش یا کاهش دهد یا آن را متوقف نماید.

**"وضعیت کاهش اضطراری ظرفیت"**

کاهش توان تولیدی "پروژه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" که ناشی از "قصور شرکت" باشد.

**"هزینه‌ی کل"**

به شرح درج شده در ماده ۱۲ (هزینه‌ی کل و تأمین مالی پروژه)، این "موافقت‌نامه" است.

**"هفته"**

دوره‌ای هفت (۷) "روزه" که از "ساعت" ۰۰:۰۰ "روز" شنبه آغاز می‌شود و تا "ساعت" ۲۴:۰۰ "روز" جمعه ادامه پیدا می‌کند.

**"FIPPA"**

Foreign Investment Promotion and Protection Act (FIPPA) "قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی" که مصوب سال ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران و آئین‌نامه‌های اجرایی آن است.

**"LIBOR"**

نرخ بهره‌ی بین بانکی در لندن

**۲-۱. تفسیرها**

در این "موافقت‌نامه"، اصطلاحات زیر با معانی شرح داده شده برای آن‌ها تفسیر می‌شوند:

(الف) هرگونه اشاره به "بند"، "ماده"، "جدول"، "پیوست"، "قسمت" به معنی اشاره به "بند"، "ماده"، "جدول"، "پیوست"، "قسمت" در این "موافقت‌نامه" است، مگر این که به صراحت به شکل دیگری بیان شده باشد.

(ب) "وابسته" به یک "شخص"، به معنای "شخص" ای است که وی را کنترل کند یا به وسیله‌ی وی کنترل شود یا همراه وی تحت کنترل مشترک "شخص" دیگری باشد.

(ج) "کنترل" هر "شخص"، به معنی اختیار مستقیم بیش از پنجاه درصد حق رأی آن "شخص"، خواهد بود.

(د) تمام دوره‌های تعیین شده به موجب این "موافقت‌نامه" بر اساس تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران تفسیر و محاسبه خواهد شد، مگر این که به صراحت از روش دیگری نام برده شود.

ه) هرگونه اشاره به "شامل" و "از جمله" دربرگیرنده‌ی تمام مصادیق و بدون محدودیت خواهد بود.

و) استفاده از کلمات مذکر شامل مؤنث و خنثی و یا برعکس است.

ز) کلمات "مفرد" شامل "جمع" و یا "جمع" شامل "مفرد" نیز هست.

ح) "به صورت کتبی" یا "کتبی" یا "مکتوب"، یعنی به صورت دست نوشته، تحریر شده، چاپ شده یا ثبت الکترونیکی که منجر به سابقه‌ی دایمی می‌شود.

ط) در مواردی که در آن‌ها واژه‌های "توافق"، "توافق شده" و "توافق نامه" و مشابه آن‌ها به کار رفته است، توافقات باید به صورت مکتوب ثبت و ضبط شود.

ی) موافقت‌نامه شامل قرارداد، معاهده یا تعهدنامه (در هر مورد به صورت کتبی) و متن اصلاح شده، تجدید نظر شده و یا تکمیل شده‌ی آنان نیز می‌باشد.

ک) اشاره به هر "طرف" شامل هر جانشین و نماینده‌ی قانونی آن نیز می‌باشد که طبق مفاد "موافقت‌نامه" انتخاب شده است.

ل) در این "موافقت‌نامه":

دلار (USD) یا \$، به معنی واحد پول رسمی و قانونی ایالات متحده‌ی آمریکا است.  
ریال (Rials) و Rls و یا IRR، به معنی واحد پول رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران است.  
یورو (Eur) یا €، به معنی واحد پول رسمی و قانونی اتحادیه اروپاست.

## ماده ۲. تعهدات "دوطرف"

۲-۱. بر اساس مفاد این "موافقت‌نامه"، "شرکت" تعهد می‌کند که "پروژه" را طراحی، مهندسی، تأمین مالی، تدارک و تأمین و حمل به "ساختگاه"، احداث، نصب، آزمایش، تحویل و راه اندازی، بهره‌برداری، نگهداری، تعمیر و مدیریت کند و به "سرمایه‌پذیر" انتقال دهد.

۲-۲. بر اساس شرایط درج شده در این "موافقت‌نامه"، "شرکت" تعهد می‌کند "محصول پروژه" را به "سرمایه‌پذیر" بفروشد و "سرمایه‌پذیر" نیز تعهد می‌کند که "محصول پروژه" را بخرد.  
خرید "محصول پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" مشروط بر آن است که حداقل ظرفیت قابل دسترسی "پروژه" بعد از ..... "ماه" از "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، از ۵۰٪ ظرفیت قابل دسترسی ماهانه‌ی برنامه‌ریزی شده در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" کمتر نگردد، ضمن این که "توقف برنامه‌ریزی شده"ی تولید "محصول پروژه" هر سه (۳) "ماه" یکبار، بر اساس مفاد "موافقت‌نامه" به روز شود.

## ۲-۳. تعهدات "شرکت"

تعهدات "شرکت" علاوه بر موارد درج شده در این "موافقتنامه"، شامل موارد زیر نیز خواهد بود:

الف) تسلیم "ضمانتنامه‌ی پیشبرد" همزمان با امضای "موافقتنامه" که یک ضمانتنامه‌ی بدون قید و شرط، برگشت ناپذیر، قابل تمدید و عندالمطالبه به نفع "سرمایه‌پذیر"، صادر شده از سوی یک بانک مورد قبول "سرمایه‌پذیر"، به مبلغ ..... و طبق فرم درج شده در پیوست ۱۴ (فرم ضمانتنامه‌ها)، به "سرمایه‌پذیر" است از "تاریخ نفوذ" "موافقتنامه" تا تاریخ تحویل "ضمانتنامه‌ی اجرا" اعتبار خواهد داشت؛

ب) تسلیم "ضمانتنامه‌ی اجرا" که یک ضمانتنامه‌ی بدون قید و شرط، برگشت ناپذیر، قابل تمدید و عندالمطالبه به نفع "سرمایه‌پذیر"، صادر شده از سوی یک بانک مورد قبول "سرمایه‌پذیر"، به مبلغ ..... و طبق فرم درج شده در پیوست ۱۴ (فرم ضمانتنامه‌ها)، پیش از "تاریخ قطعیت" این "موافقتنامه" به "سرمایه‌پذیر" است باید از "تاریخ قطعیت" تا "تاریخ بهره‌برداری تجاری" اعتبار داشته باشد؛

ج) طراحی، مهندسی، تأمین مالی، بیمه، تأمین، تدارک و حمل مصالح و تجهیزات، ساخت، تکمیل، آزمایش و راه اندازی به موقع "پروژه" در "ساختمان" طبق شرایط این "موافقتنامه" و بر اساس "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" و استانداردهای مهندسی قابل قبول بین المللی؛

د) بهره‌برداری، نگهداری و تعمیر "پروژه" و تولید و تحویل "محصول پروژه" بر اساس "قوانین و مقررات" مربوط، "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" و بر اساس مفاد این "موافقتنامه"؛

ه) انجام صحیح و به موقع امور لازم برای درخواست، دریافت و تمدید اعتبار "مجوزهای دولتی" که برای انجام اقدامات مورد انتظار به منظور انجام تعهدات "شرکت" تا پایان "دوره‌ی مجاز" در این "موافقتنامه" لازم است، به غیر از مجوزهایی که "سرمایه‌پذیر" طبق مفاد این "موافقتنامه" باید دریافت کند؛

و) تهیه، انجام مذاکرات و امضای قراردادهای لازم برای انجام تعهدات "شرکت" از جمله "قرارداد EPC" و "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری" و هرگونه قرارداد دیگری که ممکن است "شرکت" بخواهد طبق مفاد این "موافقتنامه" و به منظور انجام تعهدات خویش منعقد کند؛

ز) تحویل نسخه‌های کامل و صحیح هر یک از اسناد، مدارک و موافقتنامه‌هایی که قرار است "شرکت" پس از "تاریخ نفوذ" تا "تاریخ قطعیت" منعقد نماید و در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت) مشخص شده است، در اسرع وقت به "سرمایه‌پذیر"؛



ح) تحویل نسخه‌های کامل و صحیح هر یک از اسناد، مدارک و موافقت‌نامه‌هایی که باید پس از **"تاریخ قطعیت"** و در موعدهای تصریح شده در پیوست ۹ (اسناد و مدارک تحویلی پس از تاریخ قطعیت) به **"سرمایه‌پذیر"** تحویل داده شود؛

ط) پیگیری دقیق و به موقع و انجام تلاش‌های ضروری و متعارف به منظور رسیدن به **"تاریخ قطعیت تأمین مالی"** در اولین فرصت ممکن پس از **"تاریخ نفوذ"**؛

ی) فروش انحصاری **"محصول پروژه"** به **"سرمایه‌پذیر"** طبق شرایط و مندرجات این **"موافقت‌نامه"**؛

ک) انجام تمام تمهیدات لازم برای تأمین حفاظت، امنیت و ایمنی در داخل یا خارج از **"ساختگاه"** در طی **"دوره‌ی احداث"** و **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"** بر اساس **"رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای"** و **"قوانین و مقررات"**، که برای اجرای این **"موافقت‌نامه"** و جلوگیری از بروز صدمات و خسارات به اشخاص حقیقی و حقوقی و یا اموال و دارایی‌های اشخاص ضرورت دارند؛

ل) ثبت شعبه‌ای در جمهوری اسلامی ایران با اختیارات کامل در اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی طی مدت سه (۳) **"ماه"** از **"تاریخ نفوذ"** این **"موافقت‌نامه"**؛

م) انجام صحیح و به موقع امور لازم برای درخواست و دریافت روادید، اجازه‌ی کار، مجوزهای استخدام، مجوز همراهان، پروانه‌ها و مجوزهای دیگری که برای تمام افراد مورد نیاز **"پروژه"** ضروری است؛ و

ن) **"انتقال پروژه"** به **"سرمایه‌پذیر"** پس از انقضای **"دوره‌ی مجاز"** یا در تاریخ دیگری که طبق شرایط درج شده در این **"موافقت‌نامه"**، در آن تاریخ **"دوره‌ی مجاز"** خاتمه می‌یابد.

## ۲-۴. تعهدات **"سرمایه‌پذیر"**

تعهدات **"سرمایه‌پذیر"** علاوه بر موارد درج شده در این **"موافقت‌نامه"**، شامل موارد زیر نیز خواهد بود:

الف) درخواست به موقع و صحیح و همچنین دریافت و تمدید **"مجوزهای دولتی"** لازم که باید طبق مفاد ماده ۳ (مجوزهای دولتی) و پیوست ۸ (مجوزها)، توسط **"سرمایه‌پذیر"** تا پایان **"دوره‌ی مجاز"** در این **"موافقت‌نامه"** دریافت گردد، به شرط آن که **"شرکت"** نیز هرگونه اسناد و مدارک، اطلاعات یا همکاری متعارف را به منظور دریافت و تمدید این **"مجوزهای دولتی"**، بی‌درنگ در اختیار **"سرمایه‌پذیر"** قرار دهد؛

ب) همکاری در حد معقول با **"شرکت"** در تحصیل **"مجوزهای دولتی"** به شرح درج شده در بند ۲-۳ (ه) که **"شرکت"** درخواست خود را به مراجع مربوط ارایه کرده است، و پشتیبانی از این گونه درخواست‌ها طبق مفاد این **"موافقت‌نامه"**؛

ج) خرید "محصول پروژه" و پرداخت به موقع مبالغ "بهای ظرفیت"، "بهای تولید" و سایر وجوه قابل پرداخت دیگر به "شرکت"، طبق مفاد این "موافقتنامه"؛

د) تسلیم یک ضمانتنامه از وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران ("ضامن") به "شرکت" به شرح درج شده در ماده ۲۵ (ضمانتنامهها) این "موافقتنامه"؛

ه) تأمین و تحویل "ساختمان" "پروژه" در طول "دورهی مجاز"، بدون هیچ گونه هزینه به "شرکت" طبق مفاد این "موافقتنامه"؛

و) تأمین مصالح و "مواد اولیه"ی که حق انحصاری آن با دولت است و برای انجام "پروژه" ضروری است از حداقل یک "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" تا پایان "دورهی مجاز"، به طور مستقیم توسط "سرمایه‌پذیر" یا با انعقاد موافقتنامه‌های تأمین مصالح و "مواد اولیه"ی یاد شده بین "شرکت" و شرکت یا شرکت‌های تأمین‌کننده‌ی آنها طبق مفاد این "موافقتنامه"؛ و

احداث، تکمیل، بهره‌برداری، تعمیر و نگهداری تأسیساتی که برای تحویل و انتقال "محصول پروژه" و یا برای تأمین و تحویل "مواد اولیه"ی مورد نیاز "پروژه" در تعهدات "سرمایه‌پذیر" است، بر اساس "قوانین و مقررات" مربوط و "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" و طبق مفاد این "موافقتنامه".

### ماده ۳. "مجوزهای دولتی"

۳-۱. "شرکت" باید "مجوزهای دولتی" لازم را برای شروع، ساخت، تکمیل و بهره‌برداری "پروژه" و تولید "محصول پروژه" دریافت کند.

۳-۲. به غیر از "مجوزهای دولتی" که در این "موافقتنامه" دریافت آنها بر عهده‌ی "سرمایه‌پذیر" است، "شرکت" موظف است اقدامات لازم در خصوص "مجوزهای دولتی" لازم از جمله درخواست برای صدور مجوز، پرداخت هزینه، دریافت مجوز و همچنین تمدید یا تجدید اعتبار آنها و دیگر اقدامات لازم را به هزینه‌ی خود انجام دهد. "شرکت" موظف است با "دستگاه اجرایی" مرتبط با "مجوزهای دولتی" مکاتبه‌های لازم را انجام داده و امکان دسترسی و بازرسی آنها را به "پروژه" طبق ضوابط "مجوزهای دولتی" مربوط میسر سازد.

۳-۳. با توجه به مفاد بند ۲-۴ (ب)، "سرمایه‌پذیر" طبق درخواست "شرکت" تا حد ممکن "شرکت" را در دریافت "مجوزهای دولتی" کمک خواهد کرد ولی در هر صورت مسئولیت دریافت و برقراری اعتبار "مجوزهای دولتی" به عهده‌ی "شرکت" است.

۳-۴. به فاصله‌ی یک "ماه" از "تاریخ نفوذ" این "موافقتنامه"، "دوطرف" ضمن همکاری با یکدیگر تمام تلاش خود را به کار خواهند برد تا بر اساس اطلاعات و دانش "دوطرف"، به طور مشترک فهرست کامل

"مجوزهای دولتی" را که باید از سوی هر یک از "دوطرف" دریافت شود تهیه کنند. "دوطرف" بدین وسیله تأیید می‌کنند که تکمیل چنین فهرستی شامل "شروط مقدم" به شرح درج شده در پیوست ۸ (مجوزها) نیست و هیچ گونه لطمه‌ای به مواردی از "شروط مقدم" که مرتبط با "تاریخ قطعیت تأمین مالی" است، وارد نمی‌سازد.

فهرست "مجوزهای دولتی" که باید توسط "شرکت" دریافت شوند به شرح درج شده در جدول ۸-۲ از پیوست ۸ (مجوزها) این "موافقت‌نامه" است. فهرست "مجوزهای دولتی" که باید توسط "سرمایه‌پذیر" تهیه شود در جدول ۸-۱ از پیوست ۸ (مجوزها) این "موافقت‌نامه" آمده است. "شرکت" موظف است بی‌درنگ هرگونه اسناد و مدارک، اطلاعات مورد نیاز و یا همکاری متعارف را برای دریافت و تمدید این "مجوزهای دولتی"، در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار دهد.

#### ماده ۴. "تاریخ نفوذ" و "تاریخ قطعیت"

۴-۱. این "موافقت‌نامه" از زمانی که "دوطرف" آن را امضا کنند، نافذ است و با رعایت شرایط درج شده در "موافقت‌نامه"، مفاد آن برای "دوطرف" تعهدآور خواهد بود ("تاریخ نفوذ").

۴-۲. تاریخی که "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" به صورت مشترک تأیید کنند که "شروط مقدم" درج شده در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت)، تحقق یافته و یا از سوی "طرف" ذینفع صرف نظر شده است، حقوق و تعهدات "دوطرف" این "موافقت‌نامه" قطعیت یافته و "تاریخ قطعیت" محقق شده است. هر یک از "دوطرف" بیشترین تلاش خود را برای انجام تعهدات مربوط به خود برای رسیدن به "تاریخ قطعیت" به عمل خواهد آورد. "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" موظف هستند، در مدت پنج (۵) "روز کاری" از تاریخ تحقق یا اسقاط "شروط مقدم"، تأییدیه‌ی "تاریخ قطعیت" "موافقت‌نامه" را امضا کنند.

۴-۳. هرگاه پس از دوازده (۱۲) "ماه" از "تاریخ نفوذ"، "تاریخ قطعیت" محقق نشود، هر یک از "دوطرف" می‌تواند با اعلام مراتب به "طرف" دیگر، این دوره را به مدت شش (۶) "ماه" دیگر تمدید کند. تمدید مازاد بر این مدت منوط به توافق "دوطرف" خواهد بود. در صورت عدم موافقت یکی از "دوطرف" با تمدید مجدد "تاریخ قطعیت"، "موافقت‌نامه" خاتمه می‌یابد بدون این که "دوطرف" در مورد عدم قطعیت "موافقت‌نامه"، حق ادعایی از هر نوع علیه یکدیگر داشته باشند.

۴-۴. با وجود مفاد بند ۴-۳، هرگاه شرایطی که برای تحقق قطعیت "موافقت‌نامه" لازم است و از سوی "دوطرف" نیز اسقاط نشده است، به علت "قصور شرکت" محقق نشود، "سرمایه‌پذیر" می‌تواند "ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" "شرکت" را ضبط کند و یا معادل مبلغ آن را از "ضمانت‌نامه‌ی اجرا" اگر جایگزین شده باشد، مطالبه نماید. در سایر موارد که شرایط لازم برای تحقق "تاریخ قطعیت" در مهلت مقرر از سوی "دوطرف" تحقق نیابد یا اسقاط نشود، هیچ یک از "دوطرف" مسئولیتی بابت خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" در مقابل

"طرف" دیگر نخواهد داشت و "سرمایه‌پذیر" موظف است بی‌درنگ پس از خاتمه‌ی "موافقت‌نامه"، "ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" یا "ضمانت‌نامه‌ی اجرا" را در صورتی که جایگزین شده باشد، آزاد سازد.

## ماده ۵. "دوره‌ی مجاز"

۱-۵. این "موافقت‌نامه" از "تاریخ قطعیت" شروع می‌شود و ..... "ماه" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" منقضی خواهد شد مگر آن که زودتر خاتمه یابد و یا طبق مفاد "موافقت‌نامه" تمدید گردد ("دوره‌ی مجاز"). "دوره‌ی مجاز" شامل دوره‌های زیر است:

الف) یک دوره‌ی مجزای ..... "ماهه" برای احداث "پروژه" که از "تاریخ قطعیت برنامه‌ریزی شده" در "موافقت‌نامه" شروع می‌شود و در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" خاتمه پیدا می‌کند مگر آن که طبق مفاد این "موافقت‌نامه" تمدید شود و یا پیش از موعد به پایان رسد یا خاتمه داده شود ("دوره‌ی احداث").

ب) یک دوره‌ی ..... "ماهه" برای بهره‌برداری "پروژه" که از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" شروع می‌شود و این دوره ممکن است طبق مفاد "موافقت‌نامه" تمدید شود و یا پیش از موعد به پایان رسد یا خاتمه داده شود ("دوره‌ی بهره‌برداری تجاری").

۲-۵. در پایان "دوره‌ی مجاز"، "شرکت" "پروژه" را بر اساس شرایط ماده‌ی ۲۸ (انتقال پروژه) این "موافقت‌نامه"، بدون هیچ گونه ادعا و دریافت هزینه‌ای به "سرمایه‌پذیر" منتقل می‌کند. جز در مواردی که توافق دیگری از سوی "دوطرف" صورت گیرد و یا به شکل خاص دیگری در این "موافقت‌نامه" بر آن تصریح شود، تمام حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات "شرکت" در این "موافقت‌نامه" در پایان "دوره‌ی مجاز" خاتمه خواهند یافت به جز موارد مربوط به "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" به شرح درج شده در بند ۲۸-۳ (ب-۱) این "موافقت‌نامه".

۳-۵. هر یک از "دوطرف" می‌تواند سی (۳۰) "ماه" پیش از انقضای "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، طی اطلاعیه‌ای تقاضای تمدید دوره‌ی بهره‌برداری را به "طرف" دیگر اعلام نماید. اگر "دوطرف" طی مدت شش (۶) "ماه" پس از اعلام چنین درخواستی در مورد اصول، ضوابط و هزینه‌های آن به توافق دوجانبه برسند، در آن صورت دوره‌ی بهره‌برداری با شرایط جدید می‌تواند ادامه یابد.

## ماده ۶. "اسناد موافقت‌نامه"

۱-۶. این "موافقت‌نامه" شامل اسناد زیر است:

الف) متن این "موافقت‌نامه" به همراه تعداد ۱۸ پیوست آن؛ و

ب) "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی".

۲-۶. در صورت اختلاف یا تناقض در مدارک پیشگفته، مدارکی که پیشتر توافق شده‌اند و یا در ترتیب درج شده در بند ۱-۶ مقدم درج شده‌اند، حاکم هستند.

۳-۶. تمام اصلاحیه‌ها و توافقات و هرگونه سند و مدرک دیگری که در "دوره‌ی مجاز" طبق مفاد این "موافقت‌نامه" بین "دوطرف" امضا و مبادله شوند، به عنوان بخشی از این "موافقت‌نامه" تلقی خواهند گردید و در موضوع خود نسبت به تمام اسناد و مدارک درج شده در بند ۱-۶، اولویت خواهند داشت.

۴-۶. هرگاه تناقض‌هایی بین مفاد "موافقت‌نامه" و پیوست آن وجود داشته باشد، "شرکت" موظف است تا پیش از "تاریخ قطعیت"، آن‌ها را مشخص کند و با "سرمایه‌پذیر" در مورد رفع این تناقض‌ها به توافق برسد. در غیر این صورت، دستورها و نظرهای "سرمایه‌پذیر" لازم الاجراست.

## ماده ۷. "اسناد فنی"

۱-۷. "اسناد فنی" باید در "ساختگاه" "پروژه" نگهداری شود و "سرمایه‌پذیر" می‌تواند در هر مورد به فاصله‌ی پنج (۵) "روز" پس از ارسال اطلاعیه به "شرکت" به آن‌ها دسترسی داشته باشد.

۲-۷. "شرکت" موظف است سه (۳) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" "پروژه"، سه (۳) نسخه‌ی چاپی و سه (۳) نسخه‌ی الکترونیکی از کتابچه‌ی دستورالعمل‌های فنی بهره‌برداری و نگهداری از "پروژه" را طبق آخرین نسخه‌ی سازنده، برای اطلاع در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار دهد.

۳-۷. "شرکت" موظف است ظرف مدت سه (۳) "ماه" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، تمامی نقشه‌های "چون ساخت" و نمودارهای کنترل و حفاظت و نسخه‌های نهایی راهنمای بهره‌برداری و نگهداری مربوط به "پروژه" را طبق آخرین نسخه‌ی سازنده در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار دهد.

۴-۷. "شرکت" موظف است هرگونه تغییراتی را که در "اسناد فنی" به وجود می‌آید و در بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" طبق مفاد این "موافقت‌نامه"، تأثیر گذار است، به اطلاع "سرمایه‌پذیر" برساند.

## ماده ۸. نمایندگان

۱-۸. نمایندگان "سرمایه‌پذیر"

۱-۱-۸. "سرمایه‌پذیر" می‌تواند هر "شخص" حقیقی یا حقوقی را با تعیین حدود اختیار به عنوان نماینده‌ی خود در طول "دوره‌ی مجاز" به "شرکت" معرفی کند. این نماینده از جانب "سرمایه‌پذیر" باید دارای اختیار تام برای تمام مواردی که به او واگذار شده است، باشد و مراتب انتصاب او حداقل یک "ماه" قبل به اطلاع "شرکت" برسد.

۲-۱-۸. "سرمایه‌پذیر" در طول "دوره‌ی مجاز" می‌تواند نماینده‌ی خود را تغییر دهد و این تغییر را به صورت کتبی سی (۳۰) "روز" قبل به "شرکت" اطلاع دهد.

۲-۸. نمایندگان "شرکت"

۱-۲-۸. "شرکت" از "تاریخ قطعیت" "موافقتنامه"، "شخص" ای را به عنوان نماینده‌ی خود به "سرمایه‌پذیر" معرفی می‌کند. این نماینده باید دارای اختیار تام برای تمام مواردی که به او واگذار شده است، از جانب "شرکت" در چارچوب "موافقتنامه" باشد. با این وجود، "شرکت" در طول "دوره‌ی مجاز" صاحب اختیار و مسئول تمام اقداماتی خواهد بود که برای احداث و بهره‌برداری "پروژه" انجام می‌شود.

۳-۲-۸. پیمانکارانی که "شرکت" برای انجام کارهای مختلفی از جمله "قرارداد EPC" و "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری" انتخاب می‌کند، تنها انجام دهنده‌ی کارها هستند و نماینده‌ی "شرکت" نخواهند بود.

## ماده ۹. تأییدات و الزامات

۱-۹. "شرکت" موارد زیر را تأیید می‌کند و به "سرمایه‌پذیر" تضمین می‌دهد که:

الف) "شرکت" شخصیتی حقوقی است که به صورت انحصاری برای موضوع "پروژه" طبق قوانین و مقررات مرتبط تأسیس و به ثبت رسیده و مطابق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده و اجازه فعالیت داشته باشد و پس از دریافت "مجوزهای دولتی" از تمام اختیارات حقوقی و مجوزهای لازم برای امضا و اجرای مفاد این "موافقتنامه" برخوردار خواهد بود.

ب) "شرکت" اختیارات قانونی داخلی و درون سازمانی و توانایی‌های لازم را برای امضا، مبادله و اجرای این "موافقتنامه" و امور مربوط به آن داراست.

ج) این "موافقتنامه" از نظر مسئولیت‌ها و وظایف در حکم تعهد قانونی و الزام آور "شرکت" در طول "دوره‌ی مجاز" باقی می‌ماند و بر طبق مفاد آن قابل اجرا خواهد بود.

د) امضا، مبادله و اجرای این "موافقتنامه"، ناقض شرایط و یا باعث تخلف "شرکت" طبق هیچ موافقتنامه یا سند دیگری که "شرکت" یک "طرف" آن باشد و از آن جهت تعهداتی برای "شرکت" و یا دارایی‌های "شرکت" ایجاد کند، نمی‌گردد.

ه) "شرکت" هیچ گونه دعوی یا اختلاف حقوقی و یا دادخواست در حال رسیدگی، اقامه یا تسلیم شده در هیچ دادگاه، دیوان دآوری یا دستگاه اداری ندارد و یا احتمال اقامه یا تسلیم آن نمی‌رود که بر مسئولیت‌های "شرکت" در انجام این "موافقتنامه" تأثیر سوء بگذارد.

و) "شرکت" ضمن رعایت تمامی شرایط درج شده در پیوست ۱ (محدودیت‌های فنی)، تمامی "قوانین و مقررات" جاری و مرتبط در جمهوری اسلامی ایران را نیز در بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" رعایت می‌نماید و در صورت

"**تغییر در قوانین و مقررات**" مطابق مفاد ماده ۳۱ (تغییر در قوانین و مقررات) این "**موافقت‌نامه**" در این خصوص اقدام می‌کند.

۹-۲. "**سرمایه‌پذیر**" موارد زیر را تأیید می‌کند و به "**شرکت**" تضمین می‌دهد که:

الف) "**سرمایه‌پذیر**" به موجب "**قوانین و مقررات**"، اختیار امضا و اجرای این "**موافقت‌نامه**" را دارد و همچنین توانایی انجام تعهدات خود را داراست.

ب) "**سرمایه‌پذیر**" تمام مجوزهای لازم برای تدارک "**پروژه**" را به صورت معتبر تحصیل کرده است و سایر مجوزها را در موعدهای مشخص شده در «موافقت‌نامه» تحصیل می‌کند.

ج) این "**موافقت‌نامه**" از نظر مسئولیت‌ها و وظایف در حکم تعهد قانونی و الزام آور "**سرمایه‌پذیر**" در طول "**دوره‌ی مجاز**" باقی می‌ماند و بر طبق مفاد آن قابل اجرا خواهد بود.

امضا، مبادله و اجرای این "**موافقت‌نامه**"، ناقض شرایط و یا باعث تخلف "**سرمایه‌پذیر**" طبق هیچ موافقت‌نامه یا سند دیگری که "**سرمایه‌پذیر**" یک "**طرف**" آن باشد و از آن جهت تعهداتی برای "**سرمایه‌پذیر**" و یا دارایی‌های "**سرمایه‌پذیر**" ایجاد کند، نمی‌گردد.

## ماده ۱۰. اصول طراحی و احداث

۱۰-۱. طراحی و احداث "**پروژه**" باید طبق "**مشخصات فنی**" و با رعایت اصول زیر انجام شود:

الف) "**شرکت**" متعهد است که عملیات اجرایی "**پروژه**" را از "**تاریخ قطعیت**" "**موافقت‌نامه**" آغاز کند و "**پروژه**" را طوری طراحی، احداث و تکمیل نماید که:

۱. وسایل مورد استفاده از مدل آزمایشی نباشند و طبق اسناد مرجعی که ارائه خواهد شد، حداقل سه (۳) "**سال**" سابقه‌ی تولید و استفاده داشته باشند؛

۲. از مصالح و تجهیزات نو و دست اول و دارای کیفیت مناسب برای استفاده‌ی مورد نظر در ابنیه و تأسیسات "**پروژه**" استفاده شود، مگر به نحو دیگری در «موافقت‌نامه» توافق و تصریح شده باشد؛ و

۳. از هر نظر بر اساس اصول متقن مهندسی و "**رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای**" عمل شود.

ب) "**شرکت**" موظف است، بر اساس "**رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای**" به نحوی "**پروژه**" را طراحی، احداث، بهره‌برداری و نگهداری کند که حداقل عمر طراحی شده‌ی "**پروژه**" ..... "**سال**" از "**تاریخ بهره‌برداری تجاری**" باشد.

ج) "شرکت" موظف است، طراحی و احداث را طبق "مشخصات فنی" "پروژه" در پیوست ۱۶ (مشخصات فنی) این "موافقتنامه" و ضوابط، قوانین و استانداردهای توافق شده انجام دهد. در طراحی "پروژه"، فرض بر این است که "شرکت" تمام اطلاعات زیست‌محیطی، زمین‌شناسی، جغرافیایی، توپوگرافی و زلزله‌نگاری مربوط را در نظر گرفته و تمام تحقیقات و مطالعات ضروری را انجام داده است. "شرکت" موظف است، نسخه‌ای از مطالعات انجام شده را پیش از "تاریخ قطعیت" برای اطلاع به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد. در این مورد، "سرمایه‌پذیر" می‌تواند اطلاعاتی را به "شرکت" ارائه نماید. "سرمایه‌پذیر" موظف است اطلاعات مورد نظر را پیش از "تاریخ نفوذ" در اختیار "شرکت" قرار دهد.

د) هر یک از "دوطرف" موظف است پیش‌تر "طرف" دیگر را از هرگونه تغییر در طراحی و احداث "پروژه" مطلع سازد. هیچ‌گونه تغییری بدون تأیید "سرمایه‌پذیر" نباید انجام شود. این تأیید نباید بدون دلیل موجه ارائه نگردد یا بی دلیل در ارائه‌ی آن تأخیر شود.

"سرمایه‌پذیر" حق دارد که انطباق طراحی "پروژه" را با مفاد این "موافقتنامه" کنترل کند و ظرف مدت سی (۳۰) "روز" نظر خود را به "شرکت" اعلام نماید تا در طراحی "پروژه" در نظر گرفته شود. "شرکت" طراحی اصلاح شده بر اساس نظر "سرمایه‌پذیر" را دوباره به منظور تأیید برای "سرمایه‌پذیر" ارسال می‌کند و "سرمایه‌پذیر" موظف است تأیید طراحی را ظرف مدت پانزده (۱۵) "روز" اعلام نماید. هرگونه درخواست تغییر یا اظهار نظر از جانب "شرکت" باید ظرف مدت پانزده (۱۵) "روز" از سوی "سرمایه‌پذیر" پاسخ داده شود. در هر صورت، احداث "پروژه" متعاقب تأیید طراحی "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر"، طبق مفاد پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت)، و بر اساس مفاد بند ۱۰-۱ (ط)، آغاز خواهد شد.

ه) "شرکت" موظف است گزارش مربوط به فعالیت‌ها، موعدهای کلیدی و آزمایش‌ها را در دوره‌ی طراحی و احداث "پروژه" تهیه و به همراه گزارش فعالیت‌های ماهانه‌ی "شرکت" به شرح درج شده در ماده ۲۴ (سوابق و گزارش‌ها)، به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد.

و) "شرکت" موظف است در تأمین مواد و مصالح، تجهیزات، خدمات ساخت، بهره‌برداری و نگهداری مورد نیاز "پروژه" مفاد بند ۱۱-۳، را رعایت نماید.

ز) هرگاه نیاز باشد بخشی از این "پروژه" توسط "سرمایه‌پذیر" انجام شود، "شرکت" همکاری‌های لازم را در طراحی و احداث آن بخش با "سرمایه‌پذیر" انجام می‌دهد.

ح) "شرکت" موظف است، پیش از "تاریخ قطعیت" و پس از آن نیز، اسناد و مدارک مورد نیاز را به شرح درج شده در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت) و پیوست ۸ (مجوزها) و پیوست ۹ (اسناد و مدارک تحویلی پس از تاریخ قطعیت) تهیه کند و در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار دهد تا نشان دهد طراحی و احداث "پروژه" بر اساس مفاد این "موافقتنامه" صورت گرفته است.



ط) در صورت بروز هرگونه اختلاف بین "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در مورد طراحی "پروژه"، "دوطرف" تلاش می‌کند انتظارات خود را با مفاد این "موافقت‌نامه" تطبیق دهند و توافق نمایند. هرگاه "دوطرف" نتواند به توافق برسد، موضوع اختلاف برای حل و فصل طبق مفاد ماده ۳۴ (حل اختلاف) به مرجع حل اختلاف ارجاع می‌گردد. در خلال مدتی که حل اختلاف "دوطرف" در حال پیگیری است، "شرکت" اختیار دارد که با حفظ مسئولیت، طراحی و احداث "پروژه" را طبق مفاد "موافقت‌نامه" ادامه دهد.

ی) "سرمایه‌پذیر" می‌تواند یک "مشاور فنی" را به هزینه‌ی خود برای پایش هزینه، پیشرفت عملیات اجرایی و کیفیت مهندسی، طراحی، ساخت، نصب، آزمایش‌ها و راه اندازی تعیین و به "شرکت" معرفی کند. "شرکت" در ارتباط با "پروژه" اطمینان می‌دهد که مقدمات و امکانات لازم از جمله دفتر مجهز کار را طوری فراهم آورد که مشاور تعیین شده از سوی "سرمایه‌پذیر" در "دوره‌ی مجاز" بتواند با اطلاع قبلی، هرگونه دسترسی منطقی و مناسبی را به "ساختمان" و اطلاعات "پروژه" داشته باشد.

ک) حضور "مشاور فنی" یا نماینده‌ی "سرمایه‌پذیر" در عملیات اجرایی، آزمایش‌ها، راه اندازی و دیگر فعالیت‌های مربوط به "پروژه" و نیز هرگونه بازبینی و یا تأیید اسناد، نقشه‌ها، اطلاعات طراحی و دیگر اطلاعات تحویل شده از سوی "شرکت" در ارتباط با "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر"، به منزله‌ی تصدیق "پروژه" و یا تأیید ایمنی، قابلیت اطمینان و دوام‌پذیری "پروژه" نیست و رافع مسئولیت‌های "شرکت" در این "موافقت‌نامه" نخواهد بود.

۱۰-۲. تمامی امور حمل، بیمه، انبارداری، گمرک و انتقال تمامی ماشین‌آلات، وسایل، ابزارآلات، قطعات یدکی و مواد و مصالح به "ساختمان" و همچنین تمامی هزینه‌های مربوط بر عهده‌ی "شرکت" است.

۱۰-۳. "شرکت" پس از حمل هر محموله باید یک نسخه از مدارک زیر را جهت اطلاع به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد:

الف) بارنامه‌ی حمل (با کشتی، قطار یا حمل هوایی) یا بارنامه‌ی ترکیبی (فیاتا)؛

ب) گواهی مبدأ؛

ج) اسنادی که وزن خالص و ناخالص، ابعاد، حجم، و محتویات هر محموله و نام "پروژه" در آن‌ها مشخص باشد؛

د) گواهی‌نامه‌ی آزمایش شرکت سازنده؛ و

ه) بیمه‌نامه‌ی حمل.

"شرکت" موظف است، اطلاعات مربوط به حمل ماشین‌آلات، وسایل، ابزارآلات، قطعات یدکی و مواد و مصالح را در گزارش فعالیت‌های ماهانه‌ی خود به شرح درج شده در ماده ۲۴ (سوابق و گزارش‌ها)، به "سرمایه‌پذیر" تسلیم کند.

## ماده ۱۱. احداث "پروژه"

۱-۱۱. "شرکت" به هزینه‌ی خود مسئولیت طراحی و تدارک تجهیزات، مواد و مصالح و احداث، نصب، تکمیل، آزمایش و راه اندازی "پروژه" را بر عهده خواهد داشت. "شرکت" موظف است این فعالیت‌ها را از "تاریخ قطعیت" "موافقت‌نامه" آغاز کند.

۲-۱۱. "شرکت" علاوه بر مفاد بند ۱-۱۱، مسئولیت‌های زیر را نیز بر عهده خواهد داشت:

الف) آماده‌سازی، مذاکره و انعقاد قراردادهای مربوط به تعهدات "شرکت" در این "موافقت‌نامه".

ب) تأمین تمام مدارکی که در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت) و پیوست ۹ (اسناد و مدارک تحویلی پس از تاریخ قطعیت) تعیین شده است و تسلیم آن‌ها در موعد مقرر به "سرمایه‌پذیر".

ج) انتصاب، سازماندهی و راهبری پرسنل و افراد و کارکنان "شرکت".

د) مدیریت و نظارت بر "پروژه".

ه) انجام هر عمل دیگری که برای تکمیل به موقع "پروژه" و طبق "مشخصات فنی" درج شده در پیوست ۱۶ (مشخصات فنی)، این "موافقت‌نامه" و بر اساس "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" لازم است. و) "شرکت" موظف است "پروژه" را در موعدهای کلیدی مشخص شده در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، تکمیل کند.

۳-۱۱. "شرکت" موظف است به تشخیص خود و با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی، تجاری، مالی و فنی "پروژه"، مواد و مصالح، تجهیزات، خدمات ساخت، بهره‌برداری و نگهداری مورد نیاز "پروژه" که در جمهوری اسلامی ایران موجود است و یا قابل اجراست و با مفاد این "موافقت‌نامه" نیز مطابقت دارد را تا حد امکان از بازار داخلی تأمین کند.

۴-۱۱. "شرکت" تأیید می‌کند هرگاه به هر دلیلی که منتسب به "شرکت" یا پیمانکاران وی باشد، "پروژه" در "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" یا هر تاریخی که طبق توافق "دوطرف" تعیین شده است، به بهره‌برداری نرسد، "سرمایه‌پذیر" متضرر می‌شود و "شرکت" باید "خسارت مقطوع" تأخیر را به عنوان تنها غرامت ناشی از تأخیر، طبق پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، به "سرمایه‌پذیر" پرداخت کند.

۵-۱۱. "سرمایه‌پذیر" مسئولیت طراحی و احداث موارد زیر را با هزینه‌ی خود و بر اساس "مشخصات فنی" "پروژه" می‌پذیرد:

الف) بخش‌هایی از "پروژه" که در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، مشخص شده اند.

ب) تأسیسات و مستحقات تکمیلی و مربوط به "پروژه" که برای تحویل و انتقال "محصول پروژه" از سوی "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" ضروریست و در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، مشخص شده اند.

ج) تأسیساتی که برای تحویل "مواد اولیه"ی مورد نیاز "پروژه" طبق مفاد این "موافقت‌نامه" در تعهدات "سرمایه‌پذیر" است.

۱۱-۶. در صورتی که "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" "پروژه" به دلیل تأخیر "سرمایه‌پذیر" در تکمیل کارهای مورد تعهد خود طبق بند ۱۱-۵، و یا تأخیر "شرکت" در تکمیل "پروژه" به تعویق افتد، در آن صورت مفاد پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، با توافق "دوطرف" اصلاح می‌گردد. در مورد اثرات تأخیر و مسبب آن طبق مفاد "موافقت‌نامه" عمل خواهد شد.

۱۱-۷. هرگاه "پروژه" از نظر فیزیکی تکمیل گردد ولی "شرکت" به دلایل زیر نتواند "پروژه" را به شرح درج شده در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، یا اصلاحیه‌های احتمالی آن، به "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" برساند:

الف) تأخیر "سرمایه‌پذیر" در انجام تعهدات خود طبق مفاد این "موافقت‌نامه" و یا تأخیر در تکمیل بخش‌های مورد تعهد خود به شرح درج شده در بند ۱۱-۵؛

ب) "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی"؛ و

ج) "حادثه‌ی قهریه" ای که تنها بر اجرای تعهدات "سرمایه‌پذیر" در این "موافقت‌نامه"، تأثیر بگذارد.

در آن صورت "سرمایه‌پذیر" موظف است، پرداخت مربوط به "بهای ظرفیت" را با فرض تولید حداکثر محصول که در تعهد "شرکت" است، شروع کند و تا زمانی که "تاریخ بهره‌برداری تجاری" محقق می‌شود ادامه دهد. هرگاه پس از تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، ظرفیت تولید "محصول پروژه" کمتر از میزان تعهد شده از سوی "شرکت" باشد، "شرکت" علاوه بر بازگرداندن مبالغ پرداخت اضافی ظرفیت که به واسطه‌ی این بند ۱۱-۷ دریافت داشته، باید "خسارت مقطوع" کاهش در تولید "محصول پروژه" مورد تعهد خود را نیز طبق پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، به "سرمایه‌پذیر" بپردازد.

## ماده ۱۲. "هزینه‌ی کل" و "تأمین مالی" پروژه

۱-۱۲. "هزینه‌ی کل" شامل تمامی هزینه‌های اجرای "پروژه" در داخل یا خارج از جمهوری اسلامی ایران به ریال یا ارز خارجی پس از "تاریخ نفوذ" تا پایان "دوره‌ی مجاز" می‌شود. "هزینه‌ی کل" شامل هزینه‌های تأمین مالی، طراحی، مهندسی، تأمین کالا، حمل و نقل به "ساختگاه"، ساخت، نصب، آزمایش، راه اندازی، تعمیرات، بهره‌برداری و نگهداری، مدیریت پروژه، مالیات، بیمه و دیگر هزینه‌هایی است که طبق مفاد این "موافقتنامه"، "شرکت" متحمل می‌گردد.

۲-۱۲. مسئولیت تأمین مالی "هزینه‌ی کل" "پروژه" اعم از آورده و تسهیلات مالی ریالی یا ارزی، تنها به عهده‌ی "شرکت" است و هزینه و ریسک آن نیز بدون ایجاد تغییری در "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" تنها از سوی "شرکت" تحمل خواهد شد، مگر در مواردی که به روشنی در "موافقتنامه" به نحو دیگری پیش‌بینی شده باشد.

۳-۱۲. تاریخی که تمامی "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" "هزینه‌ی کل" "پروژه" از سوی "شرکت" منعقد شود و به امضای "شرکت" و "تأمین‌کنندگان مالی" برسد و شرایط لازم برای اولین برداشت از وام‌های مربوط بر طبق "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" فراهم گردد، "تاریخ قطعیت تأمین مالی" "پروژه" نامیده می‌شود که نباید از "تاریخ قطعیت" "پروژه" فراتر رود.

۴-۱۲. "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" "شرکت" با طرف‌های ارائه دهنده‌ی تسهیلات مالی، باید به نحوی منعقد گردند که با مفاد این "موافقتنامه" تطبیق داشته باشند و ناقض حقوق و منافع "سرمایه‌پذیر" در این "موافقتنامه" نباشند. هرگونه شرایط پیش‌بینی شده در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" که با مفاد این "موافقتنامه" مغایرت داشته باشد، باطل و بدون اثر است.

۵-۱۲. نسبت سرمایه آورده‌ی سهامداران "شرکت" به "هزینه‌ی کل" "پروژه" نباید کمتر از ..... درصد باشد و "شرکت" موظف است طوری عمل کند که در طول "دوره‌ی مجاز"، میزان سرمایه آورده‌ی سهامداران آن که در "پروژه" سرمایه‌گذاری شده است، همواره از ..... درصد کل مبلغی که در همان تاریخ در "پروژه" هزینه شده است کمتر نباشد.

۶-۱۲. "شرکت" موظف است، فهرست سهامداران اولیه‌ی "شرکت" با درج درصد مالکیت، به شرح تعیین شده در پیوست ۱۳ (سهامداران اولیه‌ی شرکت)، به همراه تعهدنامه‌ای از هر یک از سهامداران را به "سرمایه‌پذیر" تسلیم کند که طبق آن، هیچ یک از سهامداران اولیه‌ی "شرکت" تمام یا بخشی از سهام خود در "شرکت" را تا پنج "سال" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" منتقل نکنند مگر در موارد زیر:

الف) انتقالی که طبق "قوانین و مقررات" و به دستور دادگاه و محاکم قضایی باشد.

ب) هرگونه انتقالی که با رضایت قبلی کتبی "سرمایه‌پذیر" باشد.

۷-۱۲. در اساس نامه‌ی "شرکت" و در تمام برگه‌های سهام "شرکت"، باید شرح لازم در مورد محدودیت‌های انتقال سهام "شرکت" داده شود تا خریداران آتی از آن اطلاع حاصل کنند و نباید هیچ گونه انتقال سهام غیر منطبق با مفاد بند ۱۲-۶ ثبت یا تنفیذ گردد.

۸-۱۲. هرگونه تصمیم به کاهش در مقدار سرمایه آورده‌ی "شرکت" یا تغییر درصد سهام سهامداران "شرکت"، باید در اولین فرصت به "سرمایه‌پذیر" گزارش داده شود. "سرمایه‌پذیر" حق خواهد داشت تا بیست و یک (۲۱) "روز" پس از دریافت اطلاعات پیشگفته، هرگونه اظهارنظر یا اعتراضی را به "شرکت" اعلام کند و "شرکت" موظف است موارد مغایر با نظر "سرمایه‌پذیر" را در چارچوب این "موافقت‌نامه" برطرف کند.

### ماده ۱۳. تأمین مالی اضافی

۱-۱۳. "شرکت" موظف است هرگونه افزایش در "هزینه‌ی کل" ناشی از "حادثه‌ی قهریه" ای که در طول "دوره‌ی مجاز" رخ می‌دهد را به طور جامع به "سرمایه‌پذیر" گزارش دهد. این گونه هزینه‌ها باید از سوی "شرکت" و از منابع مالی زیر تأمین گردد:

الف) هرگونه غرامت دریافتی از بیمه‌نامه‌های "پروژه"؛ و

ب) هرگونه تأمین مالی اضافی که باید از سوی "شرکت" فراهم شود و "شرکت"، خود منبع آن را تعیین می‌کند.

۲-۱۳. در مواردی که طبق بند ۱-۱۳ الف)، غرامت دریافتی از بیمه‌نامه‌ها هزینه‌های اضافی ناشی از "حادثه‌ی قهریه" را تأمین می‌کند، در "پرداخت‌ها"ی "بهای ظرفیت" به "شرکت" تغییری داده نمی‌شود ولی در صورت تحقق بند ۱-۱۳ ب)، "پرداخت‌ها"ی "بهای ظرفیت" به "شرکت" بر حسب مورد تغییر می‌کند.

۳-۱۳. هرگونه افزایش هزینه‌ای که در نتیجه‌ی عوامل زیر ایجاد شود:

الف) "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی".

ب) "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" که بر تعهدات "سرمایه‌پذیر" مؤثر باشد.

در این شرایط، "سرمایه‌پذیر" باید "پرداخت‌ها"ی خود در این "موافقت‌نامه" را به "شرکت" به نحوی اصلاح کند تا "شرکت" بتواند مبلغ لازم را طبق بند ۱-۱۳ ب)، جبران کند.

۴-۱۳. "شرکت" ادعای افزایش هزینه‌های مربوط به بندهای ۲-۱۳ و ۳-۱۳، خود را تنها در صورت تحقق هر یک از شروط زیر، هر کدام که زودتر محقق شوند، مطرح می‌کند:

الف) جمع تمام مطالبات مربوط به بندهای ۱۳-۲ و ۱۳-۳، از معادل ..... ریال/یورو بیشتر شود.

ب) در "دوره‌ی احداث" هر ..... "ماه" یک بار و در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" هر ..... "ماه" یک بار.

همین قاعده در مورد ادعاهای مشابه بعدی مربوط به بندهای ۱۳-۲ و ۱۳-۳، نیز رعایت خواهد شد.

۱۳-۵. تأمین مالی هرگونه افزایش در "هزینه‌ی کل" "پروژه" ناشی از اهمال کاری یا "قصور شرکت" برعهده‌ی "شرکت" است و بابت آن هیچ گونه پرداختی به "شرکت" صورت نمی‌گیرد و تغییری در "بهای ظرفیت" داده نمی‌شود.

#### ماده ۱۴. واگذاری و جایگزینی

۱۴-۱. "شرکت" نمی‌تواند بدون موافقت کتبی "سرمایه‌پذیر"، که صدور آن بدون دلیل متعارف به تأخیر نمی‌افتد و از صدور آن خودداری نمی‌شود، تمام یا قسمتی از حقوق، منافع و تعهدات خود را به دیگری واگذار کند به جز در موارد مربوط به تأمین مالی یا تأمین مالی مجدد "پروژه" که می‌تواند:

الف) تمام یا بخشی از حقوق و منافع خود را در "پروژه"، طبق مفاد و شرایط این "موافقت‌نامه" به "تأمین کنندگان مالی" "پروژه" واگذار نماید ولی در هر صورت تعهدات "شرکت" را نمی‌تواند واگذار کند.

ب) دارایی‌های مشهود و نامشهود "شرکت" را به عنوان وثیقه‌ی تسهیلات دریافتی به "تأمین کنندگان مالی" واگذار کند.

۱۴-۲. جز در مواردی که در این "موافقت‌نامه" به نحو دیگری به صراحت بیان شده باشد، "شرکت" نباید هیچ یک از تعهدات خود را در این "موافقت‌نامه" به دیگری انتقال دهد یا واگذار نماید. "دوطرف" بدین وسیله توافق می‌کنند که "شرکت" می‌تواند در اجرای "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" به "تأمین کنندگان مالی" اجازه دهد تا در شرایط خاصی که "شرکت" در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" "قصور" آشکار نماید، "تأمین کنندگان مالی" "شرکت" را تحت کنترل خود درآورند و آن را با یک شرکت دارای صلاحیت هم طراز دیگر که به تأیید "سرمایه‌پذیر" خواهد رسید، جایگزین نمایند ("نهاد جایگزین"). در این صورت، "تأمین کنندگان مالی" موظفند بی‌درنگ، رخداد واقعه‌ای که باعث ایجاد حق جایگزینی شده است و تمایلشان نسبت به استفاده از این حق به همراه چگونگی اجرای این حق را به "سرمایه‌پذیر" طی "اطلاعیه‌ی جایگزینی" اعلام نمایند. "سرمایه‌پذیر" در صورت تحقق شرایط زیر، با پیشنهاد "تأمین کنندگان مالی" برای تأیید "نهاد جایگزین" مخالفت نخواهد کرد:

الف) تمامی بدهی‌های "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" در این "موافقت‌نامه" پرداخت شده باشد.

ب) **"نهاد جایگزین"** پیشنهاد شده، توان اجرایی لازم را داشته باشد. بدین منظور اگر جایگزینی در **"دوره‌ی احداث"** رخ دهد، **"نهاد جایگزین"** باید یا یک پیمانکار مجرب **"پروژه"** باشد و یا تعهد کند که از خدمات یک پیمانکار مجرب مورد تأیید **"سرمایه‌پذیر"** استفاده خواهد کرد و همچنین تعهد نماید در زمان بهره‌برداری، از یک **"بهره بردار مجرب"** **"پروژه"** با تأیید **"سرمایه‌پذیر"** استفاده کند. اگر جایگزینی در **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"** رخ دهد، **"نهاد جایگزین"** باید یا یک **"بهره بردار مجرب"** **"پروژه"** باشد و یا تعهد کند که از خدمات یک **"بهره بردار مجرب"** مورد تأیید **"سرمایه‌پذیر"** استفاده خواهد کرد.

ج) **"نهاد جایگزین"** به صورت کتبی و روشن و در راستای منافع **"سرمایه‌پذیر"**، تمامی وظایف، تأییدات، تعهدات و تضمین‌های قراردادی **"شرکت"** به **"سرمایه‌پذیر"** از جمله مسئولیت‌های بهره‌برداری و نگهداری **"پروژه"** را به عهده گیرد.

د) طبق **"موافقت‌نامه‌ی تنظیمی بین "شرکت" و "تأمین کنندگان مالی"** و یا طبق حکم قطعی صادره از مرجع ذیصلاح حل اختلاف، تمامی شرایط برای شروع به کار **"نهاد جایگزین"** فراهم شود و حقوق **"شرکت"** نسبت به **"موافقت‌نامه"** ساقط گردد و مانعی برای استیفای حقوق یاد شده از سوی **"نهاد جایگزین"** وجود نداشته باشد.

**"تأمین کنندگان مالی"** باید همراه با **"اطلاعی‌ی جایگزینی"**، با ارائه‌ی مدارک و اسنادی نشان دهند که در جایگزینی، الزامات بند ۱۴-۲، رعایت شده است و **"سرمایه‌پذیر"** نیز باید بیست و یک (۲۱) **"روز کاری"** پس از دریافت **"اطلاعی‌ی جایگزینی"**، نظر خود را در مورد **"نهاد جایگزین"** اعلام کند. عدم اظهار نظر **"سرمایه‌پذیر"** پس از مدت پیشگفته به معنای تأیید جایگزینی است.

هرگونه جایگزینی طبق بند ۱۴-۲، حق تغییری در شرایط این **"موافقت‌نامه"** و یا تطویل زمان انجام تعهدات **"شرکت"** یا **"نهاد جایگزین"** را ایجاد نمی‌کند، مگر آن که به طور مشخص با **"سرمایه‌پذیر"** توافق شود. ۱۴-۳. **"سرمایه‌پذیر"** نمی‌تواند بدون موافقت کتبی **"شرکت"**، حقوق، منافع و تعهدات خود را که در این **"موافقت‌نامه"** آمده است، به شخص دیگری واگذار کند، مگر آن که به سبب **"قوانین و مقررات"** الزامی باشد. در صورت هرگونه واگذاری و یا انتقال تعهدات **"سرمایه‌پذیر"** به دیگری از جمله انتقال الزامی به موجب **"قوانین و مقررات"**، **"شرکت"** می‌تواند طبق بند ۲۷-۲ (ب)، این **"موافقت‌نامه"** را خاتمه دهد مگر این که انتقال گیرنده:

الف) مجوز و توانایی انجام تمامی شرایط، تعهدات و وظایف **"سرمایه‌پذیر"** اولیه را در **"موافقت‌نامه"** دارا باشد.

ب) به صورت کتبی تمام مسئولیت‌های **"سرمایه‌پذیر"** اولیه در این **"موافقت‌نامه"** را بپذیرد.

ج) انجام تمام تعهدات پرداختی به **"شرکت"** طبق روش تعهد شده از سوی **"سرمایه‌پذیر"** اولیه و برقراری تضمین‌های مربوط را طبق مفاد ماده‌ی ۲۵ (ضمانت‌نامه‌ها)، متعهد شود.

### ماده ۱۵. نیازهای "پروژه"

مسئولیت تأمین نیازهای "پروژه" در "دورهی احداث" و دورهی بهره‌برداری، به عهدهی "شرکت" است.

۱-۱۵. "شرکت" مکلف است از سازمان‌های متولی تأمین آب، نسبت به تأمین آب مورد نیاز در "دورهی احداث" و در "دورهی بهره‌برداری تجاری" به هزینه‌ی خود اقدام کند. هرگاه ضروری باشد، برای تأمین آب مورد نیاز اقدام به حفر چاه یا برداشت از رودخانه یا دریا نماید، تحصیل مجوزهای لازم و احداث و بهره‌برداری و نگهداری از تمام تأسیسات مربوط، با مسئولیت و هزینه‌ی "شرکت" خواهد بود.

۲-۱۵. "شرکت" مکلف است از سازمان‌های متولی تأمین برق، نسبت به تأمین برق مورد نیاز در "دورهی احداث" و در "دورهی بهره‌برداری تجاری" به هزینه‌ی خود اقدام کند. "شرکت" می‌تواند در صورت اقتضای "پروژه"، برای تأمین برق مورد نیاز، از ژنراتور اختصاصی نیز استفاده کند. در هر صورت، تحصیل مجوزهای لازم و احداث و بهره‌برداری و نگهداری از تمام تأسیسات مربوط، با مسئولیت و هزینه‌ی "شرکت" خواهد بود.

۳-۱۵. در صورتی که انرژی مورد نیاز "پروژه" در دورهی راه اندازی و بهره‌برداری از سوی "سرمایه‌پذیر" تأمین شود، "شرکت" مانند یک مشترک صنعتی باید هزینه‌ی انرژی مصرفی را بر اساس تعرفه‌ی صنعتی بپردازد.

۴-۱۵. مسئولیت تخلیه‌ی فاضلاب و پسماندها طبق مقررات سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران بر عهدهی "شرکت" خواهد بود.

۵-۱۵. "سرمایه‌پذیر" در تحصیل هرگونه "مجوزهای دولتی" لازم برای تدارک یا خرید انرژی‌های مورد نیاز "پروژه" در "دورهی مجاز"، "شرکت" را مساعدت خواهد کرد. هرگونه هزینه‌ی لازم برای صدور و تمدید این گونه "مجوزهای دولتی" و همچنین هزینه‌های استفاده از آن‌ها بر عهدهی "شرکت" خواهد بود.

### ماده ۱۶. "مواد اولیه"

۱-۱۶. در دوره‌ای که از یک (۱) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" شروع می‌شود و تا پایان "دورهی مجاز" ادامه دارد، "سرمایه‌پذیر" موظف است، مقادیر "مواد اولیه"ی مورد نیاز "پروژه" را به هزینه‌ی خود و بر اساس مفاد این "موافقت‌نامه" تدارک کند. کیفیت "مواد اولیه"ی تحویلی از سوی "سرمایه‌پذیر" باید با "مشخصات مواد اولیه"ی درج شده در پیوست ۴ (مشخصات مواد اولیه) مطابقت داشته باشد.

۲-۱۶. تأمین "مواد اولیه"ی مورد نیاز "پروژه" از سوی "سرمایه‌پذیر" می‌تواند به یکی از دو روش زیر صورت گیرد:



الف) با مساعدت "سرمایه‌پذیر" با انعقاد موافقت‌نامه‌های تأمین "مواد اولیه" بین "شرکت" و شرکت / شرکت‌های تأمین‌کننده‌ی "مواد اولیه" تا پایان "دوره‌ی مجاز" طبق مفاد این "موافقت‌نامه".  
 ب) تأمین "مواد اولیه"، به طور مستقیم توسط "سرمایه‌پذیر".

۱۶-۳. حداقل شش (۶) "ماه" پیش از تاریخ انجام آزمایش و راه‌اندازی پیش‌بینی شده‌ی "پروژه" و پس از آن تا اول فروردین و اول مهر هر "سال"، "شرکت" موظف خواهد بود ضمن مشورت با "سرمایه‌پذیر" و طبق مفاد این "موافقت‌نامه"، جدول زمانی تحویل "مواد اولیه" را تهیه کند و مقادیر پیش‌بینی شده برای مصرف در "پروژه" و همچنین مقدار مورد نیاز برای ذخیره‌ی احتیاطی را در طی دوره‌ی شش (۶) "ماهه"‌ی بعدی تعیین کند. "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" در زمینه‌ی تغییر و اصلاح جدول تحویل "مواد اولیه" به منظور اطمینان از این که همواره "مواد اولیه" به مقدار کافی در "پروژه" موجود باشد، با یکدیگر همکاری خواهند نمود.

۱۶-۴. "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" شش (۶) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" در خصوص موارد زیر توافق می‌کنند:

الف) سیستم اندازه‌گیری تحویل مواد اولیه؛

ب) برنامه‌ی توقف تدارک و تأمین "مواد اولیه"؛

ج) نحوه‌ی استفاده از ذخیره‌ی احتیاطی "مواد اولیه"؛

د) نقطه‌ی تحویل "مواد اولیه"؛

ه) چگونگی نظارت بر تحویل و اندازه‌گیری کیفیت و مقدار "مواد اولیه" و ذخیره‌ی احتیاطی آن؛

و) مشخصات تأسیسات انتقال، اندازه‌گیری، تحویل و نگهداری "مواد اولیه"؛

ز) تعیین مسئولیت‌های هر یک از "دوطرف" در تمامی مراحل تدارک، تأمین، ایمنی و مصرف "مواد اولیه"؛ و

ح) موارد "قصور" هر یک از "دوطرف" در تمامی مراحل تدارک، تأمین، ایمنی و مصرف "مواد اولیه" و تعیین خسارت مربوط و نحوه‌ی جبران آن.

## ماده ۱۷. آزمایش و راه‌اندازی

۱۷-۱. برنامه، روش کار، استانداردها و تنظیماتی که "شرکت" باید برای آزمایش‌ها رعایت کند، طی جلسه‌های مشترک "دوطرف" و بر اساس مفاد درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، توافق خواهد شد.

۱۷-۲. "شرکت" زمان آغاز هر آزمایش در "ساختگاه" را حداقل شصت (۶۰) "روز" یا زودتر به اطلاع "سرمایه پذیر" می‌رساند. "سرمایه پذیر" یا نماینده‌ی وی حق حضور در هنگام آزمایش را خواهند داشت. ۱۷-۳. پس از انجام و تکمیل موفقیت‌آمیز آزمایش‌های قبولی درج شده در بند ۱ پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، "دوطرف" گواهی تأیید تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری" را امضا و صادر می‌کنند مشروط بر این که همزمان "شرکت" و "پیمانکار EPC" گواهی تحویل موقت برای "پروژه" را امضا کنند و "شرکت" و "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" تأیید کنند که "پروژه" برای بهره‌برداری تجاری آماده شده است. "تاریخ بهره‌برداری تجاری" به طور دقیق فردای آخرین "روز" انجام موفقیت‌آمیز آزمایش‌های درج شده در بند ۱ پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، و امضا تأیید آن توسط "دوطرف" تحقق می‌یابد.

۱۷-۴. پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، "دوطرف" هیچ تعهدی در مقابل خرید یا فروش "محصول پروژه" ندارند اما در صورتی که "شرکت" موفق شود "پروژه" را پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" در "موافقت‌نامه" تکمیل کند، ملزم است مراتب تکمیل زودتر "پروژه" را حداقل دو (۲) "ماه" پیش از تاریخ مورد نظر به صورت کتبی به "سرمایه پذیر" اطلاع دهد و هرگاه بخش‌های تعهد شده از سوی "سرمایه پذیر" به شرح درج شده در بند ۱۱-۵، تکمیل شود و دیگر تعهدات "سرمایه پذیر" نیز قابل انجام باشد و "سرمایه پذیر" به "محصول پروژه" نیاز داشته باشد، "سرمایه پذیر" می‌تواند "شرکت" را نسبت به دریافت "محصول پروژه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" مطلع نماید. در این صورت، نرخ تعرفه‌ی "محصول پروژه" تا "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" در "موافقت‌نامه"، بین "دوطرف" توافق خواهد شد.

۱۷-۵. "شرکت" نمی‌تواند در "پروژه" تغییراتی اعمال کند که منجر به تغییر در ظرفیت تولید، بازدهی و یا ایمنی "پروژه" شود، مگر آن که پیش از آن موافقت کتبی "سرمایه پذیر" را کسب کند. "سرمایه پذیر" بدون دلیل موجه از صدور چنین موافقتی خودداری نمی‌کند و یا آن را به تأخیر نمی‌اندازد.

۱۷-۶. پیش از امضای گواهی تأیید تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری" به شرح بند ۱۷-۳، "سرمایه پذیر" به اتفاق "شرکت" و "مشاور فنی"، فهرست کاستی‌ها و نقایص "پروژه" را تهیه می‌کنند که در آن تمام انحرافات از "مشخصات فنی" و کاستی‌های احداث "پروژه" درج می‌شود. تهیه‌ی این فهرست نباید تا شروع "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" به تأخیر بیفتد.

"شرکت" باید تمام کاستی‌های احداث و نقایص فنی "پروژه" را طی مدتی که با "سرمایه پذیر" توافق می‌نماید برطرف کند. در صورت کوتاهی "شرکت" در برطرف کردن این کاستی‌ها و نقایص در طی مدت توافق شده، "سرمایه پذیر" حق دارد تا معادل هزینه‌ی رفع این کاستی‌ها و نقایص را طبق محاسبه‌ی "مشاور فنی" از "پرداخت‌ها" به "شرکت" کسر کند.

ماده ۱۸. بهره‌برداری و نگهداری

۱۸-۱. "شرکت" به هزینه‌ی خود مسئولیت راه‌اندازی، مدیریت، بهره‌برداری، نگهداری و تعمیرات "پروژه" را تا پایان "دوره‌ی مجاز" بر عهده دارد و به عنوان یک "بهره‌بردار مجرب" طوری عمل می‌کند که "پروژه" در وضعیت سالم و مناسب بهره‌برداری طبق "مشخصات فنی" و مفاد این "موافقت‌نامه" قرار گیرد و بتواند "محصول پروژه" را با روشی بی خطر، متداول، مطمئن و پایدار تولید نماید و تحویل "سرمایه‌پذیر" دهد. "شرکت" علاوه بر سایر مسئولیت‌ها، مسئولیت‌های زیر را نیز بر عهده دارد:

الف) آماده‌سازی، مذاکره، امضا و اجرای "قرارداد بهره‌برداری و نگهداری" و تمام موافقت‌نامه‌ها و قراردادهایی که برای انجام تعهدات خود لازم می‌بیند؛

ب) حصول اطمینان از این که "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"، حداقل شصت (۶۰) "روز" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"، به طور کامل تجهیز شده است؛

ج) خرید و تعویض تجهیزات و قطعات یدکی مورد نیاز برای بهره‌برداری مطمئن از "پروژه" طبق این "موافقت‌نامه" و یا حصول اطمینان از انعقاد قرارداد از سوی "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" برای انجام این تعهدات؛

د) تأمین مواد و مصالح، مواد مصرفی و خدمات مورد نیاز و یا حصول اطمینان از انعقاد قراردادهای لازم برای تأمین این اقلام از سوی "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"؛

ه) انتصاب، سازماندهی و راهبری کارکنان برای مدیریت و نظارت بر بهره‌برداری و نگهداری "پروژه"؛

و) تدوین، تنظیم و برقراری رویه‌های منظم بازرسی، نگهداری و تعمیرات اساسی "پروژه"؛ و

ز) انجام دیگر اقداماتی که به طور متعارف برای بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" طبق مفاد پیوست ۳ (روش‌های بهره‌برداری)، و بر اساس "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" ضروری است.

۱۸-۲. "شرکت" و "سرمایه‌پذیر" موظف هستند به طور مشترک نحوه و مراحل "روش‌های بهره‌برداری" "پروژه" را نه (۹) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" با هم توافق کنند تا پیش نویس روش‌های یاد شده توسط "شرکت" تهیه و به "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" تحویل گردد. "روش‌های بهره‌برداری" باید بر اساس طراحی "پروژه" به شرح پیش‌بینی شده در "موافقت‌نامه" تعیین و تدوین شود و با پارامترهای بهره‌برداری مطابقت و سازگاری داشته باشد و در آن به تمام فصل مشترک‌های کارکردی بین "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" از جمله (اما نه محدود به) روش برقراری ارتباط‌های روزانه، فهرست کارکنان کلیدی، برنامه‌ریزی تولید "محصول پروژه" و زمان‌های "توقف برنامه‌ریزی شده" و "توقف اضطراری" آن، نحوه‌ی گزارش مقدار ظرفیت و مقدار تولید و گزارش بهره‌برداری "پروژه" اشاره شود. "کمیته‌ی هماهنگی

**بهره‌برداری** تشکیل شده طبق ماده‌ی ۱۹ (کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری)، موظف است، ظرف مدت دو (۲) "ماه" پیش نویس تهیه شده را بازنگری و نهایی کند.

۳-۱۸. هرگاه به اعتقاد "شرکت"، تناقض‌هایی بین مفاد پیوست ۳ (روش‌های بهره‌برداری)، و استانداردهای بهره‌برداری "پروژه" وجود داشته باشد، "شرکت" موظف است تا پیش از "تاریخ قطعیت"، آن‌ها را مشخص کند و با "سرمایه‌پذیر" در مورد رفع این تناقض‌ها به توافق برسد.

۴-۱۸. هرگاه "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" و "شرکت" در مهلت مقرر در بند ۱۸-۲، نتوانند چگونگی بهره‌برداری "پروژه" را توافق کنند، روش "شرکت" اگر متناقض با "محدودیت‌های فنی" "پروژه" نباشد و با مفاد "موافقت‌نامه" منطبق باشد به کار گرفته می‌شود، تا زمانی که طبق ماده ۳۴ (حل اختلاف)، اختلاف بین "دوطرف" حل و فصل گردد.

۵-۱۸. "شرکت" موظف است تنها کارکنانی را به طور مستقیم یا توسط "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری" استخدام کند که از تخصص لازم برخوردار بوده و آموزش دیده و دارای تجربه‌ی لازم و مناسب برای بهره‌برداری، نگهداری و نظارت بر کارها و هماهنگ سازی فعالیت‌های "پروژه" باشند. "شرکت" باید به "سرمایه‌پذیر" اطمینان دهد که با توجه به "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای"، کارکنان مورد نیاز در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به تعداد کافی همواره و بیست و چهار (۲۴) "ساعت" در هر شبانه روز و هفت (۷) "روز" در هر "هفته"، در محل کار خود در "پروژه" حضور خواهند داشت.

دست کم نود (۹۰) درصد کارکنان "پروژه" باید ایرانی باشند. "شرکت" همچنین باید تلاش کند تا کارکنان ایرانی واجد شرایط را پس از آموزش کافی، در یک دوره‌ی سه (۳) "ساله" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه"، جایگزین کارکنان خارجی نماید.

#### ماده ۱۹. "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری"

۱-۱۹. حداقل دوازده (۱۲) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"، "دوطرف" باید "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" مرکب از شش (۶) عضو را تشکیل دهند. هر یک از "دوطرف" موظف است، سه (۳) عضو به نمایندگی از خود در "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" تعیین و منصوب نماید. هر یک از "دوطرف" می‌تواند اعضای معرفی و منصوب شده‌ی خود در "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" را با ارسال اطلاعیه‌ای به "طرف" دیگر تعویض کند. ریاست "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" را هر یک از "دوطرف" به صورت چرخشی هر شش (۶) "ماه" یک بار به عهده خواهد داشت. "دوطرف" موافقت می‌کنند اولین دوره‌ی ریاست کمیته با نماینده‌ی "سرمایه‌پذیر" باشد. تصمیم‌های این کمیته با رأی اکثریت اعضا تصویب می‌شود و در صورت تساوی آراء، رأی ریاست کمیته تعیین کننده خواهد بود.

دبیرخانه‌ی "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" در "ساختمانگاه" "پروژه" مستقر می‌گردد و "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری"، فرد مناسبی را به عنوان دبیر کمیته منصوب می‌کند که تمامی فعالیت‌های دبیرخانه‌ی "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" زیر نظر وی انجام شود.

۱۹-۲. "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" مسئول نهایی کردن "روش‌های بهره‌برداری" که طبق بند ۱۸-۲، توسط "شرکت" تهیه و به "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" تحویل گردیده است و تأیید روش‌های آزمایش و راه‌اندازی "پروژه" بر طبق مفاد ماده ۱۷ (آزمایش و راه‌اندازی)، است. "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" وظایف زیر را نیز به عهده دارد:

الف) هماهنگی بین "دوطرف" برای برنامه‌های مربوط به راه‌اندازی، بهره‌برداری و نگهداری "پروژه"؛

ب) بحث و بررسی برای تنظیم ساز و کارها و اقدامات لازم که باید بعد از زمان وقوع یک "حادثه‌ی قهریه" یا توقف یا کاهش در ظرفیت تولید "محصول پروژه" که از سوی "دوطرف" به عمل می‌آید و تنظیم نحوه‌ی اعاده‌ی وضعیت "پروژه" پس از رویدادهای یاد شده؛

ج) بحث و بررسی برای تنظیم ساز و کارها و اقدامات لازم که باید بعد از "وضعیت اضطراری" از سوی "دوطرف" به عمل آید و تنظیم نحوه‌ی اعاده‌ی وضعیت "پروژه" پس از "وضعیت اضطراری"؛  
د) هماهنگی در موارد "توقف برنامه‌ریزی شده"؛

ه) بازبینی و به روز کردن برنامه‌های حفاظتی "پروژه" با تأیید "سرمایه‌پذیر"؛

و) بررسی و بازنگری مسایل ایمنی مؤثر بر "پروژه" یا بر، "دوطرف" یا پیمانکاران هر یک از "دوطرف"؛ و

ی) هر موضوع دیگری که "دوطرف" در مورد آن توافق کنند.

۱۹-۳. "دوطرف" نمایندگان خود در "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" را موظف می‌کنند که موضوعات مطرح شده در کمیته را با حسن نیت مورد بررسی قرار دهند و به طور معقول سعی در تحقق تصمیمات کمیته داشته باشند و مصوبات آن را رعایت کنند.

"کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" در موارد و موضوعات مربوط بر حسب مورد، تلاش‌های لازم و متعارف خود را در جهت تفاهم و حل اختلافات بین "دوطرف" طبق مفاد ماده ۳۴ (حل اختلاف)، به عمل خواهد آورد.

۱۹-۴. "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" هیچ اختیار و یا حق توافق در موضوعاتی را که برای "دوطرف" بار مالی داشته باشد و یا اصلاح و تغییری در تعهدات و حقوق آن‌ها در این "موافقت‌نامه" ایجاد کند را ندارد.

ماده ۲۰. بازرسی، تعمیرات و نگهداری

۲۰-۱. "شرکت" به صورت پیوسته با ارسال یک نسخه از گزارش‌های تعمیر و نگهداری انجام شده در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "سرمایه‌پذیر" را از وضعیت "پروژه" مطلع می‌سازد.

۲۰-۲. "شرکت" به عنوان یک "بهره‌بردار مجرب" موظف است با در نظر گرفتن "مشخصات فنی" "پروژه"، استانداردهای تعیین شده در این "موافقت‌نامه"، استهلاک معمول و دستورالعمل‌های فنی بهره‌برداری و نگهداری درج شده در پیوست ۳ (روش‌های بهره‌برداری)، "پروژه" را به درستی بازرسی، تعمیر و نگهداری کند و به طور صحیح تا پایان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، مورد بهره‌برداری قرار دهد به طوری که در انتهای "دوره‌ی مجاز"، "پروژه" را طبق شرایط درج شده در ماده ۲۸ (انتقال پروژه) و پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، به "سرمایه‌پذیر" انتقال دهد.

۲۰-۳. "سرمایه‌پذیر" می‌تواند به منظور آگاهی از ایفای تعهدات "شرکت" به شرح درج شده در بند ۲-۳، توسط "مشاور فنی" یا نمایندگان خود از "پروژه" بازرسی منظم به عمل آورد و نتیجه‌ی بازرسی را برای "شرکت" ارسال نماید ("گزارش بهره‌برداری").

#### ماده ۲۱. "نقطه‌ی تحویل محصول پروژه"

۲۱-۱. "شرکت" "محصول پروژه"ی تولید شده را باید در محل یا محل‌های مشخص به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد. "دوطرف" ظرف مدت شش (۶) "ماه" پس از "تاریخ قطعیت"، محل فیزیکی نقطه یا نقاط تحویل "محصول پروژه" به "سرمایه‌پذیر" را مشخص خواهند کرد ("نقطه‌ی تحویل محصول پروژه").

#### ماده ۲۲. "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه"

۲۲-۱. "شرکت" موظف است به هزینه‌ی خود، "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه" را تهیه، نصب و نگهداری کند و در صورت لزوم تعمیرات و تعویض‌های لازم آن را انجام دهد.

۲۲-۲. "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه" باید به گونه‌ای انتخاب گردد که بتوان "محصول تحویلی" و "محصول دریافتی" را به وسیله‌ی آن اندازه‌گیری کرد.

۲۲-۳. "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه" باید در محل مناسبی نصب شود و ایمنی آن در مقابل هرگونه دستکاری و تأثیر عوامل خارجی تأمین گردد و پس از آن که ایمنی سیستم یاد شده به تأیید "دوطرف" رسید، پلمب شود. امکان شکستن این پلمب و نصب پلمب جدید تنها به وسیله‌ی نماینده‌ی مجاز "سرمایه‌پذیر" و در حضور نماینده‌ی "شرکت" در حین بازرسی، نگهداری و آزمایش وجود خواهد داشت. روش پلمب زنی باید با توافق "دوطرف" تعیین شود.

۴-۲۲. "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه" باید در هر شرایطی بتواند مقدار "محصول تحویلی" و مقدار "محصول دریافتی" را اندازه‌گیری کند و به طور دائم و به روش مناسب ثبت نماید به طوری که در محاسبه‌ی "پرداخت‌ها"، "خسارت مقطوع" و جرائم بتوان از آن استفاده کرد.

۵-۲۲. "سیستم اندازه‌گیری محصول پروژه" باید ظرف مدت شش (۶) "ماه" پس از "تاریخ قطعیت" از سوی نمایندگان "دوطرف" مشخص گردد و مراحل و کیفیت بازرسی و آزمایش و اجزای آن مورد توافق "دوطرف" قرار گیرد.

#### ماده ۲۳. برنامه‌ریزی تولید "محصول پروژه"

۱-۲۳. "شرکت" موظف است با مشورت "سرمایه‌پذیر" برنامه‌ی تولید "محصول پروژه" را برای "سال"، "ماه"، "هفته" و "روز" بر اساس مفاد این "موافقت‌نامه" تهیه کند و در "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" به تأیید برساند و بر اساس این برنامه نسبت به تولید "محصول پروژه" اقدام نماید.

۲-۲۳. هرگونه تغییر در برنامه‌ی تولید "محصول پروژه" مستلزم توافق "دوطرف" خواهد بود.

۳-۲۳. "شرکت" تعهدی نسبت به تولید محصول بیش از ظرفیت "پروژه" طبق "مشخصات فنی" "موافقت‌نامه" ندارد و "سرمایه‌پذیر" نیز تعهدی برای دریافت "محصول پروژه" به میزان مازاد بر مقدار ظرفیت "پروژه" نخواهد داشت، مگر این که "دوطرف" به نحو دیگری توافق کنند.

۴-۲۳. طی "وضعیت اضطراری" و به محض درخواست "سرمایه‌پذیر"، "شرکت" موظف است مقدار تولید "محصول پروژه" را به شیوه‌ای سازگار با "محدودیت‌های فنی" و به نحوی که "سرمایه‌پذیر" قادر به دریافت آن باشد تنظیم کند. هرگاه "وضعیت اضطراری" همزمان با "توقف برنامه‌ریزی شده"ی "پروژه" رخ دهد یا احتمال رخ دادن همزمان آن برود، "شرکت" موظف است تمام تلاش‌های لازم را برای بازبینی و برنامه‌ریزی جدید "توقف برنامه‌ریزی شده" به عمل آورد و به اطلاع "سرمایه‌پذیر" برساند. هیچ یک از مواد و بندهای این "موافقت‌نامه" را نمی‌توان طوری تفسیر کرد که بر طبق آن "شرکت" ملزم باشد در هر زمانی، حتی در "وضعیت اضطراری"، از "پروژه" طوری بهره‌برداری کند که با "محدودیت‌های فنی" مغایرت داشته باشد.

#### ماده ۲۴. سوابق و گزارش‌ها

۱-۲۴. هر یک از "دوطرف" باید سوابق کامل و دقیق و اسناد و مدارکی را که برای انجام صحیح این "موافقت‌نامه" مورد نیاز است به طور کامل و صحیح نگهداری نماید. همچنین "شرکت" موظف است گزارش و اطلاعات دقیق و به روز از بهره‌برداری "پروژه" را به طور صحیح و طبق نظر "سرمایه‌پذیر" ثبت و نگهداری کند و در آن اطلاعات زیر قابل تشخیص و دسترسی باشد:

الف) آمار تولید "محصول پروژه" در زمان بهره‌برداری در بازه‌های زمانی مشخص؛

ب) حوادث و وقایع و تغییرات در وضعیت بهره‌برداری، "توقف برنامه‌ریزی شده" و "توقف اضطراری" که در بهره‌برداری رخ می‌دهد؛

ج) شرایط غیرعادی که در بازرسی مشاهده می‌شود؛ و

د) سایر مواردی که در "کمیته‌ی هماهنگی بهره‌برداری" مورد توافق قرار گیرد.

۲-۲۴. تمامی "اسناد موافقت‌نامه" باید تا انتهای "دوره‌ی مجاز" "پروژه" نگهداری شود. هر یک از "دوطرف" می‌تواند در طی مدت یاد شده با ارسال یک اطلاعیه با مهلت متعارف به "طرف" دیگر، به سوابق، اطلاعات و مدارک مربوط به این "موافقت‌نامه" که در نزد "طرف" دیگر است، دسترسی پیدا کند.

۳-۲۴. گزارش روزانه‌ی ظرفیت تولید "محصول پروژه" طبق مقررات باید از سوی "شرکت" به اطلاع مراجع مسئول برسد.

۴-۲۴. طی "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" موظف است حداکثر ظرف مدت سه (۳) "روز کاری" در آغاز هر "ماه"، گزارش تولید محصول ماهانه‌ی "ماه" پیش "پروژه" را آماده و برای "سرمایه‌پذیر" ارسال کند.

طی "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"، "شرکت" موظف است سی (۳۰) "روز" پس از پایان هر "سال قراردادی"، اطلاعات مربوط به تولید "محصول پروژه" و بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" همراه با اطلاعات آماری آن "سال قراردادی" را تهیه و برای "سرمایه‌پذیر" ارسال کند.

"شرکت" موظف است طی اطلاعیه‌ای، "توقف برنامه‌ریزی شده" را ده (۱۰) "روز" پیش از آغاز، دوباره به "سرمایه‌پذیر" یادآوری کند و در این اطلاعیه، زمان شروع، مدت زمان انجام و زمان پایان "توقف برنامه‌ریزی شده" را همان گونه که در برنامه‌های تولید سالانه و ماهانه‌ی پیشین داده است، مشخص نماید.

تحویل برنامه‌ها، گزارش‌ها و اطلاعیه‌های مرتبط با تولید "محصول پروژه"، "شرکت" را از مسئولیتش طبق این "موافقت‌نامه" مبرا نمی‌سازد و جرایم مربوط به تخلف‌ها یا تقصیرهای او را مرتفع نمی‌کند.

ماده ۲۵. ضمانت‌نامه‌ها



۱-۲۵. "سرمایه‌پذیر" برای تضمین تعهدات "پرداخت‌ها"ی خود در این "موافقت‌نامه"، یک ضمانت‌نامه که پیش از "تاریخ قطعیت" آماده و در "تاریخ قطعیت" نافذ خواهد شد از وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران ("ضامن")، مطابق فرم درج شده در پیوست ۱۸ (فرم ضمانت‌نامه‌ی ضامن)، دریافت و به "شرکت" تحویل دهد. در این خصوص "شرکت" همکاری لازم را با "سرمایه‌پذیر" برای دریافت این ضمانت‌نامه انجام خواهد داد.

۲-۲۵. وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران طبق قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، سهم خارجی سرمایه‌گذاری "شرکت" را در مقابل ملی‌شدن، سلب مالکیت و آثار هرگونه "تغییر در قوانین و مقررات" که در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" یا "هزینه‌ی کل" "پروژه" مطابق مفاد ماده ۳۱ (تغییر در قوانین و مقررات) مؤثر باشد، تضمین می‌نماید. در این ارتباط، "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" کمک می‌کند تا مجوز این ضمانت‌نامه، پیش از "تاریخ قطعیت" صادر و در "تاریخ قطعیت" نافذ شود.

۳-۲۵. در صورتی که "تاریخ قطعیت برنامه‌ریزی شده" یا تاریخ تمدید شده‌ی آن به هر دلیلی پس از تحویل هر یک یا هر دو ضمانت‌نامه‌های پیشگفته در بندهای ۱-۲۵ و ۲-۲۵ به "شرکت" محقق نشود، "شرکت" موظف است ضمانت‌نامه‌ها را به فاصله‌ی هفت (۷) "روز" پس از تاریخ‌های یاد شده، به "سرمایه‌پذیر" بازگرداند.

۴-۲۵. "شرکت" موظف است بیست و چهار (۲۴) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" پیش‌بینی شده در این "موافقت‌نامه"، "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" را به شرح درج شده در بند ۲۸-۳ (ب-۱) به "سرمایه‌پذیر" تسلیم کند.

## ماده ۲۶. صورت حساب و روش پرداخت

۱-۲۶. از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه" به بعد، "شرکت" موظف است حداکثر ظرف مدت سه (۳) "روز کاری" پس از هر "ماه"، "صورت حساب ماهانه"ی "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" "ماه" پیشین را تهیه و به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد.

فرم "صورت حساب ماهانه" و پیوست‌های آن، که باید طبق مفاد این "موافقت‌نامه" تهیه شود، شش (۶) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" از سوی "دوطرف" توافق خواهد شد. ۲-۲۶. از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" "پروژه" به بعد، "شرکت" موظف است حداکثر ده (۱۰) "روز" پس از پایان هر "سال قراردادی"، "گزارش تلفیق" سال پیش را آماده کند و به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد. در "گزارش تلفیق"، "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" باید با توجه به تغییرات ناشی از اعمال جریمه‌های مشخص شده در پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، در صورت وقوع، تفاوت‌های موجود اندازه‌گیری‌ها، هزینه‌های "مواد اولیه"، طلب "شرکت" بابت آمادگی "پروژه" و مانند آن دوباره محاسبه شود و مبلغ قابل پرداخت از سوی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" یا از سوی "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" تعیین گردد.

اعم از این که طبق **"گزارش تلفیق"**، **"شرکت"** مبلغی را طلبکار یا بدهکار گردد، این مبلغ در صورت تأیید **"سرمایه‌پذیر"** در اولین **"صورت حساب ماهانه"**ی تهیه شده برای نخستین **"ماه"** **"سال قراردادی"** بعدی منظور می‌گردد و اگر میزان بدهی **"شرکت"** از مبلغ اولین صورت حساب پیشگفته بیشتر باشد، تفاوت مبلغ از **"صورت حساب ماهانه"**ی بعدی کسر خواهد شد.

فرم **"گزارش تلفیق"** و پیوست‌های آن باید سه (۳) **"ماه"** پیش از **"تاریخ بهره‌برداری تجاری"** برنامه‌ریزی شده **"از سوی"** **"دوطرف"** توافق شود.

۳-۲۶. هرگاه **"سرمایه‌پذیر"** نسبت به مبلغ درج شده در هر یک از صورت حساب‌ها اختلاف نظری داشته باشد، مراتب اختلاف نظر و مبلغ مورد اختلاف را تا پانزده (۱۵) **"روز"** پس از دریافت آن صورت حساب، به اطلاع **"شرکت"** می‌رساند. اگر اختلاف نظر تا مدت سی (۳۰) **"روز"** پس از دریافت آن صورت حساب برطرف نشود، **"سرمایه‌پذیر"** مبلغی که مورد اختلاف نیست به علاوه‌ی هفتاد درصد (۷۰٪) مبلغ مورد اختلاف را پس از کسر **"خسارت مقطوع"** بر حسب مورد، به صورت علی‌الحساب در همان **"روز"** یا پیش از آن در وجه **"شرکت"** پرداخت می‌کند و مبلغ مورد اختلاف نیز طبق ماده ۳۴ (حل اختلاف)، به مرجع حل اختلاف ارجاع می‌شود. اگر طبق رأی مرجع حل اختلاف، **"شرکت"** حق دریافت کل مبلغ مورد اختلاف یا بخشی از آن را نداشته باشد، **"سرمایه‌پذیر"** حق دارد، مبلغ یاد شده را از **"پرداخت‌ها"**ی بعدی **"شرکت"** کسر کند.

در آخرین **"سال قراردادی"** پیش از پایان **"دوره‌ی مجاز"** **"پروژه"**، پرداخت هفتاد درصد (۷۰٪) علی‌الحساب پیشگفته به **"شرکت"** در مقابل ارائه‌ی ضمانت‌نامه‌ی مورد قبول **"سرمایه‌پذیر"** از سوی **"شرکت"** انجام خواهد شد.

۴-۲۶. **"سرمایه‌پذیر"** مبلغ هر یک از صورت حساب‌هایی را که مورد اختلاف نیست، حداکثر تا سی (۳۰) **"روز"** پس از دریافت آن‌ها و بر حسب مورد پس از کسر **"خسارت مقطوع"** طبق پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، پرداخت خواهد کرد.

۵-۲۶. از **"تاریخ بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"** تا پایان **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، جز در مواردی که به نحو دیگری در **"موافقت‌نامه"** تصریح شده است یا **"موافقت‌نامه"** زودتر خاتمه پیدا کند، **"سرمایه‌پذیر"** **"بهای ظرفیت"** و **"بهای تولید"** را طبق مفاد بندهای ۲۶-۳ و ۲۶-۴، پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها)، و بر حسب مورد پس از کسر **"خسارت مقطوع"** طبق پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، برای آن **"ماه"** یا به نسبت **"ماه"**، بابت کسری از **"ماه"** به **"شرکت"** پرداخت می‌کند.

۶-۲۶. علاوه بر موارد دیگری که طبق این **"موافقت‌نامه"**، **"سرمایه‌پذیر"** موظف به پرداخت **"بهای ظرفیت"** به **"شرکت"** است، در مواقعی که **"پروژه"** آماده‌ی بهره‌برداری است ولی به دلایل زیر بهره‌برداری نمی‌شود، **"سرمایه‌پذیر"** باید **"بهای ظرفیت"** را به **"شرکت"** بپردازد:

الف) عدم تأمین "مواد اولیه" یا عدم تأمین کیفیت و "مشخصات مواد اولیه"ی توافق شده در پیوست ۴ (مشخصات مواد اولیه)؛

ب) توقف تولید "محصول پروژه" به علت درخواست "سرمایه‌پذیر"؛

ج) توقف تولید "محصول پروژه" به علت عدم تکمیل یا عدم عملکرد تأسیساتی که طبق بند ۱۱-۵ در تعهد "سرمایه‌پذیر" است؛ و

د) توقف تولید "محصول پروژه" به علت وقوع "حادثه‌ی قهریه" مطابق بند ۳۲-۷ (الف-۱) و ۳۲-۷ (ب).

۲۶-۷. هرگاه و به هر دلیلی، تمام یا بخشی از مبلغ قابل پرداخت از سوی "سرمایه‌پذیر" در این "موافقت‌نامه"، در مهلت مقرر در بند ۲۶-۴، به "شرکت" پرداخت نگردد، "سرمایه‌پذیر" موظف است جریمه‌ی تأخیر برای بخش پرداخت نشده را از تاریخ سررسید پرداخت تا تاریخی که بخش پرداخت نشده به "شرکت" پرداخت می‌شود، به روش زیر محاسبه و به "شرکت" پرداخت کند:

الف) برای بخش ارزی با نرخ "LIBOR" شش "ماهه" به اضافه‌ی هفتاد و پنج صدم درصد (۷۵/۰٪) برای شصت "روز" اول تأخیر و با نرخ "LIBOR" شش "ماهه" به اضافه یک درصد (۱٪) برای مدت تأخیر بیشتر.

ب) برای بخش ریالی طبق نرخ بهره‌ی وام تجاری بانک‌های دولتی که تحت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ می‌شود.

۲۶-۸. از تمامی مبالغ پرداختی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" در این "موافقت‌نامه"، هیچ مبلغی کسر نمی‌شود مگر اقلام زیر:

الف) مبالغ "خسارت مقطوع" که طبق پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، محاسبه و باید از سوی "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" پرداخت شود؛

ب) مبالغی که طبق بند ۲۶-۳ قابل کسر است؛

ج) مبالغی که به "سرمایه‌پذیر" طبق ماده‌های ۲۸ و ۳۳، تعلق گرفته است؛ و

د) سایر مبالغی که طبق مفاد این "موافقت‌نامه"، "سرمایه‌پذیر" حق کسر آن را از صورت حساب‌های "شرکت" دارد.

۲۶-۹. "سرمایه‌پذیر" مبالغ ارزی و ریالی "پرداخت‌ها" به "شرکت" را به شرح زیر پرداخت می‌کند:

الف) "سرمایه‌پذیر" برای پرداخت مبالغ ارزی، حداقل سه (۳) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، یک "اعتبار اسنادی" ارزی دیداری و غیر قابل برگشت به نحوی که تا پایان "دوره‌ی مجاز" معتبر باشد طبق فرم پیوست ۱۷ (فرم اعتبار اسنادی) به نفع "شرکت" دایر خواهد نمود. این "اعتبار اسنادی" ارزی از سوی یک بانک ایرانی گشایش می‌شود و از سوی بانک کارگزار وی (بانک گشایش‌کننده) به "شرکت" ابلاغ می‌گردد. مبلغ "اعتبار اسنادی" ارزی، معادل مبلغ ارزی "صورت حساب ماهانه"ی "پروژه" در یک دوره‌ی پانزده (۱۵) "ماهه" خواهد بود.

در صورتی که گشایش "اعتبار اسنادی" ارزی و یا پرداخت به ارز به دلیل ممنوعیت‌های قانونی ممکن نباشد، "سرمایه‌پذیر" "پرداخت‌ها"ی خود را با توجه به نرخ تبدیل ارز به ریال اعلام شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و کارمزد تبدیل و انتقال آن، پرداخت خواهد نمود. "اعتبار اسنادی" ارزی باید امکان پرداخت "صورت حساب ماهانه" و "گزارش تلفیق" سالانه را فراهم کند.

"سرمایه‌پذیر" مبلغ "اعتبار اسنادی" ارزی را در زمان‌های لازم طوری افزایش خواهد داد که مبلغ استفاده نشده آن هرگز از مجموع بخش ارزی "صورت حساب ماهانه" برای سه (۳) "ماه" بعد کمتر نباشد و مبلغ آن پس از هر افزایش، معادل مجموع بخش ارزی "صورت حساب ماهانه" برای پانزده (۱۵) "ماه" بعد باشد.

ب) بخش ریالی صورت حساب‌ها در داخل جمهوری اسلامی ایران به اختیار "سرمایه‌پذیر"، یا به صورت مستقیم و یا به وسیله‌ی "اعتبار اسنادی" ریالی به "شرکت" پرداخت می‌شود. در صورت پرداخت به وسیله‌ی «اعتبار اسنادی» ریالی، "سرمایه‌پذیر" موظف است ظرف مدت یک (۱) "ماه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری"، آن را در یک بانک ایرانی واریز نماید. مبلغ «اعتبار اسنادی» ریالی، معادل سه (۳) "ماه" مبلغ برآوردی بخش ریالی "صورت حساب ماهانه" خواهد بود.

#### ماده ۲۷. خاتمه دادن به "موافقت‌نامه"

به استثنای مواردی که در این ماده بیان شده است و باعث می‌شود "موافقت‌نامه" زودتر خاتمه یابد، این "موافقت‌نامه" در آخرین "روز" "دوره‌ی مجاز" منقضی خواهد شد.

منظور از خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" آن است که حقوق و تعهدات "دوطرف" در رابطه با "پروژه" طبق این "موافقت‌نامه"، پس از توافق در خصوص "بهای انتقال" (Transfer Fee) و نحوه‌ی تسویه‌ی آن، طبق توافق به عمل آمده خاتمه یابد.

۲۷-۱. وقوع هر یک از رخداد‌های زیر "قصور شرکت" به حساب خواهد آمد و در صورتی که در مهلت معین شده‌ی مربوط (در صورت وجود) "اصلاح" نشود، "سرمایه‌پذیر" حق خواهد داشت این "موافقت‌نامه" را طبق بند ۲۷-۳، خاتمه دهد:

الف) "شرکت" سیصد و شصت و پنج (۳۶۵) "روز" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" که شامل شصت (۶۰) "روز" "دوره‌ی تنفس" نیز هست، یا هر تاریخی که طبق توافق "دوطرف" تعیین شده

است، و یا در تاریخی که **"سرمایه‌پذیر"** بیشترین جریمه‌ی **"خسارت مقطوع"** تعیین شده در پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، را دریافت می‌کند، نتواند بهره‌برداری تجاری **"پروژه"** را آغاز نماید؛

ب) **"شرکت"** **"پروژه"** را در **"دوره‌ی احداث"** بیش از مدت یکصد و هشتاد (۱۸۰) **"روز"** رها کند؛

ج) **"شرکت"** طبق شرایطی که در زیر می‌آید از اجرای **"پروژه"** منصرف شناخته شود؛  
با تحقق هر یک از شرایط زیر، فرض می‌شود **"شرکت"** از اجرای **"پروژه"** منصرف شده است:

۱. عدم شروع پیوسته‌ی فعالیتهای احداث پس از **"تاریخ قطعیت"** پیش‌بینی شده در **"موافقت‌نامه"** یا هر تاریخی که طبق توافق **"دوطرف"** تعیین شده است.

۲. عدم شروع مجدد فعالیتها به فاصله‌ی سی (۳۰) **"روز"** پس از رفع مشکلی که از سوی **"سرمایه‌پذیر"** و یا به دلایل **"حادثه‌ی قهریه"** وقوع یافته است.

۳. فسخ **"قرارداد EPC"** و عدم انعقاد **"قرارداد EPC"** جدید مورد تأیید **"سرمایه‌پذیر"** به فاصله‌ی شصت (۶۰) **"روز"** پس از فسخ **"قرارداد EPC"** اول یا انعقاد **"قرارداد EPC"** جدید مورد تأیید **"سرمایه‌پذیر"** در مهلت مقرر اما **"پیمانکار EPC"** جدید طی شصت (۶۰) **"روز"** شروع به کار ننماید.

۴. عدم اصلاح نقایص در طراحی، در مواد و مصالح و یا در کارهای انجام شده در مهلتی که تحقق موعدهای کلیدی درج شده در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی) اجازه می‌دهد.

د) توقف یا تعلیق بهره‌برداری **"پروژه"** بیش از هفت (۷) **"روز"** پیوسته از سوی **"شرکت"** بدون توافق کتبی **"سرمایه‌پذیر"** در طول **"دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"**، در زمانی که **"پروژه"** طبق شرایط این **"موافقت‌نامه"** قابل بهره‌برداری باشد. مگر آن که **"شرکت"** ثابت کند که این توقف در بهره‌برداری به دلایل غیرعمدی اتفاق افتاده است؛

ه) **"قصور شرکت"** در حفظ و آمادگی **"پروژه"** برای بهره‌برداری در سطحی کمتر از ظرفیت سالانه‌ی تعهده شده برای دو سال پیاپی پس از **"تاریخ بهره‌برداری تجاری"** **"پروژه"**؛

و) **"قصور شرکت"** در پرداخت هر مبلغی طبق این **"موافقت‌نامه"** به **"سرمایه‌پذیر"** پس از گذشت یکصد و هشتاد (۱۸۰) **"روز"** از تاریخ سررسید آن؛

ز) واگذاری یا انتقال تمام یا بخشی از حقوق و تعهدات **"شرکت"** بدون موافقت کتبی **"سرمایه‌پذیر"**، با در نظر گرفتن مفاد بند ۱۴-۲، این **"موافقت‌نامه"**؛

ح) "قصور شرکت" در انجام تعهدات مهم خود طبق این "موافقتنامه" در غیر از مواردی که در بندهای ۲۷-۱ (الف) تا (ز) آمده است و عدم "اصلاح" آن تا شصت (۶۰) "روز" پس از اعلام کتبی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" در مورد جزییات "قصور" مورد نظر و تقاضای "اصلاح" آن؛ و

ط) وقوع هر یک از رخدادهای زیر:

۱. تصویب ورشکستگی، ناتوانی در پرداخت دیون، انحلال یا اتفاق‌های مشابه از سوی "شرکت"؛
  ۲. انتصاب مدیر تسویه، امین، مدیر موقت یا مشابه آن‌ها در جریان رسیدگی قضایی به موارد درج شده در بند ۲۷-۱(ط-۱)، که به فاصله‌ی شصت (۶۰) "روز" پس از چنین انتصابی، برکنار یا معلق نشود؛ و
  ۳. صدور حکم قضایی مبنی بر انحلال یا به هر نحو دیگری تأیید ورشکستگی "شرکت"، در صورتی که این حکم تا شصت (۶۰) "روز" پس از صدور، لغو و یا به تعلیق در نیاید.
- ۲۷-۲. وقوع هر یک از رخدادهای زیر "قصور سرمایه‌پذیر" به حساب خواهد آمد و در صورتی که در مهلت معین شده‌ی مربوط (در صورت وجود) "اصلاح" نشود، "شرکت" حق خواهد داشت این "موافقتنامه" را طبق بند ۲۷-۳، خاتمه دهد:

الف) عدم توانایی "سرمایه‌پذیر" در "پرداخت‌ها"ی تعهد شده‌ی خود طبق این "موافقتنامه" به "شرکت"، تا شصت (۶۰) "روز" پس از سرسید "پرداخت‌ها"؛

ب) جایگزینی یا انتقال حقوق و تعهدات "سرمایه‌پذیر" در این "موافقتنامه" با در نظر گرفتن مفاد بند ۱۴-۳، این "موافقتنامه"؛ و

ج) "قصور سرمایه‌پذیر" در مسئولیت‌ها و تعهدات اساسی خود در این "موافقتنامه" به غیر از مواردی که در بندهای ۲۷-۲ (الف) و (ب) آمده است و عدم جبران آن تا شصت (۶۰) "روز" پس از ارسال اطلاعیه‌ی "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" مبنی بر اعلام وقوع "قصور" و جزییات منطقی موضوع نقض شده و درخواست جبران یا رفع آن.

۲۷-۳. به محض وقوع "قصور" از جانب "شرکت" یا "سرمایه‌پذیر" بسته به مورد و تمایل "طرف" بی‌تقصیر به خاتمه دادن به "موافقتنامه"، به شرح زیر اقدام می‌شود:

الف) "طرف" بی‌تقصیر، قصد خود را مبنی بر خاتمه‌ی "موافقتنامه" با ارسال اطلاعیه‌ای کتبی ("اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقتنامه") به طرف مقصر، اعلام می‌دارد و در این اطلاعیه دلایل خاتمه‌ی "موافقتنامه" را با جزییات مشخص می‌کند.

ب) پس از ارسال "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقت‌نامه"، "دوطرف" موظف هستند به منظور کاستن از تبعات مورد "قصور" و فراهم آوردن شرایط "اصلاح" آن با هم مذاکره نمایند و برای اعاده‌ی شرایط به حالت عادی، یک "دوره‌ی اصلاح" سی (۳۰) "روزه" را توافق کنند. "دوره‌ی اصلاح" بر حسب مورد "قصور" می‌تواند بیش از سی (۳۰) "روز" تعیین شود و با توافق "دوطرف" تمدید گردد. "طرف" مقصر باید در مدت "دوره‌ی اصلاح" تمام تلاش خود را برای "اصلاح" مورد "قصور" ادامه دهد و اگر تا پیش از تاریخ ارسال "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقت‌نامه" "قصور" اعلام شده "اصلاح" شود، "طرف" بی‌تقصیر حق خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" را با استناد به "قصور" "اصلاح" شده نخواهد داشت.

ج) ضمن توجه به مفاد بندهای ۲۷-۴ و ۲۷-۵، بر حسب مورد، هرگاه "دوره‌ی اصلاح" پایان پذیرد و قصوری که منجر به صدور "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقت‌نامه" گردیده "اصلاح" نشود، "طرف" صادر کننده‌ی "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقت‌نامه"، می‌تواند با ارسال "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقت‌نامه" به "طرف" دیگر، این "موافقت‌نامه" را در تاریخی که در "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقت‌نامه" تعیین کرده است و یا تاریخی که "دوطرف" بعداً توافق می‌نمایند، خاتمه دهد و این "موافقت‌نامه" در تاریخ تعیین شده بی‌درنگ خاتمه خواهد یافت مگر در مواردی که بین "دوطرف" توافق خاص دیگری حاصل شود و یا قصوری که منجر به صدور "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقت‌نامه" گردیده، "اصلاح" شود.

۲۷-۴. پس از "تاریخ قطعیت تأمین مالی" و تا زمانی که هر یک از وام‌های درج شده در پیوست ۱۵ (مدل مالی)، تسویه نگردد، هرگاه "سرمایه‌پذیر" "اطلاعیه‌ی تصمیم به خاتمه‌ی موافقت‌نامه" را صادر کند، باید یک نسخه از آن را برای نماینده‌ی طرف‌های "تأمین کنندگان مالی" "پروژه" با پست سفارشی و به آدرس اعلام شده از طرف آنان، همزمان با ارسال نسخه‌ی اصلی به "شرکت"، ارسال کند. هرگاه تا پیش از اتمام زمان "دوره‌ی اصلاح"، "قصور شرکت" "اصلاح" نشود ولی "تأمین کنندگان مالی" طی ارسال اطلاعیه‌ای به "سرمایه‌پذیر" قصد خود را مبنی بر "اصلاح" "قصور شرکت" به وسیله‌ی "شرکت" یا "نهاد جایگزین" اعلام کنند، "سرمایه‌پذیر" نباید "موافقت‌نامه" را طبق بند

۲۷-۳ (ج)، خاتمه دهد مگر در موارد زیر:

الف) در صورتی که جبران "قصور" به وسیله‌ی "شرکت" صورت گیرد ولی سی (۳۰) "روز" پس از اتمام "دوره‌ی اصلاح" نتیجه‌ای حاصل نشود.

ب) در صورتی که جبران "قصور" به وسیله‌ی "نهاد جایگزین" صورت گیرد ولی نود (۹۰) "روز" پس از اتمام "دوره‌ی اصلاح"، نتیجه‌ای حاصل نشود.

۵-۲۷. "شرکت" به دلیل "قصور سرمایه‌پذیر" نباید در صدد خاتمه دادن به این "موافقتنامه" برآید، بدون آن که یک نسخه از اطلاعیه‌هایی را که لازم است طبق بند ۲۷-۳، به "سرمایه‌پذیر" ارسال کند، برای "ضامن" "سرمایه‌پذیر" در صورت وجود طبق بند ۲۵-۱ نیز ارسال کند. نامه‌ها باید با درخواست "شرکت" از "ضامن" برای جبران "قصور سرمایه‌پذیر" در "دوره‌ی اصلاح" همراه باشد.

هرگاه "ضامن" پیش از اتمام "دوره‌ی اصلاح"، طی ارسال اطلاعیه‌ای به "شرکت" قصد خود را مبنی بر "اصلاح" "قصور سرمایه‌پذیر" اعلام کند، "شرکت" حق خاتمه دادن به "موافقتنامه" را نخواهد داشت مگر آن که پس از نود (۹۰) "روز" از اتمام "دوره‌ی اصلاح"، "ضامن" نتواند "قصور سرمایه‌پذیر" را جبران نماید.

۶-۲۷. اگر به علت وقوع "حادثه‌ی قهریه" ای یک "طرف" یا هر دو "طرف" از انجام تعهدات خود طبق این "موافقتنامه"، برای مدتی بیش از یکصد و هشتاد (۱۸۰) "روز" متوالی باز بماند، هر یک از "دوطرف" می‌تواند این "موافقتنامه" را خاتمه دهد.

۷-۲۷. ضمن در نظر گرفتن مفاد بند ۲۷-۸، مدت یکصد و هشتاد (۱۸۰) "روز" در نظر گرفته شده برای استمرار "حادثه‌ی قهریه" در بند ۲۷-۶ با توافق "دوطرف" می‌تواند افزایش یابد. در غیر این صورت هر یک از "دوطرف" می‌تواند با ارسال "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقتنامه" به "طرف" دیگر، تاریخ خاتمه دادن به این "موافقتنامه" را مشخص سازد که این مدت نباید کمتر از شصت (۶۰) "روز" پس از تحویل اطلاعیه‌ی یاد شده باشد. در این تاریخ "موافقتنامه" خاتمه خواهد یافت مگر آن که:

الف) "دوطرف" برای تمدید تاریخ پیشگفته به توافق برسند؛ یا

ب) "حادثه‌ی قهریه" و تأثیرات متعاقب آن که منجر به صدور "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقتنامه" شده است، خاتمه یابد.

۸-۲۷. مادامی که "سرمایه‌پذیر" در طول "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" به صورت متوالی مبالغ "بهای ظرفیت" را طبق این "موافقتنامه" به "شرکت" پرداخت نماید، "شرکت" در موارد زیر حق خود را مبنی بر خاتمه‌ی این "موافقتنامه" بر اساس بند ۲۷-۷، را اعمال نمی‌کند:

الف) هرگونه استمرار "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" تأثیرگذار بر "شرکت"؛ یا

ب) هرگونه استمرار "حادثه‌ی قهریه"ی تأثیرگذار بر "سرمایه‌پذیر".

محدودیت پیشگفته برای "شرکت" حداکثر تا دوازده (۱۲) "ماه" پس از وقوع "حادثه‌ی قهریه" یا هر مدتی که "دوطرف" توافق کنند، اعمال خواهد گردید. در صورتی که پس از این تاریخ تأثیر "حادثه‌ی قهریه" مورد نظر



هنوز تداوم داشته باشد، "شرکت" می‌تواند بی‌درنگ خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" را با توجه به شرایط درج شده در بند ۲۷-۶ به "سرمایه‌پذیر" اعلام کند.

۲۷-۹. در صورت خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" به علت "قصور" هر یک از "دوطرف" و یا به علت وقوع "حادثه‌ی قهریه"، حقوق و تکالیف "دوطرف" و همچنین اقداماتی که باید "دوطرف" متعاقب خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" انجام دهند، در پیوست ۱۲ (بهای انتقال پروژه) این "موافقت‌نامه" تعیین شده است. بر این اساس، "سرمایه‌پذیر"، "پروژه" را با پرداخت "بهای انتقال" که طبق مفاد پیوست ۱۲ (بهای انتقال پروژه) محاسبه می‌شود تملک می‌کند و "شرکت" نیز "پروژه" را با دریافت "بهای انتقال" به "سرمایه‌پذیر" انتقال می‌دهد.

در موارد ویژه که خاتمه‌ی "موافقت‌نامه" از سوی "شرکت" به علت "حادثه‌ی قهریه" می‌مستمر ناشی از فعل و یا ترک فعل موجه "دستگاه اجرایی" باشد، جبران خسارت "شرکت" طبق ضوابط درج شده در "FIPPA" (قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی) خواهد بود مگر آن که "دوطرف" به نحو دیگری توافق کنند.

۲۷-۱۰. به جز در مواردی که طبق مفاد این ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه)، "موافقت‌نامه" زودتر خاتمه می‌یابد، این "موافقت‌نامه" در آخرین "روز" "دوره‌ی مجاز" منقضی خواهد شد، که متعاقب آن، "سرمایه‌پذیر" "پروژه" را بدون هزینه و بدون هیچ‌گونه پرداختی به "شرکت" و براساس مفاد درج شده در ماده ۲۸ (انتقال پروژه)، تحویل می‌گیرد. تاریخی که "سرمایه‌پذیر" "پروژه" را تحویل می‌گیرد "تاریخ انتقال" نامیده می‌شود.

۲۷-۱۱. مفاد بندهای ۲۷-۹، ۲۷-۱۰، ماده ۲۸ (انتقال پروژه) و ماده ۳۴ (حل اختلاف) در حل و فصل مسایل بین "دوطرف" در ارتباط با خاتمه‌ی این "موافقت‌نامه" حاکم خواهند بود.

## ماده ۲۸. "انتقال پروژه"

۲۸-۱. در حالی که "موافقت‌نامه" طبق مفاد ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه)، زودتر خاتمه می‌یابد، "سرمایه‌پذیر" "پروژه" را در مقابل پرداخت "بهای انتقال" تعیین شده در پیوست ۱۲ (بهای انتقال پروژه)، و طبق شرایط این بند ۲۸-۱ تحویل می‌گیرد. در صورت "انتقال پروژه" به "سرمایه‌پذیر"، تمامی حقوق "شرکت" در مورد "پروژه" بدون محدودیت و مانع به "سرمایه‌پذیر" منتقل می‌شود. "انتقال پروژه" به "سرمایه‌پذیر" شامل امکان دسترسی انحصاری و نامحدود "سرمایه‌پذیر" به "پروژه" و قطعات یدکی و تجهیزات از جمله تمام تجهیزات آزمایش و ابزار ویژه و وسایل نقلیه‌ای که در مدیریت، بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری "پروژه" استفاده می‌شود به همراه تمام بهسازی‌های به عمل آمده در "پروژه"، و همچنین شامل انتقال تمامی حقوق "شرکت" در "پروژه" از جمله تمام حقوق و مالکیت‌های معنوی، بیمه نامه‌ها، ضمانت‌های باقیمانده‌ی "شخص" یا اشخاص تأمین‌کننده‌ی تجهیزات، مصالح و سایر خدمات، به "سرمایه‌پذیر"

خواهد بود. در صورتی که اعمال این حق مستلزم انجام تشریفات خاصی باشد، "شرکت" ملزم به انجام تمام تشریفات لازم برای واگذاری حقوق مزبور به "سرمایه پذیر" خواهد بود.

همچنین "شرکت" موظف است، دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری، نقشه‌های طراحی، نقشه‌های "چون ساخت"، نحوه‌ی تأمین لوازم یدکی و مواد مصرفی در "تاریخ انتقال" و اطلاعات دیگری که "سرمایه پذیر" برای بهره‌برداری و نگهداری و اصلاح "پروژه" نیاز دارد را به "سرمایه پذیر" منتقل کند.

۲۸-۲. "شرکت" موظف است پیش از "تاریخ انتقال" "پروژه" به "سرمایه پذیر":

الف) هرگونه ناشی یا تخلیه‌ی مواد زاینبار در "ساختمان" یا هرگونه خسارت به محیط زیست ناشی از عملکرد "شرکت" یا "پروژه" را تا حدی که در "قوانین و مقررات" محیط زیست پیش‌بینی شده است، برطرف یا اصلاح کند؛

ب) آزمایش‌های درخواستی معقول از سوی "سرمایه پذیر" را تا حد امکان با توجه به شرایط حاکم، انجام دهد؛

ج) کارکنان انتصابی "سرمایه پذیر" را در زمینه‌ی بهره‌برداری "پروژه" آموزش دهد؛ و

د) بر حسب درخواست "سرمایه پذیر"، قراردادهایی را که در رابطه با بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" با اشخاص ثالث منعقد کرده است به "سرمایه پذیر" انتقال دهد.

ه) تمامی تعهدات "شرکت" تا پیش از "تاریخ انتقال" باید از سوی "شرکت" تسویه گردد.

۲۸-۳. هرگاه "انتقال پروژه" به "سرمایه پذیر" بر اساس مفاد درج شده در بند ۲۷-۱۰، در "تاریخ انتقال" صورت پذیرد، اقدامات زیر باید انجام گیرد:

الف) "شرکت" موظف است هیجده (۱۸) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" پیش‌بینی شده در این "موافقت‌نامه"، نسبت به آموزش کارکنان "سرمایه پذیر" برای بهره‌برداری "پروژه" اقدام کند، به نحوی که در بهره‌برداری مطمئن و عادی "پروژه" هیچ گونه خللی وارد نشود. این تعهد در مواردی هم که "موافقت‌نامه" طبق مفاد ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه)، زودتر خاتمه می‌یابد در سطحی که امکان ارائه‌ی آموزش به کارکنان بهره‌برداری "سرمایه پذیر" مقدور باشد، انجام خواهد شد.

ب) "شرکت" موظف است بیست و چهار (۲۴) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" پیش‌بینی شده در این "موافقت‌نامه":

۱. یک ضمانت‌نامه‌ی بدون قید و شرط، برگشت ناپذیر، قابل تمدید و عندالمطالبه به نفع "سرمایه پذیر" طبق فرم مورد نظر و توسط بانک مورد قبول "سرمایه پذیر" به مبلغ ..... که باید از بیست و چهار (۲۴)

"ماه" پیش از انقضای "دوره‌ی مجاز" تا "تاریخ انتقال" یا دوازده (۱۲) "ماه" پس از انقضای "دوره‌ی مجاز"، هرکدام زودتر رخ دهند، اعتبار داشته باشد، تسلیم کند ("ضمانت‌نامه‌ی انتقال"). "سرمایه‌پذیر" مجاز است از محل مبلغ "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" برای جبران خسارت ناشی از "قصور شرکت" در موارد زیر و بر اساس مقادیر توافق شده، برداشت نماید: عدم تحقق شرایط تضمین شده در هنگام "انتقال پروژه" بر اساس نتایج "آزمایش‌های انتقال" درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)؛ عدم انجام صحیح بازسازی و یا تعویض قطعات اساسی (Overhaul) "پروژه" و عدم تأمین مقدار موجودی (Inventories) تجهیزات و مواد و مصالح مورد نیاز در "تاریخ انتقال" "پروژه".

در صورتی که "شرکت" "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" را در مهلت مقرر برقرار نکند، "سرمایه‌پذیر" حق خواهد داشت از بیست و چهار (۲۴) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال"، از "پرداخت‌ها"ی ماهانه به "شرکت" معادل مبلغ "ضمانت‌نامه‌ی انتقال" کسر نماید. "سرمایه‌پذیر" این مبلغ را در یک حساب مخصوص بانکی ذخیره می‌نماید تا در صورت "قصور شرکت" در موارد پیشگفته، از محل این حساب غرامت مربوط را برداشت کند. مانده‌ی این حساب در "تاریخ انتقال" به شرکت مسترد خواهد شد.

۲. آغاز اجرای نوسازی و بازسازی (Overhaul) "پروژه"، بر اساس گزارش یک "مهندس مستقل" که با بازرسی "پروژه" و بررسی "گزارش بهره‌برداری"ها، گزارش نهایی خود را تهیه می‌کند و در این گزارش بررسی می‌کند که آیا "پروژه" با توجه به بهره‌برداری پیش از آن کامل بوده و "شرکت" به عنوان یک "بهره‌بردار مجرب" به درستی "پروژه" را تعمیر و نگهداری کرده است و "پروژه" در شرایطی منطبق بر تعهدات "شرکت"، "مشخصات فنی" و استانداردهای تعیین شده در این "موافقت‌نامه" با در نظر گرفتن استهلاک معمول است یا خیر. "شرکت" موظف است به هزینه‌ی خود اقدام به انجام تعمیرات اساسی و تعویض اجزا و قسمت‌هایی از "پروژه" نماید که در گزارش نهایی "مهندس مستقل"، برای تداوم شرایط بهره‌برداری پیش‌بینی شده در "موافقت‌نامه" ضروری اعلام شده است. این تعمیرات اساسی باید شش (۶) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" پایان پذیرد و "شرکت" موظف است تعمیرات اساسی را با حضور کارکنان "سرمایه‌پذیر" انجام دهد تا آنان آموزش حین انجام کار را فرا گیرند. "شرکت" موظف است تاریخ آغاز انجام بازسازی و تعمیرات اساسی "پروژه" را به "سرمایه‌پذیر" اطلاع دهد. در صورت "قصور شرکت" در انجام صحیح تعمیرات اساسی "پروژه" پیش از "تاریخ انتقال"، هزینه‌ی تکمیل انجام صحیح تعمیرات اساسی از سوی "مهندس مستقل" برآورد می‌شود و "شرکت" موظف است این مبلغ را به "سرمایه‌پذیر" بپردازد.

۳. "شرکت" موظف است دوازده (۱۲) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" و در مواردی که "موافقت‌نامه" طبق مفاد ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه)، زودتر خاتمه می‌یابد در زودترین زمان ممکن پس از صدور "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقت‌نامه"، ارزیابی عمر باقیمانده و "آزمایش‌های انتقال" "پروژه" به شرح درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، را انجام دهد. "شرکت" موظف است تا پیش از "تاریخ انتقال" به هزینه‌ی خود نسبت به انجام تعمیرات اساسی و تعویض اجزا و قسمت‌هایی از "پروژه" که شرایط "آزمایش‌های انتقال" درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، را برآورده نسازند، اقدام نماید.

دو (۲) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" و در مواردی که "موافقتنامه" طبق مفاد ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقتنامه)، زودتر خاتمه می‌یابد، در زودترین زمان ممکن پس از صدور "اطلاعیه‌ی خاتمه‌ی موافقتنامه"، "شرکت" موظف است هر یک از تعمیرات اساسی باقیمانده از "آزمایش‌های انتقال" درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها) را به پایان رساند.

برای جبران خسارت ناشی از "قصور شرکت" در عدم تحقق شرایط تضمین شده در هنگام "انتقال پروژه" بر اساس نتایج "آزمایش‌های انتقال" درج شده در پیوست ۶ (آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها)، "شرکت" موظف است، "خسارت مقطوع" را بر اساس مفاد پیوست ۱۱ (خسارت مقطوع)، به "سرمایه‌پذیر" بپردازد.

ج) شش (۶) "ماه" پیش از "تاریخ انتقال" پیش‌بینی شده در "موافقتنامه"، "شرکت" با "سرمایه‌پذیر" در خصوص موضوعات مربوط به "انتقال پروژه" و ترتیبات دریافت وثیقه‌ها و همچنین سطح موجودی ارقام مصرفی، قطعات یدکی، تجهیزات، قطعات، وسایط نقلیه و دیگر مواد و لوازم که برای دوازده (۱۲) "ماه" بهره‌برداری "پروژه" مطابق با شرایط تولیدی میانگین پنج (۵) "سال" پیش "پروژه" مورد نیاز است، توافق می‌کنند. "شرکت" موظف است، تمامی اقدامات لازم را در خصوص تأمین موجودی ارقام، در سطح توافق شده به عمل آورد و این ارقام را در "تاریخ انتقال" به "سرمایه‌پذیر" واگذار نماید.

در صورت "قصور شرکت" در تأمین و واگذاری ارقام در سطح توافق شده در "تاریخ انتقال" به "سرمایه‌پذیر"، "شرکت" موظف است هزینه‌ی تأمین آن‌ها را به "سرمایه‌پذیر" بپردازد.

۲۸-۴. "شرکت" موظف است "پروژه" را در "تاریخ انتقال" در شرایط مطلوب نگهداری، بهره‌برداری، تعمیر و آراستگی مطابق با "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" به "سرمایه‌پذیر" انتقال دهد.

۲۸-۵. "انتقال پروژه" در دفتر "سرمایه‌پذیر" در "ساعت" ۱۲:۰۰ "روز" "تاریخ انتقال" صورت خواهد گرفت که از "ساعت" ۵۹:۵۹:۲۳ "روز" "تاریخ انتقال" نافذ خواهد شد. در صورت تأمین شرایط مربوط به تعهدات "دوطرف" در "تاریخ انتقال"، حقوق و مالکیت انحصاری و بدون محدودیت "پروژه" در "ساعت" 00:00:00 "روز" بعد از "تاریخ انتقال" به "سرمایه‌پذیر" منتقل خواهد شد و "سرمایه‌پذیر" مسئولیت بهره‌برداری و نگهداری "پروژه" را بر عهده خواهد گرفت.

۲۸-۶. "شرکت" موظف است در فاصله‌ی زمانی بین انقضای "دوره‌ی مجاز" و "تاریخ انتقال" "پروژه" ("دوره‌ی گذار")، بر اساس "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای" اقدامات زیر را معمول دارد:

الف) مسئولیت بهره‌برداری و نگهداری صحیح "پروژه" را بر عهده گیرد؛

ب) با تمامی کارکنان "شرکت" یا پیمانکاران "شرکت" تسویه نماید به شرطی که بر مسئولیت‌های "شرکت" تأثیر نگذارد؛

- ج) **"سرمایه‌پذیر"** را در مقابل هرگونه ادعا یا تعهدی که ممکن است در نتیجه‌ی بهره‌برداری و نگهداری **"پروژه"** ایجاد شود، مصون دارد؛ و
- د) بر حسب درخواست و به هزینه‌ی **"سرمایه‌پذیر"**، بیمه‌نامه‌هایی را که در رابطه با بهره‌برداری و نگهداری **"پروژه"** مورد نیاز است تأمین کند.

#### ماده ۲۹. مالیات

۲۹-۱. تمام مالیات‌ها، حقوق دولتی و عوارض جاری و آتی و یا هرگونه عوارض تکلیفی و الزامات مالی دیگری که بر اساس **"قوانین و مقررات"** یا مفاد این **"موافقت‌نامه"** بر عهده‌ی **"شرکت"** باشد، باید به موقع از سوی **"شرکت"** پرداخت گردد.

۲۹-۲. در صورتی که **"تغییر در قوانین و مقررات"** باعث کاهش یا افزایش الزامات مالی از جمله عوارض و مالیات و یا ایجاد عوارض تکلیفی دیگری برای **"شرکت"** شود، **"شرکت"** موظف است این تغییرات را به **"سرمایه‌پذیر"** اطلاع دهد و متعاقب آن مفاد ماده ۳۱ (تغییر در قوانین و مقررات)، اعمال می‌گردد.

#### ماده ۳۰. بیمه

۳۰-۱. **"شرکت"** باید به نحوی عمل کند که پوشش‌های بیمه‌ای ضروری برای **"پروژه"** تحصیل شود و از بقای اعتبار این پوشش‌های بیمه‌ای در طول **"دوره‌ی مجاز"** مطمئن گردد.

۳۰-۲. **"شرکت"** موظف است یک نسخه از بیمه‌نامه‌ها و گواهی‌های مربوط به این بیمه‌نامه‌ها و اطلاعات مربوط به تاریخ نفوذ و انقضای آن‌ها را تا یک **"هفته"** پس از دریافت آن‌ها، برای **"سرمایه‌پذیر"** ارسال کند.

۳۰-۳. حق بیمه‌ی مربوط به پوشش‌های بیمه‌ای لازم، از سوی **"شرکت"** در **"هزینه‌ی کل"** **"پروژه"** منظور می‌شود و پرداخت آن‌ها بر عهده‌ی **"شرکت"** خواهد بود. در هر صورت **"شرکت"** مسئول کمبود و نقص بیمه‌نامه‌هاست.

۳۰-۴. **"شرکت"** از بیمه‌گرها خواهد خواست تا بیمه‌نامه‌ها را به نحوی صادر کنند که:

الف) **"سرمایه‌پذیر"** ذینفع مشترک بیمه‌نامه‌ها باشد؛

ب) اسقاط حق جانشینی در مقابل **"سرمایه‌پذیر"** و کارکنان **"سرمایه‌پذیر"** منظور گردد؛

ج) شرط قابلیت تفکیک منافع درج شود؛

د) "سرمایه پذیر" هیچ مسئولیتی نسبت به پرداخت حق بیمه نداشته باشد؛ و

ه) "سرمایه پذیر" حق دسترسی به هرگونه بازرسی یا گزارش‌هایی که بیمه گر برای ایفای تعهدات خود به آن‌ها نیاز دارد، داشته باشد.

۳۰-۵. "شرکت" موظف است پیش از هرگونه خاتمه، عدم تمدید یا تغییر اساسی در هر یک از بیمه نامه‌ها، مراتب را حداقل شصت (۶۰) "روز" پیش تر به صورت کتبی به "سرمایه پذیر" اطلاع دهد.

۳۰-۶. بیمه نامه‌های دریافتی از سوی "شرکت" باید شامل اما نه محدود به پوشش‌های زیر باشد:

الف) پوشش بیمه‌ای تمام خطر شامل:

۱. تمام خطر حمل دریایی.

۲. تمام خطر حمل زمینی.

۳. تمام خطر دارایی‌ها و ماشین آلات.

۴. تمام خطر کارهای اجرایی و نصب.

۵. تمام خطر بهره‌برداری.

ب) پوشش بیمه‌ای وقفه در فعالیت‌های اقتصادی.

ج) غرامت کارگران و مسئولیت کارفرما.

د) مسئولیت در مقابل شخص ثالث.

۳۰-۷. "شرکت" موظف است پوشش‌های بیمه‌ای لازم برای حوادث قهریه شامل اما نه محدود به بندهای ۳۲-۵ الف) و ۳۲-۵ ب) را که در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران رخ دهد، بر اساس رویه‌های معمول بین المللی و با شرایط مورد قبول "سرمایه پذیر" تأمین کند.

۳۰-۸. "شرکت" موظف است تمام وجوه دریافتی از بیمه‌نامه‌ها را بر حسب مورد، صرف جبران خسارت‌های وارده نماید. بدیهی است هرگاه وجوه دریافتی از بیمه‌نامه‌ها برای جبران خسارت وارده کافی نباشد، "شرکت" به ایفای تعهدات خود در این "موافقت‌نامه" پایبند خواهد بود.

### ماده ۳۱. "تغییر در قوانین و مقررات"

۳۱-۱. در صورتی که بعد از "تاریخ نفوذ" این "موافقت‌نامه"، "تغییر در قوانین و مقررات" موجب "افزایش هزینه" و یا "کاهش هزینه"ی "شرکت" گردد، "پرداخت‌ها"ی "سرمایه پذیر" بابت

"بهای ظرفیت" یا "بهای تولید" و یا هر دو باید طبق مفاد این ماده به گونه ای اصلاح شود که "شرکت" را در شرایط اقتصادی پیش از "تغییر در قوانین و مقررات" قرار دهد، به صورتی که گویا "تغییر در قوانین و مقررات" اتفاق نیفتاده است.

۲-۳۱. اگر هر یک از "دوطرف" اعتقاد داشته باشد که "تغییر در قوانین و مقررات" اتفاق افتاده است، باید ظرف مدت سی (۳۰) "روز" از تاریخ وقوع "تغییر در قوانین و مقررات"، طی اطلاعیه‌ای حاوی پیامدهای ناشی از این "تغییر در قوانین و مقررات"، مبلغ "افزایش هزینه" یا "کاهش هزینه" به همراه پیشنهاد اصلاح متناسب هزینه‌ها را به نحوی که مسئولیت "شرکت" در حداقل کردن "افزایش هزینه"ها و حداکثر کردن "کاهش هزینه"ها در حد یک "بهره‌بردار مجرب" و استفاده از "رویه‌های سنجیده و حرفه‌ای"، نمایان باشد، اعلام دارد.

۳-۳۱. به فاصله‌ی هفت (۷) "روز" پس از دریافت اطلاعیه‌ی پیشگفته در بند ۲-۳۱، "دوطرف" موظف هستند با یکدیگر ملاقات نموده و طی جلسه‌ی موضوع اطلاعیه را برای موارد زیر بررسی کنند:

الف) اگر "تغییر در قوانین و مقررات" در "دوره‌ی احداث" "پروژه" رخ دهد و موجب تغییر در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" شود، موعدهای کلیدی در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، به گونه‌ای اصلاح می‌شود که اثر "تغییر در قوانین و مقررات" در آن اعمال گردد.

ب) اگر "تغییر در قوانین و مقررات" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" رخ دهد و موجب کاهش توانایی "شرکت" در تحویل "محصول پروژه" به "سرمایه‌پذیر" گردد، کاهش ظرفیت منتج از "تغییر در قوانین و مقررات" نباید به عنوان کاهش ظرفیت منتج از "توقف برنامه‌ریزی شده" و یا "توقف اضطراری" و یا شرایط کاهش اجباری تولید در "پروژه" منظور گردد.

۴-۳۱. اگر در مدت بیست و یک (۲۱) "روز" پس از دریافت هرگونه اطلاعیه‌ای طبق بند ۲-۳۱، "دوطرف" نتوانند بر روی اصلاح "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" توافق کنند، اختلاف "دوطرف" باید طبق شرایط ماده ۳۴ (حل اختلاف)، در این "موافقت‌نامه" حل و فصل گردد.

۵-۳۱. برای اجرای مفاد این ماده، هیچ یک از "دوطرف" نمی‌تواند ادعاهای "افزایش هزینه" یا "کاهش هزینه" مربوط به مفاد این ماده را در فاصله‌ی زمانی کمتر از یک "سال" مطرح کند مگر این که مجموع مبلغ ادعاهای رسیدگی نشده از مبلغ ..... ریال / یورو بیشتر شود. رعایت شروط یاد شده در رسیدگی ادعاهای مشابه بعدی مربوط به مفاد این ماده نیز الزامی خواهد بود.

۶-۳۱. اگر "تغییر در قوانین و مقررات" مانع اجرای تعهدات "شرکت" در این "موافقت‌نامه" گردد و یا موجب انجام بخشی و یا تمامی تعهدات "شرکت" به صورت غیر قانونی شود، "شرکت" در برابر

"**سرمایه پذیر**" برای عدم اجرای چنین تعهداتی مسئولیتی ندارد و در صورتی که جبران خسارت "**شرکت**" توسط "**سرمایه پذیر**" امکان پذیر نباشد و یا "**سرمایه پذیر**" تمایل به جبران مالی خسارت "**شرکت**" نداشته باشد، "**شرکت**" حق خواهد داشت تا طبق "**FIPPA**" (قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی)، حقوق خود را مطالبه کند.

۷-۳۱. اگر "**تغییر در قوانین و مقررات**" مانع اجرای تعهدات هر یک از "**دوطرف**" به مدت یکصد و هشتاد (۱۸۰) "**روز**" به صورت مداوم شود، هر یک از "**دوطرف**" می‌تواند این "**موافقت‌نامه**" را طبق فرایند ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه)، خاتمه دهد. در شرایطی که "**سرمایه پذیر**" پرداخت "**بهای ظرفیت**" را طبق مفاد این "**موافقت‌نامه**" ادامه می‌دهد، "**شرکت**" نباید این "**موافقت‌نامه**" را خاتمه دهد مگر این که شرایط ناشی از "**تغییر در قوانین و مقررات**" به مدت دوازده (۱۲) "**ماه**" پس از وقوع "**تغییر در قوانین و مقررات**" ادامه یابد. در صورت خاتمه "**موافقت‌نامه**" به دلایل بیان شده در این بند، "**شرکت**" تنها طبق "**FIPPA**" (قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی)، مستحق جبران خسارت مالی خواهد بود.

### ماده ۳۲. "**حادثه‌ی قهریه**"

۱-۳۲. "**حادثه‌ی قهریه**" به معنی هر واقعه و پیشامد غیر قابل پیش‌بینی و خارج از کنترل معقول "**طرف**" آسیب دیده است که دارای شرایط زیر باشد:

الف) شرایطی که با تلاش‌های کافی و مناسب، قابل جلوگیری، رفع و یا از بین بردن از سوی "**طرف**" آسیب دیده نباشد؛

ب) به طور قابل ملاحظه‌ای بر توانایی "**طرف**" آسیب دیده برای اجرای تعهداتش در این "**موافقت‌نامه**" و کاستن از شدت پیامدهای آن اثرگذار باشد؛

ج) نتیجه‌ی مستقیم یا غیر مستقیم "**قصور**" "**طرف**" آسیب دیده در اجرای تعهداتش نباشد؛ و

د) "**طرف**" آسیب دیده از "**حادثه‌ی قهریه**"، وقوع آن را طبق مفاد بند ۲-۳۲، به "**طرف**" دیگر اطلاع داده باشد.

۲-۳۲. اگر هر یک از "**دوطرف**" بخواهد به یک "**حادثه‌ی قهریه**" به عنوان عامل تأخیر یا افزایش هزینه در اجرای تعهداتش به صورت جزئی یا کلی استناد کند، باید حداکثر تا ده (۱۰) "**روز**" پس از وقوع "**حادثه‌ی قهریه**" به صورت کتبی زمان شروع "**حادثه‌ی قهریه**"، ماهیت آن و پیش بینی مدت زمان تأثیر آن را به همراه دلایل تطبیق شرایط پیش آمده با شرایط "**حادثه‌ی قهریه**" درج شده در بند ۱-۳۲، به "**طرف**" دیگر اعلام کند.

۳-۳۲. "**دوطرف**" همه تلاش‌های منطقی خود را از جمله استفاده از منابع و روش‌های دیگر در تأمین خدمات، مصالح و تجهیزات مورد نیاز "**پروژه**" به کار خواهند برد تا از هرگونه تأخیر ناشی از وقوع "**حادثه‌ی قهریه**" ممانعت کنند



و یا اثرات آن را به کمترین مقدار کاهش دهند. "دوطرف" موظف هستند بیشترین تلاش خود را به کار برند تا تعهدات خود را با بیشترین توافق اجرا نمایند و مطمئن شوند که پس از پایان "حادثه‌ی قهریه" شرایط این "موافقت‌نامه" به حالت عادی باز می‌گردد. در صورت رعایت شرایط درج شده در این بند، هیچ یک از "دوطرف" از نظر عدم ایفای هر یک از تعهداتش در صورتی که علت آن وقوع "حادثه‌ی قهریه" باشد، مسئولیتی نخواهد داشت.

۳۲-۴. به فاصله‌ی سه (۳) "روز" پس از خاتمه‌ی "حادثه‌ی قهریه"، "طرف" ای که به وقوع "حادثه‌ی قهریه" به عنوان عامل تأخیر یا افزایش هزینه در اجرای تعهداتش استناد کرده است، موظف است مستندات و دلایل منطقی خود را در ماهیت تأخیر و یا افزایش هزینه و همچنین اثر "حادثه‌ی قهریه" در اجرای تعهداتش در این "موافقت‌نامه" را برای "طرف" دیگر ارسال کند.

۳۲-۵. "حادثه‌ی قهریه" شامل "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" و "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" است:

الف) "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" به معنی شرایطی است که نتیجه‌ی وقوع یکی از موارد زیر باشد و شرایط و معیارهای بند ۳۲-۱، را نیز تأمین کند:

۱. وقوع جنگ اعلان شده یا نشده، تجاوزهای مرزی، درگیری‌های مسلحانه و یا اقدام دشمن خارجی، انقلاب، عملیات نظامی یا غصب قدرت در داخل جمهوری اسلامی ایران یا محاصره یا تحریم جمهوری اسلامی ایران؛
۲. آلودگی به مواد رادیو اکتیویته و یا تابش‌های یونیزه کننده ای که منبع آن درون کشور باشد؛
۳. هرگونه فعل یا ترک فعل غیر موجه از طرف "دستگاه اجرایی"؛
۴. اعتصاب‌های صنفی، ملی یا منطقه ای، کار در حداقل‌های قانونی و یا کم‌کاری به منظور اعتراض و یا اعتصاب به دلایل سیاسی که در داخل جمهوری اسلامی ایران اتفاق بیفتد؛ و
۵. آشوب اجتماعی، شورش، ناآرامی‌های داخلی، خرابکاری و عمل تروریستی.

ب) "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" "حادثه‌ی قهریه" ای است که "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" نیست و نتیجه‌ی وقوع یکی از موارد زیر باشد و شرایط و معیارهای بند ۳۲-۱، را نیز تأمین کند:

۱. حوادث قهریه مانند رعد و برق، آتش‌سوزی، زلزله، سیل، طوفان، گردباد و بلایای طبیعی دیگر؛
۲. تصادمات و انفجارها؛ و
۳. شیوع قحطی و بیماری‌های همه گیر که در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران اتفاق بیفتد.

۳۲-۶ اگر "حادثه‌ی قهریه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" رخ دهد، "دوطرف" در اولین فرصت درباره‌ی اثر چنین "حادثه‌ی قهریه" ای بر روی موعدهای کلیدی درج شده در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، مذاکره می‌کنند و برنامه‌ی اصلاح موعدهای کلیدی در پیوست ۵ (زمان بندی موعدهای کلیدی)، را توافق می‌نمایند به طوری که اثر ناشی از وقوع "حادثه‌ی قهریه" در جابجایی "تاریخ بهره‌برداری تجاری" منظور

گردد. در این حالت، تبعات دیگر وقوع "حادثه‌ی قهریه" و نحوه‌ی جبران آن‌ها از جمله نوسان‌های قیمت با ضوابط "FIPPA" (قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی) تأمین خواهد شد مگر این که "دوطرف" جبران تمام یا بخشی از تبعات مالی "حادثه‌ی قهریه" را به نحو دیگری توافق کنند.

۷-۳۲. اگر "حادثه‌ی قهریه" پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" رخ دهد، در مورد تأثیر آن "حادثه‌ی قهریه" بر حسب مورد، طبق موارد زیر عمل خواهد شد:

الف) اگر وقوع "حادثه‌ی قهریه" بر توانایی "شرکت" در تحویل "محصول پروژه" به "سرمایه‌پذیر" اثر منفی بگذارد، اقدامات زیر صورت می‌گیرد:

۱. اگر "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" رخ دهد، "سرمایه‌پذیر" موظف است طی دوره‌ی متأثر از "حادثه‌ی قهریه‌ی سیاسی" به پرداخت "بهای ظرفیت" طبق شرایط پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها)، به "شرکت" ادامه دهد. مبلغ این "پرداخت‌ها" معادل متوسط "بهای ظرفیت" قابل پرداخت طی دوازده (۱۲) "ماه" پیش از وقوع "حادثه‌ی قهریه" است. در این حالت "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" تمدید نخواهد شد.

۲. اگر "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" رخ دهد، "سرمایه‌پذیر" در مدت دوره‌ی متأثر از "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی"، "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" را تنها برای بخشی از "پروژه" که متأثر از "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" نیست با رعایت شرایط "موافقت‌نامه" پرداخت خواهد نمود. اگر "شرکت" ثابت کند که کاهش درآمد ناشی از توقف و یا کاهش توان تولید "محصول پروژه" با وجوه دریافتی از بیمه‌نامه‌های لازم طبق مفاد ماده ۳۰ (بیمه)، تأمین نمی‌گردد، "شرکت" مستحق افزایش زمان "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" است و "سرمایه‌پذیر" "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" را به تناسب مدتی که "شرکت" تحت تأثیر "حادثه‌ی قهریه‌ی طبیعی" است، تمدید خواهد کرد. در این حالت هیچ گونه پرداختی از سوی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" صورت نخواهد گرفت.

ب) اگر وقوع "حادثه‌ی قهریه" بر تعهدات "سرمایه‌پذیر" در این "موافقت‌نامه" و به تبع آن بر توان "شرکت" برای تحویل "محصول پروژه" به "سرمایه‌پذیر" اثر منفی بگذارد، "سرمایه‌پذیر" به پرداخت "بهای ظرفیت" به "شرکت" طبق شرایط پیوست ۱۰ (پرداخت‌ها) طی دوره‌ی متأثر از "حادثه‌ی قهریه" ادامه خواهد داد. مبلغ چنین "پرداخت‌ها" ای معادل با "بهای ظرفیت" ای است که پیش از وقوع "حادثه‌ی قهریه" قابل پرداخت بوده است.

۸-۳۲. در صورت وقوع یک "حادثه‌ی قهریه"، مفاد ماده ۳۲ (حادثه‌ی قهریه)، نمی‌تواند عذری برای رفع مسئولیت "دوطرف" در موارد زیر باشد:

الف) توقف یا تأخیر در پرداخت‌های "دوطرف"؛

ب) تأخیر در تحویل تجهیزات و مصالح به دلیل مسامحه و یا غفلت **"شرکت"**؛

ج) تأخیر در اجرای **"پروژه"** به دلیل ناتوانی **"شرکت"** در واگذاری قراردادهای احداث، تأمین مواد، تجهیزات و یا بهره‌برداری به پیمانکاران دست دوم و تأمین کنندگان واجد صلاحیت یا استخدام کارکنان یا کارگران به تعداد کافی؛

د) هرگونه خرابی مکانیکی و الکتریکی و یا از کار افتادگی تجهیزات، ماشین آلات و یا تأسیسات در مالکیت یا بهره‌برداری هر یک از **"دوطرف"** به علت نحوه‌ی غیر صحیح نگهداری، بهره‌برداری و تعمیر آن‌ها؛

ه) ناتوانی یا **"قصور"** هر یک از **"دوطرف"** در اجرای هر یک از تعهداتش در این **"موافقت‌نامه"** پیش از وقوع **"حادثه‌ی قهریه"**؛ یا

و) تأخیر ناشی از شرایط نامناسب جوی یا شرایط نامطلوب زمین و یا هرگونه شرایط نامطلوب دیگر که به طور منطقی قابل پیش بینی هستند.

۳۲-۹. **"طرف"** تحت تأثیر **"حادثه‌ی قهریه"** باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا اثر وقوع **"حادثه‌ی قهریه"** را کاهش دهد. به هر حال مسئولیت **"طرف"** تحت تأثیر **"حادثه‌ی قهریه"**، در برابر تعهدات دیگری که تحت تأثیر وقوع **"حادثه‌ی قهریه"** نیستند همچنان به قوت خود باقیست. **"طرف"** دیگری که تحت تأثیر **"حادثه‌ی قهریه"** نیست نیز نظیر همین تعهدات را خواهد داشت.

۳۲-۱۰. در صورت وقوع **"حادثه‌ی قهریه"** در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران، به مفاد بندهای ۲۷-۶ و ۲۷-۹ عمل نخواهد شد و مسئولیت **"شرکت"** در انجام تعهداتش در این **"موافقت‌نامه"** به قوت و اعتبار خودش باقی خواهد ماند و هیچ مسئولیتی نیز متوجه **"سرمایه‌پذیر"** نخواهد بود. **"سرمایه‌پذیر"** تنها به عنوان کمک به **"شرکت"** در انجام تعهداتش می‌پذیرد تا با دریافت مدارک مثبت از طرف **"شرکت"**، **"دوره‌ی مجاز"** را به مدت متناسب با شرایط وقوع **"حادثه‌ی قهریه"**، تمدید کند. چنین تمدیدی سبب اصلاح هیچ پرداختی نخواهد شد.

### ماده ۳۳. مصونیت

۳۳-۱. **"سرمایه‌پذیر"** مسئول جبران هرگونه ضرر و خسارت به اموال و دارایی‌ها، فوت یا صدمه‌های جانی و تمام هزینه‌های مربوط (از جمله و بدون هیچ محدودیتی، هزینه‌ی متعارف دادرسی)، که **"شرکت"** در ارتباط با **"پروژه"** و ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی و یا سهوی **"سرمایه‌پذیر"** متحمل می‌شود، خواهد بود و **"شرکت"** را از این نظر مصون نگه خواهد داشت. در این رابطه **"سرمایه‌پذیر"** حق رجوع به **"شرکت"** و یا پیمانکاران **"شرکت"** را نخواهد داشت. **"سرمایه‌پذیر"** در این ارتباط **"شرکت"** و کارمندان، مدیران، نمایندگان، کارکنان، پیمانکاران و پیمانکاران دست دوم **"شرکت"** را به طور کامل در برابر خسارات ناشی از **"قصور"** و تقصیر **"سرمایه‌پذیر"** مصون نگه خواهد داشت. این مصونیت شامل ضرر، خسارت، فوت و یا جراحت (یا هرگونه ادعای در این رابطه) و یا هرگونه هزینه‌های مربوط به این موضوع را در صورتی که به دلیل عملکرد و یا سهل انگاری **"شرکت"** و یا هر یک از کارمندان، مدیران، نمایندگان، کارکنان، پیمانکاران و پیمانکاران دست دوم **"شرکت"** به وجود آید و یا به دلیل

"**قصور شرکت**" در برداشتن گام‌های منطقی برای کاهش خسارت پیش آمده باشد، نمی‌شود. در این موارد "**شرکت**" باید خسارت‌های مربوط را پرداخت کند. خسارت "**شرکت**" یا هزینه‌های مربوط، در مواردی که به نحوی در این "**موافقت‌نامه**" یا تحت پوشش‌های بیمه‌ای به موجب این "**موافقت‌نامه**" جبران می‌شود، مشمول مصونیت پیشگفته نیست.

۳۳-۲. "**شرکت**" مسئول جبران هرگونه ضرر و خسارت به اموال و دارایی‌ها، فوت یا صدمه‌های جانی و تمام هزینه‌های مربوط (از جمله و بدون هیچ محدودیتی، هزینه‌ی متعارف دادرسی)، که "**سرمایه‌پذیر**" در ارتباط با "**پروژه**" و ناشی از فعل یا ترک فعل عمدی و یا سهوی "**شرکت**" متحمل می‌شود، خواهد بود و "**سرمایه‌پذیر**" را از این نظر مصون نگه خواهد داشت. در این رابطه "**شرکت**" حق رجوع به "**سرمایه‌پذیر**" و یا پیمانکاران "**سرمایه‌پذیر**" را نخواهد داشت. "**شرکت**" در این ارتباط "**سرمایه‌پذیر**" و کارمندان، مدیران، نمایندگان، کارکنان، پیمانکاران و پیمانکاران دست دوم "**سرمایه‌پذیر**" را به طور کامل در برابر خسارات ناشی از "**قصور**" و تقصیر "**شرکت**" مصون نگه خواهد داشت. این مصونیت شامل ضرر، خسارت، فوت و یا جراحت و هرگونه هزینه‌های مربوط (یا هرگونه ادعای در این رابطه) را در صورتی که به دلیل عملکرد و یا سهل انگاری "**سرمایه‌پذیر**" و یا هر یک از کارمندان، مدیران، نمایندگان، کارکنان، پیمانکاران و پیمانکاران دست دوم "**سرمایه‌پذیر**" به وجود آید و یا به دلیل "**قصور سرمایه‌پذیر**" در برداشتن گام‌های منطقی برای کاهش خسارت پیش آمده باشد، نمی‌شود. در این موارد "**سرمایه‌پذیر**" باید خسارت‌های مربوط را پرداخت کند.

۳۳-۳. در صورت وقوع هرگونه صدمه و یا خسارت ناشی از سهل انگاری یا قصد و یا غفلت مشترک یا همزمان هر "**دوطرف**"، هر یک از "**دوطرف**" به نسبت میزان تقصیر خود باید هزینه‌های مربوط را جبران کند.

۳۳-۴. "**شرکت**" باید از "**سرمایه‌پذیر**" و مسئولین، مدیران، نمایندگان، کارکنان، پیمانکاران و پیمانکاران دست دوم "**سرمایه‌پذیر**" در مقابل هرگونه ادعا، احکام قضایی، ایجاد مسئولیت، زیان، هزینه، مخارج (از جمله و بدون هیچ گونه محدودیت هزینه‌ی متعارف دادرسی) و خسارت مربوط به مقررات مرتبط زیست محیطی ناشی از وضعیت "**ساختمانگاه**" یا مالکیت و بهره‌برداری "**پروژه**" از سوی "**شرکت**"، از جمله تخلیه، پخش، توزیع، انباشت، تصفیه، تولید، دفع یا نشت مواد آلاینده یا دیگر مواد سمی یا خطرناک تولیدی توسط "**پروژه**"، آلوده سازی خاک، هوا، آب‌های سطحی یا زیرزمینی در "**ساختمانگاه**" "**پروژه**" یا اطراف آن و نیز در مقابل هرگونه مسئولیت مربوط به نحوه‌ی کاهش آلودگی، تعویض، برطرف سازی یا آلودگی زدایی یا تعهدات مربوط به نظارت بر موارد یاد شده دفاع کند و آنان را از هرگونه زیان و خسارتی مصون نگه دارد، مگر در مواردی و تا حدودی که این گونه خسارت‌ها ناشی از سهل انگاری یا سوء رفتار عمدی "**سرمایه‌پذیر**" و مسئولین، مدیران، نمایندگان، کارکنان و یا پیمانکاران "**سرمایه‌پذیر**" باشد.

۳۳-۵. هیچ یک از "**دوطرف**" تا زمانی که جمع ادعاهای مطالبه نشده‌ی او بابت جبران ضرر و زیان مصونیت تحت این ماده، از مبلغ .....ریال / یورو بیشتر نشده است، حق طرح ادعا و مطالبه‌ی جبران ضرر و زیان نخواهد داشت، اما به محض تحقق شرط پیشگفته، می‌تواند تمام ادعای مربوط به جبران ضرر و زیان تحت مصونیت در این "**موافقت‌نامه**" را مطرح سازد. این اصل در مورد مطالبات آتی برای جبران ضرر و زیان مصونیت نیز اعمال خواهدگردید. با این وجود، هر یک از "**دوطرف**" می‌تواند در صورتی که مطالبه‌هایش طبق این بند، به خاطر تأخیر در

بررسی مشمول مرور زمان شود، صرف نظر از مبلغ آن، ادعا کند. به هر حال در انتهای **"دوره‌ی مجاز"** یا در هر زمانی که **"موافقت‌نامه"** زودتر خاتمه می‌یابد، ادعاهای **"دوطرف"** باید صرف نظر از سقف مبلغ درج شده در این بند رسیدگی و تسویه گردد.

۳۳-۶. مصونیت‌های پیش‌بینی شده در بندهای پیشگفته در هیچ حالتی شامل ضرر و زیان یا خسارت غیر مستقیم یا تبعی **"قصور"** یا تقصیر یکی از **"دوطرف"** نخواهد گردید. علاوه بر این، هیچ یک از **"دوطرف"** طبق **"قوانین و مقررات"** بابت ضرر و زیان و یا خسارت غیر مستقیم یا تبعی ناشی از ایفای تعهدات یا اعمال حقوق در این **"موافقت‌نامه"**، مسئولیتی در مقابل **"طرف"** دیگر نخواهد داشت.

۳۳-۷. هیچ گونه جریمه‌ی متعلقه به هر یک از **"دوطرف"** ناشی از عدم رعایت **"قوانین و مقررات"**، از سوی **"طرف"** دیگر بازپرداخت نخواهد شد بلکه مسئولیت پرداخت این گونه مبالغ تنها بر عهده‌ی **"طرف"** ای خواهد بود که طبق **"قوانین و مقررات"** عمل نکرده است.

۳۳-۸. هیچ گونه بازنگری و یا تأیید هر توافق نامه، سند، مدرک، نقشه، مشخصات یا طراحی پیشنهادی از سوی **"شرکت"** توسط **"سرمایه‌پذیر"**، **"شرکت"** را از هیچ یک از مسئولیت‌هایی که به خاطر سهل‌انگاری هنگام تهیه‌ی این گونه توافق نامه‌ها، سندها، مدارک، نقشه‌ها، مشخصات یا طراحی‌ها یا عدم رعایت **"قوانین و مقررات"** در مورد اسناد پیشگفته یا سهل‌انگاری در ایفای تعهدات **"شرکت"** طبق این **"موافقت‌نامه"** میرا نخواهد ساخت. همچنین، **"سرمایه‌پذیر"** به علت بازنگری و تأیید توافق نامه‌ها، سندها، مدارک، نقشه‌ها، مشخصات یا طراحی‌های انجام شده در مقابل **"شرکت"** یا هر **"شخص"** دیگر، مسئول شناخته نخواهد شد.

۳۳-۹. **"طرف"** ای که قرار است در برابر ادعای مطرح شده علیه او مصون نگه داشته شود، بی درنگ باید اطلاعیه‌ای خطاب به **"طرف"** دیگر در مورد ادعای اقامه شده صادر کند و مطرح شدن چنین ادعاهایی را به وی اعلام نماید. **"طرف"** مصون نگهدارنده می‌تواند اطلاعیه‌ای به **"طرف"** دیگر بدهد و در آن مسئولیت جبران غرامت را بپذیرد و دستورالعمل‌های معقول در مورد چگونگی دفاع در مقابل ادعای مطرح شده را اعلام و **"طرف"** دفاع کننده را در آن معرفی نماید. **"طرف"** ای که قرار است مصون نگه داشته شود، تا زمانی که اطلاعیه‌ی مزبور را دریافت نکرده است، می‌تواند تمام اقدامات متعارف را برای دفاع به عمل آورد. به محض وصول این اطلاعیه، **"طرف"** یاد شده موظف است از دستورالعمل‌های اعلام شده از سوی **"طرف"** مصون نگهدارنده پیروی کند.

۳۳-۱۰. مفاد ماده ۳۳ (مصونیت)، پس از خاتمه یافتن این **"موافقت‌نامه"** همچنان به اعتبار خود باقی خواهد بود.

۳۳-۱۱. مجموع تعهدات **"شرکت"** به **"سرمایه‌پذیر"** در مفاد این ماده، نباید در هیچ شرایطی از مبالغ زیر بیشتر شود:

الف) پیش از **"تاریخ بهره‌برداری تجاری"** از معادل مبلغ **"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد"**؛ و

ب) پس از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از مبلغ.....ریال/یورو در هر نیم "سال" "موافقتنامه".

### ماده ۳۴. حل اختلاف

۳۴-۱. اگر هرگونه اختلافی به هر شکل بین "دوطرف" در ارتباط با تعریف و تفسیر این "موافقتنامه" و یا به علت اعتبار، نقض و خاتمه‌ی آن بروز کند، "دوطرف" تلاش می‌کنند که ظرف مدت سی (۳۰) "روز" از دریافت اطلاعاتی یک "طرف" از سوی "طرف" دیگر مبنی بر وجود چنین اختلافی، این اختلاف را ابتدا به وسیله‌ی مذاکره‌ی دوستانه‌ی دوطرفه حل و فصل کنند. این تلاش‌ها به وسیله‌ی مذاکره بین نمایندگان "دوطرف" انجام می‌شود و در صورتی که این نمایندگان نتوانند در مدت سی (۳۰) "روز" موضوع را حل و فصل کنند، هر یک از "دوطرف" می‌تواند موضوع اختلاف را با توجه به مفاد بند ۳۴-۲، به یک "کارشناس" ارجاع دهد، مگر آن که هر "دوطرف" موافقت کنند که به طور مستقیم اختلاف را با توجه به مفاد بند ۳۴-۳، به داور ارجاع دهند.

۳۴-۲. هر یک از "دوطرف" می‌تواند تمایل خود را مبنی بر ارجاع اختلاف به یک "کارشناس" طی اطلاعیه‌ای به "طرف" دیگر اعلام کند، در این صورت بر طبق روش زیر عمل خواهد شد:

الف) طی مدت پانزده (۱۵) "روز" پس از صدور اطلاعیه‌ی ارجاع اختلاف به "کارشناس"، "دوطرف" باید در مورد انتخاب و انتصاب "شخص"ی به عنوان "کارشناس" از میان فهرستی که یک ماه پیش از "تاریخ قطعیت" بین "دوطرف" توافق شده است، به توافق برسند. "دوطرف" با حسن نیت تلاش می‌کنند در هر یک از موارد اختلافی به شرح زیر در انتخاب و انتصاب "کارشناس" عمل نمایند تا "کارشناس" انتخاب شده، در ارتباط با موضوع مورد اختلاف و اتخاذ تصمیم نهایی و الزام‌آور اقدام کند:

۱. در موارد مربوط به امور فنی و مهندسی، انتصاب یک شرکت مهندسی مستقل و واجد شرایط و مورد قبول "دوطرف"؛

۲. در موارد مربوط به امور مالی و اقتصادی، انتصاب یک مشاور مالی واجد شرایط و مورد قبول "دوطرف"؛ و

۳. در هر مورد دیگری انتصاب یک "کارشناس" با تخصص مربوط به اختلاف پیش آمده با توافق "دوطرف".

ب) "کارشناس" مشخص شده موظف است به عنوان یک "کارشناس" مستقل نه یک داور، نظر خود را در مورد اختلاف بین "دوطرف" اعلام کند. "کارشناس" ممکن است از "دوطرف" بخواهد تا اطلاعاتی را که او برای تصمیم‌گیری لازم دارد در اختیارش بگذارد. در این صورت، "دوطرف" باید در اسرع وقت این درخواست "کارشناس" را اجابت نمایند. "کارشناس" باید ظرف مدت شصت (۶۰) "روز" از انتصابش و یا هر زمان دیگری که به توافق "دوطرف" برسد، تصمیم خود را به صورت کتبی به "دوطرف" اعلام کند.

ج) **"دوطرف"** موظف هستند نحوه‌ی تسهیم حق الزحمه‌ی فرایند حل اختلاف از سوی **"کارشناس"** را بین یکدیگر توافق کنند.

د) اگر **"دوطرف"** نتوانند در مورد انتصاب **"کارشناس"** در یک دوره‌ی پانزده (۱۵) **"روزه"** به توافق برسند، از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران یا کانون کارشناسان رسمی دادگستری جمهوری اسلامی ایران درخواست تعیین **"کارشناس"** خواهند کرد. هزینه‌های این کارشناسی به صورت مساوی از سوی **"دوطرف"** تقبل و پرداخت خواهد شد.

ه) تصمیم **"کارشناس"** انتصاب شده طبق فرایند درج شده در این بند ۲-۳۴ برای **"دوطرف"** الزام‌آور خواهد بود، مگر آن که یکی از **"دوطرف"** ظرف مدت سی (۳۰) **"روز"** پس از دریافت تصمیم **"کارشناس"**، طی ارسال اطلاعیه‌ای به **"طرف"** دیگر، به تصمیم **"کارشناس"** اعتراض کند و ارجاع موضوع اختلاف به داوری را بر طبق مفاد بند ۳-۳۴، اعلام کند. در این حالت نیز تصمیم **"کارشناس"** همچنان برای **"دوطرف"** الزام‌آور خواهد بود مگر آن که نتیجه‌ی داوری، آن را تغییر داده یا برخلاف آن باشد.

۳-۳۴. هرگونه اختلافی که طبق مندرجات بند ۱-۴۳، ظرف مدت سی (۳۰) **"روز"** با مذاکرات دوستانه‌ی دوطرفه حل و فصل نشود و **"دوطرف"** بر حل و فصل آن به روش داوری توافق کنند و یا در مواردی که طبق مفاد بند ۲-۳۴، ظرف مدت سی (۳۰) **"روز"** از ارسال اطلاعیه‌ی یک **"طرف"** مبنی بر ارجاع اختلاف به **"کارشناس"**، هنوز **"کارشناس"** منصوب نشده باشد و یا **"کارشناس"** منصوب شده در مدت درج شده در بند ۲-۳۴ (ب) تصمیم خود را اتخاذ نکند و یا یکی از **"دوطرف"** بر اساس مفاد بند ۲-۳۴ (ه)، طی ارسال اطلاعیه‌ای مخالفت خود را با تصمیم **"کارشناس"** اعلام نماید یا آن را اجرا نکند، باید سرانجام به روش داوری حل و فصل شود. اختلاف بین **"دوطرف"** طبق قوانین داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران و به وسیله‌ی سه نفر داور که طبق قوانین داوری مشخص می‌شوند، حل و فصل خواهد گردید. محل داوری تهران است و زبان داوری نیز فارسی خواهد بود.

۴-۳۴. هرگونه رأیی که طبق فرایند داوری تعیین شده در بند ۳-۳۴ صادر شود، نهایی و برای **"دوطرف"** لازم الاجراست و در صورت عدم اجرا، **"طرف"** ذینفع می‌تواند به مراجع قضایی رجوع کند. علاوه بر آن، **"دوطرف"** بدین وسیله موافقت می‌کنند که هیچ یک حق شروع یا ادامه‌ی دعوی یا رسیدگی قضایی در خصوص هر اختلاف مربوط به این **"موافقت‌نامه"** را تا زمانی که مراحل داوری آن طبق همین ماده در حال رسیدگی است، ندارد. پس از صدور رأی، **"دوطرف"** تنها برای اجرا یا تسهیل در اجرای آن می‌توانند به مراجع قضایی مراجعه نمایند.

۵-۳۴. در مدت رسیدگی مورد اختلاف از سوی **"کارشناس"** یا داوری:

الف) **"شرکت"** اجرای تعهدات خود را در این **"موافقت‌نامه"** ادامه می‌دهد؛

ب) **"سرمایه‌پذیر"** به **"پرداخت‌ها"**ی سررسید شده‌ی خود طبق مفاد بند ۳-۲۶، ادامه می‌دهد؛

ج) "دوطرف" از اقدام به هرگونه عمل دیگری برای احقاق حق خود در مسئله‌ی مورد اختلاف خودداری خواهند کرد؛  
و

با وجود هرگونه داوری، استفاده از حق خاتمه دادن به "موافقتنامه" بر طبق مفاد ماده‌ی دیگری از این "موافقتنامه" برای هر یک از "دوطرف" محفوظ خواهد بود.

### ماده ۳۵. حفاظت و ایمنی

۳۵-۱. در "دوره‌ی مجاز"، "شرکت" موظف است تمام اقدامات احتیاطی و لازم را به عنوان یک "بهره‌بردار مجرب" به کار ببندد تا از بروز هرگونه خسارت و صدمات جانی و مالی به عموم، اشخاص حقیقی و حقوقی ناشی از فعالیت "شرکت" در "ساختمان" جلوگیری کند. "شرکت" در برابر چنین خسارت‌هایی طبق "قوانین و مقررات" مسئول خواهد بود.

۳۵-۲. در صورت وقوع هرگونه حادثه‌ای که امنیت و یا ایمنی عمومی را به خطر اندازد، "شرکت" موظف است بدون هیچ تأخیری همه‌ی اقدامات لازم را که از یک "بهره‌بردار مجرب" انتظار می‌رود، انجام دهد تا شدت این خطر را کاهش یابد.

### ماده ۳۶. "قوانین و مقررات" حاکم

۳۶-۱. "قوانین و مقررات" حاکم بر این "موافقتنامه"، "قوانین و مقررات" جمهوری اسلامی ایران است و مفاد این "موافقتنامه" طبق این "قوانین و مقررات" تنظیم، اجرا و تفسیر می‌گردد.

۳۶-۲. مفاد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ("FIPPA") در محدوده‌ی خود شامل بخش سرمایه‌گذاری خارجی در این "موافقتنامه" خواهد بود.

### ماده ۳۷. موارد متفرقه

۳۷-۱. "دوطرف" شرایط این "موافقتنامه" را طبق اصول اخلاقی و با حسن نیت اجرا خواهند کرد و روح و فلسفه‌ی وجودی و نص حاکم بر مفاد و شرایط آن را در نظر می‌گیرند همان طور که به عبارت‌های آن پایبند هستند.

۳۷-۲. به جز مواردی که در این "موافقتنامه" پیش بینی شده است، هر یک از "دوطرف" هزینه‌های مربوط به خود را که در ارتباط با مذاکرات، آماده سازی، امضا و نافذ ساختن این "موافقتنامه" لازم است، پرداخت می‌کنند.

۳۷-۳. در طی هر "سال قراردادی"، "سرمایه‌پذیر" هیچ تعهدی در مقابل تحویل گرفتن مازاد تولید "محصول پروژه" ندارد و "شرکت" نیز ملزم به تحویل دادن اضافی "محصول پروژه" نیست. در صورت



درخواست کتبی **"شرکت"** و قبول و تأیید **"سرمایه‌پذیر"**، طی توافق جداگانه‌ای، **"شرکت"** می‌تواند بخشی از ظرفیت مازاد **"پروژه"** را به **"شخص"** ثالث بفروشد.

۳۷-۴. هیچ اسقاط حقی به وسیله‌ی هر یک از **"دوطرف"** در مورد قصوری از **"طرف"** دیگر در اجرای هر یک از شرایط **"موافقت‌نامه"**، نباید به منزله‌ی اسقاط دیگر حقوق او نسبت به **"قصور"** دیگری اعم از مشابه یا متفاوت با آن **"قصور"** تلقی شود. هیچ یک از شرایط **"موافقت‌نامه"** نمی‌تواند از سوی هیچ یک از **"دوطرف"** چشم پوشی شود یا اسقاط شده توسط یک **"طرف"** تلقی شود مگر آن که اسقاط چنین حقی به صورت کتبی به **"طرف"** دیگر اعلام گردد.

عدم اصرار یکی از **"دوطرف"** بر ایفای تعهدات **"طرف"** دیگر و یا اعطای مهلت یا تخفیف شرایط به او، به عنوان اسقاط حق در مقابل **"قصور"** یا تقصیر **"طرف"** دیگر یا پذیرش هرگونه تغییر یا اعراض از چنین حقی طبق این **"موافقت‌نامه"** تلقی نخواهد شد و این گونه حقوق به قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند.

۳۷-۵. اگر مشخص شود که یکی و یا تعدادی از شرایط این **"موافقت‌نامه"** به صورت کلی و یا جزئی با **"قوانین و مقررات"** مغایر است و یا قابل اجرا نیست و یا این که با دیگر شرایط **"موافقت‌نامه"** تناقض دارد، این مسئله بر دیگر شرایط **"موافقت‌نامه"** هیچ تأثیری نخواهد داشت.

۳۷-۶ این **"موافقت‌نامه"** به زبان فارسی تنظیم و امضا گردیده است. همه‌ی مکاتبه‌ها، ابلاغ‌ها، ارتباط‌ها، اظهارنظرها و یا دیگر مدارکی که طبق این **"موافقت‌نامه"** صادر می‌شوند باید به زبان فارسی باشند مگر آن که **"دوطرف"** در مورد زبان حاکم به نحو دیگری توافق نمایند. در تمامی موارد یاد شده در صورت دو زبانه بودن اسناد و مدارک، متن فارسی حاکم است. **"دوطرف"** نحوه‌ی مناسب دسته بندی اسناد و مدارک را طی دو ماه بعد از **"تاریخ نفوذ"** مشخص می‌کنند. همه‌ی **"اسناد فنی"** باید تنها به زبان انگلیسی باشد. رسیدگی به اختلاف‌ها طبق مفاد ماده ۳۴ (حل اختلاف) در مراجع حل اختلاف باید به زبان فارسی برگزار شود و هر نوع مستندات آن باید به زبان فارسی تهیه شده و یا همراه با ترجمه فارسی باشد.

۳۷-۷. اصلاح و یا تغییر مفاد این **"موافقت‌نامه"** تنها با امضای **"دوطرف"** و با مبادله‌ی الحاقیه‌ی کتبی که به این **"موافقت‌نامه"** اضافه می‌گردد، امکان پذیر خواهد بود.

۳۷-۸ هر یک از **"دوطرف"** موافقت می‌کند که همه‌ی اطلاعات، مدارک، آمار، ارقام و یا دانش فنی را که از **"طرف"** دیگر در اجرای این **"موافقت‌نامه"** دریافت می‌کند، محرمانه تلقی نماید. **"دوطرف"** بدین وسیله موافقت می‌کنند طوری عمل نمایند که کارمندان، مشاوران، وکلا، کارمندان دفتری و مدیران آنها نیز از چنین توافقی آگاه باشند و هیچ یک از اطلاعات مربوط به این **"موافقت‌نامه"** را برای هیچ **"شخص"** ثالثی بدون اجازه‌ی کتبی **"سرمایه‌پذیر"** و یا **"شرکت"** برحسب مورد، افشا نکنند و یا موجب افشای آن نشوند.

هر یک از **"دوطرف"** موافقت می‌کنند که شرایط این **"موافقت‌نامه"** را محرمانه بدانند و برای هیچ **"شخص"** ثالثی افشا نکنند مگر برای:

الف) کارکنان، مهندسين مشاور يا مشاوران "دوطرف" كه به "طرف" ديگر به صورت كتبي و رسمي معرفي شوند؛

ب) هر "شخص" ثالثي كه در مورد افشاي اطلاعات به او به صورت كتبي توافق شود؛ و يا

ج) هر "شخص" ثالثي كه افشاي اطلاعات به او بر اساس "قوانين و مقررات" الزامي باشد.

۳۷-۹. وظايف، تعهدات و مسئوليت‌هاي "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" به صورت كامل جداست و هيچ جنبه‌ی مشترك و تضامنی با هم ندارند مگر آن كه در اين "موافقت‌نامه" به صورت مشخص اين اشتراك بيان شده باشد. از اين رو، هيچ يك از مفاد و شرايط اين "موافقت‌نامه" نبايد به عنوان ايجاد يك مؤسسه، همكاری مشترك و يا مشاركت بين "دوطرف" تفسير و تلقی شود. هر يك از "دوطرف" به صورت انفرادی و جداگانه متعهد به انجام وظايف و مسئوليت‌هاي خود طبق اين "موافقت‌نامه" است.

هيچ يك از "دوطرف" هيچ گونه حق، اختيار و يا اجازه ای ندارد كه به عنوان كارگزار يا نماينده‌ی "طرف" ديگر اقدامی كند و يا توافق و قبول تعهدی نمايد كه متعهد و ملزم كننده‌ی "طرف" ديگر باشد.

۳۷-۱۰. اين "موافقت‌نامه" جايزين تمامی توافقی‌ها، تمهيدات و يا تأييدات پيشين بين "دوطرف" در ارتباط با موضوع آن است و يك توافق كامل و جامع بين "دوطرف" را در اين ارتباط تشكيل خواهد داد.

۳۷-۱۱. بدون توجه به احتمال وجود مفاد و يا شرايط مغاير در اين "موافقت‌نامه"، هرگونه عدم توافق بين "شرکت" و طرف‌هاي ثالث قراردادی او نبايد هيچ اثری بر تعهدات "شرکت" در اين "موافقت‌نامه" داشته باشد و چنين عدم توافقی‌هایی نبايد بر حقوق و تعهدات "دوطرف" اثر بگذارد.

۳۷-۱۲. عناوين ماده‌هاي گوناگون اين "موافقت‌نامه" تنها برای تسهيل تنظيم "موافقت‌نامه" به كار رفته است و به عنوان بخشی از اين "موافقت‌نامه" تلقی نمی‌گردد و نبايد به هيچ وجه در تفسير "موافقت‌نامه" مورد استفاده قرار گيرد.

۳۷-۱۳. اين "موافقت‌نامه" و شرايط آن تنها برای حفظ منافع "دوطرف" "موافقت‌نامه" تدوين شده است و نه منافع اشخاص ثالث ديگر، مگر در مواردی كه به صراحت در "موافقت‌نامه" بيان شده باشد.

۳۷-۱۴. اين "موافقت‌نامه" يك "موافقت‌نامه"ی تجاری است و هر يك از "دوطرف" آن تأكيد می‌كند كه حق ندارد در هيچ حوزه‌ی قضایی حاضر شود و به نفع خود، برای دارایی‌ها يا درآمد‌هاي خود ادعای مصونيت در برابر اقدامی دعوی، صدور اجرائيه، قرار توقيف يا هر اقدام قضایی ديگر در ارتباط با اين "موافقت‌نامه" كند.

### ماده ۳۸. نشانی‌ها و ارتباطها

۳۸-۱. به جز در مواردی كه به صراحت به روش ديگری در اين "موافقت‌نامه" بيان شده باشد، تمامی ابلاغیه‌ها، مكاتبه‌ها از جمله ارائه يا صدور مصوبه، گواهی، رضایت، تصميم، ابلاغ، اعلام، درخواست و يا ارتباط‌هایی كه بر اساس

مفاد این "موافقت‌نامه" بین "دوطرف" مبادله می‌شوند، باید به صورت کتبی باشند و خطاب به اشخاص و به نشانی‌های نامبرده در زیر ارسال شوند و یا به صورت دستی تحویل گردند و یا با پست سفارشی یا نامه رسان و یا نامبر با درج شماره‌ی نامبر در زیر و یا به روش‌های الکترونیکی توافق شده از سوی "دوطرف" ارسال شوند:

### "شرکت":

گیرنده:

نشانی:

شماره تلفن:

شماره نامبر:

### "سرمایه‌پذیر":

گیرنده:

نشانی:

شماره تلفن:

شماره نامبر:

۳۸-۲. تاریخ دریافت مکاتبه‌ها و مراسله‌ها، تاریخی است که دریافت کننده، رسید دریافت را در آن تاریخ صادر می‌نماید. اگر مکاتبه‌ها و مراسله‌ها در "ساعت" و یا "روز" غیر کاری "طرف" دریافت کننده و به وسیله‌ی نامبر ارسال شوند، در اولین "روز کاری" پس از تاریخ ارسال، دریافت شده محسوب می‌شود ولی اگر به وسیله‌ی پست سفارشی برای "طرف" دریافت کننده ارسال شود، پنج "روز" پس از تاریخ ارسال، دریافت شده محسوب می‌شود. تأییدیه‌ی ارسال به وسیله‌ی نامبر باید به وسیله‌ی پست سفارشی برای دریافت کننده ارسال گردد ولی عدم انجام آن در صحت و اعتبار نامبر ارسالی خللی وارد نمی‌کند.

۳۸-۳. هر یک از "دوطرف" می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای، نشانی (های) اعلام شده برای ارسال اطلاعیه‌ها و مکاتبه‌ها را تغییر دهد. این اطلاعیه باید سی (۳۰) "روز" پیش از تغییر نشانی (ها) به "طرف" گیرنده ارسال شود.

### ماده ۳۹. نسخه‌های "موافقت‌نامه"

به نشانه‌ی تأیید و تصدیق مراتب پیشگفته، "سرمایه‌پذیر" و "شرکت"، این "موافقت‌نامه" را در ..... نسخه‌ی اصل و در تاریخ اعلام شده در صدر آن امضا می‌کنند و همه‌ی نسخه‌ها از اعتبار واحدی برخوردار هستند.

نمایندگه‌های "شرکت"

نماینده‌ی "سرمایه‌پذیر"

.....(۱)

.....

امضا

امضا

.....(۲)

امضا

پیوست‌های موافقت‌نامه‌ی

ساخت-بهره‌برداری-واگذاری

**(BOT)**

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیوست ۱. محدودیت‌های فنی.....
۲	پیوست ۲. ظرفیت تضمینی پروژه.....
۴	پیوست ۳. روش‌های بهره‌برداری.....
۵	پیوست ۴. مشخصات مواد اولیه.....
۶	پیوست ۵. زمان بندی موعدهای کلیدی.....
۸	پیوست ۶. آزمایش‌های پروژه و روش انجام آن‌ها.....
۹	پیوست ۷. شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعیت.....
۱۱	پیوست ۸. مجوزها.....
۱۲	پیوست ۹. اسناد و مدارک تحویلی پس از تاریخ قطعیت.....
۱۳	پیوست ۱۰. پرداخت‌ها.....
۱۵	پیوست ۱۱. خسارت مقطوع.....
۱۶	پیوست ۱۲. بهای انتقال پروژه.....
۱۹	پیوست ۱۳. سهامداران اولیه شرکت.....
۲۰	پیوست ۱۴. فرم ضمانت‌نامه‌ها.....
۲۲	پیوست ۱۵. مدل مالی.....
۲۵	پیوست ۱۶. مشخصات فنی.....
۲۶	پیوست ۱۷. فرم اعتبار اسنادی.....
۲۷	پیوست ۱۸. فرم ضمانت‌نامه‌ی ضامن.....

## پیوست ۱

**"محدودیت‌های فنی"****۱. شرایط طراحی**

تمامی شرایطی که در طراحی بخش‌های مختلف "پروژه" تأثیرگذار هستند، باید مشخص شوند.

**۱-۱. شرایط "ساختگاه"**

الف) دمای هوای محیط:

متوسط بیشینه‌ی دمای ماهانه

متوسط کمینه‌ی دمای ماهانه

متوسط بیشینه‌ی دمای سالانه

متوسط بیشینه‌ی دمای سالانه

ب) رطوبت نسبی:

متوسط بیشینه‌ی میزان رطوبت ماهانه

متوسط کمینه‌ی میزان رطوبت ماهانه

متوسط میزان رطوبت سالانه

ج) فشار محیطی

د) میزان بارش

متوسط میزان بارش سالانه

ه) باد

جهت وزش باد

بیشینه‌ی سرعت باد

**۱-۲. "محدودیت‌های فنی"**

الف) "محدودیت‌های فنی" که از طرف "سرمایه‌پذیر" در طراحی "پروژه" توسط "شرکت" باید در نظر گرفته شود.

ب) شرایط بهره‌برداری

شرایط خاصی که در میزان و چگونگی بهره‌برداری مؤثر هستند باید در این قسمت بیان شوند. میزان و شرایط بهره‌برداری در "روز" و "هفته" در "سال قراردادی" باید معین گردد.

**پیوست ۲**  
**ظرفیت تضمینی "پروژه"**

ظرفیت تضمینی تولید "محصول پروژه" در شرایط "ساختمانگاه"، توسط "شرکت" در هر یک از موارد مختلف زیر باید تعیین گردد:

در مراحل تکمیل "پروژه" اگر به تدریج تکمیل شود و توسعه یابد (بر اساس واحد یا مرحله). در سال‌های مختلف بهره‌برداری "پروژه".  
بر اساس مشخصات "مواد اولیه"ی تحویلی از طرف "سرمایه‌پذیر".  
ذخیره‌ی احتیاطی "مواد اولیه" تحویلی از طرف "سرمایه‌پذیر".  
ظرفیت قابلیت دسترسی سالانه‌ی تضمینی تولید "محصول پروژه" در هنگام توقف تولید.

جدول ۱-۲. ظرفیت تضمینی تولید "محصول پروژه" در شرایط "ساختمانگاه"

شرح	ظرفیت تضمینی تولید "محصول پروژه"
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از اولین مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از دومین مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از سومین مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از ..... مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از ..... مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از ..... مرحله / واحد	
در "تاریخ بهره‌برداری تجاری" از کل "پروژه"	
در ابتدای دومین "سال قراردادی"	
در ابتدای سومین "سال قراردادی"	
در ابتدای چهارمین "سال قراردادی"	
در ابتدای پنجمین "سال قراردادی"	
در ابتدای ..... امین "سال قراردادی"	
در ابتدای ..... امین "سال قراردادی"	
در ابتدای ..... امین "سال قراردادی"	
در ابتدای ..... امین "سال قراردادی"	
در ابتدای ..... امین "سال قراردادی" (آخرین "سال قراردادی")	

"شرکت" موظف است حداکثر ظرفیت قابلیت دسترسی سالانه تولید "محصول پروژه" را در زمان‌های توقف تولید "محصول پروژه" برای تعمیرات دوره‌ای و یا به دلایل اضطراری، اعلام کند.



**جدول ۲-۲. ظرفیت قابلیت دسترسی سالانه تولید "محصول پروژه" در هنگام توقف تولید**

ظرفیت قابل دسترسی در توقف برنامه‌ریزی شده (%)	ظرفیت قابل دسترسی در توقف اضطراری (%)	ظرفیت قابل دسترسی سالانه تضمینی (%)	سال بهره‌برداری
			اولین " سال قراردادی "
			دومین " سال قراردادی "
			سومین " سال قراردادی "
			چهارمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			..... آمین " سال قراردادی "
			(آخرین " سال قراردادی ")

پیوست ۳  
"روش‌های بهره‌برداری"

الزامات "سرمایه‌پذیر" در هر یک از موارد زیر باید در رویه‌ها و استانداردهای بهره‌برداری "شرکت" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" رعایت گردد:

- چگونگی تعمیر و نگهداری "پروژه":
۱. تعمیرات دوره‌ای و در مواقع اضطراری؛
  ۲. سطح سرویس‌دهی؛
  ۳. سرویس‌دهی در مواقع اضطراری؛
  ۴. رویه‌های حرفه‌ای و معمول در انجام تعهدات؛
  ۵. ثبت سوابق روزانه‌ی بهره‌برداری؛
  ۶. ثبت سوابق بهره‌برداری و نگهداری؛
  ۷. انتصاب افراد و اشخاص؛
  ۸. ارسال اطلاعاتی‌های توقف تولید و یا از کارافتادگی تجهیزات؛
  ۹. بازرسی منظم و سالانه‌ی "پروژه"؛
  ۱۰. دسترسی به "پروژه"؛ و
- موارد دیگری که به تناسب نوع "پروژه" در بهره‌برداری آن باید مورد توجه "شرکت" قرار گیرند.

## پیوست ۴

**"مشخصات مواد اولیه"**

الزامات "سرمایه‌پذیر" و "شرکت" در خصوص "مشخصات مواد اولیه"ی مورد نیاز "پروژه" باید رعایت گردد تا "شرکت" به تعهدات تولید "محصول پروژه" خود عمل نماید. این الزامات می‌تواند شامل اما نه محدود به موارد زیر باشد:

## نوع "مواد اولیه"

ترکیبات تشکیل دهنده‌ی "مواد اولیه"

مقدار کمینه، بیشینه و طراحی مواد تشکیل دهنده‌ی "مواد اولیه"

روش آزمایش اندازه‌گیری مقدار مواد تشکیل دهنده‌ی "مواد اولیه"

مقدار بیشینه‌ی مواد مضر در ترکیبات "مواد اولیه"

سایر مشخصات

پیوست ۵

زمان بندی موعدهای کلیدی

تاریخ موعدهای کلیدی در "دوره‌ی احداث" "پروژه" و "طرف" متعهد به انجام آن در جدول ۵-۱، مشخص می‌شود. همچنین وضعیت هر یک از این موعدهای کلیدی در ایجاد خسارت به یکی از "دوطرف" و یا در تحقق "تاریخ قطعیت" باید بیان شود.

موعدهای کلیدی در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" شامل تعمیرات دوره‌ای، اساسی و اضطراری "پروژه" است که "شرکت" موظف است آن‌ها را پیش‌بینی و اعلام نماید.

جدول ۵-۱. جدول تکمیل موعدهای کلیدی "دوره‌ی احداث"

موعدهای کلیدی "دوره‌ی احداث"	طرف مسئول	"ماه" پس از "تاریخ قطعیت"
"تاریخ قطعیت"	"سرمایه پذیر" و "شرکت"	
آغاز فعالیت‌های اجرایی در "ساختمانگاه"	"شرکت"	
تاریخ اتمام اولین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
تاریخ اتمام دومین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
تاریخ اتمام سومین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
تاریخ اتمام .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
تاریخ اتمام .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
اتمام کارهای ساختمانی (کارهای اصلی) "پروژه"	"شرکت"	
اتمام کارهای مکانیکی احداث "پروژه"	"شرکت"	
احداث تأسیسات انتقال "محصول پروژه" از "ساختمانگاه"	"سرمایه پذیر"	
احداث تأسیسات انتقال "مواد اولیه" به "ساختمانگاه"	"سرمایه پذیر"	
اتمام سیستم آتش نشانی	"شرکت"	
.....	.....	.....
.....	.....	.....
آغاز آزمایش‌های عملکردی اولین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
آغاز آزمایش‌های عملکردی دومین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
آغاز آزمایش‌های عملکردی .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
آغاز آزمایش‌های عملکردی .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
"تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"ی اولین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
"تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"ی دومین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
"تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"ی .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
"تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده"ی .....امین مرحله/واحد "پروژه"	"شرکت"	
"تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" از کل "پروژه"	"شرکت"	

**جدول ۵-۲. بازرسی و تعمیرات دوره‌ای "پروژه"**

نوع تعمیرات / بازرسی				مدت "توقف برنامه‌ریزی شده" ("روز")	موعدهای کلیدی "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"
مرحله/واحد.....	مرحله/واحد ۳	مرحله/واحد ۲	مرحله/واحد ۱		
					اولین "سال قراردادی"
					دومین "سال قراردادی"
					سومین "سال قراردادی"
					چهارمین "سال قراردادی"
					..... آمین "سال قراردادی"
					..... آمین "سال قراردادی"
					..... آمین "سال قراردادی"
					..... آمین "سال قراردادی"
					..... آمین "سال قراردادی"
					(آخرین "سال قراردادی")

## پیوست ۶

## آزمایش‌های "پروژه" و روش انجام آن‌ها

بر اساس نوع "پروژه"، آزمایش‌های ضروری در دوره‌های احداث، بهره‌برداری و انتقال "پروژه" به منظور حصول اطمینان از این که "پروژه" بر طبق موعدهای کلیدی و مشخصات و محدودیت‌های فنی اعلام شده در پیوست‌های ۱، ۳، ۵، ۷، ۹ و ۱۶ احداث شده است و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، باید از سوی "شرکت" انجام شود. "شرکت" برنامه‌ی تفصیلی بازرسی و روش‌های آزمایش را تهیه و دو (۲) "ماه" پیش از "تاریخ قطعیت" برای تأیید به "سرمایه‌پذیر" تحویل می‌دهد تا نظر خود را به "شرکت" اعلام کند. "سرمایه‌پذیر" بر انجام این آزمایش‌ها نظارت می‌کند و نتایج آن‌ها را دریافت و اظهار نظر خواهد کرد. این آزمایش‌ها شامل آزمایش‌های کارخانه‌ای و کارگاهی است و به طور معمول موارد زیر را در برمی‌گیرد:

آزمایش‌های قبولی عملکرد هر مرحله/واحد یا کل "پروژه" پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری" هر مرحله/واحد یا کل "پروژه"؛

آزمایش‌های قابلیت اطمینان در یک مدت مشخص پیوسته پس از تکمیل موفقیت آمیز آزمایش‌های قبولی عملکرد هر مرحله/واحد یا کل "پروژه"؛

۱. آزمایش‌های سازگاری با قوانین سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی ایران؛

آزمایش‌های عملکردی مربوط به ظرفیت و تولید "پروژه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری"؛ و

آزمایش‌های عملکردی و ارزیابی عمر مفید باقیمانده‌ی "پروژه" در "تاریخ انتقال".

## پیوست ۷

**"شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعی"**

الف) "شرکت" موظف است شروط زیر را در "تاریخ قطعی" و یا مقدم بر آن در حد متعارف و قابل قبول برای "سرمایه‌پذیر" محقق سازد:

تحویل "ضمانت‌نامه‌ی اجرا" به "سرمایه‌پذیر":

تحویل هر یک از موافقت‌نامه‌ها و اسناد و مدارک تأیید شده به شرح درج شده در جدول ۷-۱، به "سرمایه‌پذیر"؛  
تحویل نسخه‌ای از "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" امضا شده، معتبر و نافذ، به "سرمایه‌پذیر"؛  
تحویل گواهی امضا شده‌ی "شرکت" به "سرمایه‌پذیر" دایر بر دریافت و برقرار بودن اعتبار و نفوذ تمام مجوزها و "مجوزهای دولتی" که "شرکت" در ارتباط با این "موافقت‌نامه" موظف به تحصیل آن‌ها است؛ و وقوع "تاریخ قطعی تأمین مالی".

ب) "سرمایه‌پذیر" موظف است شروط زیر را در "تاریخ قطعی" و یا مقدم بر آن در حد متعارف و قابل قبول برای "شرکت" محقق سازد:

۱. تحویل تضمین تعهدات پرداخت، از وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران ("ضامن") بر طبق بند ۲۵-۱، "موافقت‌نامه"، هرگاه طبق قوانین و مقررات چنین تضمینی قابل صدور باشد؛
۲. تأمین و تحویل زمین "ساختگاه" بدون هیچ‌گونه هزینه، به "شرکت"؛ و
۳. تحویل گواهی امضا شده‌ی "سرمایه‌پذیر" به "شرکت" دایر بر تحصیل و برقرار بودن اعتبار و نفوذ تمام مجوزها و "مجوزهای دولتی" که "سرمایه‌پذیر" در ارتباط با این "موافقت‌نامه" و طبق جدول ۸-۱ پیوست ۸، موظف به تحصیل آن‌ها است.

ج) "سرمایه‌پذیر" و "شرکت"، به صورت مشترک و بر طبق مفاد بند ۴-۲، "موافقت‌نامه"، باید گواهی نمایند که تمام شرایط درج شده در پیوست ۷ (شروط مقدم بر تحقق تاریخ قطعی)، تأمین یا صرف نظر شده و "تاریخ قطعی" نیز تحقق یافته است.

**جدول ۷-۱. اسناد و مدارکی که باید پیش از "تاریخ قطعیت" از سوی "شرکت" تسلیم شود**

پیش از "تاریخ قطعیت"، "شرکت" موظف است اسناد و مدارک زیر را برای دریافت تأییدیه به "سرمایه‌پذیر" ارسال کند. صدور تأییدیه‌ی این اسناد و مدارک از سوی "سرمایه‌پذیر" نباید بدون دلیل به تأخیر بیفتد یا متوقف شود:

۱. سوابق "پیمانکار EPC" و برنامه‌ی زمان‌بندی "قرارداد EPC" که در آن مسیرهای بحرانی مشخص شده است؛
۲. سوابق "پیمانکار بهره‌برداری و نگهداری"؛
۳. نقشه‌ی جانمایی مقدماتی "ساختمان"؛
۴. مطالعات تأثیر زیست محیطی که به تأیید سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران رسیده است؛
۵. طراحی مفهومی و نقشه‌های پایه‌ی "پروژه"؛
۶. طرح و زمان بندی بازرسی و آزمایش‌ها؛
۷. دیگر اسنادی که از سوی "دو طرف" توافق شده است؛
۸. ....؛ و
۹. ....



## پیوست ۸

### مجوزها

جدول ۸-۱. مجوزهایی که باید پیش از "تاریخ قطعیت" از سوی "سرمایه‌پذیر" تسلیم شود

مقام صلاحیت‌دار دولتی	"مجوزهای دولتی"
.....	تأییدیه‌ی "سرمایه‌پذیر" مبنی بر صدور مجوز امضای "موافقت‌نامه" از سوی.....
"سرمایه‌پذیر"	ابلاغ "موافقت‌نامه" به "شرکت"
بانک مرکزی ایران	مجوز پرداخت به ارز خارجی
"سرمایه‌پذیر"	تأمین "مواد اولیه" و "ذخیره‌ی احتیاطی"
"سرمایه‌پذیر"	تأیید زمین مورد نیاز "پروژه"
"سرمایه‌پذیر"	تأیید تأمین منابع انرژی مورد نیاز "پروژه"
"سرمایه‌پذیر"	تأیید تأمین منابع مالی (در صورت نیاز)
"ضامن"	ضمانت‌نامه‌ی "پرداخت‌ها"ی "سرمایه‌پذیر" (در صورت نیاز)

جدول ۸-۲. مجوزهایی که باید از سوی "شرکت" تحصیل شود

زمان دریافت	دستگاه اجرایی	"مجوزهای دولتی"
پیش از "تاریخ قطعیت" (در صورت لزوم)	وزارت امور اقتصادی و دارایی	سرمایه‌گذاری تحت "FIPPA"
پیش از واردات تجهیزات	اداره‌ی گمرک	دریافت مجوزهای ورود موقت تجهیزات احداث (در صورت لزوم)
پیش از احداث "پروژه"	سازمان آب و فاضلاب منطقه‌ای و سازمان محیط زیست	انشعاب آب و فاضلاب
پیش از آغاز احداث	"سرمایه‌پذیر"، دواير دولتی مرکزی یا محلی و سازمان محیط زیست	مجوز احداث
پیش از حمل بار	وزارت راه و ترابری	مجوز حمل و نقل تجهیزات سنگین
پیش از آغاز احداث	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	انشعاب مخابرات
پیش از "تاریخ بهره‌برداری تجاری"	وزارت مربوط	مجوز بهره‌برداری

علاوه بر "مجوزهای دولتی" یاد شده در جدول‌های ۸-۱ و ۸-۲، تمامی "مجوزهای دولتی" طبق مفاد ماده ۳ (مجوزهای دولتی) "موافقت‌نامه"، باید از سوی "دو طرف" دریافت گردند که محدود به مجوزهای پیشگفته نیست. "تاریخ قطعیت" با توجه به ماهیت حقوقی "سرمایه‌پذیر" تنها زمانی تحقق خواهد یافت که امضای "موافقت‌نامه" از سوی "دستگاه اجرایی" مافوق "سرمایه‌پذیر" تأیید شود.

**پیوست ۹**  
**اسناد و مدارک تحویلی پس از "تاریخ قطعی"**

"شرکت" موظف است، اسناد و مدارک زیر را در مهلت مقرر و بر حسب مورد به منظور تأیید (A) یا اطلاع (I)، به "سرمایه‌پذیر" تحویل دهد. در مواردی که اسناد و مدارک برای تأیید به "سرمایه‌پذیر" تحویل داده می‌شود تأیید مزبور نباید با تأخیر مواجه گردد. در صورتی که هیچ‌گونه اظهار نظری بر روی این مدارک ظرف مدت بیست و یک (۲۱) "روز کاری" اعلام نگردد، این گونه مدارک تأیید شده تلقی خواهند شد.

**۹-۱. اسنادی که باید پس از "تاریخ قطعی" تحویل داده شود**

مهلت مقرر	(I) / (A)	اسناد
ماهانه	(I)	برنامه‌ی اجرایی بهره‌برداری و گزارش پیشرفت
در تاریخ مقرر	(I)	بیمه نامه‌ها
در تاریخ مقرر	(A)	نقشه‌ها و اسناد طراحی تفصیلی
۱۲ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(A)	مطالعات هماهنگی سیستم حفاظت الکتریکی
۱۲ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(A)	نقشه‌ها و شرح طراحی سیستم حفاظت در برابر آتش‌سوزی
۱۲ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(A)	سیستم‌های ارتباطات و دورسنجی
۶ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(I)	دفترچه‌ی دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری و تمامی اسناد و مدارک "پروژه"
۶ "ماه" پیش از انقضای "دوره‌ی مجاز"	(I)	دفترچه‌های دستورالعمل‌های بهره‌برداری و نگهداری و تمامی اسناد و مدارک "پروژه" که در حین "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" تغییر یافته و به روز شده اند
۱ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(I)	خلاصه‌ی شرح ساختار شکست قیمت‌ها
۱ "ماه" پس از "تاریخ قطعی"	(I)	شرح تفصیلی ساختار شکست قیمت‌ها
در تاریخ مقرر	(I)	هرگونه اسناد و مدارک دیگر که برای اجرای "موافقت‌نامه" ضرورت داشته باشد، جز در مواردی که در "موافقت‌نامه" به صراحت به شکل دیگری مشخص گردد.

## پیوست ۱۰

### "پرداخت‌ها"

در این پیوست، نحوه‌ی محاسبه‌ی "بهای ظرفیت" و "بهای تولید" که کلیات آن در "موافقت‌نامه" معین شده است، مشخص می‌گردد. موضوعات زیر در این پیوست بین "دوطرف" مورد توافق قرار می‌گیرد:

زمان بندی "پرداخت‌ها"ی "بهای ظرفیت" و "بهای تولید".

نحوه‌ی محاسبه‌ی "بهای ظرفیت".

نحوه‌ی محاسبه‌ی "بهای تولید".

"تعدیل قیمت‌ها":

بخش تعدیل‌ناپذیر "بهای ظرفیت" و "بهای تولید".

بخش تعدیل‌پذیر "بهای ظرفیت" و "بهای تولید".

بخش ارزی و بخش ریالی "بهای ظرفیت" و "بهای تولید".

• شاخص‌های تعدیل بخش ارزی و بخش ریالی.

جدول ظرفیت تضمینی در شرایط "ساختگاه".

جدول مبالغ "بهای ظرفیت" ماهانه در طول سال‌های "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری" (جدول ۱۰-۱).

جدول قابلیت دسترسی سالانه در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری".

جدول ضریب فرسودگی سالانه در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری".

محاسبه‌ی اضافه پرداخت "بهای ظرفیت" به "شرکت" در صورت کمبود ظرفیت تضمینی.

"پرداخت‌ها" در ایام "توقف تولید".

اثرات کمبود "انرژی" قابل تحویل در "پرداخت‌ها".

جرایم مربوط به "قصور شرکت" در "پرداخت‌ها".

۱. پرداخت هزینه‌های خاص.

هزینه‌ی خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" در صورت وقوع "قصور شرکت".



## پیوست ۱۱ "خسارت مقطوع"

در این پیوست مقدار، نحوه‌ی محاسبه، نحوه‌ی پرداخت و حداکثر مقدار انواع "خسارت مقطوع" که "شرکت" به علت "قصور" باید به "سرمایه‌پذیر" بپردازد، در موارد زیر با توجه به نوع "پروژه" و حجم سرمایه‌گذاری مشخص می‌شود:

"خسارت مقطوع" تأخیر "شرکت" در تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری برنامه‌ریزی شده" و موارد منجر به خاتمه دادن به "موافقت‌نامه".

"خسارت مقطوع" عدم توانایی "شرکت" در ایجاد ظرفیت به میزان ظرفیت تضمینی در زمان تحقق "تاریخ بهره‌برداری تجاری" برای هر مرحله / واحد یا کل "پروژه".

"خسارت مقطوع" عدم توانایی "شرکت" در تأمین شرایط فنی پیش‌بینی شده‌ی "پروژه" در "دوره‌ی بهره‌برداری تجاری".

"خسارت مقطوع" بابت کمبود قابلیت دسترسی سالانه تضمینی "پروژه".

"خسارت مقطوع" عدم توانایی "شرکت" در تأمین شرایط فنی پیش‌بینی شده‌ی "پروژه" در "تاریخ انتقال".

## پیوست ۱۲

**"بهای انتقال" "پروژه"**

در پی خاتمه‌ی زودتر **"موافقت‌نامه"** از سوی یکی از **"دو طرف"** بر اساس مفاد ماده ۲۷ (خاتمه دادن به موافقت‌نامه) **"موافقت‌نامه"**، اجزای مبلغ **"بهای انتقال"** طبق جدول ۱-۱۲، و بر اساس عواملی چون **"طرف"** خاتمه دهنده **"موافقت‌نامه"**، **"طرف"** مقصر، علت خاتمه‌ی **"موافقت‌نامه"** و زمان خاتمه‌ی **"موافقت‌نامه"** محاسبه و قابل پرداخت خواهد بود.

مبلغ **"بهای انتقال"** که بدین ترتیب محاسبه می‌شود، از سوی **"سرمایه‌پذیر"** به صورت اقساط مساوی متوالی ماهانه طبق بندهای ۷-۲۶ و ۹-۲۶ **"موافقت‌نامه"**، و در یک دوره‌ی چهل و هشت (۴۸) **"ماهه"** از زمان خاتمه‌ی **"موافقت‌نامه"** و یا به هر روش دیگری که از سوی **"دو طرف"** توافق گردد، به **"شرکت"** پرداخت می‌گردد. مبلغ **"بهای انتقال"** به طور مستقیم و یا به وسیله‌ی یک **"اعتبار اسنادی"** دیداری غیر قابل برگشت به شکل قابل قبول **"شرکت"**، که از سوی یک بانک ایرانی صادر شود، پرداخت می‌گردد. بهره‌ی بخش باقیمانده‌ی اقساط با همان نرخ پیش‌بینی شده در بند ۷-۲۶ **"موافقت‌نامه"** به همراه اصل اقساط پرداخت می‌گردد. به محض گشایش **"اعتبار اسنادی"** و یا رسیدن به توافقی برای پرداخت مستقیم (بر حسب مورد)، **"اعتبار اسنادی"** گشایش یافته طبق ماده ۲۸ (انتقال پروژه) **"موافقت‌نامه"**، باطل می‌گردد و بدون اعتبار خواهد شد.

هرگاه پرداخت مبلغ **"بهای انتقال"** طبق قوانین و مقررات مربوط نیاز به صدور هر نوع تأییدیه، مجوز، و یا دستوری داشته باشد، **"سرمایه‌پذیر"** موظف است تمام اقدامات لازم را برای دریافت مجوزهای یاد شده به عمل آورد.

در صورت **"انتقال پروژه"** به **"سرمایه‌پذیر"** بعد از انقضای این **"موافقت‌نامه"** در پایان **"دوره‌ی مجاز"**، تمامی حقوق **"شرکت"** در مورد **"پروژه"** بدون محدودیت و موانع و بدون هیچ گونه هزینه‌ای به **"سرمایه‌پذیر"** منتقل می‌شود.

جدول ۱-۱۲. مبلغ "بهای انتقال" "پروژه"

ردیف	علت خاتمه دادن به "موافقت نامه"	"طرف" خاتمه دهنده "موافقت نامه"	اجزای "بهای انتقال"، برای خاتمه دادن به "موافقت نامه" بین "تاریخ بهره برداری تجاری" و پایان "دوره مجاز"	اجزای "بهای انتقال"، برای خاتمه دادن به "موافقت نامه" بین "تاریخ قطعیت" و "تاریخ بهره برداری تجاری"
۱	"قصور سرمایه پذیر"	"شرکت"		
۲	"قصور شرکت"	"سرمایه پذیر"		
۳	"حادثه قهریه"	.....		
۴	"حادثه قهریه"	.....		
۵	"حادثه قهریه"	.....		
۶	"حادثه قهریه"	.....		
۷	"حادثه قهریه"	.....		
۸	"حادثه قهریه"	.....		
۹	"حادثه قهریه"	.....		

در محاسبه اجزای "بهای انتقال"، به طور معمول مبالغ مربوط به هر یک از موارد زیر در زمان خاتمه "موافقت نامه" بین "دو طرف" توافق و ترکیب این اجزا در جدول ۱-۱۲، برای هر یک از موارد خاتمه "موافقت نامه" تعیین می گردد:

الف) مانده‌ی وام اصلی دریافت شده از سوی "شرکت" از "تأمین کنندگان مالی" به علاوه سود متعلقه از زمان آخرین سود پرداخت شده که در "مدل مالی" مشخص و در "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی" منعکس و پیوست گردیده است.

ب) ارزش روز کل آورده‌ی "شرکت" منهای ارزش روز مبلغ بازیافت شده‌ی "شرکت" با نرخ تنزیل توافق شده؛ هزینه‌ی جبران فرصت از دست رفته؛

د) کل پرداخت‌های معوقه (دیون) "سرمایه‌پذیر" طبق مفاد "موافقت‌نامه"؛

ه) کل پرداخت‌های معوقه (دیون) "شرکت" طبق مفاد "موافقت‌نامه"؛

و) جرایم قابل پرداخت طبق "موافقت‌نامه‌های تأمین مالی"؛

ز) هزینه‌ی متعارف فسخ قراردادهای "شرکت" در ارتباط با تعهداتش در این "موافقت‌نامه" که ناشی از خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" است.

ح) هزینه‌ی متعارف فسخ قراردادهای "سرمایه‌پذیر" در ارتباط با تعهداتش در این "موافقت‌نامه" که ناشی از خاتمه دادن به "موافقت‌نامه" است؛

ط) هزینه‌ی بازسازی قسمت‌های خسارت دیده‌ی احتمالی "پروژه"؛

ی) ارزش روز دارایی‌های "پروژه" در انتهای "دوره‌ی مجاز" با نرخ تنزیل مورد توافق "دوطرف"؛

ک) هرگونه مالیات احتمالی "بهای انتقال" متعلق به "شرکت" در جمهوری اسلامی ایران؛

ل) ارزش کل موجودی‌های نقدی یا اوراق بهادار متعلق به "شرکت".



پیوست ۱۳

سهامداران اولیه‌ی "شرکت"

جدول ۱-۱۳. سهامداران اولیه‌ی "شرکت"

ردیف	نام صاحب سهم	درصد سهم
۱		
۲		
۳		
۴		
۵		
۶		
۷		
۸		
۹		
جمع کل		۱۰۰

## پیوست ۱۴

## فرم ضمانت‌نامه‌ها

**"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد"**

"ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" از سوی یکی از بانک‌های تأسیس شده و دایر در جمهوری اسلامی ایران صادر خواهد شد. متن فارسی این فرم اعتبار دارد و متن انگلیسی تنها برای اطلاع "دوطرف" است.

## بسمه تعالی

بازگشت به موافقت‌نامه‌ی شماره‌ی ----- مورخ ----- منعقد شده بین (الف) --  
 ----- و (ب) ----- و بر طبق  
 درخواست انجام شده از سوی (الف) ----- این بانک، به این وسیله این ضمانت‌نامه  
 عندالمطالبه را صادر می‌کند. در صورتی که (الف) ----- طبق تشخیص (ب) -----  
 ----- نتواند هر یک از تعهدات قراردادی خود را انجام دهد یا به آن‌ها عمل نکند، بانک تعهد می‌کند که تا مبلغ  
 ----- ریال/یورو، هر مبلغی را که (ب) ----- به هر عنوان و هر علتی که خود  
 تشخیص خواهد داد مطالبه کند، به محض دریافت اولین تقاضای کتبی بدون آن که نیازی به صدور اطلاعیه یا اقدامی از  
 سوی مقامات و دستگاه‌های اداری، قانونی یا هر مقام دیگر داشته باشد و یا نیازی به اثبات "قصور" یا تخلف (الف) --  
 ----- باشد، بی درنگ در وجه یا حواله کرد (ب) ----- بپردازد.  
 مدت اعتبار این تعهد تا آخر وقت اداری روز ----- است و بنا به درخواست (ب) -----  
 -- برای هر مدتی که درخواست شود، قابل تمدید خواهد بود. در صورتی که بانک نتواند یا نخواهد مدت تعهد را تمدید  
 کند یا اگر (الف) ----- موجبات تمدید را پیش از انقضای مدت درج شده‌ی بالا نزد بانک فراهم  
 نسازد، بانک در این صورت متعهد است، مبالغ درج شده‌ی بالا را در وجه یا حواله کرد (الف) -----  
 - و بدون نیاز به درخواست مجدد، پرداخت کند.

نام و مهر بانک

(الف) "شرکت"

(ب) "سرمایه‌پذیر"

## "ضمانت نامه ی اجرا"

"ضمانت نامه ی اجرا" از سوی یکی از بانک های تأسیس شده و دایر در جمهوری اسلامی ایران صادر خواهد شد. متن فارسی این فرم اعتبار دارد و متن انگلیسی تنها برای اطلاع "دو طرف" است.

### بسمه تعالی

بازگشت به موافقت نامه ی شماره ی ----- مورخ ----- منعقد شده بین (الف) -----  
 ----- و (ب) ----- و بر طبق درخواست انجام شده از سوی (الف) -----  
 ----- این بانک، بدین وسیله این ضمانت نامه عندالمطالبه را صادر می کند. در صورتی که (الف) -----  
 ----- طبق تشخیص (ب) ----- نتواند هر یک از تعهدات قراردادی خود را انجام دهد یا به آن ها  
 عمل نکند، بانک تعهد می کند که تا ----- ریال/یورو، هر مبلغی را که (ب) ----- به هر  
 عنوان و هر علتی که خود تشخیص خواهد داد مطالبه کند، به محض دریافت اولین تقاضای کتبی بدون آن که نیازی به  
 صدور اطلاعیه یا اقدامی از طریق مقامات و دستگاه های اداری، قانونی یا هر مقام دیگر داشته باشد و یا نیازی به اثبات  
 "قصور" یا تخلف (الف) ----- داشته باشد، بی درنگ در وجه یا حواله کرد (ب) -----  
 ----- بپردازد. مدت اعتبار این تعهد تا آخر وقت اداری روز ----- است و طبق  
 درخواست (ب) ----- برای هر مدتی که درخواست شود، قابل تمدید خواهد بود. در  
 صورتی که بانک نتواند یا نخواهد مدت تعهد را تمدید کند یا اگر (الف) ----- موجبات تمدید را پیش  
 از انقضای مدت تعیین شده ی بالا نزد بانک فراهم نسازد، بانک در این صورت متعهد است مبالغ تعیین شده ی بالا را در  
 وجه یا حواله کرد (ب) ----- و بدون نیاز به درخواست مجدد، پرداخت کند.

نام و مهر بانک

(الف) "شرکت"

(ب) "سرمایه پذیر"

## پیوست ۱۵

**"مدل مالی"**

مسئولیت تأمین مالی "هزینه‌ی کل" "پروژه" به عهده‌ی "شرکت" است. اطلاعات و ارقام اساسی "مدل مالی" "شرکت" برای "پروژه" به تفکیک هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های بهره‌برداری و هرگونه هزینه‌ی تأمین مالی دیگری، باید طبق جدول ۱-۱۵، برای کل "دوره‌ی مجاز" تهیه و همراه با شرحی درباره‌ی وضعیت مالی "پروژه" در مدت زمان تعیین شده پس از "تاریخ نفوذ"، بر طبق ماده ۴ (تاریخ نفوذ و تاریخ قطعیت)، به "سرمایه‌پذیر" تحویل گردد. برنامه‌ی تأمین مالی پیشنهادی باید دارای حداکثر کارایی مالی باشد به نحوی که تعرفه‌ی محاسبه شده‌ی "محصول پروژه" حاصل از آن کاهش یابد.

"شرکت" موظف است اسناد و مدارک لازم را در اختیار "سرمایه‌پذیر" قرار دهد و اثبات کند که تأمین مالی لازم برای تکمیل "پروژه" فراهم آمده است و "شرکت" می‌تواند از آن استفاده کند. در صورت "قصور شرکت" در قطعیت تأمین مالی در مهلت مقرر به شرح پیشگفته، "سرمایه‌پذیر" می‌تواند "ضمانت‌نامه‌ی پیشبرد" را ضبط کند.

جدول ۱۵-۱. برنامه‌ی مالی "پروژه"

ردیف	شرح	واحد	مقدار	ملاحظات
<b>الف) اطلاعات و ارقام فنی</b>				
۱				
۲				
۳				
۴				
۵				
۶				
<b>ب) اطلاعات و ارقام مالی</b>				
۷	"دوره‌ی مجاز"	"سال"		
۸	نرخ تبدیل ارز مینا وام (۱)	ریال/ارز		
	مبلغ	نوع ارز		
	نرخ بهره‌ی سالانه وام	%		
	"دوره‌ی تنفس"	"ماه"		
۹	بیمه‌ی سرمایه‌گذاری (اعتبار صادراتی)	%		درصدی از وام
	کارمزد بانک بابت فراهم کردن وام	%		درصدی از وام
	کارمزد کارگزاری	%		درصدی از وام
	کارمزد تعهد	%		درصدی از وام و قابل اعمال به باقیمانده وام
	جمع کل کارمزد وام	%		درصدی از وام
	دوره‌ی باز پرداخت وام (۲)	"ماه"		
	مبلغ	نوع ارز		
	نرخ بهره‌ی سالانه‌ی وام	%		
	"دوره‌ی تنفس"	"ماه"		
۱۰	بیمه‌ی سرمایه‌گذاری (اعتبار صادراتی)	%		درصدی از وام
	کارمزد بانک بابت فراهم کردن وام	%		درصدی از وام
	کارمزد کارگزاری	%		درصدی از وام
	کارمزد تعهد	%		درصدی از وام و قابل اعمال به باقیمانده وام
	جمع کل کارمزد وام	%		درصدی از وام
	دوره‌ی باز پرداخت وام (۳)	"ماه"		
	مبلغ	نوع ارز		
	نرخ بهره‌ی سالانه‌ی وام	%		
	"دوره‌ی تنفس"	"ماه"		
۱۱	بیمه‌ی سرمایه‌گذاری (اعتبار صادراتی)	%		درصدی وام
	کارمزد بانک بابت فراهم کردن وام	%		درصدی از وام
	کارمزد کارگزار	%		درصدی از وام
	کارمزد تعهد	%		درصدی از وام و قابل اعمال به باقیمانده وام
	جمع کل کارمزد وام	%		درصدی از وام
	دوره‌ی باز پرداخت	"ماه"		
۱۲	سال مینا برای تعدیل			

					"سال"	۱۳	آغاز کارهای اجرایی مبلغ "قرارداد EPC"
					ریالی	۱۴	
					ارزی		
سال ۳	سال ۲	سال ۱				۱۵	گردش نقدینگی
					%	ریالی	
					%	ارزی	
						۱۶	هزینه‌ی ثابت بهره‌برداری و نگهداری
					ریالی		
					ارزی		
						۱۷	هزینه‌ی متغیر بهره‌برداری و نگهداری
					ریالی		
					ارزی		
						۱۸	سرمایه در گردش اولیه
					ریالی		
					ارزی		
						۱۹	تجهیز برای بهره‌برداری و نگهداری
					ریالی		
					ارزی		
						۲۰	هزینه‌ی شرکت پروژه در سال
					ریالی		
					ارزی		
						۲۱	بیمه
					%	ارزی	
					%	ریالی	
						۲۲	هزینه مشاوران حقوقی و غیره
					ریالی		
					ارزی		
						۲۳	هزینه مشاوران / مهندسان / مالکان / وام دهندگان
					ریالی		
					ارزی		
						۲۴	هزینه‌های پیش‌بینی نشده
					%	ریالی	
					%	ارزی	
					%	۲۵	نرخ مالیات بر درآمد









Islamic Republic of Iran  
Vice Presidency for Strategic Planning and Supervision

# **Build – Operate – Transfer (BOT)**

Office of Deputy for Strategic Supervision

Bureau of Technical Execution System

<http://tec.mporg.ir>

**2009**

